

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، کلید هر نوشته‌ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۴

خاطرات انقلاب

بیدی نیستیم که از بادها بلرزیم | ۳۲

به ملت بگوئید ما حکومت نظامی را
قبول نداریم | ۳۴

فقط امام آرامش داشتند | ۳۵

جلیقه ضدگلوله | ۳۶

مردم ایشان را با خود بردند | ۳۷

آرامش در میان طوفان | ۳۸

حاضر نشد از برادر بزرگ، جلو بیفتند
| ۴۱

مجلس از خنده غوغا شد | ۴۲

یک جنگ دیگر با این‌ها داریم | ۴۴

نمادهای انقلاب

داغ دستان خونین | ۴۶

میدان انقلاب | ۴۷

تکرار عاشورا | ۴۸

شاه برعکس | ۴۹

درد مشترک در ساختمان ۱۱۰ | ۵۰

مدرسه رفاه | ۵۱

۶



۲۸



۳۴



راهبرد انقلاب

روح الهی انقلاب مردمی | ۶

از قاجار بدتر | ۸

فلسفه جدید | ۹

سنت الهی برای حفظ دین
| ۱۰

دیدار با خورشید | ۱۴

سخن حق | ۱۶

دشمن برای القای یأس و
ناامیدی تلاش می‌کند | ۱۸

اندیشه انقلاب

عزت ایران در زمان پهلوی
افسانه‌ای غیرقابل اثبات است
| ۲۲

انقلاب اسلامی، حلقه وصل
گذشته | ۲۴

حال و آینده ایران است | ۲۴

انقلاب برای خدا | ۲۷

دین در ایران دست‌مایه انقلاب
شد | ۲۸

ندای وحدت | ۳۰

همکاران:

مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی
محمد رضا بختیاری، فرناز خشنده، حمید پورصمیمی
محمد جهان‌شاهی، نازنین رشید بیگی، محمود اورعی
مهتاب هاشم‌زاده، فریده خان محمدی، علی پورمحسنی
حمید جوادی، بهرام جلال‌وند، بهاره فرج‌پور

زیر نظر شورای سیاست‌گذاری

سر دبیر:
یاسر احمدوند
معاون سر دبیر:
محمد مهدی بیگلری



جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی فقیه



ماهنامه فرهنگی، اجتماعی با رویکرد دینی

شماره ۴۰. بهمن ۱۳۹۷. سال چهارم
جمادی الاولی - جمادی الثانی ۱۴۴۰. ژانویه - فوریه ۲۰۱۹

ویژه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی |

فرهنگ انقلاب

بهترین ترانه ای که گوش آسمان
شنفت | ۵۴

ز خویشتن به درآیید اگر نمرdstید | ۵۸

آهنگ انقلاب | ۶۲

«خمینی ای امام» کاردل بود | ۶۵

قاب انقلاب | ۷۲

داستان انقلاب

عاشقی زخم خورده و فراری | ۷۸

قهرمان های خاموش کویر | ۷۹

عروس سیاه چادر | ۸۰

روایت یک دگردیسی | ۸۱

خیانت منافقین | ۸۲

انقلاب سفید و عاقبت سیاه | ۸۳

غار دسترنج توده | ۸۴

هلال انقلاب

انقلاب اسلامی ما را به خویشتن خویش
بازگرداند | ۸۶

مقدرات ما دست اجانب نیست | ۸۸

۴۹



۶۲



۷۲



۸۶



ارائه الگوی حکومتی مردم سالاری
دینی | ۸۹

انقلاب ما از قیام امام حسین (ع) الگو
گرفته است | ۹۰

انقلاب، ما را مستقل کرد | ۹۱

روحانیون، جوانان را از خانواده خود
می دانند | ۹۲

انقلاب، رویکردی نوین نسبت به دین
و معنویت شکل داد | ۹۴

اهتمام ویژه به مطالبات رهبری
اثربخش ترین اقدام ماست | ۹۷

توجه ویژه به احیای امر به معروف
و نهی از منکر | ۹۸

ترویج ترجیح ارزش های انسانی بر
ارزش های مادی | ۱۰۰

نماینده ولی فقیه حلقه اتصال
مدیریت اسلامی، جهادی است | ۱۰۲

افزایش نورانیت فعالیت های
بشردوستانه | ۱۰۵

ایمان رمز توفیق ایران است | ۱۰۶

تنها کشوری هستیم که هلال احمرش
رویگرد فرهنگی و دینی دارد | ۱۰۸

شکل گیری هویت ملی دستاورد انقلاب
اسلامی ایران است | ۱۱۰

انتقال ارزش های دینی از
دستاورد های انقلاب است | ۱۱۲

مهروماه از نوشته ها، پیشنهادها و انتقادهای شما استقبال می کند.
لطفاً مطالب خود را به نشانی

mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمائید.

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴

تلفن: ۸۸۸۳۹۲۹۵

● مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی

● مسئول توزیع: علی اصغر خلیج رحیمی

● باسپاس از همراهی:

حامد جبلی، فاطمه صادقی، فرزین صالحی

و مسئولان محترم دفاتر نمایندگی ولی فقیه

در جمعیت هلال احمر استان ها

● مدیر هنری و دبیر عکس:

مجید نیک خصلت

● صفحه آرایی:

محمد پویا

● ویراستار:

زهرا عزیزی

جامعه‌ای که پیشرفت می‌کند اراده‌های استوار دل‌های آرام

اگر صبر کنید و باتقوا باشید، گید آن‌ها آسیبی به شما نخواهند رساند.^۱ چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی را جشن می‌گیریم، در حالی که یک سؤال از روزهای نخست نهضت در ذهن مبارزان پرنرنگ بوده است؛ با حيله‌گری و مکر دشمنان چه باید کرد؟ اگر ملتی تصمیم گرفت کارهایش را خودش به دست بگیرد، برای کشورش برنامه‌ریزی کند و برنامه‌اش را اجرا کند، مسئولانش را خود انتخاب کند و چاره‌اندیش مشکلاتش باشد و این تصمیم را دیگرانی که قبلاً در این کارها دخالت می‌کردند خوش نداشتند چه باید بکند؟ اگر هر روز برای این کشور نقشه‌ای کشیدند و چاله و چاه بر سر راه کردند و بیراهه ساختند تدبیر چیست؟ نبرنگ‌ها رنگ به رنگ اند، طبعاً راه‌های مقابله هم گوناگون. در تقابل نظامی، آمادگی دفاعی و تجهیزات لازم است، در جدال رسانه‌ای، قوت رسانه‌ای باید داشت، در میدان اقتصادی باید کار و تولید را تقویت کرد، در نبرد امنیتی باید اشراف اطلاعاتی و نیروی کارآمد و انسجام تشکیلاتی را تدارک کرد. اما همه این رویاریها، اگر جان‌مایه صبر و تقوا نداشته باشد، به هیچ کار نمی‌آید، پایدار و استوار نیست. همه امکانات و دانش‌های مختلف اگر در اختیار باشد، ولی درون انسان‌ها خالی باشد، از صبر و قوت باطن خالی باشد، به هیچ نمی‌آید. این چهل سال که گذشت ما تدارک کردیم برای غلبه بر مکرها، برای ناکام گذاشتن بدخواهی‌ها در علم و صنعت پیشرفت کردیم، نیروی انسانی نخبه پرورش دادیم، شاخص‌های توسعه را دنبال کردیم، در خدمت‌رسانی به مردم و ریشه‌کنی فقر مطلق پیش رفتیم. جنگ هشت‌ساله را پشت سر گذاشتیم و کشورمان را ساختیم، امام همه این‌ها وقتی حاصل شد که صبر و تقوا در جان ما ریشه کرد. هنر بزرگ انقلاب، تبدیل انسان‌های عادی به صابران و متقیان بود. هر چه در ایران ساخته شد و هر چه برقرار گردید به پشتیبانی این‌ها بود. صبر و تقوا در تعریف اخلاق فردی معلوم‌اند. فضایی که قدرتی باطنی و اراده‌ای قوی می‌سازند، در تحمل سختی‌ها، در مسیر رشد و آلوده نشدن به زشتی‌ها. این معنای صبر و تقواست، اما صبر و تقوای اجتماعی چیست؟ چه جامعه‌ای دارای چنین ویژگی است؟ جامعه‌ای که ظرفیت روحی بالا داشته باشد. زود آشفته و متلاطم نشود. هر حادثه‌ای، هر خبری ترس به جانش نیندازد. محکم باشد. اگر جامعه‌ای متزلزل باشد صبور نیست.

تقوای گروهی چیست؟ تقوای جمعی یعنی اتقان در کارها، یعنی انسجام در امور. یعنی توجه کامل به کار درست و کشف و عمل به دستاوردهای مهم بشر در تدبیر امور جامعه و بهره‌مندی از دانش انسان‌ها در انجام صحیح کارها. تقوای گروهی یعنی جامعه را بیمه کنیم از آسیب‌های بی‌عدالتی، از آسیب‌های تبعیض، از آسیب‌های بی‌هویتی. اگر چنین شد، درهای برکت زمین و آسمان باز خواهد شد.

«و لوان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض»^۲

اگر اهل شهرها و روستاها ایمان می‌آوردند و پروا پیشه می‌کردند، مسلماً (درهای) برکت‌هایی از آسمان و زمین را بر روی آن‌ها می‌گشودیم.

این وعده الهی است. برکت را به کسانی می‌دهیم که ایمان و تقوا داشته باشند. یعنی کار خود را با دقت و بدون تقلب انجام بدهند.

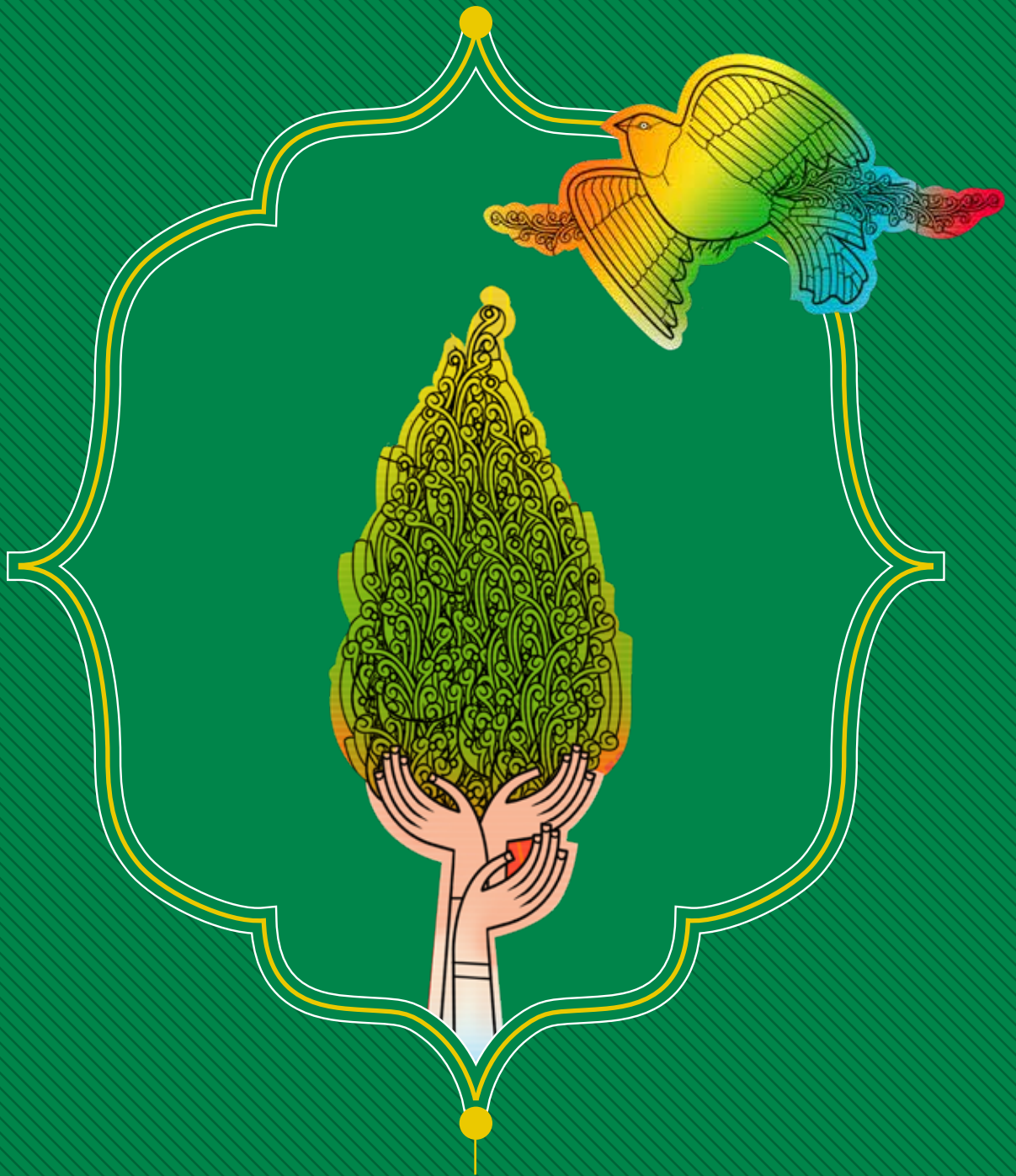
هر قدر جامعه ما به ایمان، تقوا و صبر آراسته باشد، مصونیت در خطرات و استواری در سختی‌ها برایش بیشتر خواهد بود. اگر آسیبی می‌بینیم، اشکال در این جاست.

سردبیر
یاسر احمدوند

۱. آیه ۱۲۰ سوره مبارکه آل عمران

۲. آیه ۹۶، سوره مبارکه اعراف

راهبرد انقلاب



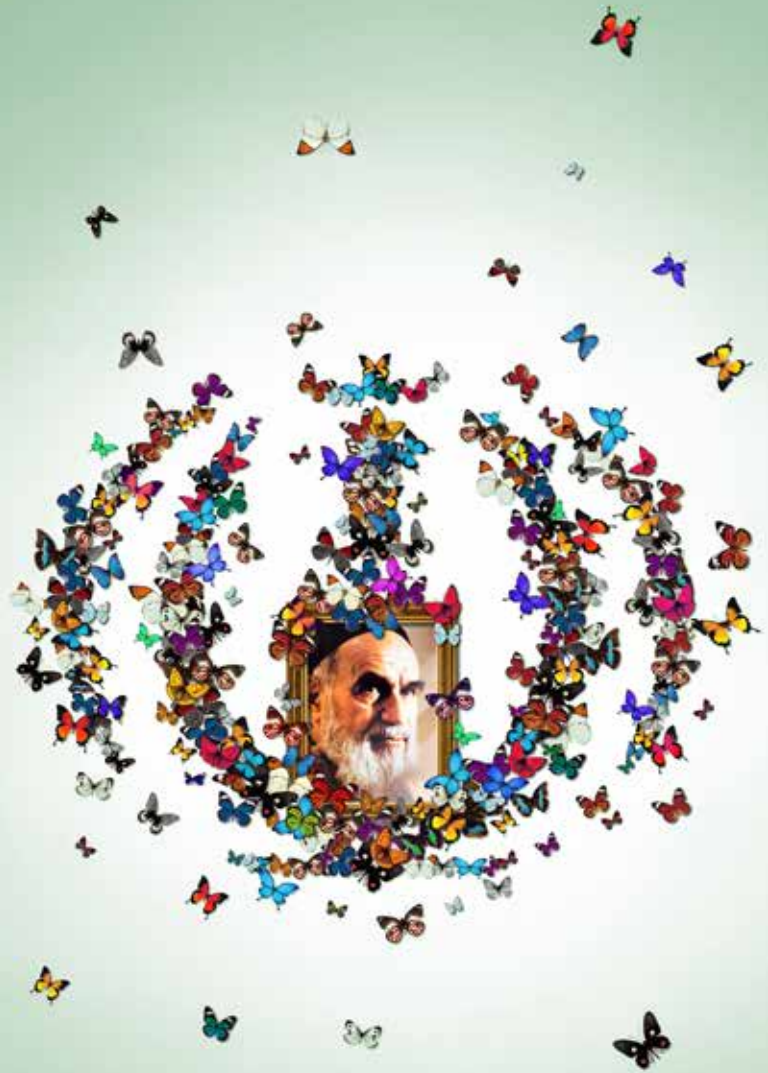
- روح الهی، انقلاب مردمی ●
- سنّت الهی برای حفظ دین ●
- دشمن برای القای یأس و ناامیدی تلاش می‌کند ●

از دیدگاه گروهی از تحلیل‌گران همانند «سورکین» غرائز سرکوب شده افراد موجب شده تا مردم انقلاب کنند و افزایش انتظارات مردم، دلیل اصلی انقلاب‌ها از سوی «آکسی دو توکویل» بیان شده است و «کارل مارکس» تضادهای موجود در جامعه و مالک و کارگر را مبنای تمامی انقلاب‌ها دانسته است و این نظریات تا حدودی بر بسیاری از انقلاب‌ها صدق می‌کند و در تعدادی از کشورها، به‌ویژه اروپا قابل انطباق است، اما نکته قابل توجه آن است که این گروه از تحلیل‌گران در ارائه تئوری‌های انقلاب‌ها یک وجه مشترک دارند و آن عدم اعتقاد به تأثیرگذاری دین به‌عنوان یک متغیر مستقل در تحولات سیاسی است.

بر اساس دیدگاه‌های غالب در تئوری‌های مطرح شده، دو نگاه به دین وجود داشت؛ نگاه اول لیبرالیسم بوده که منادی جدایی دین از سیاست است، نگاه دوم در چارچوب عقاید مارکسیست‌ها ارائه شده و دین به‌عنوان عامل ایستایی جامعه معرفی می‌شد و از شرایط وقوع انقلاب‌ها در کشورها زدودن دین از جوامع بوده است. این نظریات تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل به‌عنوان اصول ثابت شده معرفی می‌شد. با ظهور انقلاب اسلامی عملاً تمامی این دیدگاه‌ها به چالش کشید شد. انقلاب اسلامی ایران آخرین و بزرگ‌ترین انقلاب مردمی قرن بیستم با شاخصه‌های اسلامی و آموزه‌های شیعی، موفق شد با بسیج توده‌های مردمی یک جنبش عظیم به وجود آورد. در مقابل، تحلیل‌گران غربی با تلاش برای انطباق انقلاب اسلامی با تئوری‌های رایج خود سعی کردند تا این حقیقت بزرگ را تجزیه و تحلیل کنند، اما عدم همخوانی انقلاب اسلامی و خصائص اصلی آن با سایر انقلاب‌های جهان موجب شد تا نظریه‌های جدیدی از سوی آنان مطرح شود و این سؤال که «انقلاب اسلامی در ایران چگونه شکل گرفته؟» از مهم‌ترین موضوعاتی است که اذهان تئوری‌پردازان عرصه علم سیاست را به خود مشغول ساخته است. لذا نظریه‌هایی همچون فرضیه توطئه و فرضیه مدرنیزاسیون را اعلام کردند. طرفداران نظریه مدرنیزاسیون اعتقاد دارند مدرنیزه کردن جامعه ایران موجب شد تا نهادهای کهنه اجتماعی و مذهبی با نهادهای مدرن در تعارض قرار گیرند و سنت‌گرایان متعصب که با روند مدرنیزه شدن مخالفت می‌کردند، موجب بروز انقلاب شده است.

□ **تقابل علمی و عملی با تئوری‌های مصطلح**

پیدایش انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت منحصره‌فرد خود در تقابل علمی و عملی با تئوری‌های مصطلح جهان قرار گرفته و اصالت این نظریه‌ها را به چالش کشیده است. به نظر می‌رسد برای تبیین دلایل شروع و استمرار انقلاب اسلامی، ابتدا باید از منظر دیگری تئوری این واقعه بزرگ مورد تحلیل قرار گیرد و تکیه صرف بر یک‌سری



مبدأ انقلاب اسلامی در کلام امام خمینی (ره)

روح الهی انقلاب مردمی

■ منصور حاجی

انقلاب‌شناسی و موضوعات مرتبط با آن، همواره مورد تجزیه و تحلیل اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی بوده و تحلیل‌گران با ارائه مفاهیم متعدد و تبیین متغیرهای گوناگون در صدد تئوری‌پردازی برای انقلاب‌های جهان با هدف تجزیه و تحلیل انقلاب‌ها به لحاظ ماهیت و اهداف آنان بوده‌اند. ■





همین است. بنابراین امام خمینی با تأکید بر معنویت و گرایش به خداوند و ایمان، آن را عنصر اصلی و شکل‌دهنده انقلاب اسلامی ایران معرفی می‌کنند.

۴ یک انقلاب عادی نیست

حضرت امام (ره) در مخالفت با نظریه‌های رایج در خصوص انقلاب‌های جهان، با رد علت‌العلل بودن مسائل اجتماعی و سیاسی در انقلاب اسلامی به صراحت می‌فرماید: بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام که این نیز در جایگاه تحلیلی خود بسیار حائز اهمیت است.

یکی از موارد مهم در تحلیل انقلاب‌ها عامل وابستگی آنان به قدرت‌های بزرگ و تأثیرپذیری از ایدئولوژی‌های دیگر مکاتب و حرکت در راستای منافع دیگر دولت‌هاست. حضرت امام خمینی در ابتدا از وابستگی تعریف جدیدی را ارائه داده و در ارتباط با انقلاب اسلامی آن را از دیدگاه الهی تعریف می‌کنند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: انقلاب، اسلامی است. نظیر انقلاباتی که در طول تاریخ به دست انبیا انجام می‌گرفت که وابستگی در کار نبود، الا یک وابستگی و آن وابستگی به مبدأ وحی و وابستگی به خدای تبارک و تعالی است. ایشان مهم‌ترین دلیل عدم استقلال انقلاب‌ها را متکی بودن آن‌ها به یک وضعیت خاص می‌دانند و بر این مسئله اذعان داشته‌اند که تمامی انقلاب‌های به وقوع پیوسته، به یکی از قدرت‌های بزرگ وابسته بوده‌اند، اما ایشان این وضعیت را در خصوص انقلاب اسلامی نفی کرده و می‌فرمایند: این انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ یک از اوز قطب شرق و غرب نیست و از این جهت ویژگی‌های خاص خود را داشته و دارد.

۴ امداد الهی

بر اساس تئوری‌های موجود در ارتباط با انقلاب‌ها می‌توان گفت که عمده این نظرات منطبق با جوامع غربی است و به سختی می‌توان آن‌ها را با پدیده بزرگی همچون انقلاب اسلامی ایران مورد تطابق و یا ارزیابی قرار داد. آنچه مسلم است هیچ یک از عوامل یاد شده در تئوری‌های انقلاب‌های جهان به صورت کامل در خصوص جامعه ایران مصداق نداشته و به همین دلیل بود که دستگاه‌های جاسوسی به دلیل عدم احتمال وقوع انقلاب در ایران، از این کشور به عنوان جزیره ثبات و آرامش یاد می‌کردند و بر همین اساس می‌توان نظریه حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر این که اراده الهی مبنای این پدیده بزرگ بوده را حقیقتی غیرقابل انکار دانست که با توجه به شرایط زمان وقوع انقلاب و آثار آن بر معادلات جهانی، شروع و ادامه آن جز امداد و برنامه الهی چیز دیگری نمی‌تواند باشد. □

حضرت امام خمینی (ره) از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در صدد بودند با ارائه تعاریف ناب از ماهیت انقلاب اسلامی، اذهان مردم را به این واقعیت متوجه سازند که انقلاب اسلامی علی‌رغم مشابهت ظاهری با دیگر انقلاب‌ها از خصائص دیگری برخوردار است. ایشان در خصوص پیدایش انقلاب اسلامی ایران می‌فرمایند: تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است. ایشان همچنین می‌فرمایند: این انقلاب اسلامی تحفه‌ای است که خدای تبارک و تعالی از عالم بالا برای ملت ما هدیه فرستاد. همچنین ایشان با تأکید بر الهی بودن انقلاب اسلامی می‌فرمایند: مدعی این هستیم که یک نسیم روحانی از جانب خدای تبارک و تعالی به این کشور وزیده است، یک بارقه الهی به این کشور تابیده است. حضرت امام خمینی (ره) در چارچوب مبانی معرفتی خود بر خلاف تمامی نظریه‌های داده شده، شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را از دیگر انقلاب‌ها متمایز می‌کند و از عواملی همچون سیاست‌گذاری رژیم سابق و ظلم و ستم تنها به عنوان عوامل فرعی در زمینه‌سازی انقلاب اسلامی یاد کرده و عامل اصلی را در این پدیده بزرگ، اراده حق تعالی می‌دانند.

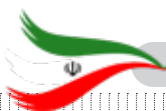
علت‌ها و معلول‌های مادی به عنوان علت‌العلل انقلاب اسلامی ایران، نمی‌تواند مبین خوبی برای معرفی آن باشد. در این جا با تأکید بر وجود راه‌های متعدد در شناخت انقلاب اسلامی، یکی از بی‌بدیل‌ترین راه‌های شناخت انقلاب، دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) است. نظرات حضرت امام خمینی به سه دلیل اساسی از برجستگی و اتقان نظر در این خصوص برخوردار است:

اول، ارتباط غیر قابل انفکاک انقلاب اسلامی با شخصیت امام خمینی (ره) است؛ بگونه‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین این واقعیت می‌فرمایند: بی‌نام خمینی این انقلاب در هیچ کجای جهان شناخته شده نیست. دوم، نقش حضرت امام (ره) در تمامی مراحل انقلاب اسلامی به عنوان رهبر بلامنزاع این انقلاب است، و سوم، نگاه عمیق معرفتی و عرفانی ایشان به جهان هستی و پدیده انقلاب اسلامی ایران در دنیاست.

حضرت امام خمینی (ره) از همان ابتدای پیروزی انقلاب، در صدد بودند با ارائه تعاریف ناب از ماهیت انقلاب اسلامی اذهان مردم را به این واقعیت متوجه کنند که انقلاب اسلامی علی‌رغم مشابهت ظاهری با دیگر انقلاب‌ها، از خصائص دیگری برخوردار است. ایشان در خصوص پیدایش انقلاب اسلامی ایران می‌فرمایند: تردیدی نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است.

ایشان همچنین می‌فرمایند: این انقلاب اسلامی تحفه‌ای است که خدای تبارک و تعالی از عالم بالا برای ملت ما هدیه فرستاد. همچنین ایشان با تأکید بر الهی بودن انقلاب اسلامی می‌فرمایند: مدعی این هستیم که یک نسیم روحانی از جانب خدای تبارک و تعالی به این کشور وزیده است، یک بارقه الهی به این کشور تابیده است. حضرت امام خمینی (ره) در چارچوب مبانی معرفتی خود بر خلاف تمامی نظریه‌های داده شده، شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را از دیگر انقلاب‌ها متمایز می‌کند و از عواملی همچون سیاست‌گذاری رژیم سابق و ظلم و ستم تنها به عنوان عوامل فرعی در زمینه‌سازی انقلاب اسلامی یاد کرده و عامل اصلی را در این پدیده بزرگ، اراده حق تعالی می‌دانند.

امام خمینی (ره) در یک تحلیل جداگانه پیدایش انقلاب اسلامی را از دیگر انقلاب‌ها جدا می‌کنند و بر همین اساس می‌فرمایند: انقلاب‌هایی که در دنیا واقع می‌شوند دو جور است؛ یک انقلاب اسلامی است، یک انقلاب غیراسلامی است. و همچنین می‌فرمایند: فرق است ما بین انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های دنیا، انقلاب‌های دنیا بدون استثنا برای ایمان نیست، برای خدا نیست. انقلاب ایران برای خداست و از اول هم برای خدا بوده است... اکبر بوده است و تا آخر هم



روایتی متفاوت از دوران سلطنت پهلوی‌ها مبتنی بر بیانات رهبر معظم انقلاب

از قاجار بدتر

ارتش متفقین که خاک ایران را اشغال کردند و رضاخان و ارتش پرمده‌عیش، «خانمان» و مملکت را به قیمت حفظ تاج و تخت در «خانمان»، تقدیم بیگانه کردند. محمدرضا پهلوی نه با همه‌پرسی، رأی یا تصمیم ایرانیان، که با اراده خود خواه روزولت و چرچیل، «شاه شاهان» و کوروش قرن بیستم شد. آن هم با چنان وضعیتی که «بعد از آن که در سال ۱۳۲۰ رضا خان را بردند، پسر او محمدرضا تا چند روز نمی‌دانست که آیا پادشاه خواهد بود یا نه! کسی را به سفارت انگلیس فرستاد، آن‌ها گفتند که بله، عیبی ندارد، پادشاه باشد، به شرطی که فلان کار را نکند و فلان کار را نکند! خوشحال شد. (۱۳۷۷/۲/۲) ■

۱ وابستگی، بیماری مضاعف دیکتاتوری جدید

بعد از همه مصائبی که قاجار تا دوره ناصری بر ملت ایران وارد کرده بود، مصیبت تازه‌ای بر مصائب ایران اضافه شد: «پادشاهان قدیم اگر دیکتاتور بودند، وابسته و گوش به فرمان قدرت‌های بیگانه نبودند؛ اما از اواخر دوران قاجار و همه دوران پهلوی، پادشاهان، هم دیکتاتور بودند و هم وابسته! این شد بیماری مضاعف نظام سیاسی حاکم بر ایران در دوران گذشته. این دیکتاتوری و وابستگی آثار و تبعات زیادی در کشور ما و روی ملت ما داشته است. (۱۳۸۲/۱۱/۲۴) دانستن تفاوت حکومت مردم و «رفراندم»، با حکومت‌های رضاخانی و محمدرضاشاهی، بهترین تبیین برای دلایل این سرنوشت غم‌انگیز است. حکومت محمدرضاشاهی «حکومت مطلقه‌ای» است که «هیچ تعهدی در مقابل مردم ندارد. (۷۷/۱۱/۱۳) و میراث خوار «دیکتاتوری رضاخانی... که از استبداد‌های قاجار، بدتر و شقاوت‌آمیزتر و قساوت‌آمیزتر بود. (۱۳۸۱/۳/۱۴) البته «برای خارجی‌ها «فداکاری» نمی‌کردند»، اما ضرورتاً «برای حفظ حکومت خودشان، صددرصد به بیگانگان میدان می‌دادند و به آن‌ها تکیه می‌کردند و دست آن‌ها را در تطاول به این کشور و این ملت باز می‌گذاشتند. (۱۳۷۷/۱۱/۱۳)

۲ گرگ خونخوار در برابر مردم، بره‌رام در برابر دشمنان

نمره حکومت‌های محمدرضاشاهی فقط در تمنا کردن از بیگانه نبود، حتی فقط در اجازه‌خواهی برای انتصاب نخست‌وزیر و نماینده مجلس هم نبود، نمره مهمش آن بود که شاهنشاه «در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل بره‌ی رام می‌شد. (۱۳۸۸/۲/۲۲) حتی از این بدتر هم وجود داشت: «وقتی چنین روحیه‌ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی آن کشور و آن ملت هم به طور طبیعی نوکرمآب می‌شود» و «اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته‌های خود - به آداب خود، به سنن خود، به زبان خود، به الفبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود - به چشم حقارت نگاه کند، آن‌ها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت به راحتی در چنبره سلطه بیگانگان قرار می‌گیرد... (۱۳۸۸/۲/۲۲)

۳ از قاجار بدتر

این شد که خاندان پهلوی حتی از سلاطین قاجار هم بدتر شدند: «ناصرالدینشاه می‌خواست پادشاهی کند، سلطنت کند، لذت ببرد. کاری نداشت که بر سر ملت چه می‌آید و چه نمی‌آید. ضعیف بود. بی‌اعتنا بود که البته این از بزرگ‌ترین گناهان برای

یک رهبر و مسؤول یک کشور است، اما خاندان پهلوی کاری کردند که به مراتب از آنچه که در دوران قاجار وجود داشت، بدتر بود. زیرا این‌ها پایه‌های فرهنگ خودی را متزلزل و آن را ویران کردند و فرهنگ وارداتی را جایگزین نمودند. (۱۳۷۲/۵/۸)

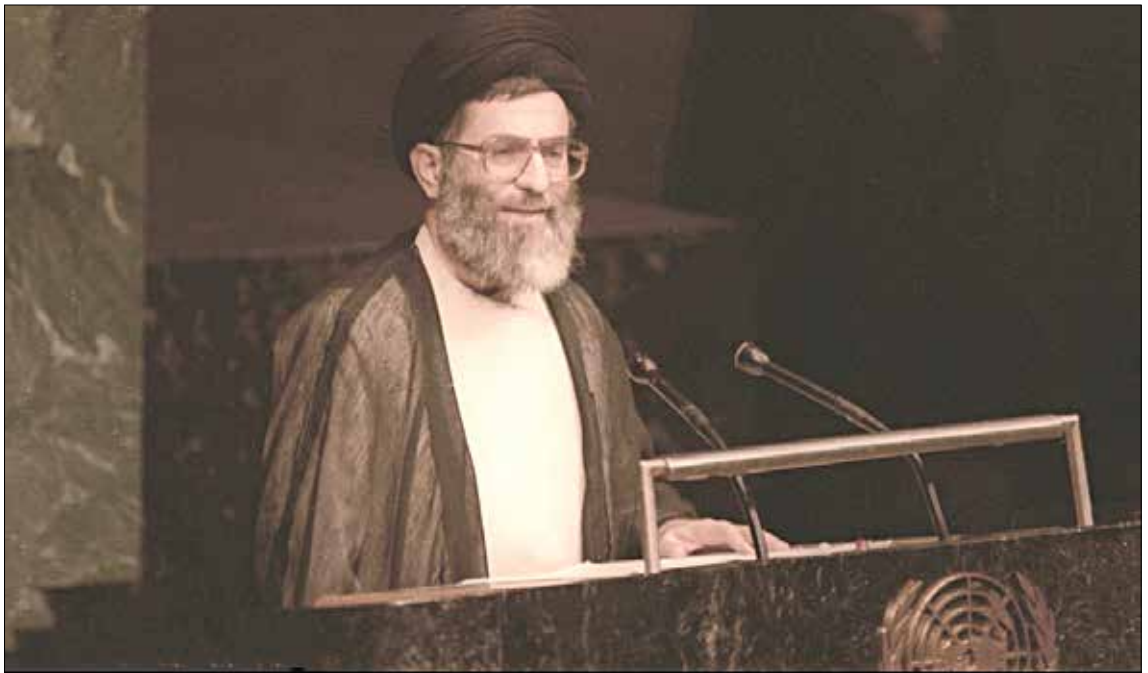
۴ واردات فرهنگ و عزت و شرف!

شاه نیازمند، ملتش را هم نیازمند می‌خواست. می‌خواست همان اندازه که خودش وارداتی بود و هدیه منحوس بیگانگان به ملت، عظمت و تمدن را هم به کشورش «وارد» کند؛ شرف را هم، عزت را هم و فرهنگ را هم. اما چنین منطق اشتباهی، و دل بستن به «نقطه‌های خیالی» معلوم بود که نه شاه را باقی نگه می‌دارد و نه کشورش را نجات می‌دهد. سرنگون شد و تنها پناهی که به او دادند این بود که با ثروت‌های مردمش برای ولخرجی و سرمایه‌گذاری در دنیا را بگردد. (۱۳۷۳/۸/۱۱) شاهنشاه، «خانه»‌اش را برای همیشه ترک کرده، ولی بیگانه هنوز دل بسته نیازخواهان است. شاه وابسته رفته اما «روحیه نوکرمآبی» هنوز جان خیلی‌ها را نکرده است. هنوز انقلاب عزت، انقلاب امام عزت و انقلاب مردم عزت‌مند، روحیاتشان را دگرگون نکرده. «در طول ده‌ها سال تبلیغات شده بود که ایرانی ناکارآمد است؛ باید از دیگران بیاموزد، باید از دیگران تقلید کند، باید به دامن دیگران متصل و متشبث شود. در دوران جوانی و نوجوانی‌های ما این جزو چیزهای رایج بود. (۱۳۹۰/۷/۲۶) انقلاب اسلامی با نیروی خدایی خود برای برهم‌زدن چشم‌های خوابیده و قلب‌های فروبسته آمده و با انقلاب اسلامی «ورق برگردانده شده است». اما هنوز از بین رفتن آن سرنوشت شوم و جایگزین شدن زندگی سعادت‌مند، درگیر تلاقی شاهی‌ها و امامی‌ها است.

۵ انقلاب همچنان درگیر شاهی‌ها و نوکرمآب‌ها

شاهی‌ها همچنان می‌گویند ایرانی ناتوان است و چشم خوابانده‌اند که «دیگری» بیاید و آن‌ها را از دروازه‌های تمدن عبور دهد. آن‌ها هنوز ایران رؤیایی‌شان، ایران بیگانه‌ساخته است و بیگانه هم «مثل اربابی که خانه نوکرش را منطبق با سبک آرایش خانه خودش بیاورد! راحت نوکر را که در نظر نمی‌گیرد؛ راحت خودش را آن‌جا در نظر می‌گیرد. این یک امر بدیهی و طبیعی است.» (۱۳۷۲/۷/۱۲) اما امامی‌ها چشم‌هایشان به «نقاط امیدبخش حقیقی است. (۱۳۹۳/۱۰/۱۷) بیگانه هنوز بیگانه است و حتی حالا «دشمنی» هم می‌کند و «علاج مقابله با دشمنی فقط يك چیز است و آن، تکیه به اقتدار ملی و به توان داخلی ملی و مستحکم کردن هرچه بیشتر ساخت درونی کشور است. (۱۳۹۲/۱۱/۲۸) این سیره، سیره صدق امام ما و آموزه بزرگ اوست و با همین سیره جوان دانشمند مسلمان در جمهوری اسلامی خودش را قادر بر هر کاری می‌داند؛ این در اول انقلاب این جور نبود. تربیت‌های قبلی درست عکس این بود... «ما می‌توانیم» امروز، آن روز «ما نمی‌توانیم» بود. این، آن تربیت اخلاقی و تاریخی بازمانده از دوران گذشته است. (۱۳۸۷/۰۲/۱۴) ■





تبیین ویژگی‌های انقلاب در سازمان ملل متحد
توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رئیس‌جمهور در سال ۱۳۶۶

فلسفه جدید

درباره ما و انقلابمان و اصول و نقطه نظرهایمان بیش از معمول سخن مغرضانه یا جاهلانه گفته شده است. در انقلاب ما چند نقطه اختصاصی هست که می‌توان آن را استثنایی از سرگذشت معمولی انقلاب‌ها شمرد. **اول:** این انقلاب حتی در شروع خود صد درصد مردمی بود، نه یک گروه چریکی مسلح، نه یک حزب فعال سیاسی نظامی، نه گروهی از افسران انقلابی و آزادی‌خواه و نه هیچ‌یک از دیگران انواع رائج و معمولی - که تحولات انقلابی کشورها را پدید می‌آورند - در انقلاب ما وجود و حضور و فعالیت نداشتند، فقط مردم بودند و مردم، آن هم کاملاً بی سلاح که در تهران و همه جای دیگر چنان فضا را و خیابان‌ها را و محیط زندگی شهری را از وجود و حضور و شعارهای انقلابی خود پر کردند که دیگر جایی برای هیئت حاکم و حکومتش باقی نماند؛ و آنان مجبور شدند یکی یکی و دسته جمعی از کاخ‌ها و مراکز اقتدار خود و سپس از کشور خارج شوند.

دوم: این انقلاب متکی به دین بود، به اسلام. بسیاری از انقلاب‌هایی که ریشه‌های مبارزاتی آن از ایمان دینی تغذیه کرده است، هر چند در ساختار انقلاب این ایمان چندان یا هیچ به حساب نیامده است. اما انقلاب ما همه چیزش را، هدف‌ها را، اصول را، و حتی روش‌های مبارزاتی را و نیز شکل نظام نوین و نوع اداره آن را از اسلام گرفت. این ابعاد شگفت‌آوری به انقلاب می‌بخشد، و تعریف تازه‌ای از پیروزی آن ارائه می‌دهد.

چه اسلام به خاطر دارا بودن این ظرفیت عظیم انقلابی و سازندگی اکنون حداقل صدوپنجاه سال است که مورد تهاجم قدرت‌های استعمارگر و عوامل مرتجع و زبون آنان بوده است. به علاوه اسلام در بیش از پنجاه کشور و میان یک میلیارد انسان یک ایمان مقدس، یک دین الهی است. پذیرفته‌اند، معتقدند در عمل نمی‌توان چنین بود.

انقلاب ما در چنین جوی یک فلسفه جدید را عرضه کرد، و تا امروز به آن پای بند ماند. انقلاب ما ثابت کرد که می‌توان قدرت‌های سلطه‌گرا را به خود راه نداد، و قلدری آنان را جدی نگرفت، و به آنان باج نداد. مشروط بر این‌که نقطه اتکالی قوی‌تر از هر قدرت مادی را باور داشت - خدا را - ما دانسته‌ایم که برای این عقیده و این راه بهای سنگینی نیز باید پرداخت، و خود را آماده کرده‌ایم. بگذار این تجربه ملت‌ها را به استقلال واقعی و خدشه‌ناپذیر و در نهایت نفی کامل سلطه‌های بزرگ جهانی رهنمون شود. □

درباره ما و انقلابمان و اصول و نقطه نظرهایمان بیش از معمول سخن مغرضانه یا جاهلانه گفته شده است. در انقلاب ما چند نقطه اختصاصی هست که می‌توان آن را استثنایی از سرگذشت معمولی انقلاب‌ها شمرد.

اول: این انقلاب حتی در شروع خود صد درصد مردمی بود، نه یک گروه چریکی مسلح، نه یک حزب فعال سیاسی نظامی، نه گروهی از افسران انقلابی و آزادی‌خواه و نه هیچ‌یک از دیگران انواع رائج و معمولی - که تحولات انقلابی کشورها را پدید می‌آورند - در انقلاب ما وجود و حضور و فعالیت نداشتند، فقط مردم بودند و مردم، آن هم کاملاً بی سلاح که در تهران و همه جای دیگر چنان فضا را و خیابان‌ها را و محیط زندگی شهری را از وجود و حضور و شعارهای انقلابی خود پر کردند که دیگر جایی برای هیئت حاکم و حکومتش باقی نماند؛ و آنان مجبور شدند یکی یکی و دسته جمعی از کاخ‌ها و مراکز اقتدار خود و سپس از کشور خارج شوند.

دوم: این انقلاب متکی به دین بود، به اسلام. بسیاری از انقلاب‌هایی که ریشه‌های مبارزاتی آن از ایمان دینی تغذیه کرده است، هر چند در ساختار انقلاب این ایمان چندان یا هیچ به حساب نیامده است. اما انقلاب ما همه چیزش را، هدف‌ها را، اصول را، و حتی روش‌های مبارزاتی را و نیز شکل نظام نوین و نوع اداره آن را از اسلام گرفت. این ابعاد شگفت‌آوری به انقلاب می‌بخشد، و تعریف تازه‌ای از پیروزی آن ارائه می‌دهد.

چه اسلام به خاطر دارا بودن این ظرفیت عظیم انقلابی و سازندگی اکنون حداقل صدوپنجاه سال است که مورد تهاجم قدرت‌های استعمارگر و عوامل مرتجع و زبون آنان بوده است. به علاوه اسلام در بیش از پنجاه کشور و میان یک میلیارد انسان یک ایمان مقدس، یک دین الهی است.





انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

سنت الهی برای حفظ دین

احمد شفیعی

مفهوم انقلاب اسلامی

نخستین گام در مطالعه هر پدیده، تبیین مفهومی آن است. شاید به تعداد اندیشمندانی که در مورد انقلاب قلم زده‌اند، تعاریفی از انقلاب ارائه شده باشد. این تعاریف کم و بیش وجوه اشتراک و اختلاف نسبت به یکدیگر دارند و هر یک از آن‌ها زاویه‌ای از زوایای انقلاب را آشکار می‌سازد. آنچه مسلم و قطعی است این که بر روی هیچ تعریف مفهومی رضایت بخش و مورد پذیرش عموم، اتفاق نظر وجود ندارد. در کالبدشکافی تعاریف انقلاب به مؤلفه‌هایی نظیر دگرگونی بنیادین و ساختاری، تغییر نهادها، جابه‌جایی نخبگان، خشونت و بی‌نظمی و... برمی‌خوریم که بر اساس تحلیل

انقلاب اسلامی ایران یکی از رخداد‌های بی‌نظیر دوران معاصر و فجر جدیدی در تاریخ بشریت است که منشأ آثاری بس شگرف در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... در داخل و خارج از ایران شد. به یقین شجره طیبه این انقلاب با بهره‌گیری از چشمه زلال معارف و اعتقادات دینی مردم نستوه و فداکار ایران و با تکیه بر ریشه‌های استوار پیشینه فرهنگی و سیاسی و اجتماعی آنان بارور و پرثمر شد. ضرورت بررسی چابستی و نیز علل و عوامل ظهور این پدیده و شناخت آثار و برکات آن بر کسی پوشیده نیست. آنچه در این نوشتار تقدیم می‌شود، اشاراتی به دیدگاه مقام معظم رهبری درباره این انقلاب است که به موضوعاتی از قبیل مفهوم انقلاب اسلامی، ضرورت آن، الگو و رمز پیروزی و پیام آن و نیز آرمان، اهداف و اصول آن می‌پردازد. ■





در دیدگاه مقام
معظم رهبری
انقلاب یک
ضرورت طبیعی بر
اساس سنت‌های
الهی بود. توضیح
این‌که؛ نظام
هستی به عنوان
مظهر و تجلی اراده
و مشیت الهی
مشمول قوانین و
سنت‌هایی است
که نه تغییرپذیرند و
نه جایگزین بردار.
بشر چه بخواهد
و چه نخواهد و
قدرتمندان چه
راضی باشند و
چه نباشند، این
سنت‌ها تحقق
می‌پذیرند. یکی از
این سنت‌ها تجلی
حق و پیروزی آن بر
باطل است

دقیق انقلاب اسلامی ایران، به تطبیق ناپذیری این نظریات بر آن می‌رسیم.

در دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب یک ضرورت طبیعی بر اساس سنت‌های الهی بود. توضیح این‌که؛ نظام هستی به عنوان مظهر و تجلی اراده و مشیت الهی، مشمول قوانین و سنت‌هایی است که نه تغییرپذیرند و نه جایگزین بردار. بشر چه بخواهد و چه نخواهد و قدرتمندان چه راضی باشند و چه نباشند، این سنت‌ها تحقق می‌پذیرند. یکی از این سنت‌ها تجلی حق و پیروزی آن بر باطل است. یعنی جریان هستی و اداره امور عالم و نیز اعمال اختیاری انسان باید با تدبیر الهی و متکی بر معرفت صحیح اداره شود تا سعادت او تأمین و تضمین گردد.

بنابراین اگر روزی جامعه اسلامی که نماد جریان حق است، منحرف شود و به جایی برسد که هم مردم به فساد کشیده شوند و هم حکومت‌ها فاسد شوند و در نتیجه جابه جایی خوب و بد، معروف و منکر و حق و باطل در عرصه حیات اجتماعی صورت گیرد، خداوند شرایط را به گونه‌ای محقق می‌سازد که گروه خداپرستان و مؤمنان قیام کنند و جامعه را از فساد به صلاح برگردانند؛ همان‌طور که حادثه عظیم عاشورا در تاریخ اسلام از مصادیق روشن آن است. مقام معظم رهبری با توجه به این سنت الهی است که می‌فرماید: من احساس می‌کنم که انقلاب اسلامی یک ضرورت بود برای اسلام، یک نیاز بود برای مسلمین، سنت الهی بود برای حفظ دین و حفظ احکام الهی. مطلب بعدی این است که انقلاب اسلامی یک حادثه تاریخی است نه یک حادثه منطقه‌ای. اساساً هر انقلابی در جغرافیای انسانی مثل زلزله و آتشفشان در جغرافیای طبیعی است. زلزله و آتشفشان از لحاظ اصل بروز ناشی از تکاتف انرژی‌های مختلف طبیعی است. انقلاب هم در جغرافیای انسانی، ناشی از انباشته شدن انرژی‌های انسانی و انفجار این انرژی‌هاست.

بر اساس این قانون الهی بود که اوضاع و احوال جهانی و نیز اوضاع و احوال تاریخی کشور ایران اقتضا می‌کرد این تحول عظیم رخ دهد و نظام سلطنتی به نظام الهی و مردمی تبدیل شود، یعنی نظامی بر پایه ارزش‌های معنوی که دنیا در نهایت درجه از آن دور بود، به وجود آید. دنیایی که غرق در مادی‌گری و فساد و فحشا شده و معنویتش ضعیف و ضعیف‌تر شده بود، هرگز باور نمی‌کرد و نمی‌کند که بتوان انقلابی بر مبنای حکم خدا به وجود آورد. اما این معجزه در ایران رخ داد و پایگاه نجات دنیا از فساد و تباهی و رنج‌های روحی شد و چنان شد که مستضعفان جهان، آمال و آرزوهای خود را در آن قابل تحقق یافتند.

برای تحقق وعده الهی که پیروزی اسلام بر همه کفر و الحاد و پیروزی ارزش‌های الهی بر همه مادی‌گری‌های کوتاه‌نظرانه است، ضرورت داشت اسلام خودش را در عصر غربت دین بنمایاند و در عرصه حیات اجتماعی بشر مطرح سازد. از این جا بود که خدای متعال چنین مقدر کرد که این کار به دست یکی از شایسته‌ترین و برترین بندگان عملی شود و شد.

بر پایه این سنت الهی، گرچه قدرتمندان و زورمداران

انقلاب‌های جهان، در تعریف انقلاب جای گرفته‌اند. وقوع انقلاب اسلامی ایران که یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های تاریخ در قرن بیستم بوده و در زمره مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی - اجتماعی به شمار می‌آید، تعاریف موجود و نیز نظریه‌های انقلاب را به چالش کشید و ضرورت ارائه تعریف جدیدی از انقلاب را به دنبال آورد.

وجه عدم اتفاق نظر در درک مفهومی انقلاب، مربوط به پیچیدگی آن به عنوان یک پدیده اجتماعی است که به پیچیدگی و ناشناختگی انسان برمی‌گردد. با این وجود گفتنی است که شاید بتوان از طریق درک اشارت و رمزهای ضمنی این‌گونه دگرگونی‌ها، به تصویری رضایت‌بخش از معنای انقلاب دست یافت.

انقلاب اسلامی خصوصیات منحصر به فردی دارد که آن را از دیگر انقلاب‌های جهان ممتاز می‌سازد و مفهوم جدیدی از انقلاب به دست می‌دهد. برخی از این خصوصیات از نظر خلف صالح بنیانگذار بزرگ انقلاب اسلامی از این قرارند:

۱. برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه و فقه و معارف شیعه در طول هزار سال،
۲. انقلاب اجتماعی همه جانبه همراه با تحول بنیادین در زندگی انسان‌ها،
۳. استواری بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان در مراحل اوج‌گیری و سازندگی انقلاب،
۴. بهره‌مندی از رویکرد ارزشی و هدف‌گیری اصلاح مفاسد جهانی و بشری،
۵. حاکم سازی فرهنگ توحیدی به جای فرهنگ الحادی و استبدادی،
۶. شکل‌گیری بر مبنای نظم و انضباط انقلابی.

با توجه به این خصوصیات است که انقلاب اسلامی یک تفسیر اسلامی و الهی بوده و به معنی زنده کردن دوباره اسلام است؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: انقلاب یک تفسیر اسلامی و الهی است. ما انقلاب را یک تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی می‌دانیم که به دنبال آن‌ها تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آن‌گاه رشد همه جانبه ابعاد انسان‌ها می‌آید. همان‌طور که در آیه قرآن است «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا ما بانفسهم» هر وقت انسان‌ها خصلت‌های بد، ضعف‌ها، نقص‌ها و بی‌ایمانی‌ها را در خودشان تغییر دادند، اوضاع و احوال اجتماعی آن‌ها تحول پیدا خواهد کرد. هیچ چیز هم جلوگیری نخواهد بود. برای شروع این حرکت و تحول همگانی، انسان‌ها باید احساس تکلیف کنند.

۴ ضرورت انقلاب اسلامی

بسیاری از صاحب‌نظران علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران را بررسی کرده‌اند و به نحوی کوشیده‌اند تا یکی از نظریه‌های ابراز شده از سوی اندیشمندان غربی درباره انقلاب را بر انقلاب اسلامی تطبیق دهند. آنان ضرورت وقوع انقلاب اسلامی را بیشتر در عواملی نظیر مدرنیزاسیون، توطئه خارجی، اقتصاد و مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی دانسته‌اند؛ در حالی که با کالبدشکافی





باشد، انسان‌های بیشتری به پذیرش و حمایت و الگوپذیری از آن روی می‌آورند. انقلاب اسلامی ایران که امتیاز اساسی‌اش، اتکای به جهان بینی اسلامی بود، در زمانی به وقوع پیوست که حرکت‌های لیبرالی و سوسیالیستی جاذبه خود را از دست داده بودند. گرچه بسیاری از روشنفکران چپ‌گرا همچنان القا می‌کردند که تنها ایدئولوژی بسیج‌کننده ملت‌ها، مارکسیسم است.

انقلاب اسلامی مردم ایران این پیام را به دنیا مخابره کرد که بسیج‌کننده‌ترین ایدئولوژی‌ها اسلام است و اسلام مکتبی است که نه تنها توانایی سازماندهی یک مبارزه عظیم را دارد، بلکه در دوران پیچیده عصر ماشینی، با همه معارضه‌ها و تضادهایی که سیاست‌های جهانی دارد، قادر به حل مشکلات جامعه و اداره آن بوده و بقا و ماندگاری‌اش را تضمین می‌کند. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی ایران، گشودن جبهه تازه‌ای فراروی همه انسان‌های مظلوم و محرومی است که از نارسایی و نابسامانی تمدن تحمیلی استعماری رنج می‌برند و شعار نه شرق و نه غربی این انقلاب، بیانگر نفی هر گونه ظلم و ستم بر بشریت است. برخی از پیام‌های انقلاب اسلامی را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱. لزوم خروج انسان از یوغ بردگی و بندگی طاغوت و رستن از ذلت و خواری،
 ۲. روی آوردن به عبودیت خدا و رستگاری،
 ۳. برآشتن در مقابل همه بدی‌ها، کجی‌ها و نابسامانی‌ها،
 ۴. مبتنی بودن حکومت و قدرت سیاسی بر پرهیزکاری، عدالت و حقیقت،
 ۵. ضرورت دین‌گرایی و خدامحوری و نیز بازگشت از مسیر انحرافی دوران غرور جاهلانه شکوفایی علم.
- حاصل سخن در یک کلام این‌که پیام انقلاب، پیام معنویت است، یعنی بشر سرگشته امروز که از عدم تأمین نیازهای برتر و بالاتر و ندیدن و نداشتن صفا و محبت و مهربانی و نیافتن نوعی معرفت والا به ستوه آمده است، به دنبال مکتبی است که علاوه بر تأمین نیازهای مادی، نیازهای معنوی او را نیز برآورده سازد و چون شاهد بود هر جایی که این انقلاب نفوذ کرد، معنویت را هم با خود به آن جا برد، گمشده خود را در پیام انقلاب اسلامی یافتنی دید. بنابراین با قاطعیت می‌توان گفت رویکرد دین‌گرایی حاضر که در اطراف و اکناف جهان معاصرو به توسعه و گسترش نهاده، محصول و ثمره دریافت این پیام است.

آرمان و اهداف انقلاب اسلامی

ارزش و اهمیت هر انقلابی بسته به آرمان و اهدافی است که تعقیب می‌کند. بزرگی و کوچکی آرمان‌ها و اهداف تا حدود زیادی تعیین‌کننده میزان هزینه‌ای است که برای هر انقلابی باید صرف کرد. هر چه آرمان‌ها و اهداف انقلاب، متعالی‌تر و پرجاذبه‌تر باشد، تحمل سختی‌ها و فشارها در



انقلاب اسلامی

مردم ایران این

پیام را به دنیا

مخابره کرد که

بسیج‌کننده‌ترین

ایدئولوژی‌ها اسلام

است و اسلام

مکتبی است که

نه تنها توانایی

سازماندهی یک

مبارزه عظیم را

دارد، بلکه در

دوران پیچیده

عصر ماشینی، با

همه معارضه‌ها

و تضادهایی که

سیاست‌های

جهانی دارد، قادر

به حل مشکلات

جامعه و اداره

آن بوده و بقا و

ماندگاری‌اش را

تضمین می‌کند

جهان در مسیر دستیابی انقلاب به اهداف سنگ اندازی و مانع تراشی می‌کنند، ولی به فضل الهی اگر مردم شریف ایران ایمان را با عمل صالح قرین سازند، هیچ قدرتی یارای مقاومت در برابر آنان را ندارد و چنین ملتی قله‌های مرتفع عزت و افتخار را یکی پس از دیگری فتح خواهد کرد. زیرا در کار خدا طفره نیست و طبیعت و فطرت عالم این است که به سمت کمال برود. به همین دلیل است که رهبر و ملت ایران، توحید، معنویت و دینداری را که شعار انقلاب حضرت مهدی (عج) است، شعار انقلاب اسلامی قرار داده و آن را زمینه و مقدمه‌ای برای انقلاب حضرت مهدی (عج) می‌دانند. شکی نیست، چون این انقلاب بر طبق سنت‌های الهی است، با صبر و توکل به خدا پیش می‌رود و به اهداف خود نیز خواهد رسید.

حاصل کلام این‌که انقلاب اسلامی بر اساس یک ضرورت طبیعی و تاریخی و مبتنی بر قواعد و سنن الهی به وقوع پیوست و بر اساس همین قاعده نیز به راه خود ادامه خواهد داد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: انقلاب ما و حرکت ما اسلامی است. از جهت دیگر برای مردم دنیا امروز می‌تواند بسیار آموزنده باشد و به عنوان یک تجربه ملموس و عملی مطرح شود. انقلاب ما از باب انطباق با سنت‌هایی که در قرآن برای نهضت‌ها و تحولات جهانی و تحولات اجتماعی ذکر شده و از جهت انطباق با این پیشگویی‌های قرآن، قوانینی که ذکر می‌کند و سنن الهی نیز اسلامی است. تفسیر و تحلیل قرآن نسبت به تحولات اجتماعی عمیقاً مغایر با تحلیل و تفسیری است که مکاتب مادی عنوان می‌کنند. در قرآن کریم برای تحولات مادی، اصول، نقاط عطف، انگیزه‌ها، اهرم‌ها و عوامل دیگری ذکر شده، غیر از آنچه که در تحلیل‌ها و تفسیرهای مادی وجود دارد. ما نگاه می‌کنیم می‌بینیم عیناً آنچه در انقلاب ما اتفاق افتاد منطبق بر همین تفسیرها و تبیین‌های الهی است که سنن آفرینش را برای ما بیان می‌کند.

پیام انقلاب اسلامی

هر انقلابی نظیر زلزله یا آتشفشان تأثیرات کم و بیش منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و برای ایجاد عمق استراتژیک خود، پیامی را عرضه می‌کند. هر چه پیام انقلاب پرجاذبه‌تر



۱ رمز پیروزی انقلاب اسلامی

شکل‌گیری و پیروزی هر انقلابی به مؤلفه‌ها و عوامل گوناگونی وابسته است. بدیهی است برخی عوامل وجه غالب را به خود اختصاص داده و نقش مضاعفی را در پیروزی انقلاب ایفا می‌کنند. به دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی مردم ایران به نیروی اتحاد، اسلام و اتکای به خدا و نیز قدرت اراده و تن دادن به فداکاری و مجاهدت پیروز شده است. برخی از عوامل پیروزی انقلاب عبارتند از:

۱. مطابقت انقلاب اسلامی با سنت‌های الهی،
 ۲. ایمان عمیق، آگاهانه و راسخ مردم به اسلام ناب،
 ۳. تکیه بر مفهوم واقعی شعارا... اکبر،
 ۴. تعظیم شعائر الهی و اسلامی به ویژه عزاداری‌ها در محرم و صفر،
 ۵. روشنگری و فداکاری روحانیت اصیل و متعهد به عنوان جلودار نهضت.
- در یک کلام می‌توان رمز پیروزی انقلاب اسلامی را در ایمان و اعتقاد مردم به اسلام و نیز تسلیم در برابر فرمان خدا و صبر و فداکاری و استقامت در مسیر انقلاب جستجو کرد.

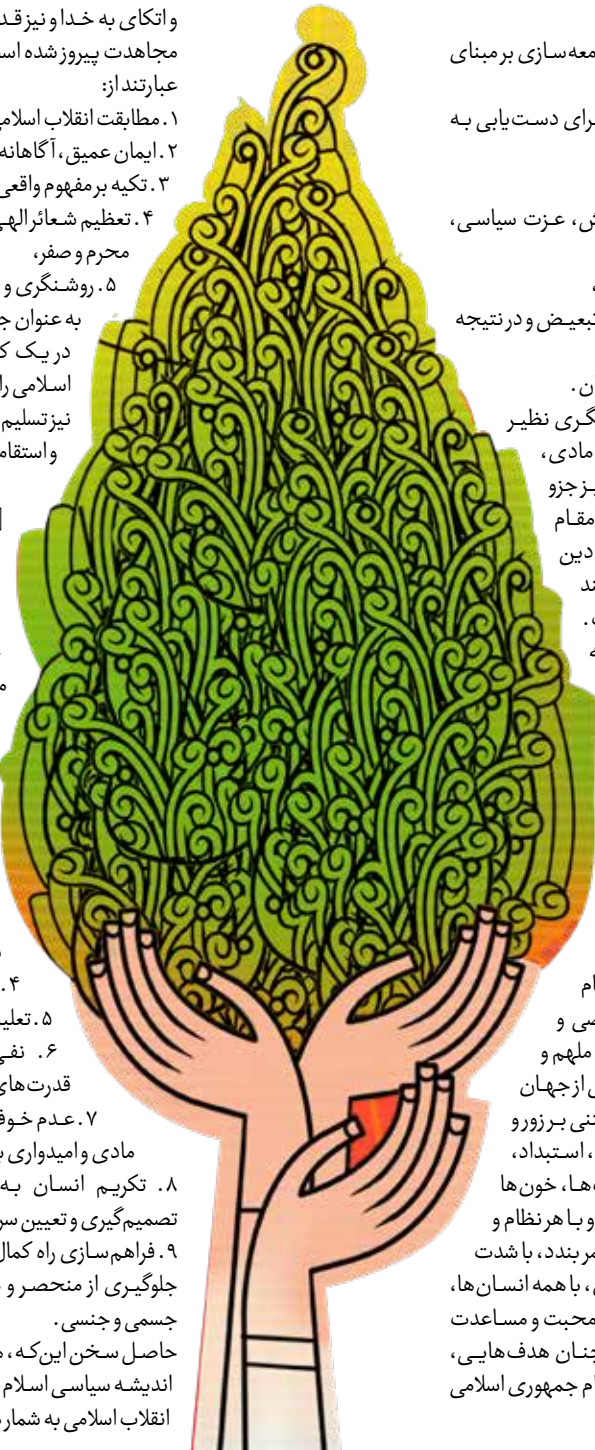
۱ اصول انقلاب اسلامی

نظر به این‌که انقلاب اسلامی زیربنای فعالیت خود را اسلام و قوانین خدا قرار داده است، مثل خود اسلام دارای احکام ثابت و متغیر بوده و هست. بنابراین با تکیه بر اصل توحید می‌توان موارد زیر را جزو اصول انقلاب به شمار آورد:

۱. پای بندی به اسلام و قرآن،
 ۲. دفاع از محرومان و مستضعفان،
 ۳. عدم گرایش به قدرت‌های شرقی و غربی،
 ۴. تحقق عدالت اجتماعی،
 ۵. تعلیم و تربیت اسلامی،
 ۶. نفی سلطه و حاکمیت ظالمانه قدرت‌های زورگو،
 ۷. عدم خوف و هراس از تهدیدات قدرت‌های مادی و امیدواری به نصرت و امداد الهی،
 ۸. تکریم انسان به معنی واگذاری حقیقی حق تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت به انسان،
 ۹. فراهم‌سازی راه کمال‌جویی و تقرب انسان به خدا و جلوگیری از منحصر و محدودسازی او در خواش‌های جسمی و جنسی.
- حاصل سخن این‌که، همه مسائلی که به عنوان مبانی اندیشه سیاسی اسلام به حساب می‌آیند، در زمره اصول انقلاب اسلامی به شمار می‌روند. □

مسیر دستیابی به آن‌ها آسان‌تر و شیرین‌تر خواهد بود. انقلاب اسلامی ایران نیز از ابتدا آرمان‌ها و اهداف مشخصی را برای خود ترسیم کرد و رهبر و ملت از آغاز تا کنون در جهت دستیابی به آن‌ها از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. برخی از آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی به دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:

۱. عدالت خواهی،
 ۲. تربیت و تزکیه انسان و در نتیجه جامعه‌سازی بر مبنای آن،
 ۳. تشکیل نظام توحیدی و تلاش برای دست‌یابی به سعادت دنیوی و اخروی،
 ۴. دست‌یابی به حیات طیبه،
 ۵. برخورداری از رفاه، امنیت، دانش، عزت سیاسی، استقلال اقتصادی و رونق تجاری،
 ۶. حاکمیت اسلام و قرآن در زندگی بشر،
 ۷. تکریم انسان و نفی فقر و فساد و تبعیض و در نتیجه احساس خوشبختی و سعادت،
 ۸. بازگرداندن عزت اسلامی به مسلمانان.
- علاوه بر موارد یادشده، اهداف دیگری نظیر استقلال، آزادی، رشد معنوی، تعالی مادی، ایجاد محیط امن و باکرامت و... نیز جزو اهداف انقلاب به حساب می‌آیند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: دین یک نظام اجتماعی به بشر ارائه می‌کند و نه فقط یک سلسله عبادات و عادات. هر چند عبادات و عادات نیز انباشته از روح زندگی و در جهت همان نظام است و این نظام اجتماعی مبتنی بر همان جهان بینی است و ساخته به شکل آن است. آزادی و برابری انسان‌ها، عدل اجتماعی، خودآگاهی افراد جامعه، مبارزه با کژی و زشتی، ترجیح آرمان‌های انسانی بر آرزوهای شخصی، توجه و یاد الهی، نفی سلطه‌های شیطانی و دیگر اصول اجتماعی نظام اسلامی و نیز اخلاق و رفتار شخصی و تقوای سیاسی و شغلی، همه و همه ملهم و زاینده آن جهان بینی و برداشت کلی از جهان و انسان است. اسلام، نظام‌های مبتنی بر زور و قلدردی و زاینده ظلم، جهل، اختناق، استبداد، تحقیر انسان و تبعیض نژادها، ملت‌ها، خون‌ها و زبان‌ها را رد می‌کند و غلط می‌شمرد و با هر نظام و شخصی که به ستیز با نظام اسلامی کمر بندد، با شدت و مقاومت برخورد می‌کند و به جز آن، با همه انسان‌ها، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، به محبت و مساعدت امر می‌کند. بر چنین پایه‌ها و با چنان هدف‌هایی، انقلاب اسلامی در ایران پدید آمد و نظام جمهوری اسلامی بنیانگذاری شد.





ایجاب می‌کرد که من در تهران بمانم، تا این که آمدم تهران...» (۱۳۶۳/۱۱/۱۱) در کنار همه این تکاپوها و مبارزه با دولت بختیار و تصمیم‌گیری برای امور انقلاب، قرار بود امام بازگردند. مأموریت تشکیل «ستاد استقبال از امام» بر عهده شورای انقلاب بود. آیت... خامنه‌ای هم مسئولیت «کمیته تبلیغات ستاد استقبال» را بر عهده گرفت. «گفتیم که امام، دو سه روز دیگر یا مثلاً فردا وارد تهران می‌شوند و ما آمادگی لازم را نداریم. بیاییم سازماندهی کنیم که وقتی ایشان آمدند و مراجعات زیاد شد و کارها از همه طرف به این جا ارجاع شد، معطل نمانیم.» (۱۳۶۵/۵/۱۸) «کمیته تبلیغات ستاد استقبال» بلافاصله نشریه‌ای منتشر کرد تا رابط امام و مردم باشد. این نشریه بیش از همه حاصل ایده‌های آیت... خامنه‌ای بود. «آن روزها یک نشریه‌ای مادری می‌آوردیم که بعضی از اخبار و مثل این‌ها در آن نشریه چاپ می‌شد، از همان رفاه این نشریه بیرون می‌آمد.» (۱۳۶۲/۱۰/۲۴)

تحصن در قلب تهران

قرار بود امام زودتر از دوازدهم بازگردند، «امام قرار بود بیایند، نیامدند و ما رفتیم در بهشت زهرا(س) و شهید بهشتی سخنرانی کردند و بنده قطعنامه را خواندم، آن روز بهشت زهرا(س) این جوری بود دیگر. یک سخنرانی شهید بهشتی کردند بعد هم یک قطعنامه‌ای تهیه کرده بودیم. من هم رفتم قطعنامه را خواندم و برگشتیم.» «بازگشت امام خمینی به میهن مانعی نه چندان بزرگ، اما آزاردهنده داشت: بختیار؛ آخرین نخست وزیر تاریخ سلطنت. پایه پای مردم که خیابان‌ها را به جهنمی برای او تبدیل کرده بودند، روحانیت در دانشگاه تهران متحصن شده بودند. آیت... خامنه‌ای به همراه دیگر روحانیون مبارز شاخص، دانشگاه تهران را

روایتی از فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی
حضرت آیت... خامنه‌ای در روزهای
منتهی به ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

دیدار با خورشید

روزهای پایانی مبارزات بود و خیلی‌ها بوی اسپند پیروزی را نزدیک‌تر از همیشه استشمام می‌کردند. همه یاران تأثیرگذار امام در پایتخت بودند، اما جای یکی خالی بود. آیت... خامنه‌ای که دهه چهل و پنجاه را در سراسر ایران مبارزه کرده بود و شرق و غرب میهن، سخنرانی‌ها، زندان‌ها و تبعیدهایش را دیده بود، حالا باید به تهران می‌آمد. هرچند «مشهد» کم از سایر شهرها نداشت و نهضت در آن جا هم گلاویز با مأموران طاغوت بود، اما فرمانی از امام رسیده بود. پس از چندین پیام و چندین انکار، پیام آخر صریح‌تر بود: «نیامدنت به تهران مخالفت با امر امام است.»

مأمور به هجرت

حضرت امام خمینی، آیت... خامنه‌ای را برای عضویت در شورای انقلاب، امر به هجرت کرده بودند؛ شورایی که قرار بود در نبود قوه حاکمه در مملکت، کار مملکت‌داری را موقتاً در دست بگیرد. مدرسه رفاه اقامتگاه ایشان شد. «من دوستان مشهد را راضی کردم که بیایم تهران و آمدم، که آن کار مهم هم عبارت از این بود که امام من را به عنوان عضو شورای انقلاب معین کرده بودند و من خبر نداشتم از این قضیه و این‌ها می‌خواستند به من ابلاغ کنند و این طبعاً



همه گردگرد ایشان حلقه می‌زنند. آیت‌ا... خامنه‌ای اما کمی دورتر از امام جای می‌گیرد، چرا که نمی‌خواهد بر شلوغی اطراف ایشان افزوده و باعث ادیت شدن ایشان شود. «احساس خطر کردیم و با صدای بلند از مردم خواستیم که از امام دور شوند؛ بر احساسات خود غلبه کنند. من و شماری از نزدیکان امام خود را عقب کشیدیم. جز آقای مطهری که داخل هواپیما رفته و هنگام خروج امام را همراهی کرده بود، کسی از خواص، کنار ایشان نبود. آقای بهشتی هم جای معینی نداشت و در آن محیط در حرکت بود.»

۴ هیچ انتظار نداشتیم

آیت‌ا... خامنه‌ای که مسئول کمیته تبلیغات ستاد استقبال بود، همزمان با رفتن امام به بهشت زهرا(س) راهی ستاد استقبال می‌شوند تا مسائل مربوط به تبلیغات و انتشار نشریه را پیگیری کنند. حضرت امام نیز پس از سخنرانی بهشت زهرا(س) به منزلی رفته بودند تا کمی استراحت کنند. ساعت ۱۰ شب ا...: «ما در ستاد استقبال، در دبستان علوی نشسته بودیم. داشتیم [برای] یک روزنامه‌ای که آن روزها به مناسبت ورود امام منتشر می‌کردیم سرمقاله و صفحه بندی و این کارها را انجام می‌دادیم، ساعت ۱۰ شب بود که ناگهان گفتند که امام دارند تشریف می‌آورند تشریف می‌آورند این جا. ما هیچ انتظار نداشتیم که این جور امام را به این آسانی در یک متری، دو متری خودمان مشاهده کنیم. یک وقت امام از در پشت دبستان علوی وارد دبستان شدند. حدود ساعت ۱۰:۳۰ شب بود. چند ساعتی ایشان در منزل یکی از بستگان نشان استراحت کرده بودند و برگشته بودند به این جا و شب را در آن جا گذراند. من با این که در فرودگاه امام را زیارت کرده بودم، اما نزدیک نرفته بودم، چون خیلی شلوغ بود و ایشان هم خسته بودند، نمی‌خواستیم کمک به مزاحمت ایشان کرده باشم. آن جا از نزدیک امام (ره) را زیارت کردیم.» (۱۳۶۶/۱۱/۱۲) □

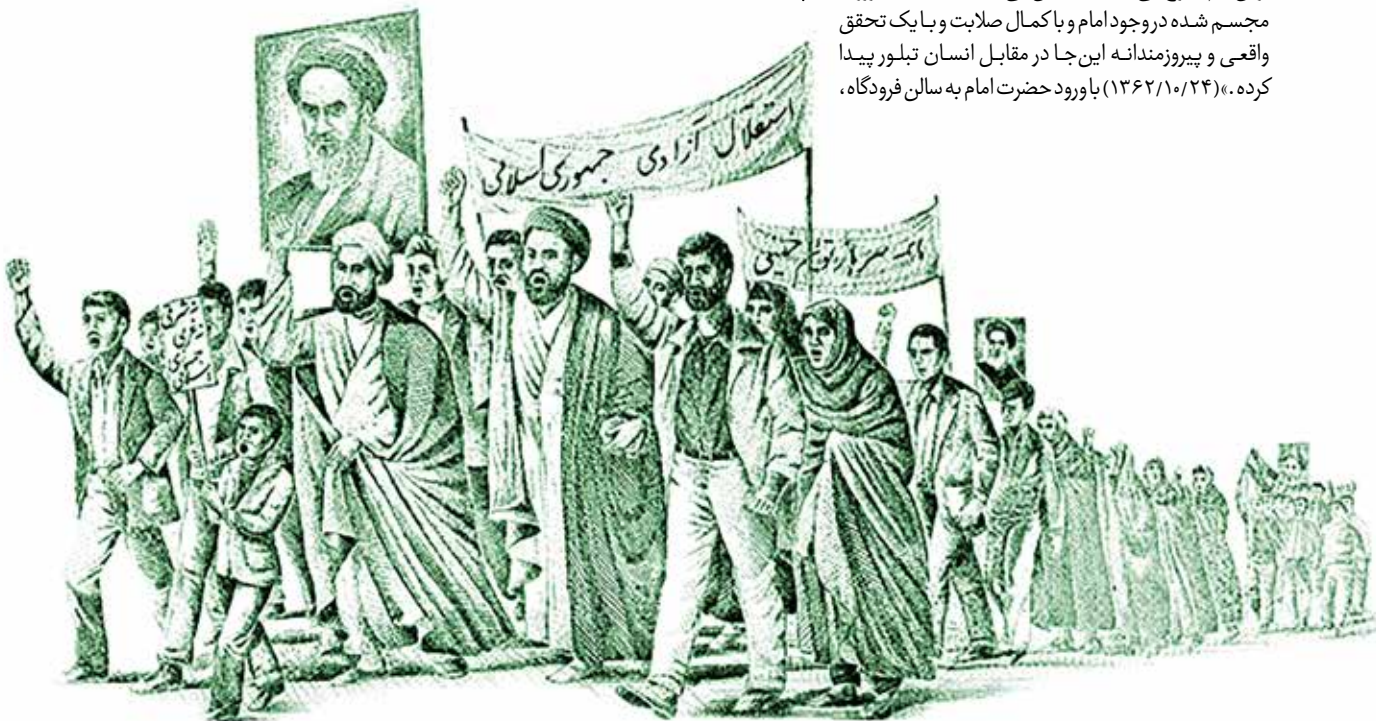


«... ما در ستاد استقبال، در دبستان علوی نشسته بودیم. داشتیم [برای] یک روزنامه‌ای که آن روزها به مناسبت ورود امام منتشر می‌کردیم سرمقاله و صفحه بندی و این کارها را انجام می‌دادیم، ساعت ۱۰ شب بود که ناگهان گفتند که امام دارند تشریف می‌آورند این جا. ما هیچ انتظار نداشتیم که این جور امام را به این آسانی در یک متری، دو متری خودمان مشاهده کنیم.»

- به پیشنهاد شهید مطهری - سنگری کردند برای برداشتن آخرین مانع. «... ما رفتیم داخل مسجد و فوراً آن اطاقک سر مسجد را ستاد کارها قرار دادیم و بلافاصله یک اعلامیه منتشر کردیم؛ یعنی اولین کاری که کردیم یک اعلامیه نوشتیم... لذا چندتا برنامه در دانشگاه بود؛ یکی سخنرانی‌هایی که مستمراً در مسجد دانشگاه انجام می‌گرفت که همه ما هر کدام یک برنامه سخنرانی را این جا گذاشتیم و دیگران سخنرانی می‌کردند، یکی اعلامیه‌ها بود، یکی هم یک نشریه، یک بولتن روزانه منتشر می‌کردیم، الان درست یادم نیست، دو تا بولتن منتشر کردیم یکی در دانشگاه، گمانم اسمش تحصن بود.» (۱۳۶۳/۱۱/۱۱)

۴ آرامش امام

مقاومت مردم اما کار خود را کرد. ۱۲ بهمن ماه به عنوان روز ورود حضرت امام اعلام شد. اعضای شورای انقلاب از مسجد دانشگاه راهی فرودگاه شدند. احتمال هراتفاقی می‌رفت و شایعاتی مبنی بر زدن هواپیما در آسمان ایران نیز شنیده می‌شد. اضطراب و دل‌پرسی در چهره همه موج می‌زد؛ اما ورود شکوهمندانه امام و پایین آمدن از پله‌های هواپیما خیال همه را راحت کرد. «توی ماشین من یک وقتی خدمت خود امام هم گفتم همین را. همه خوشحال بودند، می‌خندیدند، بنده از نگرانی بر آنچه که برای امام ممکن است پیش بیاید بی‌اختیار اشک می‌ریختم و نمی‌دانستم که برای امام چی ممکن است پیش بیاید. چون یک تهدیدهایی هم وجود داشت. بعد رفتیم وارد فرودگاه شدیم، با آن تفاسیل امام وارد شدند. به مجرد این که آرامش امام ظاهر شد، نگرانی‌ها و اضطراب ما به کلی برطرف شد. یعنی امام با آرامش خودشان به بنده و شاید به خیلی‌های دیگر که نگران بودند، آرامش بخشیدند. وقتی که بعد از سال‌های متمادی امام را زیارت می‌کردم آن جا، ناگهان خستگی این چندساله مثل این که از تن آدم خارج می‌شد. احساس می‌شد که همه آن آرزوها مجسم شده در وجود امام و با کمال صلابت و با یک تحقق واقعی و پیروزمندانه این جا در مقابل انسان تبلور پیدا کرده.» (۱۳۶۲/۱۰/۲۴) یا ورود حضرت امام به سالن فرودگاه،





❏ ماندگاری و در جریان بودن انقلاب اسلامی

از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی، تداوم و استمرار آن است. این امر باعث شده تا با وجود گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب، همچنان نسیم روح بخش آن در ایران و جهان در جریان باشد و دل و روح تشنگان حق و عدالت را بنوازد. اما دلیل این ماندگاری چیست؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این خصوصیت انقلاب را ناشی از سخن حق انقلاب می‌داند: «سخن انقلاب، سخن حق» [است]. این، خاصیت حق است. «مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ»؛ این یک درخت پاکیزه و سالم و خوش‌نهدی است که در زمین سالم رشد می‌کند. «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»؛ ریشه‌اش محکم است، شاخ و برگش هم رفته بالا. «تُوْتِي أُمَّكُلَهَا كُلَّ جِينٍ يَأْذِنُ رَبِّهَا»؛ میوه او هم همیشگی است و در هر فصلی میوه‌ی خود را می‌دهد.

❏ هماهنگی و تناسب با فطرت الهی انسان

یکی دیگر از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران تناسب و هماهنگی ارزش‌ها و اهداف آن با فطرت الهی انسان است. این ویژگی که ریشه در ماهیت اسلامی انقلاب دارد، باعث شده ابتدا مردم ایران و مسلمانان جهان و سپس هر جا دل آماده‌ای برای پذیرش پیام انقلاب اسلامی باشد به آن جذب شود و این امر به جهانی شدن ابعاد انقلاب اسلامی و طرفداری ملت‌ها در اقصی نقاط جهان از آن منتهی شده است. «امروز حرکت و هدف‌های انقلاب، همان چیزهایی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آن‌ها را ترسیم

راز ماندگاری انقلاب اسلامی

سخت‌گیر

❏ احمد گلستانه

انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب استثنائی و یک پدیده منحصر به فرد در قرن بیستم بود. «شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست. هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام». تمایزی که آگاهی از آن کمک مؤثری در شناخت توانایی‌های انقلاب اسلامی می‌کند و بهره‌برداری از آن در جهت اصلاحات اساسی در کشور دارای اهمیت بسیار است. به عبارت روشن‌تر انقلاب اسلامی در کنار وجوه اشتراک و تشابه‌هایی که با سایر انقلاب‌ها دارد، ویژگی‌های خاص خود را هم دارد که ماهیت ایدئولوژیک و اسلامی آن را مشخص می‌کند. این خصوصیات که از ماهیت اسلامی این انقلاب نشأت گرفته، منحصرأ در انقلاب اسلامی وجود دارد و ما از این خصوصیات خاص که وجه تمایز این انقلاب از سایر انقلاب‌هاست، تحت عنوان ویژگی‌های انقلاب اسلامی یاد کرده و می‌کوشیم برخی از این ویژگی‌ها را از منظر رهبر معظم انقلاب بیان کنیم: ■





.....

اخلاقی و معنوی در این حرکت‌های داند. رهبرانقلاب ریشه انحراف در انقلاب‌هایی که مقدمات آن‌ها مذهبی یا اسلامی بوده، ولی در انتهای آن‌ها حالت اسلامی خارج شده‌اند را در ضعف قوت رهبری در میان مذهب‌یون فعال در این انقلاب‌ها می‌دانند که سبب می‌شود افراد غیر مذهبی و بی‌دین، امور را قبضه کرده و خط انقلاب را از حالت مذهبی به سمت لامذهبی ببرند. حاکمیت مستمر و پایدار دین و ارزش‌های معنوی و اخلاقی آن بر انقلاب مردم ایران موجب شد تا در هر جای دنیا قلبی برای دین و اسلام می‌تپد، به جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب - که برای اسلام حرکت می‌کند و به اعتلای کلمه اسلام فکری کند - علاقه مند شود.

۱. مردمی بودن

مردمی بودن انقلاب اسلامی خصوصیت مهمی است که در واژه «جمهوری» نظام اسلامی متجلی گردید. مردمی بودن انقلاب اسلامی از دو جهت با مردمی بودن سایر انقلاب‌ها تفاوت دارد: اول این‌که مردمی بودن جزو ذات اسلام بوده و چیزی خارج از آن نیست. اسلام برای مردم و هدایت آنان از سوی خداوند تبارک و تعالی نازل شده است و لذا همواره رستگاری آنان مدنظر قرار دارد. چنین دینی حضور مردم در اجرای مقررات و دفاع از حریم خود را، اصل اولیه می‌داند. دوم آن‌که اسلام به طور واقعی و حقیقی مردم را در صحنه حفظ می‌کند. کذب، دروغ و صورت‌سازی برای حضور مردم در صحنه‌های انقلاب مبتنی بر اسلام راهی ندارد. حضور حقیقی و فعالانه مردم در انقلاب اسلامی و نقش آنان در انتخاب همه مسئولان و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، مظهر صداقت نظام اسلامی در مردمی بودن خویش است. حضرت آیت‌الله ... خامنه‌ای معتقدند دو خصوصیت ابتدای انقلاب بر ارزش‌های اخلاقی، دینی و معنوی و نیز مردمی بودن انقلاب، استثنایی‌ترین خصوصیات انقلاب هستند و همین دو خصوصیت، بیشترین تأثیر را در وجهه این انقلاب در دنیا داشته است؛ همچنان‌که بیشترین تأثیر را در پیروزی و ماندگاری انقلاب در کشور ما داشته است.

۱. همه‌جانبه بودن انقلاب اسلامی

از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که البته آن هم از ماهیت اسلامی انقلاب نشأت گرفته است، همه‌جانبه بودن و ناظر بودن بر همه عرصه‌های زندگی و حیات فردی و اجتماعی است. رهبر انقلاب اسلامی درباره این خصوصیت انقلاب اسلامی می‌گویند: «انقلاب اسلامی با همه انقلاب‌های دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی؛ یک انقلاب همه‌جانبه است؛ مثل خود اسلام است. همان طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بُعد اقتصادی، بُعد سیاسی، بُعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.» □

مردمی بودن

انقلاب اسلامی

خصوصیت مهمی

است که در واژه

«جمهوری» نظام

اسلامی متجلی

شد. مردمی بودن

انقلاب اسلامی

از دو جهت با

مردمی بودن سایر

انقلاب‌ها تفاوت

دارد: اول این‌که

مردمی بودن جزو

ذات اسلام بوده

و چیزی خارج

از آن نیست.

اسلام برای مردم

و هدایت آنان از

سوی خداوند

تبارک و تعالی نازل

شده است و لذا

همواره رستگاری

آنان مدنظر قرار

دارد. چنین دینی

حضور مردم در

اجرای مقررات

و دفاع از حریم

خود را، اصل اولیه

می‌داند

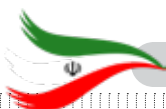
کرد. این هدف‌ها با فطرت مردم هماهنگ بود، لذا مردم آن را گرفتند؛ و الاً دل میلیون‌ها مردم را به یک سمتی متوجه کردن، کار عادی‌ای نیست. وقتی کسی با فطرت سخن می‌گوید، از خدا حرف می‌زند، فطرت‌ها به او متوجه می‌شود: «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ؛ دست قدرت خداست که دل‌ها را به یک سمت هدایت می‌کند...»

۱. جهانی بودن شعارها و اهداف انقلاب

یکی دیگر از خصوصیات منحصر به فرد انقلاب اسلامی، محدود نبودن آن به مرز، ملیت و قومیت خاصی است. رهبر انقلاب اسلامی در این باره می‌گویند: «از آن جا که انقلاب اسلامی ایران بر پایه شریعت اسلام ناب محمدی (ص) استوار شده است، نمی‌تواند به مرز و ملیت و قومیت خاصی محدود باشد. مسئله این نیست که ملت ایران یا مسئولان این کشور بخواهند با روش‌های معمول دنیا، انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند؛ بلکه موضوع این است که وقتی تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمین مطرح می‌شود، به طور طبیعی همه فضای عالم اسلام بنا بر ظرفیت و موقعیت خود، از آن بینش و درک استفاده خواهند کرد.» ایشان در جایی دیگر درباره نسبت انقلاب اسلامی با مسائل ایران و جهان اسلام می‌فرمایند: «بیش از پیروزی انقلاب، برای مجموعه انقلابیون و دست‌اندرکاران این نهضت عظیم، نه فقط مسائل ملت ایران، بلکه مسائل مسلمین نیز مطرح بود. البته شکی نیست که در سازندگی، مسائل ملت ایران - به دلایل مختلف - تقدم و ارجحیت دارد. این نظام و این دولت باید بتواند یک الگو درست کند، تا فعل او، قول او را تأیید کند؛ باید بتواند در این کشور اسلام را تحقق ببخشد، تا نهضت اسلامی، صادق شناخته شود، باید شعارها را به واقعیت بدل کند، تا آن شعارها، دل شاعرانندگان سایر کشورها را گرم کند. پس، مسائل کشور ایران تقدم و اولویت دارد؛ اما بلاشک در هدف‌های اصلی حرکت اسلامی و نظام اسلامی، مسائل مسلمین مطرح است.»

۱. حاکمیت ارزش‌های دینی، اخلاقی و معنوی بر انقلاب

مردم در انقلاب اسلامی به دنبال تحولاتی بودند که بر مبنای اسلام صورت گیرد. آن‌ها باورهای دینی را سرلوحه خواست خود از انقلاب قرار دادند. این خصوصیت اسلامی سبب شد تا انقلاب محدود به قشر روحانی نشود و همه مردم در صحنه‌های انقلاب حاضر شده و انقلاب را از آن خود و برای خود بدانند. همچنین دچار این آفت نشود که اسلام و اهداف اسلامی در جریان انقلاب اولویت خود را از دست بدهد. رهبر معظم انقلاب مبتلانشدن انقلاب اسلامی به آفت دوری از اصالت‌ها و ریشه‌ها در مرحله پیروزی را ناشی از حاکمیت ارزش‌های دینی، اخلاقی و معنوی بر انقلاب می‌دانند و با یادآوری فاصله گرفتن انقلاب‌های مبتنی بر مبنای مارکسیستی و یا ناسیونالیستی، از اصالت و اهداف اولیه انقلاب و از دست دادن ویژگی‌های انقلابی خود در دوره نظام‌سازی و استقرار، آن را ناشی از ضعف یا فقدان ارزش‌های



آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

دشمن برای القای یأس و ناامیدی تلاش می‌کند

■ مهدی حیدری کبیر

۱ عدم تحقق عدالت اجتماعی

یکی از محوری‌ترین اصول در حیات بشر عدالت است که سرچشمه نیکی‌ها و ارزش‌ها و مایه تحقق اهداف انسانی می‌گردد و جامعه به حیات مطلوب خود نمی‌رسد، مگر به اقامه عدالت و از این رو در راستای تحقق حیات طیبه، خداوند تبارک و تعالی از جمله فلسفه بعثت انبیا را زمینه‌سازی برای تحقق عدالت اجتماعی برمی‌شمارد. در اندیشه حضرت آیت... خامنه‌ای عدالت اجتماعی از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است، از این رو در طرح رابطه انقلاب اسلامی و عدالت اجتماعی می‌فرماید: «در این مرحله از انقلاب هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان‌های انقلابی با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی تضعیف یا مورد غفلت قرار گیرد بقای انقلاب و عبور آن از مرحله گوناگون ممکن نخواهد بود.» و درباره اهمیت اصل عدالت اجتماعی می‌فرماید: در محیط سیاست داخلی یکی از چیزهایی که لازم است عدالت اجتماعی است بدون عدالت اجتماعی جامعه اسلامی نخواهد بود.

بنابراین حیات تداوم و پویایی انقلاب اسلامی که ثمره خود را در نظام جمهوری اسلامی تجلی بخشیده است وابسته به اصل عدالت اجتماعی است. این اصل را ایشان این چنین تعریف می‌نمایند: «عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری‌های نابه حق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند احساس و مشاهده کنند که به سمت حذف محرومیت حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندازی به حیطه مشروع زندگی مردم جمع شود. همه‌کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجأ مطمئن پناه ببرد و همه بدانند که با کار و تلاش خود خواهند توانست زندگی مطلوبی داشته باشند»

و در تعریفی دیگر از اصل عدالت اجتماعی گفته‌اند: «عدالت اجتماعی به مفهوم آن است که نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم در برابر قانون امتیازات و برخورد‌ها و رفتارهای یکسان باشد و آحاد مردم از امتیازات و خیرات اسلامی به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و هیچ‌کس بدون دلیل امتیاز ویژه‌ای نداشته باشد.»

بر اساس این دیدگاه است که مقام معظم رهبری زنگ

یکی از محوری‌ترین اصول در حیات بشر عدالت است که سرچشمه نیکی‌ها و ارزش‌ها و مایه تحقق اهداف انسانی می‌گردد و جامعه به حیات مطلوب خود نمی‌رسد، مگر به اقامه عدالت و از این رو در راستای تحقق حیات طیبه، خداوند تبارک و تعالی از جمله فلسفه بعثت انبیا را زمینه‌سازی برای تحقق عدالت اجتماعی برمی‌شمارد. آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی و بررسی راه‌های نفوذ اجانب و تسلط دشمنان امری است که اگر به درستی تبیین و فهمیده شود می‌تواند قوام و قدرت و عزت انقلاب را بیمه کند. در نوشتار حاضر، سعی شده است که اهم اموری که می‌تواند پویایی انقلاب اسلامی را با خطر مواجه کند از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان شود. ■





از دیدگاه مقام
معظم رهبری، از
جمله تهدیدات
انقلاب اسلامی
ایران آفتی به نام
بی عدالتی است
که از این رو باید
با تمام توان در
تمام ابعاد فرهنگی
اقتصادی، امنیتی
و قضایی و در
ساختار جامعه
روح عدالت دمیده
شود وگرنه فلسفه
انقلاب اسلامی
زیر سؤال می‌رود

سنگین بردوش دارند؛ اجرای عدالت اجتماعی در برنامه‌های بلندمدت و میان مدت و به تدریج امکان پذیر است، اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود، این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند.»

❑ عدم حفظ وحدت

اگر وحدت در میان همه اقشار جامعه لازم و ضروری است، اما وحدت در میان مسئولین، ضرورت دوجندان دارد که بارها مقام معظم رهبری بر این امر تأکید داشته‌اند. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم: «مسئولان کشور در قوای سه‌گانه و همه فعالان سیاسی و فرهنگی بدانند که حفظ منافع ملی در وحدت و پرهیز از تفرقه و اختلاف است. سلیقه‌ها و گرایش‌های متفاوت نباید در صحنه افکار عمومی به نزاع و مجادله و کشمکش تبدیل شود و دشمن کمین گرفته را امیدوار کند. همه با هم به نیازها و خواسته‌های به حق مردم در امور اقتصادی و فرهنگی ببنندیشند و برای تأمین آن دست به دست یکدیگر بدهند.»

ایشان در جای دیگر در این زمینه گفته‌اند: «چیزی که لازم می‌دانم در مورد مسئولان کشور تأکید کنم، در درجه اول انسجام و اتحاد کلمه است. مسئولان کشور باید متحد باشند و حرفشان یکی باشد» «یکی دیگر از عیوب و آفت‌ها، عدم اتحاد کلمه است. مسئولان باید مواضع واحدی اتخاذ کنند، به خصوص در مسائل جهانی و مسائل عمده کشور، وقتی که اندک اختلافی در مسئولان پیدا می‌شود، شما می‌بینید رادیوهای بیگانه چگونه این‌ها را بزرگ و چند برابر می‌کنند، حتی آن جایی که اختلاف نیست، اختلاف را جعل می‌کنند برای این‌که نشان دهند بین مسئولان اتحاد کلمه نیست. آن‌ها از جمع منسجمی که با هم کار کنند و همدل باشند خیلی می‌ترسند. خوشبختانه ترکیب قانون اساسی ما راه حل مشکلات را معین کرده است؛ رهبری را به عنوان محور در نقطه مرکزی همه مسئولان قرار داده است. این امکان و فرصت خیلی بزرگی است تا مسئولان بتوانند با وحدت کلمه باهمدیگر کار کنند.»

از نظر مقام معظم رهبری، هوشیاری و حفظ وحدت موجب مصونیت ملت در برابر تهدیدهای دشمن است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «نفس آمادگی و هوشیاری و حساس بودن یک ملت در قبال شرایطی می‌تواند او را از بسیاری از آسیب‌ها محفوظ نگه دارد. ملت‌ها چوب غفلت‌های خود را می‌خورند، همچنان که چوب اختلاف‌های خود را می‌خورند. امروز امت اسلام اگر در مقابل تهدیدات قرار می‌گیرد و اگر به جنگ صلیبی تهدید می‌شود، این ناشی از غفلتی است که متأسفانه در بسیاری از بخش‌های این امت بزرگ به چشم می‌خورد. همچنین ناشی از نیکپارچه نبودن این حجم عظیم و این پیکر بزرگ است. ما به سهم خود به عنوان ملت ایران، به عنوان پرچمداران اسلام، به عنوان منادیان استقلال و عزت و شرف یک ملت، نباید این آسیب‌ها را به درون خود راه دهیم.»

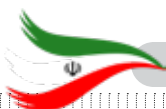
از نظر مقام معظم رهبری نیاز اساسی کشور، تلاش هماهنگ

خطر را در مقوله سازندگی و رشد اقتصادی در کشور به صدا درمی‌آورند و هشدار می‌دهند که نباید عدالت اجتماعی در تمامی ابعاد آن به خصوص در بعد اقتصادی فراموش شود. ایشان می‌فرمایند: «در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت‌ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر ادامه قسط و عدل در جامعه باشد رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی نیست، بلکه رشد اقتصادی جزوی از هدف ماست و جزو دیگر عبارت از عدالت است هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که با خودش به تنهایی یا در مجموعه برنامه‌ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند، والا اگر ما از عدالت اجتماعی دور کند به فرض بر این که رشد اقتصادی منتهی شود کافی نیست.»

بنابراین از دیدگاه مقام معظم رهبری از جمله تهدیدات انقلاب اسلامی ایران آفتی به نام بی‌عدالتی است که از این رو باید با تمام توان در تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و قضایی و در ساختار جامعه روح عدالت دمیده شود وگرنه فلسفه انقلاب اسلامی زیر سؤال می‌رود بر همین اساس به همه سفارش و هشدار دادند که: «مسئولان اجرایی، قضایی، قانون‌گذاری، روحانیون، گویندگان، روزنامه‌نگاران و روشنفکران باید بدانند که اگر جهت‌گیری عدالت اجتماعی در کشور ضعیف شود، هر کاری در کشور انجام گیرد به زبان طبقات ضعیف و به سود عده‌ای معدود؛ زنگ‌ها و قانون‌دان‌های قانون شکن تمام خواهد شد و عامه مردم بی‌نصیب خواهند ماند.»

از نظر مقام معظم رهبری عمده‌ترین نیاز امروز کشور به عدالت است ایشان در این زمینه گفته‌اند: «برادران و خواهران عزیز! نیاز عمده امروز کشور ما عدالت است، مردم از تبعیض رنج می‌برند مسئولان کشور که به حمدا... مسئولان ارشد کشور مؤمن و پاکیزه‌اند، اگر آنچه را که نیاز حقیقی مردم است می‌خواهند، باید به عدالت ببنندیشند. اگر فکر و اندیشه عدالت در دل‌ها زنده باشد، آن‌گاه فرصت کار و توفیق برای بازکردن گره‌های یکی یکی به وجود خواهد آمد، بیکاری و تنبلی اقتصادی و مشکلات مردم که در زمینه‌های فرهنگی وجود دارد حل شود و رشد علم در دستگاه‌ها ممکن خواهد شد. ملت عزیز ایران با ایمان ناب و پاکی که دارد و با اعتمادی که به نظام اسلامی به حمدا... وجود دارد، خواهد توانست در مقابل تهدیدهای جهانی همچنان با استقامت و سرافرازی و با قدرت و شهامت بایستد و متجاوزان سلطه طلب و سیطره طلب جهانی را از نزدیک شدن به مرزها و حریم این ملت برحذر دارد.»

از نظر آیه‌ها... خامنه‌ای استقرار عدالت اجتماعی راه اصولی علاج فقر است. ایشان در این زمینه اظهار داشته‌اند: «البته علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای از راه استقرار عدالت و نظام عادلانه در محیط جامعه است، تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند نتوانند ثروتی را که حق همگان است به سود خود مصادره کنند، این یک وظیفه دولتی و حکومتی است. اما مردم هم به نوبه خود وظیفه





دشمنان ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی فقط به این دو موضوع می‌توانند امید داشته باشند؛ یکی ناکارآمدی نظام را به مردم القا کنند، یعنی بگویند این نظام نمی‌تواند خواسته‌های مردم را برآورده کند و با القای آن به مردم ارتباط مستحکم با نظام اسلامی را از بین ببرند. دوم این که دسته‌بندی و اختلاف ایجاد کنند. این دو نقطه امید برای صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها، استکبار و دشمنان نظام اسلامی وجود دارد، همه متوجه این دو نقطه باشند،

از نظر مقام معظم رهبری دشمن در تلاش برای القای یأس و ناامیدی به ملت و مسئولین است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «بعضی‌ها خودشان را کوچک می‌شمارند، بعضی نیروی خودشان را ندیده می‌گیرند، بعضی آن استعداد و حرکت و انرژی عظیمی را که در درون این ملت و دستگاه مدیریت این کشور از مجموعه قوا وجود دارد دست کم می‌گیرند. این هم جزئی از تبلیغات دشمن است. همه تبلیغات دشمن این است. بدبخت شدید، بیچاره شدید، از بین رفتید، تمام این تبلیغات مربوط به امروز نیست، سال‌ها دارند همین مطالب را تکرار و ترویج می‌کنند و من حالا نمونه‌های متعددی در ذهن دارم که یاد هست، اما نمی‌خواهم وقت را به این مسائل بگذرانم و هدف هم چیزی جز این نیست که شما را وادار کنند تا از موضع خود عقب‌نشینی کنید.»

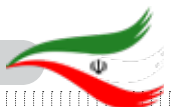
سلب اعتماد مردم از کارایی نظام از جمله مواردی است که می‌تواند آسیب جدی به انقلاب بزند. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در جای دیگر در این باره اظهار داشته‌اند: «یکی از مسائلی که آن‌ها به شدت دنبالش هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است. بعضی حرف‌هایی که می‌شنوید تصادفی نیست که کسانی بیایند درباره نظام اسلامی بحث کنند و بحران مشروعیت نظام را مطرح سازند؛ مشروعیت نظامی که با آرای مردم و با مجاهدت مردم و با این همه احساسات و عواطف مردم سرکار آمده است، با این همه مشکلات دست و پنجه نرم کرده است. از این همه دشمنی‌ها و مقابله‌ها سرفراز بیرون آمده و همه مردم هم به فکر کمک به هم بوده‌اند. آن وقت بیایند این نظام را زیر سؤال ببرند. بحران مشروعیت این‌ها تصادفی نیست؛ بعضی حرف‌هایی که می‌بینید در بعضی از تریبون‌ها پخش می‌شود، همه در جهت همین تصویرسازی منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد مردم است که آن مقصود حاصل شود؛ یعنی گسستگی پیوند میان مردم و نظام، تا خیال دشمن آسوده شود.» □

و متحد مسئولان نظام است. ایشان در این زمینه اظهار داشته‌اند: «مسئله اساسی که امروز کشور و ملت ما به آن احتیاج دارد این است که مسئولان کشور در یک جبهه واحد تلاش متحد و هماهنگی را برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم شروع کنند.»

و از طرفی مقام معظم رهبری مسئولان نظام را از اختلاف و دشمنی با یکدیگر بر حذر می‌دارند و می‌فرمایند: «توصیه مؤکد من به مسئولان این است که در این سطوح مدیریتی نظام دشمنان با ایادی خود می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند، دشمن این را می‌خواهد و اصرار دارد که مدیران کشور را در جبهه‌های متفاوتی نشان دهد. آرزوی دشمنان است که قوای سه‌گانه به جان هم بیفتند؛ مجلس به جان قوه قضاییه به جان دولت و دولت به جان قوه قضاییه. مسئولان باید هشیار باشند و نگذارند. بدانند امروز کشور به چه چیزی نیاز دارد.»

□ ناکارآمدی نظام

از آن جا که پایداری نظام جمهوری اسلامی و تأثیرگذاری انقلاب در سطح بین‌المللی بسته به موفقیت و کارآمدی و توان مدیریتی قوی در سطح داخلی و جهانی است، لذا دشمنان انقلاب اسلامی برای شکست انقلاب در صدد القای ناکارآمدی نظام برآمده‌اند. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در این زمینه گفته‌اند: «آن‌ها (دشمنان انقلاب) می‌توانند دو کار انجام دهند؛ خواهش می‌کنم مسئولین کشور، مدیران گوناگون بخش‌ها و آحاد مردم به این نکته توجه کنند،



اندیشه انقلاب



- عزت ایران در زمان پهلوی، افسانه‌ای غیرقابل اثبات است
- انقلاب برای خدا
- دین در ایران، دست‌مایه انقلاب شد

گفتگو با دکتر مظفر نامدار درباره مقایسه عزت و غرور ملی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی

عزت ایران در زمان پهلوی افسانه‌ای غیر قابل اثبات است

سقوط رژیم پهلوی ضربه سختی به حیثیت آمریکا در سراسر جهان بود؛ دستگاهی که ژاندارم او در منطقه خاورمیانه بود، به یکباره فروپاشید. جالب آن که آمریکایی‌ها چنان به شاه ایمان داشتند که با وجود آغاز فرایند انقلاب نیز سقوط شاه را امکان پذیر نمی‌دانستند. با سقوط شاه همه به دنبال این بودند که ببینند حکومت تازه تأسیس به شرق گرایش می‌یابد یا غرب. عزت ملی در این جا بود که به شکلی شفاف متبلور شد: در شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» در همین باره با دکتر مظفر نامدار گفتگو کرده‌ایم. وی از محدود محققانی است که در تحلیل تاریخ انقلاب اسلامی به سراغ اسناد اصیل و خاطرات می‌رود. «چند قطره خون برای آزادی»، «در حسرت تجدد و ترقی: بازخوانی علل ناکارآمدی و ناکامی مدرنیسم در ایران» و «رهیافتی بر میانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صد سال اخیر» از جمله آثار این پژوهشگر تاریخ معاصر است. ■

امروز یکی از موضوعات مورد بحث، اهمیت مقوله عزت و غرور ملی در مناسبات بین‌المللی است. از سوی دیگر، تبلیغی است که از سوی دشمنان انقلاب اسلامی درباره برخورداری ایران از عزت و غرور ملی در رژیم طاغوت انجام می‌شود. به نظر جنابعالی این رویکرد تبلیغاتی با چه هدفی صورت گرفته است؟

این که عده‌ای مطرح می‌کنند ایران در دوره رژیم طاغوت از پرستیژ و عزت ملی برخوردار بوده، هم داستان جالبی است و هم ناشی از جهل تاریخی است. کشوری که در آن کاپیتولاسیون وجود دارد، آن هم در دورانی که هیچ ملتی تحت سیطره رژیم کاپیتولاسیون نیست و کشوری که اروپایی‌ها برای حضور در آن حق توحش می‌گیرند و همچنین کشوری که دولتمردان آن می‌گویند آدم خجالت می‌کشد وقتی هر جای مملکت می‌رود، حضور و سیطره آمریکایی‌ها را در آن جا می‌بیند، این کشور چه عزتی دارد؟ از سال ۴۳ به آمریکایی‌ها کاملاً مصونیت‌های مستشاری داده شد. توجه بفرمایید که مصونیت‌های دیپلماتیک با مصونیت‌های مستشاری متفاوت است. حق قضاوت کنسولی ربطی به مصونیت‌های دیپلماتیک ندارد. مصونیت‌های دیپلماتیک در همه کشورهای وجود دارد. در حالی که مستشار فردی خارجی است که شما او را استخدام می‌کنید و حقوقش را می‌دهید؛ در واقع کارمندی است که شما استخدام کرده‌اید. آمریکایی‌ها به دلیل این که بیش از شصت هزار نیروی نظامی و غیرنظامی در ایران داشتند، از مصونیت‌های مستشاری در ایران برخوردار بودند؛ یعنی اگر یک ایرانی به تعبیر امام خمینی،

سگ آمریکایی‌ها را زیر می‌گرفت، محاکمه می‌شد، ولی اگر یک آمریکایی شاه مملکت را با ماشین زیر می‌گرفت، شما حق محاکمه او در داخل کشور را

نداشتید. آیا این عزت است؟ کسانی که چنین ادعایی می‌کنند، حداقل اسناد تاریخی را از زبان دولتمردان آن زمان بخوانند تا متوجه شوند که اصلاً چنین چیزی وجود خارجی نداشته است. این ادعاها افسانه‌هایی غیر قابل اثبات است. اگر غرور و عزت ملی در دوره طاغوت وجود داشت، چرا مردم انقلاب کردند؟ مردم که از فرط خوشی انقلاب نمی‌کنند. اکثر محققان دلیل انقلاب را تحقیر شدن، نداشتن استقلال، منکوب شدن عزت ملی، فقر اقتصادی، به هم خوردگی بافت‌های اجتماعی یا نادیده گرفتن ارزش‌های اجتماعی می‌دانند.

مردم اصلاً برای همین به





دکتر نامدار:

ژاندارمی شاه در

منطقه چه سودی

برای مردم ایران

داشته است؟

آیا مردم ایران

پیشرفته تر شده

بودند؟ آیا اوضاع

اقتصادی مردم

بهبتر شده بود؟ آیا

امکانات بیشتری

به دست آورده

بودند؟ یا درآمد

سرانه آن‌ها بیشتر

شده بود؟ شاه

همهٔ درآمدهای

نفتی این مملکت

را یا صرف تجهیز

تسلیحاتی کرده بود

تا بتواند نگرهبان

منافع قدرت‌ها در

منطقه باشد و این

قدرت‌ها به دلیل

خوش خدمتی،

او را از حکومت

ساقط نکنند و یا

آن را در بانک‌ها

و بنیادهای

خانوادگی خود در

داخل و خارج از

کشور سرمایه‌گذاری

می‌کرد

شخص خود شاه نمی‌دانستند، بلکه این بی‌اعتنایی را متوجه هویت و اصالت کشوری دانستند. علی‌رغم این که باید از مفتضح شدن شاه اظهار خوشحالی می‌کردند، اما هر وقت یاد آن صحنه می‌افتادند عصبی و ناراحت می‌شدند. در کل شعار بسیار معروف حضرت امام (ره) که همه باید به آن توجه کنند، «ما می‌توانیم» است. حضرت امام (ره) واقعاً به این شعار معتقد بودند و آن را مایهٔ عزت می‌دانستند. ممکن است به چیزی که می‌خواهیم نرسیم، اما همین که این ما بودیم که تصمیم گرفتیم و تا آخرین لحظه نیز تلاش کردیم، اهمیت دارد، حتی اگر به هر دلیلی به هدف نرسیده باشیم. به محض برخورد با یک مشکل، به دلیل این که پول یافت دارید که نباید سریعاً منت غربی‌ها را بکشید. در صحبت‌های حضرت امام (ره) به صورت پراکنده به این نکته فراوان اشاره شده است. حضرت امام (ره) قبل از انقلاب نیز برای قشر دانشجو که به هر حال تولیدکنندهٔ دانش کشور در جهت ارتقای عزت ملی بودند، ارزش زیادی قائل بودند و آن‌ها را سرمایه‌های کشوری دانستند. بنابراین حضرت امام (ره) به داشته‌ها و سرمایه‌هایی که در مسیر تولید فرهنگ کشور قرار می‌گرفتند، بسیار معتقد بودند.

در سال‌ها و ماه‌های اخیر، رسانه‌های غربی بسیار تلاش کرده‌اند در مقابل جمهوری اسلامی و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی غیریت‌سازی کنند. رویکردی که در زمان شاه به نام ژاندارمی منطقه مطرح بود، این روزها بسیار تبلیغ می‌شود. در برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای آنچه نشان داده می‌شود، تبلیغات دربارهٔ عظمت و عزت شاه است. به نظر شما، ژاندارمی منطقه چقدر برای شاه و دوران سلطنت پهلوی عزت کسب کرده است؟

ژاندارمی شاه در منطقه چه سودی برای مردم ایران داشته است؟ آیا مردم ایران پیشرفته‌تر شده بودند؟ آیا اوضاع اقتصادی مردم بهتر شده بود؟ آیا امکانات بیشتری به دست آورده بودند؟ یا درآمد سرانهٔ آن‌ها بیشتر شده بود؟ شاه همهٔ درآمدهای نفتی این مملکت را یا صرف تجهیز تسلیحاتی کرده بود تا بتواند نگرهبان منافع قدرت‌ها در منطقه باشد و این قدرت‌ها به دلیل خوش خدمتی، او را از حکومت ساقط نکنند و یا آن را در بانک‌ها و بنیادهای خانوادگی خود در داخل و خارج از کشور سرمایه‌گذاری می‌کرد.

معمولاً خان‌ها بر رؤسای پاسگاه‌ها تأثیر داشتند. ژاندارم‌ها هر دستوری که خان‌ها می‌دادند، اجرا می‌کردند و دیگر نیازی نبود که خان‌ها هزینه کنند و برای خود دارو دسته درست کنند. ژاندارمی منطقه نیز با توجه به اسناد آن دوران چنین معنایی داشت؛ یعنی آمریکایی‌ها با هزینهٔ مردم ایران منافع خود را از طریق رژیم شاه تأمین می‌کردند و دیگر نیازی نبود که برای ایجاد پایگاه، لشکرکشی کردن و نا آوردن، هزینه‌ای پرداخت کنند. شاه این کارها را برای آن‌ها انجام می‌داد. به نظر بنده، چنین چیزی برای مردم ایران عزت محسوب نمی‌شد و این فکر از ذهن‌های مریض بعضی از سلطنت‌طلب‌ها تراوش کرده است. □

خیابان‌ها ریختند و حاضر شدند وضع موجود را تغییر بدهند و امنیت و جان خود و فرزندان‌شان را به خطر بیندازند. بنابراین باید عرض کنم که این عزت و غرور ملی که از آن صحبت می‌کنند، در آن زمان وجود خارجی نداشت، زیرا در این صورت انقلاب کردن مردم بی‌معنا بود. مردم برای چه انقلاب کردند؟ آیا گذشتگان به همین میزانی که این آقایان ادعا می‌کنند، شعور نداشتند؟ بیشترین مخالفان رژیم پهلوی از قشر تحصیل‌کرده و دانشگاهی بودند. سازمان‌ها و احزاب دست این افراد بود. آیا آن‌ها نمی‌توانستند تشخیص بدهند که با انقلاب کردن، غرور و عزت ملی خود را از دست می‌دهند؟

پیش از انقلاب اسلامی حضرت امام (ره)، چه در داخل کشور و چه در خارج کشور و در زمان تبعید، به عنوان مبارز در مقابل حکومت پهلوی ایستاده بودند. از نظر حضرت امام (ره)، چه شاخصه‌هایی برای عزت ملی مطرح بوده است؟

در مصاحبه‌هایی که در آن دوران بعضی از نشریات خارجی با حضرت امام (ره) کرده بود یا در پیام‌هایی که سالانه حضرت امام (ره) برای اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی خارج از کشور می‌فرستادند، مشخص است که یکی از عناصر مورد تأکید ایشان در جهت عزت ملی، حفظ شأن و شخصیت ملی دانشگاهیان و روشن‌فکران ایرانی در مقابل تقلید کردن از غرب و اروپا بوده است. این نکته حتی بعد از انقلاب نیز مورد تأکید ایشان بود که فکر تقلید از کشورهای غربی برای پیشرفت، رشد و ترقی مملکت فکر غلطی است. حضرت امام (ره) از واژهٔ تقلید بدشان می‌آمد. به نظر ایشان، آنچه عزت ملی کشورها را ارتقا می‌بخشید، عدم وابستگی و ارزش قائل شدن برای استعدادهای داخلی بود. این اصلی است که در جهت حفظ هویت و گریز از غرب‌زدگی، از شاخص‌های تفکر حضرت امام (ره) محسوب می‌شود. در صحبت‌های ایشان برای دستیابی به عزت ملی، مکرراً بر تکیه کردن و اعتماد داشتن به منابع و استعدادهای داخلی کشور تأکید شده است. این چیزی است که در دورهٔ پهلوی اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است.

در جمهوری اسلامی نیز عده‌ای داشته‌های کشور را در این زمینه ناچیز و اندک می‌دانستند، در حالی که حضرت امام (ره) اصلاً چنین اعتقادی نداشتند. حضرت امام (ره) به متخصصان داخلی بسیار احترام می‌گذاشتند و آن‌هایی را که بدون تقلید کردن از غرب در ایران ماندند، مایهٔ شرف ملی می‌دانستند. در واقع تربیت چنین افرادی را برای کشور لازم می‌دانستند. به ارتش نیز به عنوان نماد شرف ملی توجه زیادی داشتند. ظاهراً در جایی رئیس‌جمهور آمریکا یا انگلیس به شاه ایران پشت کرده و با تحقیر با او برخورد کرده بود. نقل است که حضرت امام (ره) می‌فرمودند هر وقت به یاد این صحنه می‌افتند، جگرشان آتش می‌گیرد. درست است که شاه را قبول نداشتند، اما چون شاه در این دوران نماد ایران بود، این که شاه این مملکت در جایی حضور داشته و به او بی‌اعتنایی شده است فقط متوجه



جایگاه تاریخی و تمدنی انقلاب اسلامی
در گفتگو با دکتر موسی نجفی

انقلاب اسلامی حلقه وصل گذشته حال و آینده ایران است

رهبرانقلاب دربیانات اخیر خود از مفهومی تحت عنوان «عظمت ایران» به عنوان امری تاریخی صحبت کرده‌اند و البته دوره دویست ساله قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را از این موضوع مستثنا می‌کنند. قبلاً هم ایشان از «عمق تاریخی» به عنوان یکی از عناصر «هویت ملی» یاد کرده بودند. برای شروع بحث می‌خواهیم تبیین شمارا از این موضوع و ابعاد مختلف آن بدانیم.

یک بحث این است که ما عمق تاریخی و عظمت ایران را چه بینیم. یک سؤال دیگر این که آیا این موضوع نسبتی با هویت ملی ایران دارد؟ و بعد این که رهبرانقلاب از این بحث چه استفاده‌ای در ارتباط با شرایط امروزی کنند؟ نکته دیگر این که عظمت تاریخی در یک جاهایی مورد خدشه قرار گرفته است.

اولین بحث این است که همه ملت‌ها تاریخ ندارند. برخی ملت‌ها در یک مقطعی از تاریخ، حضور و عظمتی داشتند، ولی

«عظمت ایران» به عنوان «امری تاریخی» یکی از موضوعاتی بود که رهبر انقلاب در اجتماع بسیجیان در ورزشگاه یکصد هزار نفری آزادی درباره آن سخن گفتند. پیش از این نیز حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای «عمق تاریخی» را یکی از عناصر سه‌گانه سازنده «هویت ملت ایران» بر شمرده بودند. گفتگو با دکتر موسی نجفی، استاد و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای بررسی بیشتر این موضوع و ارتباط آن با پدیده‌هایی چون «حضور و نفوذ قدرت‌های استعماری در ایران» و «نهضت‌های تاریخی ملت ایران» انجام شده است. ■





دکتر نجفی: الان
انقلاب به نظام
تبدیل شده است؛
یعنی انقلاب
در سیر تکاملی
خود، رژیم شاه
را سرنگون کرده،
استعمار را بیرون
رانده و نظام را
ایجاد کرده است.
حالا این انقلاب
چه چیزی را
نفی می‌کند؟
قدرت‌های بزرگ
را. در نهضت
بیداری اسلامی
عنصر نفی و
ساختارشکنی
وجود دارد. قبلاً
این ساختارشکنی
علیه استعمار، نظام
پهلوی و حکومت
رجال فاسد بود و
الان خود نظام،
ضد استعمار است

ببیند، این محکم‌تر می‌شود. این ادامه‌دهندگی هم به این معناست که این برای آینده هم یک مقدمه است و همین طور که ما امروز معلول گذشته هستیم، علت آینده هم هستیم؛ این می‌شود نظریه پیوستگی. این پیوستگی در نظریه مدرن و نظریات جریان روشنفکری ما دیده نمی‌شود. رهبر انقلاب، گذشته را یک منبع الهام می‌داند و این عقبه تاریخی را مهم می‌شمارند.

به این موضوع اشاره کردید که شاید ملتی نباشد که در گذشته خودش، نقطه منفی نداشته باشد. یکی از مواردی که نقطه منفی محسوب می‌شود همین روندی است که به عنوان نفوذ استعماری در دویست سال اخیر در کشورمان وجود داشته است. ما از دوره‌ای در کشورمان «استبداد وابسته» را شاهد هستیم که حکومت علاوه بر این که مستبد است، وابسته به بیگانگان هم هست. از نظر شما این جریان از جنبه فرهنگی و تاریخی و اثرگذاری بر روحیات مردم چگونه بوده است؟

ما در دوره صفویه، حضور خارجی‌ها را به این شکل نداشته‌ایم؛ با عثمانی‌ها جنگ داشتیم و از اروپایی‌ها علیه پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها یا عثمانی‌ها کمک گرفته‌ایم، اما حضور استعماری بیگانگان را نداشته‌ایم. یک علت این است که صفویه، دولت قدرتمند و مقتدری بود و دولت‌های غربی نمی‌توانستند بر آن تسلط پیدا کنند. اما در دوره قاجاریه، فضا فرق کرد. صفویه مصادف با دوره رنسانس در غرب است و قاجاریه مصادف با انقلاب فرانسه است و همین انقلاب فرانسه بود که رنسانس را شکوفا کرد و به یک تعبیری انقلاب فرانسه رنسانس را به آرامش رساند. اما در کشور ما صفویه به آرامش نرسید و ملت‌تهدت‌تر شد. در حقیقت می‌شود گفت صفویه و مشروطه در انقلاب اسلامی به آرامش رسیدند نه در مشروطه. صفویه، تاریخ قدیم و سنتی ماست و مشروطه، تاریخ مدرن ماست و این دو، در انقلاب اسلامی به آرامش رسیدند.

اثرات فرهنگی استعمار در ایران خیلی زیاد است. یکی از موارد مهم «مانعی توانیم» است که خیلی سعی کردند این روحیه را به ما القا کنند. یک عده از روشنفکران هم تلاش کردند عقب‌ماندگی‌ای که ما از اروپایی‌ها داشتیم را نهادینه کنند و جا بیندازند، اما انقلاب اسلامی مانع نهادینه شدن این روحیه شد. در حقیقت یکی از نمادهای عقب‌ماندگی، «احساس تحقیرشدگی» است. البته احساس تحقیرشدگی هنوز هم ادامه دارد؛ این‌گونه نیست که بگوییم با انقلاب اسلامی این مسئله تمام شده است. مثلاً این سیل کارشناس‌های خارجی که در فوتبال و ورزش وجود دارد، یعنی همین «مانعی توانیم» ما در صنعت موشکی و هسته‌ای که به مراتب حساس‌تر و استراتژیک‌تر است و غربی‌ها و شرقی‌ها هم به ما نمی‌دهند، به برکت شخصیت‌هایی مثل طهرانی مقدم رشد کردیم و روحیه «مانعی توانیم» در صنعت موشکی و هسته‌ای جا افتاده، اما در مسئله‌ای مثل فوتبال نه!

بنابراین در بعضی بخش‌ها هنوز روحیه «مانعی توانیم» کامل جا نیفتاده است. در طول تاریخ، در یک دوره‌هایی ظهور این روحیه خیلی شدیدتر است. اصلاً یک علت رخ دادن انقلاب در

بعد از آن، عظمتشان قطع شده و امروز هم در صحنه سیاسی دنیا دیده نمی‌شوند؛ ممکن است باشند، ولی عظمت ندارند. عظمت این ملت‌ها در آن دوره‌ها ممکن است از لحاظ نظامی، فرهنگی یا سیاسی بوده باشد؛ مثلاً مغول‌ها یک روزی نصف بیشتر دنیا را گرفتند، اما امروز مغول و مغولستان در صحنه جهانی عددی نیست. یا ویتنامی‌ها یک روزی در مقابل با آمریکا الگو بودند، ولی امروز ملت یا حکومت ویتنام دیده نمی‌شوند و در روابط بین‌الملل مؤثر نیستند.

ما باید دو گروه از ملت‌ها را از یکدیگر جدا کنیم: ملت‌هایی که زمانی تاریخ بزرگی داشتند، ولی امروز ندارند و دیده نمی‌شوند؛ و مللی که امروز دیده می‌شوند، ولی تاریخی ندارند؛ مثل آمریکا. در واقع بهترین مثال این قضیه آمریکا است که قدرت اول جهان است، اما تاریخی ندارد؛ یعنی در میراث هویت ملی‌شان، تاریخی وجود ندارد و اتفاقاً سراسر این موضوع یک عقده‌ای هم دارند.

بنابراین ملت‌هایی هستند که گذشته تاریخی دارند، اما امروز مطرح نیستند و ملت‌هایی هم هستند که امروز مطرحند، ولی گذشته ندارند. ما جزو هیچ کدام از این‌ها نیستیم. ما ملتی هستیم که هم گذشته داشتیم و هم امروز مطرح هستیم. این‌ها که گذشته داشته‌ایم نشان دهنده این است که تاریخ داریم و این‌ها که امروز مطرح هستیم به خاطر انقلاب است. در واقع اتفاقی که نسبت به گذشته ما افتاده و باعث شده تا ما امروز در دنیا مطرح باشیم، همین انقلاب است.

از این‌جا می‌توانیم به این نکته پی ببریم که انقلاب اسلامی با گذشته‌های تاریخی ما ارتباط دارد و قطع ارتباط نکرده است؛ چون هم گذشته داریم و هم امروز در صحنه جهانی اعتبار داریم و از این‌جا می‌توانیم به دو نظریه برسیم: نظریه پیوستگی و نظریه گسستگی. بعضی‌ها می‌گویند تاریخ جدید و مدرن نسبت به تاریخ کشورهای ریشه‌دار، یک تاریخ گسسته است؛ یعنی از یک جایی که این کشورها مدرن می‌شوند، این تاریخ دیگر ادامه آن تاریخ گذشته نیست و یک چیز جدیدی شروع می‌شود که هیچ نسبتی با گذشته ندارد. مثلاً اوایل مشروطه برخی از مشروطه‌خواهان می‌گفتند این تحول با گذشته ارتباط ندارد. در انقلاب اسلامی هم اول این‌طور شد؛ یعنی بعضی می‌گفتند با گذشته ارتباطی نداریم و گذشته ما تاریک و شاهنشاهی بوده است. اما امروز این نظر عوض شده و معتقدیم ما یک ملت کهن و ریشه‌دار هستیم و گذشته خوبی داشته‌ایم؛ البته نکات منفی در هر ملتی وجود دارد.

این نشان می‌دهد که ما در نظریه گسستگی نیستیم، بلکه در نظریه پیوستگی هستیم. یعنی انقلاب اسلامی ما را به گذشته خودمان به‌طور پیوسته وصل می‌کند و این را تا آینده ادامه می‌دهد. در حقیقت این انقلاب می‌خواهد گذشته، حال و آینده را به هم وصل کند. و چون پیوسته نگاه می‌کنیم، تاریخ برای ما یک منبع الهام و هویت می‌شود. عمق تاریخی‌ای را که رهبر انقلاب مطرح می‌کنند، باید با این زاویه نگاه کنیم. ما جزو ملت‌های زنده و مطرح دنیا هستیم که اتفاقاً ریشه و گذشته هم داریم. همین ریشه و گذشته باعث می‌شود که درخت تناور امروز به راحتی قابل قطع کردن نباشد. یعنی انقلاب هرچه ریشه‌های خودش را در گذشته نه به نحو گسسته، بلکه به نحو پیوسته

هم دارد؟ بله، این انقلاب، ساختارشکنی‌اش را در نظام بین‌الملل به وجود آورده است. چه کسی گفته قدرت‌های جهانی حق دارند سلطه‌گرو زورگو باشند؟ ضدانقلاب داخلی، هژمونی قدرت‌های استعماری را قبول می‌کند و می‌خواهد ساختارشکنی انجام بدهد! امثال شعار «نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران»، شعارهای انحرافی‌ای هستند که همین موضوع را نشان می‌دهند. جریان ضدانقلاب ساختارشکنی را به داخل می‌آورد، اما با استعمارکاری ندارد.

این، بیداری اسلامی در مقابل بحران هویت و وضعی است که در دوره قاجار و پهلوی داشته‌ایم. در جمهوری اسلامی نهضت به نظام تبدیل شد. انقلاب اسلامی، پیوستگی تاریخی را با گذشته، اسلام و ایران حفظ کرده و به این‌ها معنا و مفهوم داده است و در نظام سیاسی، دوباره هویت را از بیداری اسلامی گرفته و همچنین نهضت را به نظام برگردانده است.

ما امروز شاهد تغییرات نسلی در جامعه خودمان هستیم. نسل جوانی برآمده که آن دوره وابستگی را ندیده و شاید ارزش استقلال چندان برایش ملموس نیست. اگر بخواهیم یک نسل جوان به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «انقلابی، طرفدار استقلال و بیزار از تحقیر و تحقیرشدگی» داشته باشیم، چه باید بکنیم؟ شما بانگه تاریخی، توجه به چه نکاتی را برای تربیت چنین نسلی مهم می‌دانید؟

نسل جوان جدای از فضای موجود سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشور نیست. اگر انقلاب در یک مرحله متوقف شود، ریزش‌ها شروع می‌شود. رهبر انقلاب هم اخیراً از «ریزش و رویش نسل جوان» صحبت کردند. این ریزش همزمان با آن جریان انحطاطی است که می‌خواهد رشد انقلاب را متوقف کند و حتی به عقب برگرداند و کاری کند تا ما در شعارهای انقلابی و هویتی خودمان شک کنیم. این کار را دارند انجام می‌دهند. مقابله با این جریان هم این است که انقلاب، عمیق‌تر به شعارهای خودش برسد. اگر انقلاب به شعارهای خودش نرسد شعارهای خودش را پیگیری نکند، آن توقف و آن ریزش و آن عقب‌گرد اتفاق خواهد افتاد.

یعنی شما گفتمان انقلابیگری و پُررنگ شدن آن راه حل این موضوع می‌دانید؟

بله، اما گفتمان انقلابیگری در حال حاضر با انقلابیگری دهه شصت تفاوتی هم دارد. انقلابیگری امروز به مرحله نظام سیاسی و تمدن نوین اسلامی رسیده است. انقلابیگری الان باید از منظر شاخص‌های تمدن نگریسته شود، نه بدون آن. البته عناصر قبلی هم در آن هستند، اما نه فقط عناصر قبلی. انقلاب سه مرحله دارد؛ یک مرحله نهضت دارد و براندازی، یک مرحله نظام سیاسی دارد که همان جمهوری اسلامی است و یک مرحله بالاتری دارد به عنوان تمدن نوین اسلامی. نظام جمهوری اسلامی با لیبرال دموکراسی رقیب است نه با تمدن غرب. در صورتی که تمدن اسلامی با تمدن غرب رقیب است. الان شما این هویت و انقلاب و عزت و همه را باید در سطح بعد از نهضت و نظام سیاسی نگاه کنید؛ یعنی مرحله تمدن. در واقع این هویت تکامل پیدا کرده است. □

دهه چهل، بحث «کاپیتولاسیون» بود که ریشه آن به همین «مانمی‌توانیم» برمی‌گشت؛ وقتی ما نمی‌توانیم، دیگران به کشور ما می‌آیند و مصونیت قضائی می‌گیرند. در مقابل این فضا، ما یک بیداری اسلامی داریم که این بیداری اسلامی ریشه انقلاب اسلامی، کشور ما زبیه کشورهای اسلامی جلوتر است.

شما نهضت‌های تنباکو، مشروطه، صنعت نفت و بعدها پانزده خرداد و انقلاب اسلامی را در نسبت با مسئله حضور استعماری بیگانگان و پاسخ به آن می‌بینید؟

بله، حتماً. یکی از ویژگی‌های بیداری اسلامی، حضور استعمار است. مشروطه نتوانست نسبت ما را با صفویه و با گذشته معلوم کند. لذا دوره قاجار به یک تفاوتی که با دوره قبل از خودش دارد این است که قدرت‌های اروپایی خیلی قدرتمند شدند، ولی نظام سیاسی ایران مثل دوره صفویه قدرتمند نبود. این عدم توازن قدرت بین ایران و اروپایی‌ها و دلایل دیگر، باعث استعمار شد، اما کشور ما باز هم رسماً مستعمره نشد؛ ضعیف شد و روزگار خوبی هم نداشت، اما مستعمره هم نشد. اگر ایران مستعمره می‌شد، دیگر چیزی برای امروز باقی نمی‌ماند. وقتی نظام سیاسی قدرتمند نیست، نمی‌تواند جلوی خارجی‌ها بایستد؛ اما مردم می‌خواهند هویت داشته باشند و این هویت را نظام سیاسی قاجار یا پهلوی نمی‌توانست حفظ کند، اما بیداری اسلامی آن را حفظ کرد. لذا در آن دوره‌ها، آن جنبه استقلال و شخصیت ایرانی در نهضت‌ها خلاصه می‌شد نه در نظام سیاسی. برخلاف جمهوری اسلامی و صفویه که استقلال، عظمت و شخصیت ایران در نظام سیاسی دیده می‌شود نه در نهضت‌ها.

در واقع یک دوگانه «نظام و نهضت» تصویر می‌کنید که در دوره‌هایی هویت مادر نظام سیاسی مان نمود داشته و در دوره‌هایی در نهضت‌ها درست است؟

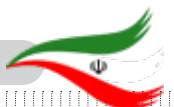
بله؛ الان ضدانقلاب‌ها و براندازها می‌خواهند از همین دوگانگی بین نظام و نهضت استفاده کنند و بگویند نهضت خراب است و شخصیت و هویت ما را گرفته، پس دوباره باید نهضت ایجاد بشود. در صورتی که این درست نیست و آن جایی که نهضت‌ها ایجاد می‌شوند، مخالفت با استعمار است. نهضت‌هایی مثل پانزده خرداد، ملی شدن صنعت نفت، مشروطه و... زمانی ایجاد می‌شوند که نظام سیاسی نمی‌تواند هویت را حمل کند و یک علت، همین نفوذ استعمار است؛ نه الان که جمهوری اسلامی خودش این بار را برداشته و می‌خواهد به مقصد برساند. لذا ضد این نظام، دیگر نهضت نیست، بلکه ضدانقلاب است که این‌ها که در دوره صفویه هم اگر نهضتی علیه صفویه به وجود می‌آمد، این نهضت، نهضت اصلی نبود.

شاید همین بحث رهبر انقلاب «که انقلابیگری فقط در داخل بسترو ساختار نظام، امکان پذیر است» و این که ایشان بین انقلاب و نظام، تفکیک مطلق و بنیادین نمی‌کنند را هم بتوان در مقابل این خط ضدانقلاب دید.

الان انقلاب به نظام تبدیل شده است؛ یعنی انقلاب در سیر تکاملی خود، رژیم شاه را سرنگون کرده، استعمار را بیرون رانده و نظام را ایجاد کرده است. حالا این انقلاب چه چیزی را رانی می‌کند؟ قدرت‌های بزرگ را. در نهضت بیداری اسلامی عنصر نفی و ساختارشکنی وجود دارد. قبلاً این ساختارشکنی علیه استعمار، نظام پهلوی و حکومت رجال فاسد بود و الان خود نظام، ضد استعمار است. به همین دلیل ما این دوگانگی نهضت و نظام را الان نمی‌توانیم داشته باشیم. اتفاقاً نسخه‌هایی که در آن طرف هم علیه نظام می‌پیچند، همین است. همه‌اش بحث از بحران هویت است. در صورتی که نهضت بیداری اسلامی و آن عظمت احیای تاریخی، خودش احیای هویت بوده است. در واقع براندازها نمی‌توانند نقش نهضت را بازی کنند و بگویند ما دنبال هویت هستیم چرا که هویت در خود نظام است. این‌ها در این براندازی دنبال هویت نیستند، بلکه دنبال بحران هویت هستند.

در بحثی هم که رهبر انقلاب دارند و عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی را برمی‌شمارند، «عمق تاریخی ایران»، «اسلام» و «انقلاب» در کنار هم مطرح می‌شوند.

«انقلاب» به «اسلام» و «ایران» جهت و مشخص می‌دهد؛ و این همان پیوستگی است. اگر انقلاب نباشد، ممکن است اسلام و ایران باشد، اما گسسته می‌شود. کما این که مشروطه هم در تبدیل انقلاب مشروطه به نظام مشروطه موفق نبود و از دل آن، با کمک خارجی، رضاشاه درآمد. اما از دل انقلاب اسلامی، رضاشاه در نیامده. پس این انقلاب خودش یک هویتی دارد. اما آیا ساختارشکنی



در باره نسبت معنویت‌گرایی و انقلاب

انقلاب برای خدا

| دکتر حواد سموری

مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی دگرگونی نگرش به انسان، جامعه، سیاست و حکومت بود. از این روتفکر سیاسی و فلسفه حکومت تحت تأثیر آموزه‌های امام خمینی (ره) دچار تغییرات زیادی شد. به گفته کلیم صدیقی، متفکر مسلمان انگلیسی تبار، «مهم‌ترین عامل موفقیت امام خمینی (ره) در سرنگونی سلطنت دودمان پهلوی و استقرار نظام بدیل، آلوده نشدن اندیشه و عمل ایشان به مفاهیم سیاسی مدرن بود. او هیچ‌گاه در انتقاد از رژیم پهلوی به بحران‌های عمومی اردوگاه امپریالیسم اشاره نکرد و نه از واژه‌هایی مانند بورژوازی، الیناسیون اجتماعی، مدرنیزاسیون، افزایش انتظارات، ناسازگاری سلطنت با توسعه صنعتی، فقدان جامعه مدنی و تفکیک شدن قوا، که در زبان سیاسی نیروهای مارکسیست، شبه مارکسیست و ناسیونالیست مخالف شاه متداول بود، در رویارویی با رژیم بهره جست... ستمکار و ظالم بودن شاه، نوکری شاه برای اجانب و بی‌دینی او، سه محور عمده در حملات امام خمینی (ره) به رژیم شاه بود، که از مفهومی روشن و همه‌گیر برخوردار بودند. ■

❑ خصلت‌های معنوی انقلاب

مقایسه اجمالی شعار انقلاب‌های مختلف معاصر و انقلاب اسلامی می‌تواند گویای تفاوتی عمیق و اساسی باشد. اهداف مادی، شعار مشترک انقلاب‌های معاصر بود به طوری که این ذهنیت شکل گرفت که انقلاب و دگرگونی کامل ساختار حکومتی و ایجاد نظامی جدید در واقع برای بهبود و توسعه اقتصادی، رفاهی و خدماتی است. هم‌زمان با حاکمیت این فرهنگ در جهان، انقلاب اسلامی با خصلت‌ها و ویژگی‌های خود تمامی معادلات و محاسبات و پیش‌بینی‌های متداول و متعارف جهان را برهم زد. «انقلاب به نام خدا»، «انقلاب معنوی»، «انقلاب دینی» و «انقلاب مستضعفین» از جمله عناوینی است که ناظران خارجی و نظریه‌پردازان به این حرکت انقلابی در دنیای معاصر داده‌اند.

حرکت‌های اجتماعی و سیاسی معمولاً برای رسیدن به اهداف گروهی، حزبی و قومی است. در این‌گونه حرکت‌ها ملاحظات اعتقادی، معنوی و خدایی وجود ندارد. بهبود زندگی مادی، رسیدن به قدرت، غلبه بر مخالفین و رقبا اصلی‌ترین هدف احزاب و گروه‌هاست، لذا در جریان فعالیت از هیچ‌گونه اقدامی و بهره‌گیری از هیچ‌گونه وسیله‌ای دریغ و کوتاهی نمی‌کنند. زیرا رسیدن به هدف مهم‌ترین خواست آن‌هاست و به این دلیل است که گفته‌اند، هدف وسیله را مباح می‌کند! یعنی استفاده از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف جایز و حتی لازم است.

عدم درک این واقعیت توسط غالب تحلیل‌گران خارجی، باعث برداشت‌های غیر واقع‌بینانه و پیش‌بینی‌های غلط در مورد انقلاب اسلامی شده است. ارائه نظریه‌هایی چون «عدم توسعه متوازن»، «پیشرفت و توسعه سریع اقتصادی»، «غربی‌سازی جامعه ایران» که معنای ضدیت انقلاب اسلامی با توسعه، علم و تکنولوژی را تداعی می‌کند، نمونه‌هایی از این‌گونه نظریه‌هاست.

به عبارتی روانشناختی می‌توان گفت که امام خمینی، اسلام و خداوند را به عنوان محبوب اصلی و نهادی شده مردم و رژیم ایران، جایگزین ایالات متحده کرد. شاه و امام به لحاظ رابطه با غرب فرق زیادی با یکدیگر داشتند. هم شاه و هم روحانیت هر دو می‌دانستند که در دیدگاه ایرانیان نسبت به غرب نوعی دوگانگی بنیادین وجود دارد. شاه این دوگانگی را در برتری غرب می‌دید و لازم می‌دانست که ایران به عنوان یک دولت و ایرانیان به مثابه افراد، برای به حداقل رساندن این دوگانگی خصوصیات غربی را بپذیرند.

امام خمینی با این دوگانگی به گونه‌ای متفاوت برخورد کرد، و برای برخورد با آن راه حل رضایت‌بخش تری در اختیار مردم ایران قرار داد. او نیز می‌پذیرفت که غرب به لحاظ علم، تکنولوژی، بهزیستی و اقتصادی بر ایران برتری دارد. اما استدلال می‌کرد این معیارها ناکافی و از لحاظ اخلاقی ورشکسته است. ایران و کلیه کشورهای جهان سوم زیر پرچم اسلام می‌توانند بر غرب برتری یابند.

مستضعفان باید نوعی اخلاق اسلامی را در خود پرورش دهند. در این صورت در پرتو اسلام، اجتماعی از مؤمنان شکل خواهد گرفت و زندگی در آن برتر از هر چیز در غرب خواهد بود. ایرانیان بسیاری بودند که از فرمول امام خمینی برای شکستن دیدگاه دوگانه خود نسبت به غرب و برون‌ریزی بی‌زاری خود نسبت به بیگانگان استقبال می‌کردند. ■



چه ویژگی‌هایی؟

تا قبل از انقلاب ایران، اساساً انقلاب‌ها برای گریز از دین اتفاق افتادند، در حالی که در انقلاب ایران، دین دست‌مایه انقلاب شد. قبل از انقلاب ایران، انقلاب‌ها بیشتر روستایی بودند، اما انقلاب ایران یک انقلاب شهری بود. در جاهای دیگر قدرت‌های بزرگ یا یک قدرت خارجی در تکوین و شکل‌گیری و تولد انقلاب کمک می‌کرده، اما در مورد انقلاب ایران اصلاً به این شکل نبود.

انقلاب‌ها معمولاً در شرایطی به پیروزی می‌رسند که رژیم مستقر دچار بحران می‌شد، در حالی که در ایران رژیم مستقر هیچ بحرانی نداشت. اگر در مهر ماه ۵۶ با مردم صحبت می‌کردید، کسی نمی‌گفت رژیم شاه سال بعدش دچار بحران و وحشتناکی خواهد شد. انقلاب‌ها معمولاً زمانی به پیروزی می‌رسند که ارتش به عنوان مهم‌ترین تکیه‌گاه قدرت‌های استبدادی - در یک جنگ خارجی یا جنگ داخلی - دچار ضعف می‌شد. در حالی که ارتش ایران در اوج سلامت خودش بود.

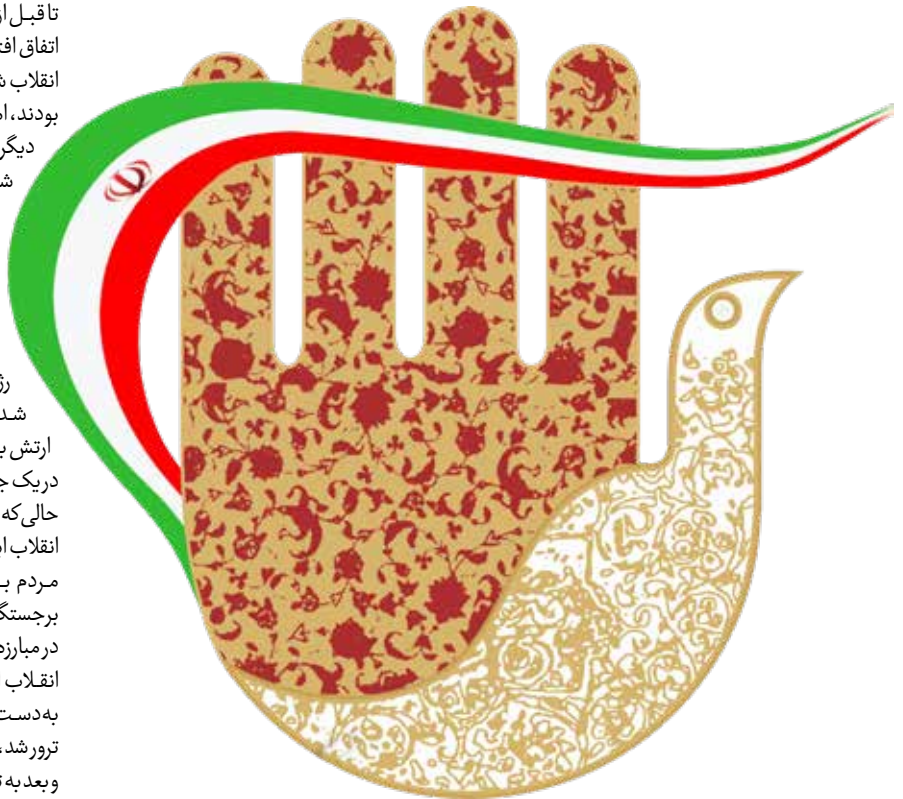
انقلاب ایران مبتنی بر مشارکت گسترده و میلیونی توده‌های مردم بود. عدم استفاده از خشونت هم یکی دیگر از برجستگی‌های انقلاب ایران بود؛ این شیوه حضرت امام (ره) در مبارزه بود. کمتر انقلابی می‌توانید پیدا کنید که به اندازه انقلاب ایران، مسئولین نظام مستقر تا پیروزی انقلاب به دست نخورده‌ترین حالت باقی بمانند. نه کسی از آن‌ها ترور شد، نه کشته دادند. در واقع اکثر آن‌ها فرار کردند و رفتند و بعد به تدریج مردند.

این عوامل و دلایل دیگر باعث شد که قالب‌های موجود نتوانند به طور کامل انقلاب ایران را تحلیل کنند. به همین دلیل، با انقلاب اسلامی ایران یک ساختار شکنی در قالب‌ها اتفاق افتاد که در نتیجه آن بعضی از نظریه‌های موجود برای تحلیل انقلاب‌ها خودشان را تصحیح و تکمیل کردند. علاوه بر این، تعدادی از نظریات جدید با انقلاب ایران متولد شدند.

خانم اسکاج پل، تئوری خود را در زمینه انقلاب‌ها تصحیح کرد. او می‌گفت که انقلاب‌ها از مقوله شدن هستند و در واقع فاعلی ندارند؛ در حالی که پس از انقلاب اسلامی ایران به این نتیجه رسید که عده‌ای، به شکل ارادی انقلاب کردند، طراحی و بررسی کردند و به هر حال انقلاب متولد شد.

برخی معتقدند مادر تحلیل اثرگذاری انقلابمان دچار خود

بزرگ بینی شده‌ایم، در حالی که واقعیت چیز دیگری است. عکسش هم صادق است. یک جاهایی سخن از این رفته که دچار خودبزرگ بینی شده‌ایم و یک جاهایی هم این عقیده شکل گرفته که ما اصلاً کسی نیستیم، عددی نیستیم، اصلاً اتفاقی نیافتاده است. بعضی‌ها می‌گفتند انقلاب ایران اصلاً بازتابی نداشته تا بخواهیم در موردش صحبت کنیم؛ در حالی که به اعتراف و اذعان دوست و دشمن، انقلاب ایران قطعاً یک انقلاب بزرگ در دنیا بوده است. دست‌کم هم‌وزن انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین بوده است. جان استمپل - وابسته سیاسی سفارت



گفتگو با دکتر محمدباقر خرمشاد

دین در ایران دست‌مایه انقلاب شد

محمد حسین وزارتی

برای رسیدن به یک چارچوب کلی برای تحلیل انقلاب اسلامی به نظرمی‌رسد که نیازمند یک تحلیل جامع از چگونگی پیدایش انقلاب هستیم. یعنی یکی از پارامترهای تحلیل کلان، بررسی علل پیدایش انقلاب است تا بتوانیم وضع امروزمان را با توجه به انگیزه‌ها و اهداف انقلاب مقایسه و تحلیل کنیم. آیا در مورد انقلاب ایران چنین تحلیلی وجود دارد؟

اساساً تحلیل انقلاب‌ها یکی از مباحث زنده جامعه‌شناسی سیاسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و به تعبیری علوم انسانی است. به گونه‌ای که شاید عده‌ای اساساً در نیم قرن گذشته - و قبل از آن - زندگی علمی‌شان را به همین پدیده اختصاص دادند. وقتی انقلاب اسلامی در ایران اتفاق افتاد، آن تحلیل‌گران تلاش کردند انقلاب ایران را در قالب‌های موجود، فهم کنند، اما انقلاب ایران ویژگی‌های خاص خودش را داشت که این ویژگی‌ها متمایزکننده انقلاب ایران با همه انقلاب‌های قبل از خودش است.



به خاطر سابقه‌ی درخشانش وجود دارد.

«ما می‌توانیم» که قبل از انقلاب و تا شروع مبارزات انقلابی در مردم ایران مرده و یا به تعبیر رهبر انقلاب «مانمی‌توانیم» بود، چگونه در عرض چند سال به صورت یک باور و اعتقاد در ملت ماشکوفاشد؟

مقدار قابل توجهی از آن به خود حضرت امام (ره) برمی‌گردد که ملت ایران را باور داشت و برای همین باور هم پانزده سال پای ملت ایران نشست و مداوم و مستمر این نهضت را با روش خاص خودش رهبری کرد. اساساً انقلاب ایران اوج «ما می‌توانیم» بود، در یک فضای سیاه و تاریک. ملت ایران با دست‌های خالی، به اعتراف همه تحلیل‌هایی که وجود دارد با قدرتمندترین کشور منطقه و قدرتمندترین کشور جهان، یعنی شاه و آمریکا مقابله کرد و علی‌رغم همه فشارها توانست خودش را شکوفا و باور کند. «ما می‌توانیم» را می‌توانید در فردای انقلاب با شکل‌گیری جهاد سازندگی، کمیته و سپاه و بچه‌هایی که در جنگ پای کار آمدند، ببینید.

در جنگ، اختلاف بین دو تفکر کلاسیک و شیوه جنگ‌های جدید بود. تاکتیک‌های جنگی که مبتنی بر الگوهای جنگ ایران و عراق ابداع شد از همین تفکر ناشی می‌شد. تفاوت روش‌های کلاسیک بنی‌صدر- تازه اگر او را خیانتکار ندانیم- با بقیه در این بود که اصلاً باور به «ما می‌توانیم» نداشت و زمانی فضای جنگ برگشت که «ما می‌توانیم» غلبه کرد و تبدیل به حرکت‌ها و اتفاق‌های پیروزمندانه شد.

اما ویژگی دیگری که به لحاظ کیفی می‌شود بیان کرد، روح دین اسلام است. اسلام نه دنیاگرایی مطلق است، نه آخرت‌گرایی مطلق. چیزی بین این دو است. حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: «کُنْ لِدُنْيَا كَاتِكْ تَعِيْشِ اِبْدَاوْ كُنْ لِآخِرَةِ كَاتِكْ تَمُوْتْ غَدًا»؛ در واقع ماده و معنا را مشترکاً دیده است. ملت ایران نیز به تبع اسلام، چنین خصوصیتی دارد؛ گرچه این معنا هنوز به طور کامل محقق نشده است. این همان نگاه انقلاب اسلامی است که انسان را دو ساحتی- مادی و معنوی- می‌بیند. در شرایطی که دنیای ماده‌زده امروز با مشکلات معنوی زیادی مواجه است.

شاخص دیگری هم که به لحاظ کیفی می‌توان به آن پرداخت، پر شدن فضای بین علم و دین در ایران است. نه این که این شکاف کاملاً پر شده، ولی در گذشته یا باید عالم می‌بودی و یک قیافه و سبک زندگی خاصی پیدا می‌کردی و با دین خدا حافظی می‌کردی و یا اگر دین‌دار می‌شدی، بایستی سراغ علوم جدید مثل فیزیک، شیمی و... نمی‌رفتی. الان این شکاف پر شده است. چه بسیار دانشجو و استادانی که در فیزیک و شیمی و زیست متبحر هستند و در عین حال آدم‌های معنوی و دین‌داری هم هستند. نه تنها بین این دو منافاتی نمی‌بینند، بلکه یکی را در خدمت دیگری می‌بینند و قرامی دهند. وقتی این شاخص‌ها را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم به این مفهوم نیست که نقطه اوج این شاخص‌ها همین حالا مطلقاً به دست آمده، نه؛ دائماً دچار چالش است، ولی توانسته جای خودش را باز کند. «در چالش بودن» به مفهوم نفی کل و اصل ماجرا نمی‌تواند باشد. □



دکتر خرمشاد:

انقلاب ایران

مبتنی بر مشارکت

گسترده و میلیونی

توده‌های مردم

بود. عدم استفاده

از خشونت هم

یکی دیگر از

برجستگی‌های

انقلاب ایران بود؛

این شیوه حضرت

امام (ره) در مبارزه

بود. کمتر انقلابی

می‌توانید پیدا

کنید که به اندازه

انقلاب ایران،

مسئولین نظام

مستقر تا پیروزی

انقلاب به دست

نخورده‌ترین حالت

باقی بمانند. نه

کسی از آن‌ها ترور

شد، نه کشته

دادند. در واقع اکثر

آن‌ها فرار کردند

و رفتند و بعد به

تدریج مردند

آمریکا در تهران به هنگام وقوع انقلاب ایران- نکته جالبی را در کتاب «درون انقلاب ایران» می‌گوید و اشاره کرد که مهم‌ترین بازتاب انقلاب ایران این است که یک مدل حکومتی را درست نقطه مقابل مدل حکومتی غرب ارائه می‌کند. یعنی مدل حکومتی غرب اگر مبتنی بر سکولاریسم است، در عوض انقلاب ایران در نقطه مقابلش مبتنی بر دین است که اگر بماند، چیز جدیدی خواهد بود و آن را به چالش می‌کشد.

الان می‌بینیم که انقلاب واقعاً هم آن الگوی غربی را به چالش کشیده است. البته خودش هم به چالش کشیده می‌شود. دلیلش هم این است که دارد با پارادایم مسلط موجود غرب و با هژمونی فکری، سیاسی، اقتصادی آن مبارزه می‌کند. همین که تا حالا توانسته بماند، نشان می‌دهد که خیلی جان دارد؛ به هر حال مایه‌ای دارد که مانده و الاً خیلی قبل از این‌ها بایستی در مقابل این همه فشار مادی، معنوی، اقتصادی، فکری، روحی و روانی از هم می‌پاشید. مقاومت نشان می‌دهد که این انقلاب از استحکام مناسبی برخوردار است.

اگر بخواهیم چند ویژگی بارز را برای انقلاب ایران برشمردیم، به نظر شما آن ویژگی‌ها و برجستگی‌ها کدامند؟

اگر بخواهیم برای انقلاب ایران چند دستاورد ذکر کنیم، قطعاً یکی از آن‌ها «ما می‌توانیم» است. این موضوع مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران است. اگر این مسئله به طور کامل محقق شود، انقلاب اسلامی ایران کاملاً پیروز شده است و به آنچه می‌خواست، رسیده است. این توانستن، توانستنی خواهد بود مبتنی بر آنچه انقلاب ایران آن را پایه‌گذاری کرده و از آن جا به بعد، همه‌اش در زمینه تحقق اهداف انقلاب اسلامی خواهد بود. اگر بخواهیم انقلاب ایران را فشرده کنیم، عصاره‌اش «ما می‌توانیم» است؛ که همه آن چیزهایی که اتفاق افتاده از این مهم بیرون آمده است.

چرا در تحلیل عملکرد انقلاب به این موضوع توجه نمی‌شود؟ چون خیلی ملموس نیست، یا برای ما طبیعی شده است؟

شاید این برمی‌گردد به خود همین «ما می‌توانیم» وقتی این معضل حل شد ما به دنبال حل مسئله‌های بعدی می‌رویم. علت این‌که به آن نمی‌پردازیم، حل شدن آن است. علاوه بر این چون توان «ما می‌توانیم» در ایرانی‌ها قوی است، می‌رویم به دنبال جاهایی که دچار نقص و ضعف هستیم؛ در نتیجه جایگاه شایسته و بایسته را در آن زمینه‌ها مطالبه می‌کنیم. یقیناً اگر آن‌ها هم حل شد، دوباره می‌رویم سراغ بحث‌هایی که درباره‌اش خلأ و نقص داریم.

این طبیعی است؛ یعنی طبع انسان به این شکل است. وقتی که دانشجوی است آرزو می‌کند لیسانسش را بگیرد؛ بعد می‌خواهد فوق لیسانس بگیرد و طبیعی است که وقتی دکترایش را بگیرد، دیگر به لیسانسش فکر نمی‌کند. بعد دنبال کار است و بعد هم ازدواج. حالا می‌خواهد خانه پیدا کند تا از مستأجری خارج شود. این موضوع، حدی هم ندارد؛ این کمال جویی انسان است که در مورد ملت ایران هم

نگاهی به وضعیت جهان اسلام هنگام وقوع انقلاب اسلامی

ندای وحدت

دکتر علی اصغر افتخاری

انقلاب اسلامی در سطح نظام بین الملل از حیث نظری، آرمانی و عملی، تأثیرات قابل توجهی داشته است. به همین دلیل است که انقلاب اسلامی را یک رخداد ملی ویژه ایران ارزیابی نمی کنند و چنان که تحلیل گران بسیاری در داخل و خارج اظهار داشته اند، آن را باید رخدادی بزرگ در قرن ۲۰ به شمار آورد که کل جهان را به نوعی تحت تأثیر قرار داد. جان ازپورتیو و همکاران وی در کتاب «تأثیرات جهانی انقلاب اسلامی» به این نکته اشاره کرده و به صورت مشخص از تأثیرات انقلاب اسلامی در گستره جهانی سخن به میان آورده اند که به نوعی مؤید مدعای ما نیز هست. ■

جهان اسلام در آستانه انقلاب اسلامی، در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار داشت و به همین دلیل ما از انقلاب اسلامی به مثابه حرکتی فراملی نیز یاد می کنیم که به دنبال احیای عزت اسلامی بود. علت وضعیت نامطلوب جهان را می توان در ساختار نظام بین المللی جستجو کرد که در آن، به علت محوریت دو قطب اصلی، سایر بازیگران به نوعی «وابسته» و یا «عضو» یکی از دو اردوگاه اصلی به شمار می رفتند و لذا «استقلال اردوگاه اسلامی» به طور مشخص وجود نداشت. بر این اساس قبل از وقوع انقلاب اسلامی، جهان اسلام مرکب از چند دسته اصلی بود:

اول: اکثریت کشورهای وابسته؛ بدین معنا که عمده کشورهای اسلامی یا در اردوگاه غربی یا در اردوگاه کمونیستی قرار گرفته بودند. این کشورها همچون ایران زمان رژیم پهلوی، نام و عنوانی از اسلام به همراه داشتند و در حوزه عمل سیاسی عمدتاً تأثیرگذار نبودند.

دوم: اقلیت کشورهای اسلامی ای که یا در حاشیه معادلات بین المللی قرار داشتند و یا به علت نداشتن اهمیت استراتژیک، به نوعی از «عدم تعهد» یا «بی طرف» خود را می شناسانند. این مجموعه افزون بر قلت، از اهمیت کمی در روابط قدرت در گستره بین المللی برخوردار بودند.

با این تغییر مشخص می شود که جهان اسلام بیش از یک مفهوم عینی عملیاتی، به یک شعار

با برد اندک سیاسی تبدیل شده بود و متأسفانه نوع رژیم ها و وابستگی آن ها به ابر قدرت ها، منجر شده بود تا جایگاه معناداری در روابط بین المللی نداشته باشند. آنچه در خصوص انرژی، تعداد جمعیت، امکانات سیاسی و... مطرح می شود نیز جنبه حاشیه ای دارد و در واقع می توان ادعا کرد که نظام بین المللی به یک نظام بین المللی دو قطبی تقریباً منعطف تبدیل شده بود که در آن، دو قدرت اصلی با چندین قدرت مهم ایفای نقش می کردند، اما در این میان جهان اسلام با تمام ظرفیتی که داشت هیچ نقش قابل توجهی ایفا نمی کرد، چرا که درگیر مسایل داخلی، خودکامی رژیم ها، برخورد با یکدیگر، و عاجز از حل مسئله فلسطین اشغالی شده بود و بنابراین جز وابستگی برای استمرار حیاتش، راهی در پیش روی خود نمی دید. این وابستگی در واقع به تحلیل جایگاه بین المللی این کشورها منجر شده بود.

در چنین فضایی است که انقلاب اسلامی رخ می دهد. از منظر جهان اسلامی، انقلاب ایران معانی خاصی داشت که می توانست برای کل جهان اسلام مفید ارزیابی شود. اگر چه تبلیغات رسانه های غربی بر روی این نقاط مثبت تا حدودی سرپوش گذاشت، ولی نتوانست حقیقت آن را پنهان کند. از جمله این مزایا می توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. تأکید بر هویت اسلامی به عنوان یک قطب قدرتی مستقل و تأثیرگذار در روابط بین المللی؛

۲. طرح شعار نه شرقی و نه غربی که نظام دو قطبی را با اصل استقلال به چالش فرامی خواند؛

۳. تقویت و تأیید اردوگاه اسلامی در بحران فلسطین اشغالی و تضعیف رژیم اشغالگر اسرائیل؛

۴. تبیین جایگاه حساس استراتژیک، ژئوپلیتیک، فرهنگی و اقتصادی کشورهای اسلامی و دعوت به اصل وحدت اسلامی برای اصلاح رابطه قدرت های بزرگ با ایشان.

بدین ترتیب می توان ادعا کرد که انقلاب اسلامی در موقعیتی رخ داد که جهان اسلام دچار بحران مفهومی عملکردی شده بود و این انقلاب توانست حداقل بسط این بحران را مانع شود و بار دیگر آن را در عرصه روابط بین الملل احیا کند. □



خاطرات انقلاب



- بیدی نیستیم که از بادهای بلرزیم
- فقط امام آرامش داشتند
- حاضر نشد از برادر بزرگ، جلو بیفتد



که التماس می‌کرد و سوره قل هو الله را می‌خواند و اظهار عجز می‌کرد و دست بیعت داد و خود را به نام طوفانیان معرفی می‌کرد.

□ فرودگاه مهرآباد

آن روزی که بنا بود امام تشریف بیاورند فرودگاه را بستند. روز دهم بهمن، ما و عده‌ای از دوستان روحانی و غیر روحانی به میدان آزادی رفتیم و مردم را از حمله به فرودگاه بازداشتیم که آن هم جریان شیرینی دارد؛ ما در مدرسه رفاه بودیم که شنیدیم مردم در میدان آزادی اجتماع کرده‌اند و جمعیت به سوی فرودگاه سیل آسا در حرکت هستند. شعار مردم این بود که می‌رویم فرودگاه را باز کنیم. بعضی می‌گفتند آنجا را آتش می‌زنیم، بعضی می‌گفتند با هواپیماها چه کنیم. این خبرها جسته و گریخته به گوش می‌رسید.

بنده و چند نفری از معممین مأمور شدیم که به آنجا برویم. یک مینی‌بوس از هواپیمایی کشوری به وسیله یکی از دوستان - به نام آقای ناصر اتابکی که بعدها در جبهه شهید شد و از دوستان مسجد ما بود - در اختیار ما گذاشتند. ما به خاطر اینکه پوششی داشته باشیم خانواده‌های خود را نیز به همراه بردیم. ما جلو نشستیم و آن‌ها هم پشت سر، آقای حمید نقاشان هم بود. ایشان جوانی بود که روزهای اول انقلاب کنار امام می‌ایستاد و از امام حفاظت می‌کرد. او از دوستان آقای رفیق دوست و آقای ناطق بود. از جمله همراهان ما آقای آیت گودرزی بود. آقای آیت، آن وقت جزو بچه‌های مسجد ما بود و ایشان بود که بلندگو را از مسجد آورد که روی ماشین نصب کردیم و در میدان آزادی سخنرانی نمودیم. از دوستان دیگرمان آقای هادی

خطرات آیت‌الله مهدوی‌کنی

بیدی نیستیم که از بادها بلرزیم

امام پس از مدتی توقف در پاریس، عازم تهران شدند. دولت بختیار مانع ورود امام شد و فرودگاه‌ها را بست. به دنبال این اقدامات، آقایان علما از بلاد مختلف به تهران آمدند و در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند. بنده چون در کمیته استقبال بودم در آنجا تحصن دائم نداشتم عده‌ای شبانه روز در آنجا بودند و بعضی‌ها هم به آنجا رفت و آمد می‌کردند. بنده از آن‌هایی بودم که می‌رفتم و می‌آمدم، اما حضور دائم نداشتم. این تحصن به خاطر اعتراض به جلوگیری دولت از ورود امام بود. بنده چون عضو شورای انقلاب بودم کارهای مربوط به کمیته را زیر نظر داشتم و بعضی از کارها را نیز غیرمستقیم هدایت می‌کردم. در مدرسه رفاه تلفن‌ها را جواب می‌دادیم و برای تنظیم امور هم شرکت می‌کردیم.

□ شجاعت کمیته استقبال

تلفن‌هایی هم از مسئولان رژیم سابق می‌شد. تلفن مقدم و طوفانیان را یادم هست. طوفانیان تهدید به بمباران محل اقامت امام را می‌کرد، ولی مقدم از راه محبت و دوستی سخن می‌گفت. خوب به یاد دارم شخصی با صدای کلفت و خشن به مدرسه رفاه تلفن کرد و ما را تهدید به بمباران کرد. من به او گفتم ما از این تهدیدها هراسی نداریم. ما شاگردان آن امامی هستیم که لرزه بر اندام شاه انداخت و او را فراری داد، ما بیدی نیستیم که از بادها بلرزیم. هر کاری می‌خواهید بکنید. اتفاقاً روز ۲۲ بهمن از رادیو، صدای همین مرد را شنیدم



نزدیک دانشگاه تجمع کرده بودند و ما گروهی از جوانان و مردم را با دست های خون آلود دیدیم. گفته می شد که جمعی مجروح و شهید شده اند. وقتی به مسجد صاحب الزمان در خیابان آزادی رسیدیم، من آنجا برای مردم سخنرانی کردم و آن ها را به آرامش دعوت کردم و گفتم برگردید. ان شاء الله امام می آید. یکی از برادران کُرد هم به آنجا آمد و سخنرانی کرد و به وحدت میان کُرد و غیر کُرد دعوت کرد. ما هم تشویقش کردیم.

جد سادات

بالاخره نزدیک اذان ظهر شد و ما برگشتیم. وقتی برگشتیم - این جای قضیه خوشمزه است - به بیچ شمیران که رسیدیم، گاردی ها جلوی ما را گرفتند. علتش هم این بود که جلوی ماشین ما بلندگو بود. ما آن را جلوی شیشه گذاشته بودیم و دقت نکرده بودیم که بلندگو را پایین بگذاریم تا دیده نشود. بلندگو را که دیدند آمدند جلوی ماشین را گرفتند و گفتند از کجا می آیدید و به کجا می روید؟ فرمانده آن ها بلندگو را زیر پاله کرد و سپس از در ماشین بالا آمد. بچه هایی که همراه ما بودند همان برادر آیت و آقای دیانت زاده و حمید نقاشان بودند. آقای نقاشان اسلحه کمری داشت. آن را زیر پای زن ها در عقب ماشین انداخت. اگر می گشتند پیدا می کردند، ولی خدا خواست که سراغ خانم ها نرفتند. این دو سه نفر را از ماشین پایین کشیدند. من دیدم که سربازان تحت فرمان او با سر نیزه، آیت و هادی دیانت زاده را می زدند به حدی که پشت آن ها را زخم کردند و مرتب فحش می دادند.

من روی صندلی جلونشسته بودم که آن فرمانده گاردی لوله ژ-۳ را به پیشانی من گذاشت. زن ها و بچه ها گریه می کردند و «یا امام زمان» می گفتند، چون بچه های من همراهم بودند، همه فریاد می کردند که بابا را کشتند، ولی نمی دانم چه شد که او مرا به عنوان سید خطاب کرد و شاید خدا خواست که او عمامه مرا سیاه ببیند. چون عمامه من سفید بود و من تعجب می کنم چگونه یک ایرانی سید و غیر سید را تشخیص نمی دهد، در هر حال به من گفت سید! اگر به خاطر عمامه جدت نبود الان مغزت را متلاشی می کردم. بالاخره عمامه جد سادات ما را نجات داد و سپس از ماشین پیاده شد و گفت ما کشور را تحویل [امام] خمینی می دهیم، ولی پیش از آن تمام شما را قلع و قمع خواهیم کرد و شاید مقصودش آن بود که تا شما را از میان برداریم کشور را تحویل امام خمینی نمی دهیم.»

دیانت زاده بود که امور برقی را تنظیم می کرد. یادم هست که در آن ماشین از دوستان روحانی آقایان ربانی شیرازی، طاهری خرم آبادی و ربانی املشی حضور داشتند.

بالاخره دسته جمعی از خیابان انقلاب به سوی میدان آزادی حرکت کردیم؛ منتها چون در ماشین، زن و بچه بود مأمورین گارد مزاحم ما نشدند تا اینکه به میدان آزادی رسیدیم. در آنجا مردم خیلی جوش و خروش داشتند و بسیار ناراحت بودند.

سرهنک رحیمی معروف - که بعد از انقلاب رئیس دژبان ارتش شد و از وکلای پرونده آیت الله طالقانی پیش از انقلاب در زندان بود - در حال سخنرانی برای مردم بود و آن ها را تحریک می کرد که به فرودگاه حمله کنند. او می گفت: چرا دولت بختیار مانع ورود مرجع تقلید ما شده است؟ مردم بروید و فرودگاه را باز کنید. وقتی ما به آنجا رسیدیم دیدیم سربازان گارد مقابل مردم موضع گرفته اند و آماده حمله هستند و از این طرف هم مردم آماده حرکت و یورش به فرودگاه بودند. میدان آزادی پر از جمعیت بود. من در آنجا میکروفون را گرفتم و خودم را معرفی کردم. گفتم من مهدوی کنی امام جماعت مسجد جلیلی هستم. گفتم من و همراهان از سوی کمیته استقبال امام مأموریت داریم که به شما بگوییم به فرودگاه حمله نکنید، ان شاء الله امام تشریف می آورند. وقتی امام آمدند و حکومت تشکیل شد، ما فرودگاه را لازم داریم و هواپیماها باید سالم بمانند. اگر به فرودگاه حمله شود ممکن است عده ای از این حمله سوء استفاده کنند و همچنین ممکن است عده ای شهید شوند و ممکن است فرودگاه تخریب شود و این به مصلحت نیست.

آقای سرهنک رحیمی آمد گفت: آقا! چرا این گونه صحبت می کنید. این ها جلوی مرجع تقلید ما را گرفته اند. ما باید مردم را بفرستیم فرودگاه را بگیرند. چرا آقایان نمی گذارند؟ گفتم: مصلحت نیست که ما مردم را تحریک کنیم. گفت: پس میکروفون را به من بدهید تا کمی با مردم صحبت کنم. گفتم اگر شما همین مطلبی را که من می گویم بگویید اشکالی ندارد، ولی اگر بخواهی حرف های دیگری بزنی بلندگو را از دستت می گیرم. گفت:

همان حرف ها را می زنم. در ماشین باز بود آمد بالا و شروع به سخنرانی کرد و دوباره همان حرف های خودش را بازگو کرد. من او را از ماشین به پایین هل دادم و در ماشین را بستم و گفتم حرف هایی که این آقای می زند بیخود است و ربطی به ما ندارد، ای مردم! دستور این است که شما به طرف خیابان آزادی و میدان انقلاب برگردید. البته اسم های خیابان ها بعداً عوض شد و آن زمان این اسم ها نبود. بعضی از این اسم ها همان روز هنگام بازگشت توسط خود مردم گذاشته شد، مثل میدان آزادی، خیابان انقلاب و خیابان آزادی که مردم همان روز خودشان این اسم ها را انتخاب کردند و در شعارهای خود تکرار می کردند.

بالاخره ما حرکت کردیم و برگشتیم. عده زیادی از مردم



خاطرات احمد قدیریان

به ملت بگوئید ما حکومت نظامی را قبول نداریم

احمد قدیریان درباره توسل امام خمینی (ره) و تصمیم سرنوشته سازایشان برای شکستن حکومت نظامی در شب ۲۲ بهمن می‌گوید: «شهید بهشتی نگران این بودند که عناصر رژیم ممکن است کودتا کنند. این نگرانی از قبل وجود داشت، اما از روز بیست و یکم بهمن بیشتر شد. روز بیست و یکم بهمن ساعت ۱۱، ۱۲ اعلام شد که آن‌ها برای بعد از ظهر قصد اعلام حکومت نظامی دارند تا کار را تمام کنند. قبل از این‌ها هم گزارش به مدرسه رفاه می‌رسید که شهر دارد خلوت می‌شود؛ از آن طرف ما اطلاع داشتیم که از پنج یادگان قرار است بریزند و در حدود هزار نفر از فعالین و مبارزین را دستگیر کنند و کودتا کنند و کار را آن شب تمام کنند. در هر حال نگرانی کودتا برای مرحوم شهید بهشتی قویاً وجود داشت.

شهید بهشتی فرمودند که من، آقای مطهری، آقای رجایی، آقای باهنر، آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی رفسنجانی همه در خوف بودیم که چه خواهد شد. همه نگران بودند که این‌ها ضربه‌ای خواهند زد. حضرت امام در را باز کردند و فرمودند که آقای بهشتی شما نماز ظهر و عصر را بخوانید؛ ایشان خودشان به طبقه بالای مدرسه رفاه رفتند. درهای مدرسه رفاه آن وقت دولنگه‌ای بود، امام به اتاق خودشان رفتند. آقای بهشتی فرمودند: ما دیدیم که ظهر شده، یک ربع از ظهر گذشت، بیست دقیقه گذشت، نماز شروع شد و تمام شد، اما امام پایین نیامدند. همه باترس آمدند بالا که ببینند چه خبر است.

ایشان [شهید بهشتی] فرمود: «من رفتم و یک لنگه در اتاق امام را که دولنگه‌ای بود آرام باز کردم، دیدم امام، عمامه بر سرشان نیست. عرقچین هم بر سرایشان نیست. عمامه ندارند، ولی روی زمین افتاده‌اند و سجده می‌کنند. در حال سجده هستند و سجده هم طولانی بود.» آقایان گفتند: خوب، صبر می‌کنیم. صبر کردیم و چند دقیقه‌ای گذشت. ده دقیقه یایک ربع بعد، مجدداً در را باز کردم و رفتم داخل، دیدم امام گریه می‌کنند و شانه‌هایشان می‌لرزد. امام در سجده گویا گریه می‌کردند. من که این صحنه را دیدم، ناراحت شدم و عقب عقب آمدم و در را بستم. به آقایان گفتم که امام باز در سجده هستند، منقلب شده‌اند و گریه می‌کنند.

ده دقیقه بعد، امام بیرون آمدند و فرمودند که آقای بهشتی، آقای مطهری به ملت بگوئید که ما حکومت نظامی را قبول نداریم. این حکومت نظامی درست نیست و مردم به خیابان‌ها بریزند. آقایان پایین آمدند و به تمام ستادها اطلاع دادند. ستادهایی که در همه جازده شده بود و مقر مرکزی آن ستادها در مدرسه رفاه قرار داشت، تلفن زدند و نیز مینی بوس‌هایی که روی آن بلندگو نصب کرده بودند در شهر راه افتادند و اعلام کردند که حکومت نظامی لغو است و مردم در خیابان‌ها بریزند.

وقتی که امام این تدبیر را به خرج دادند، مرحوم آیت‌الله طالقانی از آن طرف ناراحت بودند که مردم به خیابان‌ها بریزند؛ چرا که اگر بیابند همه را می‌کشند؛ بعد که پیام امام را برای آقای طالقانی بردند، آقای طالقانی فرمودند که اگر امام فرمودند عیب ندارد. امام درست می‌فرماید، هر چه امام می‌فرماید عمل کنید.» □



«امام وقتی فهرست کسانی که قرار بود سوار هواپیما بشوند را دیدند، چند نفر را حذف کردند و من و تو را به لیست اضافه کرده‌اند؛ حتی جای نشستن را مشخص کرده‌اند، صندلی سوم پشت سر خودشان.» گفتیم: «من که به شما عرض کردم امام قول داده و می‌دانستم امام بی‌پایه و اساس قول نمی‌دهد.»

□ پرواز انقلاب

غروب یازدهم بهمن برای حرکت به سمت ایران به فرودگاه رفتیم. جمعیت زیادی از کشورهای مختلف اروپایی و اسلامی آن جا جمع بودند و یکپارچه ابزار احساسات می‌کردند. وارد هواپیما که شدیم امام در صندلی جلوی هواپیما نشستند و بنده هم صندلی سوم پشت سر امام. هیچ کاری هم نداشتم و فقط حالات امام را نگاه می‌کردم، ولی شهید عراقی و حاج سید احمد آقا دو یار و مددکار و دو بازوی امام بودند. شهید عراقی با این که جایش کنار من بود، از اول پرواز تا آخر پرواز نشست و پیوسته مشغول خدمت بود. مقداری از شب که گذشت خلبان آمد خدمت امام و عرض کرد که اگر میل داشته باشید، می‌توانید بروید و بر روی تخت من استراحت کنید.

خوب بعضی از کسانی که در آن جا بودند، از روی نگرانی که نکند برای امام نقشه‌ای کشیده باشد، گفتند که مصلحت نیست و امام نباید برود و بعضی هم گفتند که خود امام باید تصمیم بگیرند. امام فرمودند: می‌روم کمی استراحت کنم. من و تعدادی دیگر حرکت کردیم که همراه ایشان برویم، امام فرمودند: همه سر جای خود بمانید و لازم نیست. فقط سید احمد آقا و شهید عراقی ایشان را به محل استراحت بردند که امام به آن‌ها نیز فرموده بود بروید و آن‌ها نیز بیرون آمدند، ولی همگی مراقب بودیم. حدود یک ساعت گذشت و امام تشریف آوردند، وضو گرفته بودند. وقتی نشستند به تهجد مشغول شدند و آرامش خاصی داشتند. اما همگی ما نگران بودیم که وقتی وارد مرز می‌شویم نکند هواپیمای ما را بزنند. عمدتاً یک وضع روحی فوق‌العاده بدی داشتیم، کسی در چهره‌اش رنگی نبود غیر از امام که آرامش خاصی داشتند و مشغول ذکر بودند.

وقتی از مرز ترکیه وارد ایران شدیم، یکی دو هواپیمای فانتوم اطراف هواپیمای ما را احاطه کردند، نگرانی همه ما بیشتر شد، اما الحمدلله... اتفاقی پیش نیامد و آن هواپیماها هم رفتند. با فاصله کمی خبرنگارهایی که در انتهای هواپیما سوار بودند، برای مصاحبه به قسمت جلو و خدمت امام آمدند. یک خبرنگار که شاید آمریکایی بود، پرسید: «شما به عنوان مقتدرترین انسان در حال وارد شدن به ایران هستید، لطفاً بگویید چه احساسی دارید؟» امام فرمودند: «هیچ»، این خبرنگار خیال کرد که با حرفش راتوانسته است برساند یا بد ترجمه کرده و یا امام متوجه نشده‌اند سؤالش چه بوده، برای همین مجدداً پرسید: «شما در طول تاریخ ایران به عنوان مقتدرترین انسان در حال وارد شدن به ایران هستید، از این ورود مقتدرانه چه احساسی دارید؟» وقتی که ترجمه کردند امام فرمودند: «هیچی» و آهسته ادامه دادند، «الان اقیم حقا و باطل باطلاً؛ مگر این که حقی راستوار کنم و باطل را سرنگون سازم.» □



خاطرات حبیب... عسکراولادی

فقط امام آرامش داشتند

حبیب... عسکراولادی درباره هجرت سرنوشت‌ساز امام خمینی به ایران و حال و هوای پرواز انقلاب در ۱۲ بهمن ۵۷ می‌گوید: حرکت امام به سمت ایران باید در روز پنجم بهمن صورت می‌گرفت، ولی چون فرودگاه مهرآباد بسته بود، پرواز انجام نشد. امام در روز نهم فرمودند که ما به تهران می‌رویم. خدمت ایشان عرض کردند که آقاه بسته است و ممکن است وقتی از مرز ایران وارد شدیم ما را بزنند، ولی امام مصمم بود که به ایران بازگردد. روز دهم دوستان تلاش کردند و دو هواپیما تهیه کردند. امام پرسیدند که مگر چه تعدادی هستیم، عرض کردیم تعدادمان از یک هواپیما بیشتر است و ناچار شدیم دو تا هواپیما بگیریم. امام فرمودند یک هواپیما کافی است، تعداد را کم کنید.

□ خوف جدایی

آن روز من در همان چمن رویه روی منزل حضرت امام نشستیم بودم که شهید عراقی با یک حالت ناراحت و بغض کرده پیش من آمد و گفت: «می‌دانی چه شده؟» گفتیم: چه شده؟ گفت: «من و تو را از هواپیما حذف کردند. من که نمی‌توانم تحمل کنم امام سوار هواپیما بشود و من همراه او نباشم. این هواپیما هواپیمای شهادت است و من باید همراه ایشان باشم.» من هم کمی ناراحت شدم و به ایشان گفتیم: «من نمی‌دانم چه می‌شود ولی می‌دانم امام قوی که داده، بی‌اساس نیست.» شهید عراقی گفت: «مگر چه قوی داده‌اند؟» گفتیم: «فرموده بمانید، انشاء... با هم می‌رویم.» من به این که با امام هستیم شک ندارم. ایشان گفت: «تو به این چیزها خیال خودت را راحت و خوش کن و رفت.» هنوز یکی دو ساعت نگذشته بود که شهید عراقی شادمان پیش من آمد و گفت: «می‌دانی چه شده؟» گفتیم: نه! چه شده؟ گفت:





خاطرات سید رضانیری

جلیقه ضدگلوله

در ایام ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ حوادث بسیار مهمی در کشور اتفاق افتاد که تمرکز آن در مدرسه رفاه و علوی بود، جایی که امام در آن مستقر بود و آخرین تصمیم‌گیری‌ها برای سرنگونی رژیم پهلوی در آنجا اتخاذ می‌شد.

مرحوم سید رضانیری از مبارزان انقلابی و از اعضای کمیته استقبال امام خمینی در کتاب خاطرات خود که با عنوان «نیم قرن خدمت» منتشر شده است درباره حوادث آن روزها می‌گوید: در کمیته‌ای که در مدرسه رفاه تشکیل شده بود من مسئول تدارکات بودم و چند تن از دوستان، آشنایان و اقوام چون آقای حیدری، برادرم سید مرتضی و چند نفر از دوستان بازاری بودند که زیر نظر من فعالیت می‌کردند. ساعت تقریباً ۱۰ شب بود که گزارش رسید حضرت امام به مدرسه رفاه تشریف می‌آورند. در آنجا یکی از کلاس‌های مدرسه رفاه را برای استراحت ایشان، نظافت و فرش کرده بودیم و کلید اتاق ایشان هم پیش من بود. همچنین مسئول پذیرایی و تهیه وسایل مورد نیازشان من بودم.

وقتی که حضرت امام به مدرسه رفاه آمدند، حدود ۳ نفر در آنجا بودیم که روی پله‌های مدرسه نشستیم و ایشان حدود ۱۵ دقیقه برای ما صحبت کردند. سپس ایشان را برای استراحت به اتاق‌شان هدایت کردم، مسئول حفاظت ایشان

هم شهید محمد بروجردی بود و در داخل راهروی مدرسه هم حمید نقاشان با اسلحه نگهبانی می‌داد. هنگامی که امام وارد اتاق شدند، من برای شان یک سفره کوچک و یک ظرف غذای مختصری از برنج و قورمه‌سبزی بردم. ایشان کمی میل کردند بعد رختخواب‌شان را پهن کردم. حضرت امام به خاطر انجام وظایف، بزرگوارانه از من عذرخواهی و تشکر کردند.

قبل از ورود امام به مدرسه رفاه شهید عراقی یک جلیقه ضدگلوله و یک حوله دست و صورت و یک حوله حمام به من داد که به محض

امام تقدیم کنم. وقتی آن‌ها را در یک سینی گذاشتم و نزد حضرت امام بردم، ایشان نگاهی کردند و پرسیدند: «آقای این چیست؟» عرض کردم: «آقای این حوله دست و صورت است، این هم حوله حمام است. سپس نگاهی به جلیقه انداختند و پرسیدند: «این چیست؟» گفتم: «این جلیقه است.» پرسیدند: «برای چه کاری است؟» عرض کردم: «برای محافظت از شما و ضدگلوله است.» ایشان تبسمی کردند و حوله کوچک را برداشتند و حوله حمام و جلیقه را به من دادند و گفتند: «این‌ها را بردار، من به آن‌ها احتیاج ندارم.»

رسیدگی به سران رژیم پهلوی

پس از یک شب، کمیته استقبال و اسکان حضرت امام تشخیص داد که مدرسه رفاه جای مناسبی برای ایشان نیست، بنابراین ایشان به مدرسه علوی منتقل شدند. اما من در مدرسه رفاه ماندم. مدرسه رفاه در این زمان در وهله اول محل نگهداری و زندان سران رژیم مثل هویدا، نصیری، رحیمی، خسرو داد و دیگر ساواکی‌ها شده بود. همه این افراد در دو یا سه اتاق بزرگ با هم نگهداری می‌شدند. فقط هویدا جایش جدا بود و یک اتاق کوچک به او داده بودیم. هر وقت هم که از دستشویی استفاده می‌کرد باید بلافاصله هم دوش می‌گرفت. حضرت امام فرموده بودند به آن‌ها رسیدگی شود و شیرینی، میوه و غذای مناسب به آن‌ها بدهیم و دکتران‌ها را ویزیت کند. این افراد هم هر وقت به آن‌ها سرکشی می‌کردیم از ما مفتاح و قرآن مطالبه می‌کردند و قسم می‌خوردند که ما مقلد امام بودیم و هیچ تقصیری نداریم.

بمب ساعتی

مدرسه رفاه در واقع تبدیل به انبار اسلحه شده بود، و تمام اسلحه‌هایی را که از یادگان‌های فتح شده ضبط می‌کردند به آنجا می‌آوردند و به صورت نامرتب و فله‌ای روی هم ریخته بودند. در آنجا معجونی از مین ضد نفر، ضد تانک، نارنجک، مواد منفجره، آرپی‌جی و انواع اسلحه وجود داشت. یک روز برادرزاده‌ام پیش من آمد و گفت: «عمو از زیر مهمات صدای ساعت می‌آید.» ما بچه‌های نیروی هوایی را مطلع کردیم، آن‌ها آمدند و بعد از کنار زدن اسلحه‌ها و مهمات یک بمب ساعتی را کشف کردند که اگر منفجر می‌شد، مدرسه رفاه، علوی و تمام ساختمان‌های اطراف را به طور کامل ویران می‌کرد. □



خاطرات محمد طالقانی

مردم ایشان را با خود بردند

فتق امور بسیار سخت بود. کار بسیار سنگینی بود و خیلی سخت گذشت تا اینکه امام سوار هلی کوپتر شدند. در بهشت زهرا هم وقتی هلی کوپتر به زمین نشست، بنا بر دستور حاج احمد آقا من به سرعت پیاده شدم و به طرف جایگاه رفتم و خدمت شهید مطهری رسیدم. سپس عرض کردم ما امام را با هلی کوپتر آوردیم. ایشان خیلی خوشحال شد و به همراه عده‌ای دیگر برای مشایعت آمد.

لحظات بدون امام

بعد از اینکه سخنرانی امام خمینی (ره) در بهشت زهرا تمام شد من از طرف سید احمد آقا مأمور شدم بروم و هلی کوپتر را آماده کنم. بلافاصله تا سخنرانی تمام شد رفتم و به سرگرد سیدین گفتم که امام دارد تشریف می‌آورد، شما آماده باشید. گفت اطراف هلی کوپتر خیلی شلوغ شده و نمی‌توانیم بایستیم. سوار شو برویم دور بزیم تا مردم پراکنده شوند بعد برگردیم. سوار شدیم اما ازدیاد جمعیت اجازه نمی‌داد به زمین بنشینیم. تا اینکه سرانجام بعد از چهار پنج دقیقه نشست. من به طرف جایگاه دویدم، دیدم هیچکس نیست. دیدم حتی امام هم نیست. یک دفعه حاج احمد آقا و حجت الاسلام ناطق نوری را دیدم. پرسیدم حاج آقا کجاست؟ گفتند امام داخل جمعیت است. مردم ایشان را با خود بردند. ما هم سریع دویدیم تا امام را پیدا کنیم. در حالی که نگران بودیم و نمی‌دانستیم ایشان کجا هستند.

واقعاً غیر از دست خدا و جذبه و اثر سخن حضرت امام هیچ چیز دیگر آنجا نبود. ما دوباره سوار هلی کوپتر شدیم. حالا مرتب دور می‌زدیم و هیچ نمی‌دیدیم تا بالاخره جلوتر از ورودی بهشت زهرا در کنار خیابان دیدیم یک ماشین آمبولانس دارد می‌رود و مردم هم دور آن جمع شده‌اند. حاج احمد آقا فرمودند که فلانی ممکن است امام داخل این ماشین باشد. سریع رفتم و دیدم بله امام در همین ماشین است.

باور کنید هیچ وقت یادم نمی‌رود؛ در داخل ماشین آمبولانس که فکر کنم باید چهار یا پنج نفر گنجایش داشته باشد دیدم مرتب آدم پیاده می‌شود و حاج آقا نیست! شاید ۲ نفر پیاده شدند تا بالاخره دیدم امام آن ته ماشین نشسته‌اند در حالی که عبا، عمامه سرشان نیست. من رفتم و کمک کردم امام پیاده شدند و بعد سوار هلی کوپتر شدیم.

بیمارستان هزار تخت خوابی

در هلی کوپتر من محو امام شده بودم. دیدم یک شانه از جیب در آوردند و محاسنشان را شانه کردند. عمامه‌شان را به پای شان پیچیدند و روی سرشان گذاشتند. عبا را روی دوش شان انداختند. یک نگاه به من کردند، نگاهی به بچه‌ها کردند و با حاج احمد آقا صحبت کردند. نیم ساعتی گذشت. دیدم یک جافرود آمدیم. گفتند اینجا بیمارستان هزار تخت خوابی است. من رفتم و رئیس بیمارستان را با خبر کردم و به او گفتم که یک ماشین برای انتقال امام فراهم کنند. رئیس بیمارستان هم سریعاً یک ماشین در اختیار ما گذاشت و امام به اتفاق آقای ناطق نوری و سید احمد آقا سوار ماشین شدند و رفتند. □



محمد طالقانی یکی از کسانی که در ۱۲ بهمن مسئولیت حفاظت از امام به ویژه در هنگام سخنرانی ایشان در بهشت زهرا را بر عهده داشت، خاطرات شنیدنی و جالبی از روز استقبال از امام دارد. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخشی از خاطرات محمد طالقانی است.

بهشت زهرا

محمد طالقانی می‌گوید: من ۱۲ بهمن، به دستور حاج مهدی عراقی رفتم تا از جلوی دانشگاه، امام را همراهی کنم. به قدری جمعیت زیاد بود که من به سختی روی ماشین رفتم. جلوی مدخل ورودی بهشت زهرا حاج سید احمد آقا به من گفت حالا که ماشین به این صورت درآمد چه کنیم؟ من گفتم بیاییم ماشین را هل بدهیم. حجت الاسلام ناطق نوری گفتند که از بچه‌ها خواهش کن ماشین را به طرف چپ هل بدهند، چون هلی کوپتر هم آنجا ایستاده بود.

من از مردم خواهش کردم ماشین را به طرف هلی کوپتر هل بدهند. چند تا از دوستان کشتی‌گیر هم آنجا بودند. وقتی ماشین ایستاد تا سوار هلی کوپتر بشویم، من پیاده شدم که بین هلی کوپتر و ماشین حائل شوم که حضرت امام مشاهده نشود؛ چون مردم خیلی زیاد می‌آمدند و رتق و



رفتم و عرض کردم: آقایان برای این که جلوی خطرات احتمالی را بگیرند، قصد چنین کاری را دارند. باز امام قبول نکرد.

خطرات حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری

لغو حکومت نظامی

قبل از این که بختیار حکومت نظامی را رسماً اعلام کند، آقای رحیمی که از قبل با هم آشنا بودیم و در فروشگاه ارتش کار می کرد و به خاطر فعالیت های سیاسی نیز به زندان افتاده و اخراج شده بود، به مدرسه علوی آمد و مرا خواست. خیلی مضطرب و نگران بود، گفت: یک خبر دارم به امام اطلاع بده. گفتم: چیست؟ گفت: خبر دارم که دولت بختیار می خواهد حکومت نظامی اعلام بکند. این خبر را به امام منتقل کردم.

این خبر در تصمیم گیری امام و سرعت عمل ایشان، به نظر من کمک کرد. خبر بسیار حساس و به جایی بود. روز ۲۶ بهمن ساعت چهار بعد از ظهر حکومت نظامی اعلام شد. حضرت امام هم دستور لغو دادند. آقای چهپور که از بستگان مرحوم طالقانی است گفت: مرحوم طالقانی از این که امام دستور لغو حکومت نظامی را داده خیلی مضطرب و وحشت زده شده بود و به امام تلفن زد و گفت که اگر لغو حکومت نظامی بشود، تهران حمام خون می شود و امام هم فرموده بود هیچ اتفاقی نمی افتد. آقای طالقانی گفته بود یامن بعد از یک عمراز سیاست چیزی نمی فهمم، یا این سید با عالم دیگری ارتباط دارد. خلاصه اش می خواست بگوید طبق معادلات عادی اگر لغو حکومت نظامی بشود، تهران حمام خون می شود.

این که امام این طور بی اعتنا می گوید هیچ طوری نمی شود، حتماً ارتباط با یک عالم دیگری دارد و سرانجام وقتی امام دستور لغو حکومت نظامی را صادر کرد درست مثل فتوای میرزای شیرازی درباره تحریم تنباکو، امام گویا یک بار دیگر آمده است، رهبری کرده و رفته و این دومین بار است که آمده

آرامش در میان طوفان

حفاظت از جان امام خمینی در شرایط حساس پیروزی انقلاب اسلامی یکی از دغدغه های نیروهای انقلاب بود. حجت الاسلام ناطق نوری در کتاب خطرات خود در این باره می گوید: در تمام روزها و شب هایی که درگیری در خیابان ها بین مردم و طرفداران رژیم پهلوی جریان داشت، گاهی از صدای شلیک گلوله و انفجارهای پی در پی نگران جان امام می شدیم. به اتفاق شهید عراقی نزد امام رفتیم و گفتیم: آقای درمسایکی محل اقامت شما، یک خانه را تدارک دیده ایم و از پشت بام مدرسه هم راه ورود به آن را درست کرده ایم، حفظ جان شما در این شرایط حساس لازم است تا اگر خدای نکرده محل اقامت شما را بمباران کنند، جان شما سالم بماند اجازه دهید شما را به آن جا منتقل کنیم.

هر چه اصرار کردیم ایشان نپذیرفت و در آخر جمله ای فرمودند که ما را خلع سلاح کرد. فرمودند: هر کسی خودش می ترسد آن جا برود. به ما خیلی برخورد. گفتیم: نخیر، ما که نمی ترسیم ما برای شما می گوئیم. فرمودند: من همین جامی مانم و تا آخر امام از جایش تکان نخورد.

یک بار هم آقای رفیق دوست برای حفظ جان امام رفته بود شیشه های ضد گلوله آورده بود که این جایی که امام می ایستد سخنرانی می کند تا نیم تنه شیشه ضد گلوله باشد تا حداقل اگر کسی به سوی امام تیراندازی کرد حداقل سینه و قلب امام محفوظ باشد. شیشه را آوردند، اما کسی جرأت نمی کرد به امام بگوید که آقای خواهیم چنین کاری را بکنیم، لذا بنده خدمت امام



داخل هلی کوپتر بودیم. بعد از این که آمدیم روی آسمان، نمی دانستیم چه کار کنیم و برنامه ای هم نداشتیم. خلبان یک دوری بالای قطعه ۱۷ جایگاه سخنرانی زد و گفت: «خیلی شلوغ است، نمی شود بنشینیم. می شود به مدرسه رفاه برویم.» گفتیم: «آقا امام اصلاً از فرانسه به خاطر شهادت ۱۷ شهروار این جا را انتخاب کرده، حالا تو می گویی نمی توانم بنشینم برویم رفاه! چاره ای دیگر نیست باید بنشینیم.» چند بار دور زد و مردم هم نگاه می کردند و نمی دانستند که چه کسی داخل هلی کوپتر است.

سرانجام هلی کوپتر در محوطه ای باز نشست. به امام عرض کردم: «شما پیاده نشوید.» خودم پیاده شدم؛ در حالی که نه عمامه داشتم و نه عبا. نیروهای انتظامات ریختند و گفتند که آقای ناطق جریان چیست؟ گفتیم: «یک جو غیرت می خواهم غیرت به خرج بدهید. دست هایتان را به هم بدهید تا به شما بگویم که جریان چیست.» در همین لحظه در هلی کوپتر باز شد. یک دفعه مردم حضرت امام را دیدند و ریختند که شلوغ کنند، لذا از مسیری که تعیین شده بود امام را نبردم. از زیر یک داربستی رفتیم و به جایی رسیدیم که باید خم می شدیم، لذا به امام عرض کردم: «آقا خم شوید باید از زیر برویم چاره ای نداریم.» موقع ورود امام (ره) به جایگاه، مشکل خاصی نداشتیم، امام در جایگاه قرار گرفت، مرحوم شهید مطهری یک سخنرانی کوتاهی کرد. البته قبل از ایشان پسر شهید امانی آیاتی از قرآن تلاوت کرد و حضرت امام سخنرانی تاریخی خود را شروع کرد. من هم بدون عمامه و عبا تلاش می کردم تا مردم ساکت شوند.»

۱ تسلیم حق

ایشان نحوه خروج امام از بهشت زهرا (س) می گوید: «سخنرانی امام که تمام شد به آقایان گفتیم: «یک دالان درست کنید تا به طرف هلی کوپتر برویم.» هنوز به هلی کوپتر نرسیده بودیم که هلی کوپتر بلند شد، این جا نه راه پیش داشتیم و نه راه پس. در اثر کثرت جمعیت به جایگاه هم نمی توانستیم برگردیم. به قول معروف جنگ مغلوبه شد، هر کس زورش بیشتر بود دیگری را پرت می کرد. آقایان مفتاح و انواری حالشان بد شد و افتادند. من و حاج احمد آقا ماندیم. پهلوانان زیادی آن جا بودند، هر کدامشان عبا می کشیدند. عمامه امام از سرش افتاد. یک عکس قشنگی از امام از این جا گرفته شد که چشم های امام به طرف آسمان است و بنده می فهمم که امام دیگر تسلیم حق و تن به قضای الهی داده بود.

در این لحظات حساس از بس که مردم را هل می دادم میج های دستم از کار افتاد و یقین حاصل کردم که امام زیر پای جمعیت از دنیا می رود و مایوسانه فریاد می کشیدم: «رها کنید، امام را کشتید.» کار از دست همه خارج شده بود. یک وقت دیدم امام به جایگاه برگشت. هنوز برایم مبهم است که در این شلوغی چطور شد که ایشان به جایگاه بازگشت. واقعاً عنایت خدا و دست غیب ایشان را از داخل جمعیت برداشت و در جایگاه گذاشت! خودم را به جایگاه رساندم. دیدم امام نشست و در اثر خستگی عبایش را روی سرش کشیده و



حجت الاسلام

والمسلمین ناطق

نوری: «سخنرانی

امام که تمام شد به

آقایان گفتیم: «یک

دالان درست کنید تا

به طرف هلی کوپتر

برویم.» هنوز به

هلی کوپتر نرسیده

بودیم که هلی کوپتر

بلند شد، این جا نه

راه پیش داشتیم و نه

راه پس. در اثر کثرت

جمعیت به جایگاه

هم نمی توانستیم

برگردیم. به قول

معروف جنگ

مغلوبه شد، هر

کس زورش بیشتر

بود دیگری را پرت

می کرد. آقایان مفتاح

و انواری حالشان

بد شد و افتادند.

من و حاج احمد آقا

ماندیم. پهلوانان

زیادی آن جا بودند،

هر کدامشان عبا

امام را می گرفتند و

به سمت خودشان

می کشیدند. عمامه

امام از سرش

افتاد. یک عکس

قشنگی از امام از

این جا گرفته شد که

چشم های امام به

طرف آسمان است

رهبری می کند؛ چون مسلط به اوضاع بود.

وقتی پیام را نوشتند، دستشان را از روی کاغذ برداشتند و به من فرمودند: در مدرسه باز است؟ چه قدر حواس امام جمع بود، عرض کردم: خیر، در را بستیم. فرمود: باز کنید. گفتیم: آقا حکومت نظامی است. فرمود: می گویم باز کنید. مردم می آیند. باور کنید این حکم ایشان که صادر شد، در همان لحظات اولیه، کل مردم تهران مطلع شدند. تا آمدیم در مدرسه را باز کنیم مدرسه پراز جمعیت شد اصلاً معادلات به هم ریخت.

۱ هلی کوپتر

حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری درباره سختی های بردن امام از فرودگاه به بهشت زهرا (س) می گوید: «در نتیجه فشار جمعیت، ماشین امام خراب شده بود. استارت نمی خورد، جوش آورده بود. این ماشین شده بود یک تکه آهن قرافه و نمی شد ماشین را هل داد. اصلاً یک سناریوی عجیبی بود. یک وقت دیدیم یک هلی کوپتر آمد و نزدیک ما نشست. چون در کمیته استقبال بحث آماده کردن هلی کوپتر مطرح بود، لذا من منتظر بودم که هلی کوپتر بیاید و در واقع جزو برنامه بود. فاصله ماشین امام تا هلی کوپتر حدود ۱۰۰ متر بود. شاید یک ساعت و نیم طول کشید تا با هل دادن، ماشین حامل امام به نزدیک هلی کوپتر رسید. علت آن هم این بود که به پشت سری هاداد می زدیم که به جلو هل بدهند جلویی ها هم به عقب هل می دادند. در نتیجه ماشین جای اولش بود. آقای محمد طالقانی، از کشتی گیران محبوب، در این موقع آن جا بود. او خیلی کمک کرد تا از این محاصره نجات پیدا کردیم.»

نکته جالب این بود که من روی بلیزر بودم و پروانه هلی کوپتر هم کار می کرد. هیچ حواسم نبود که ممکن است هلی کوپتر سرم را ببرد. به هر حال ماشین امام به نحوی در کنار هلی کوپتر، در سمت راننده بغل هلی کوپتر واقع شد. آقای رفیق دوست در را که باز کرد در اثر ضربه ای که خورد بی هوش شد. او را بردند و بنده تا مدتی آقای رفیق دوست را ندیدم. امام هم طرف شاگرد نشسته بود و نمی شد که پیاده بشود، لذا پریدم داخل هلی کوپتر، دست امام را گرفتیم و از پشت فرمان همین طوری امام را کشیدم به داخل هلی کوپتر و گفتیم: «بخشید آقا چاره ای دیگر نیست.» احمد آقا هم پرید داخل هلی کوپتر. از خصوصیات ایشان این بود که در هیچ شرایطی امام را تنها نمی گذاشت. آقای محمد طالقانی هم سوار شد. جمعیت هم ریختند که سوار شوند که نگذاشتیم. خلبان هم سرگرد سیدین، از نیروی هوایی بود. نه ما او را می شناختیم نه او ما را می شناخت. به این دلیل که هلی کوپتر جزو برنامه بوده است مطمئن بودیم.

هلی کوپتر می خواست ببرد، اما مردم به آن آویزان شده بودند. وضعیت خیلی خطرناک بود. خلبان گفت: «ممکن است هلی کوپتر منفجر بشود، نمی توانم ببرم. اما مگر می شود بگویی مردم آویزان نشوید.» گفتیم: «آقا ببین هر کاری که خودت می خواهی بکن ما که بلد نیستیم.» خلاصه باز حمت هلی کوپتر پرید. امام و احمد آقا و آقای محمد طالقانی و بنده

بی حال سرش را به طرف پایین برده شاید ۲۰ دقیقه امام در این حالت بود، حالا ماندیم چه کار کنیم.

۱ ترنند آمبولانس

يك آمبولانس مربوط به شرکت نفت ری آن جا بود. گفتیم: «آمبولانس را بیاورید دم جایگاه». عقب آمبولانس سمت جایگاه واقع شد. احمدآقا دست امام را گرفت و سوار آمبولانس شدند. باز هم عباى امام گیر کرد عبا را کشیدم و گفتم: «آقا عبا نمی خواهد». عباى امام را زیر بغلم گرفتم و خیلی سریع بغل راننده نشستیم و گفتم: «برو». گفت: «کجا؟» گفتم: «از بهشت زهرا(س) بیرون برو». کمک ماشین را زد و از پستی و بلندی سنگ های قبر ماشین حرکت کرد و آژیر می کشید و از بلندگوی آمبولانس می گفتم: «بروید کنار حال یکی از علما به هم خورده، باید او را به بیمارستان برسانیم». اگر می فهمیدند امام داخل آمبولانس است، آمبولانس را تکه تکه می کردند.

از بهشت زهرا(س) که بیرون آمدیم بدنه ماشین از بس که به این نرده و سنگ ها خورده بود له شده بود. يك مقداری که به سمت تهران آمدیم، هلی کوپتر از بالا آمبولانس را دیده بود و در يك فرعی که واقعا گل بود نشست، ما هم با آمبولانس خودمان را به هلی کوپتر رساندیم. مجدداً جمعیت به ما هجوم آورد؛ ولی باز حمت توانستیم امام را سوار هلی کوپتر کنیم. در حین حرکت می گفتم، کجا برویم؟ و احمدآقا گفت: «برویم جماران». چون جماران نزدیک کوه بود و درخت زیاد داشت، هلی کوپتر نمی توانست بنشیند. خلبان برگشت با يك شوقی گفت: «آقا برویم نیروی هوایی». گفتم: «می خواهی ما را داخل لانه زنبور ببری». گفت: «پس کجا برویم؟»
يك دفعه به ذهنم زد، صبح که آمدم ماشین را نزدیک بیمارستان امام خمینی پارک کردم و حالا از آسمان پایین بیایم و در زمین تصمیم بگیریم که کجا برویم. به خلبان گفتم: «جناب سرگرد می توانی بیمارستان هزار تخت خوابی بروی؟» گفت: «هر جا بگویی پایین می روم». گفتم: «پس برویم بیمارستان». خلبان گفت: «اتفاقاً این بیمارستان به اسم خود آقا است.»

۱ فرود در بیمارستان

هلی کوپتر در محوطه بیمارستان نشست. در اثر صدای تق تق هلی کوپتر تمام پزشک ها و پرستارها بیرون دویدند تا ببینند چه اتفاقی افتاده است. تصور می کردند درگیری و کشتاری شده و عده ای را آورده اند. وقتی پیاده شدم پزشکان می پرسیدند: «چه اتفاقی افتاده است؟» من سریعاً درخواست آمبولانس کردم. یکی از پزشکان گفت: «این جا بیمارستان است آمبولانس برای چه می خواهی؟» گفتم: «ما يك بیمار داریم باید جایی او را ببریم». گفت: «خوب همین جا بیمارستان است». گفتم: «خیر نمی شود بیمار ما این جا باشد، باید او را ببریم». آقایان رفتند يك برانکار آوردند من آن را پرت کردم و گفتم: «ما آمبولانس می خواهیم، شما برانکار د می آورید؟»
پزشکی به نام دکتر صدیقی گفت: «آقا من يك ماشین پژو



از بهشت زهرا(س)

که بیرون آمدیم بدنه ماشین از بس که به این نرده و سنگ ها خورده بود له شده بود. يك مقداری که به سمت تهران آمدیم، هلی کوپتر از بالا آمبولانس را دیده بود و در يك فرعی که واقعا گل بود نشست، ما هم با آمبولانس خودمان را به هلی کوپتر رساندیم. مجدداً جمعیت به ما هجوم آورد؛ ولی با حمت توانستیم امام را سوار هلی کوپتر کنیم.

دارم، بیاورم؟» گفتم: «بیاور». ایشان ماشین را آورد نزدیک هلی کوپتر. در هلی کوپتر را که باز کردیم. تا این پرستارها و پزشکان امام را دیدند همه فریاد کشیدند و با هجوم آن ها بساط ما به هم ریخت. خانمی دست امام را گرفته بود و می کشید و گریه می کرد. باز حمت خانم را جدا کردیم. امام و احمدآقا و آقای محمد طالقانی سوار شدند و ماشین حرکت کرد.

من خودم را روی سقف پرت کردم و ماشین تند می رفت. گفتم: «آقا این قدر تند نروید». احمدآقا که فکر می کرد جا مانده ام، گفت: «اتو هستی؟!». گفتم: «پس چه؟ من که رها نمی کنم». راننده ماشین را نگه داشت و سوار شدم. پس از مدتی رسیدیم به بن بستى که صبح ماشینم را پارک کرده بودم. از آقای دکتر عذرخواهی و تشکر کردیم. امام را سوار ماشین پیکانم کردم. دیگر خودم راننده بودم و احمدآقا هم پهلوى من نشست. سه نفری در خیابان های تهران راه افتادیم.

همه جا خلوت بود، چون همه در بهشت زهرا(س) دنبال امام بودند؛ اما امام داخل پیکان در خیابان های خلوت تهران بود. احمدآقا گفت: «برویم جماران». امام فرمود: «خیر». عرض کردم: «آقا برویم منزل ما». فرمود: «خیر». سؤال کردیم: «پس کجا برویم؟» امام فرمود: «منزل آقای کشاورز». من قبلأ يك منبری برای این خانواده رفته بودم و معروف بود که این ها از فامیل های امام هستند. آدرس منزل ایشان را نیز نداشتیم. فقط احمدآقا می دانست که در جاده قدیم شمیران و خیابان اندیشه زندگی می کند. به جاده قدیم شمیران جلوی سینماى صحرا آمدیم. ماشین را کنار زد. امام هم داخل ماشین بودند. احمدآقا دنبال آدرس منزل کشاورز رفت. بالاخره پسران پسران جلوی منزل آقای کشاورز در خیابان اندیشه آمدیم. احمدآقا گفت: «همین خانه است». در منزل را زدیم، پیرزنی در را باز کرد، پیرزن اصلاً داشت سگته می کرد و باورش نمی شد خواب می بیند یا بیدار است و قصه چیست؟» □





خاطرات مرحوم سید احمد خمینی

حاضر نشد از برادر بزرگ، جلو بیفتد

حضور امام خمینی در کشور، یکی از مهم‌ترین و خاطره‌انگیزترین رخداد‌های تاریخ انقلاب است که نکات تاریخی و اخلاقی قابل تأملی در آن دیده می‌شود. کتاب «مشاور امین» که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده، به روایت زندگی مرحوم سید احمد خمینی می‌پردازد. در بخشی از این کتاب، مرحوم حاج احمد آقا درباره لحظه ورود امام به کشور خاطره‌ای اخلاقی و بسیار جالبی نقل کرده است. ایشان گفته‌اند: وقتی که هواپیما در فرودگاه به زمین نشست، حضرت آیت‌... پسندیده برادر بزرگ امام خمینی وارد هواپیما شد و پس از سال‌ها دوری، با امام خمینی دیدار کرد و لحظاتی در کنار او به گفتگو نشست. لحظه رفتن که فرا رسید حضرت امام فرمودند: «آقا [آیت‌الله پسندیده] باید جلو بروند و من پشت سر ایشان می‌روم. عرض کردم: مردم چهارده سال است که انتظار این لحظه را می‌کشند، خبرنگاران و عکاسان داخلی و خارجی منتظرند تا این لحظه تاریخی را به تصویر بکشند.

هرچه اصرار کردم فایده‌ای نداشت. سرانجام راهی به ذهنم رسید. به عمومی بزرگوارم پیشنهاد دادم که ایشان با جمعی از همراهان امام که از پاریس آمده بودند از هواپیما پیاده شوند و به جمعیت حاضر در سالن استقبال بیبوندند و بعد امام پیاده شوند. به همین ترتیب عمل شد و بالاخره امام حاضر نشد یکی از آداب معاشرت اسلامی را نادیده بگیرد و از برادر بزرگ خویش جلو بیفتد، ولو آن‌که در چنین شرایط استثنایی که میلیون‌ها چشم به آن

دوخته است، قرار داشته باشد. در فرودگاه، مرحوم آیت‌... طالقانی و سایر افرادی که آن جا بودند، همه معتقد بودند به این‌که امام نباید به بهشت زهرا(س) بروند؛ چون که راه بهشت زهرا(س) خیلی شلوغ است و ما می‌گفتیم اگر برویم به میان مردم عادی چه می‌شود، ولی امام گفتند: خیر، من باید بروم بهشت زهرا(س).

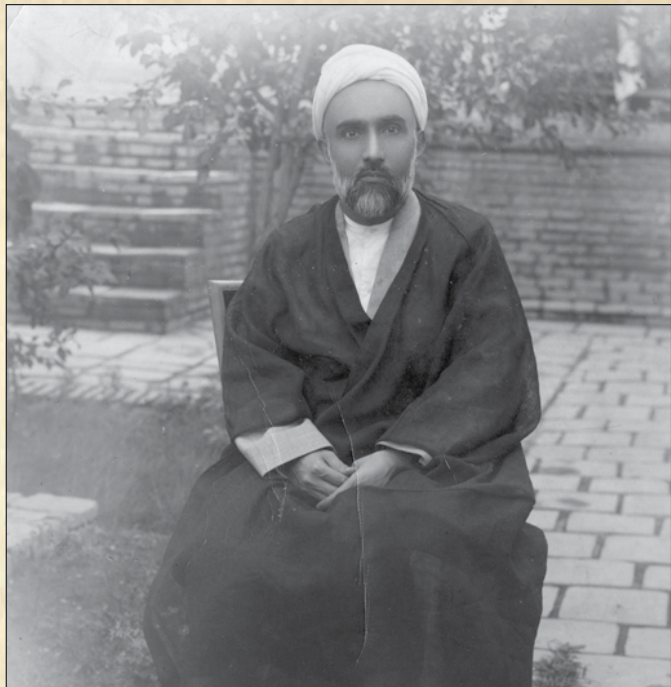
باید یادآور شوم که طرح رفتن به بهشت زهرا(س) را امام خودشان وقتی در پاریس بودیم اعلام کردند. با وجود اصرار مستقبلی برای منصرف کردن امام از این تصمیم، ما عازم بهشت زهرا(س) شدیم؛ چون امام خودشان چنین تصمیمی داشتند. به علت زیاد بودن تعداد ماشین‌های همراه در بین راه فقط چند بار مردم متوجه اتومبیلی که امام در آن قرار داشت شدند که ریختند و خیلی خطرناک شد. در ماشین امام که فقط من و راننده همراه امام بودیم، در جلوی بهشت زهرا شلوغ شد و مردم ریختند. با ماشین به سوی بهشت زهرا می‌رفتیم و وضع جوری شد که ماشین حرکت عادی نداشت. تا این‌که اصلاً موتور ماشین سوخت و از آن پس دیگر این فشار جمعیت بود که اتومبیل را به هر جهت می‌برد، حتی یک بار نزدیک بود ماشین توی جوی آب بیفتد. در همین حین هلی‌کوپتری آمد و امام و من سوار آن شدیم و از آن جا در نزدیکی قطعه هفده پیاده شدیم.

امام فاصله هلی‌کوپتر تاروی کرسی خطابه را راحت طی کردند. ایشان صحبت خودشان را ایراد کردند که همه می‌دانید و بعد با آمولانس از در بهشت زهرا(س) خارج شده و ماشین به دست راست پیچید. بعد از طی مسافت در جاده به طرف قم، باز به سمت راست پیچید و به داخل بیابان رفت و با سرعت

زیادی جلو رفت. هلی‌کوپتر ما هم روی آمولانس حرکت می‌کرد. سریع خود را به آن جا رساندیم و امام را که از آمولانس پیاده شده

بود، سوار کردیم و تا جمعیت برسد از روی زمین بلند شدیم. مسئله‌ای که در این حال برای ما مطرح شد این بود که حالا کجا برویم. آیا به فرودگاه مهرآباد برویم؟ تصمیم بر این شد و رفتیم به آن جا، ولی هنوز جمعیت در فرودگاه و میدان آزادی موج می‌زد و بعد از آن رفتیم جلوی بیمارستان امام خمینی و از آن جا سوار هلی‌کوپتر شدیم. □





و بزرگ و کوچک از ساعت چهار بعد از ظهر به خیابان‌ها بریزند و نقشه خائنه دولت را از بین ببرند. بعد معلوم شد که اصلاً صدور اطلاعیه فرمانداری نظامی، به دستور آمریکا بوده است تا نظامیان با تانک‌ها، توپ‌ها و مسلسل‌ها داخل خیابان‌ها بیایند. حتی من از بعضی افراد مطلع شنیدم که بنا بوده دو نقطه به طور قطع بمباران شود: یکی منزل امام در دبیرستان علوی، برای این که امام کشته شود، ولو هزاران نفر هم به قتل برسند و دیگر مراکز حساس قم؛ ولی امام نقشه آن‌ها را با یک اعلامیه برهم زد. اعلامیه امام را جوانان انقلابی و پرشور تکثیر کردند و با دوچرخه و موتورسیکلت در سراسر تهران پخش کردند و به افراد مؤثر یک نسخه دادند و به این وسیله دولت را فلج کردند. تانک‌ها به خیابان‌ها آمدند، اما چون مردم در خیابان‌ها حضور داشتند هیچ‌گونه تحرکی پیدا نکردند. بدین‌گونه امام نقشه آن توطئه خطرناک را خنثی کرد. این یک فکر عادی نبود. اگر امام آن تصمیم را نمی‌گرفت، اگر نگوییم انقلاب از بین می‌رفت، لاقلاً ضربه غیرقابل جبرانی می‌خورد.

شعار ملی انقلاب

حجت الاسلام والمسلمین فلسفی درباره سخنرانی خود در دیدار با امام خمینی در اولین روزهای ورود ایشان به ایران می‌گوید: «وقتی که امام خمینی با آن استقبال بهت‌آور و بی‌نظیر به ایران بازگشت، دوسه روز بعد از ورود ایشان، من در مدرسه علوی با حضور صدها نفر از علما و روحانیون تهران و همچنین روحانیون و علمای دیگری که از ولایات برای استقبال از امام به تهران آمده بودند، در حضور ایشان پس از هفت سال سخنرانی کردم. در آن جا سالن بزرگی بود که مملو از جمعیت بود و همه روی صندلی نشسته بودند.

سالن، ایوان بلندی داشت. من هم کنار سالن روی صندلی نشسته بودم. امام وارد سالن شدند و در آن ایوان سکو مانند جای گرفتند. همه به احترام ایشان از روی صندلی بلند شدند. سپس امام روی زمین نشستند و به یکی از افرادی که آن جا بود، فرمودند که به فلانی بگویید که نزد ایشان بیاید. من هم حرکت کردم و نزد ایشان بالا رفتم. امام از جا برخاستند و با هم مصافحه کردیم. بعد در کنار هم نشستیم. همه منتظر بودند امام سخنرانی ایراد کنند، ولی ایشان فرمودند: «خیلی خسته هستم؛ قبلاً هم یک ساعت صحبت کرده‌ام؛ آقای فلسفی صحبت می‌کنند». بعد صندلی آوردند و من روی صندلی نشستم و شروع به صحبت کردم.

آن ساعت و آن لحظه و سخنرانی در کنار امام را درست و دقیق به یاد دارم. خیلی‌ها هم خوب به یاد دارند. بین من و امام به اندازه نیم متر فاصله بود. همه علما و فضلا منتظر شروع سخنرانی بودند. پس از ذکر خطبه، خطاب به امام عرض کردم: «مسافر بزرگوار و محترمی که از سفر می‌آید، علاقه‌مندان وی دسته گل برای او می‌آورند. من هم امروز به احترام شما یک شاخه گل از بوستان اهل بیت (ع) برای تکریم مقام شما آورده‌ام. آن شاخه گل، این حدیث است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «تمنوا للفتنه فقیها هلاک الجبابره و طهاره الارض من الفسقه»

خاطرات حجت الاسلام والمسلمین فلسفی

مجلس از خنده غوغا شد

تصمیم سرنوشت‌ساز امام خمینی در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ مبنی بر شکست حکومت نظامی، منجر به خنثی شدن توطئه رژیم پهلوی و پیروزی نهایی انقلاب اسلامی شد. آیت... فلسفی در کتاب خاطرات خود درباره تصمیم‌گیری امام خمینی و اثرات آن اعلامیه می‌گوید: امام مردی بود که از ابعاد مختلف، فوق‌العاده بود. یک انسان عادی نبود. از نظر روحی و معنوی و قدرت تصمیم‌گیری و... فوق‌العاده بود.

فراموش نمی‌کنم موقعی که امام تازه به تهران آمده بودند، در مدرسه علوی من مکرر خدمت ایشان می‌رسیدم. ۲۱ بهمن به اتفاق آقای صدوقی که از یزد آمده بود و آقای طالقانی و دیگران، در اتاق اندرونی خدمت ایشان بودیم. من عظمت فکر و نظر ایشان را آن روز بیشتر دیدم. همه به خاطر دارند که ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ فرماندار نظامی ساعت دو بعد از ظهر در رادیو اعلام کرد که از ساعت چهار بعد از ظهر آمد و رفت در خیابان‌ها به کلی ممنوع است. وقتی این خبر را شنیدیم، مورد شور قرار گرفت. مرحوم آقای طالقانی که خیلی اهل سیاست بود، گفت: به نظر می‌آید که مهم نباشد. گفته است مردم نیابتند بیرون.

بعضی دیگر هم در اظهار نظر مردد بودند. من یکی از الهامات الهی در انقلاب اسلامی را این می‌دانم که امام بلافاصله دستور دادند قلم و کاغذ آوردند و اعلامیه نوشتند که دولت غیرقانونی است. فرمانداری نظامی رسمیت ندارد و اعلامیه‌اش هم بی‌ارزش است. تمام مردم از زن و مرد



آن را چه بگذارم؟ متصدی گفت: چون کلمه «رضا» اسم اعلیحضرت همایونی رضاشاه کبیراست، آن را بردار و کلمه دیگری به جای آن بگذار، مثلاً: «حسن به داده بده»، «تقی به داده بده»، «نقی به داده بده»! با ادای این مطلب، مجلس از خنده غوغا شد. آقایان حضار خیلی خندیدند. امام نیز چنان می‌خندید که دوش هایشان می‌لرزید! با این که خنده معمولی امام را هم کمتر کسی دیده است. گفتم: «اوضاع چنین بود، ولی بحمد... با قیام شما و تحقق آن فتنه‌ای که امام صادق (ع) آن را توصیه فرموده بود، آن بدبختی از میان رفت»، بعد هم این چند بیت شعر را که در آن لحظه به خاطر داشتم، خواندم که خیلی مؤثر واقع شد:

پیدایش مثل نه به بخت است و اتفاق
کس ملک بی وسیله فراهم ندیده است
حاشا که از نظام جماعت برد نصیب
قومی که اجتماع منظم ندیده است
حاشا که سر به عزت و شادی برآورد
قومی که روز محنت و ماتم ندیده است
حاشا که ره برد به سوی ساحلی نجات
قومی که موج حادثه چون بیم ندیده است
و گفتم «شاهد، شعر آخر است»:
حاشا که در قیامت ملی کند قیام
قومی که پیشوای مصمم ندیده است

پس از سخنان من حضار با صدای غرایبی صلوات فرستادند. سپس گفتم: «با صدای بلندتر و همان طور که در مجالس دیگر شعار می‌دهید، شعار ملی انقلاب را تکرار کنید!» ده‌ها دست با شدت و حدت بالا رفت و همه شعار «... اکبر، خمینی رهبر» را سردادند. □



حجت الاسلام

والمسلمین فلسفی

در باره سخنرانی

خود در دیدار با امام

خمینی در اولین

روزهای ورود ایشان

به ایران می‌گوید:

«وقتی که امام

خمینی با آن استقبال

بهت آوروی نظیر

به ایران بازگشت،

دو سه روز بعد از

ورود ایشان، من

در مدرسه علوی با

حضور صدها نفر

از علما و روحانیون

تهران و همچنین

روحانیون و علمای

دیگری که از ولایات

برای استقبال از امام

به تهران آمده بودند،

در حضور ایشان

پس از هفت سال

سخنرانی

کردم.»

من این روایت را اول در مجموعه «ورام» و بعد در «امالی شیخ طوسی» دیده بودم. امام صادق (ع) فرموده است: «تمنای انقلاب داشته باشید که در آن هلاک جباران و پاک شدن زمین از فاسقان است». در «اقراب الموارد» که فرهنگ لغت ارزنده‌ای است، برای کلمه «فتنه» معانی متعددی ذکر کرده، از جمله می‌گوید: «مال فتنه است، اختلاف فتنه است، اولاد فتنه است...» و در آخر می‌گوید، «و اختلاف الناس فی الآراء و ما يقع بینهم من القتال»، که مفاد آن این است: «دوره‌ای را نیز که آرا و نظرات مردم در مقابل هم قرار می‌گیرد و خونی ریخته می‌شود، فتنه گویند». پس امام صادق (ع) که می‌فرماید: «تمنوا الفتنه»، یعنی برای تغییر اوضاع ظالمانه و نجات از دست ستمکاران در تمنای انقلاب باشید، «فقیها هلاک الجباریه» که در فتنه و انقلاب جباران هلاک می‌شوند و «طهاره الارض من الفساق»، یعنی زمین هم از فساق و فجار پاک می‌شود.

گفتم: «ای امام، دستور حضرت صادق (ع) را شما در این زمان به کار بستید و عمل کردید: مردم را دعوت به انقلاب نمودید، مردم هم اجابت کردند. مقام شما، مرجعیت شما، اجتهاد شما، محبوبیت شما، تصمیم قاطع شما موجب شد که مردم دعوت شما را اجابت کنند و چه خوب اجابت کردند! خدا را سپاس که از آن بدبختی به در آمدند و از آن تنگنا خلاص شدند.»

بعد گفتم «در دوران سیاه گذشته، آن قدر اختناق بود که یک کتاب فروش به من می‌گفت: در زمان رضاشاه اداره اطلاعات شهربانی هر کتابی که می‌خواست چاپ شود باید می‌دید و روی هر صفحه مهر (روا) می‌زد تا چاپخانه چاپ کند. او می‌گفت: من دیوان حافظ را که بارها چاپ شده بود به شهربانی بردم تا اجازه چاپ بگیرم. متصدی گفت: بروید و یک ماه دیگر بیایید. گفتم: این دیوان بارها چاپ شده است،

شما اجازه بدهید که بروم و آن را چاپ کنم. گفت: خیر، زودتر از یک ماه نمی‌شود، یک ماه دیگر بیایید. بعد از یک ماه که رفتم، دیدم به جز یک صفحه روی سایر صفحات مهر «روا» زده است. بعد آن یک صفحه را باز کرد و گفت: این یک شعر را باید عوض کنی:

رضا به داده بده وز جبین
گره بگشا
که بر من و تو در اختیار
نگشادست
گفتم: آقا، این شعر متعلق به حافظ است، من چطور آن را عوض کنم؟! بر فرض که عوض کنم، جای



ساعت بلند می شدند و می نشستند. بالاخره مدتی صبح ها مردها می آمدند دیدن امام و زن ها بعد از ظهر می آمدند. یک روز مرحوم شهید مطهری به امام عرض کرد، که آقا اگر اجازه بدهید زن ها که می آیند، این جا حالشان به هم می خورد دیگر برنامه زن ها را تعطیل کنیم. فرمود: نخیر من با این زن ها شاه را بیرون کردم، این ها بیایند مانعی ندارد. به هر حال این برنامه مرتب ادامه داشت و تظاهرات و اعتصابات بود تا این که جریان ۲۲ بهمن پیش آمد.»

شهید شیخ فضل... محلاتی درباره وقایع شب پیروزی انقلاب و تصمیم سرنوشت ساز امام می گوید: «از جریانات تاریخی، همان جریان شب ۲۲ بهمن بود. وقتی که دولت بختیار آخرین رمق هایش را طی می کرد، این ها تصمیم گرفتند که حکومت نظامی اعلام کنند و شب هر جوری که می توانند مردم را بزنند و بکشند آن شب دولت اعلام کرد، هر کس از ساعت چهار بعد از ظهر از منزل بیرون بیاید به او تیر می زنیم. بعد از اعلام حکومت نظامی ما آمدیم به امام عرض کردیم: تکلیف چیست؟ بعضی از آقایان هم نظرشان این بود که فعلاً مردم بروند توی خانه و فردا صبح بیایند راهپیمایی کنند. امام فوری فرمودند: بروید با بلندگو توی خیابان ها به مردم اعلام کنید تمام مردم باید ساعت چهار بعد از ظهر بیایند توی خیابان ها. این اعلام امام عجیب بود. عکس آن که حکومت نظامی اعلام کرده بود. از تصمیم های تاریخی و سرنوشت ساز امام همان تصمیم بود، اگر آن تصمیم نبود آن شب حکومت نظامی بود، خدای داند که چه می شد. بعدش ما هم رفتیم با بلندگو اعلام کردیم که امام می فرمایند که همه بیایند توی خیابان ها، و همه آمدند توی خیابان ها و آن شب غوغا بود.»



خاخرات شهید شیخ فضل... محلاتی

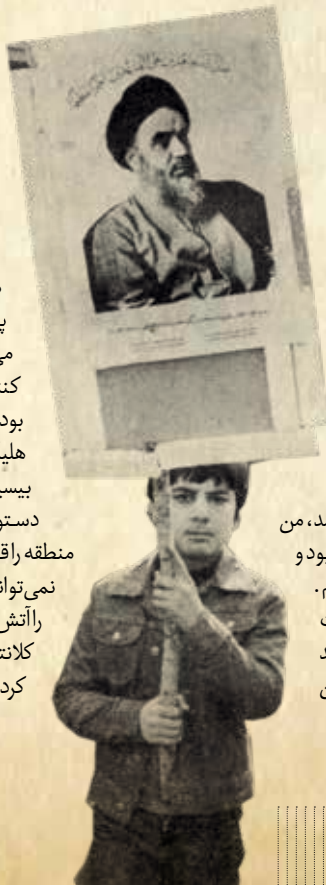
یک جنگ دیگر با این ها داریم

شهید شیخ فضل... محلاتی درباره سازش ناپذیری امام می گوید: «آقای مهندس بازرگان را مأمور کردند برای تشکیل کابینه. کابینه که تشکیل شد بختیار باز صحبت کرده بود که یک وقت شوخی می خواهند بکنند یا که جدی می گویند، دو دولت که نمی شود، دو تا حکومت که نمی شود. من یادم هست که یک روز به امام عرض کردم بختیار امروز خیلی مزخرف گفته، فرمود که ما یک جنگ دیگر با این ها داریم، بدون جنگ نمی شود. این ها می خواهند با مذاکره تمام کنند، من از اول هم به این ها گفتم که مذاکره نتیجه ندارد، ما یک جنگ دیگر با این ها داریم و بعد تمام می شود.»

هنوز جریان ۲۲ بهمن پیش نیامده بود. این سیل جمعیت می آمد، من هم آن جا توی آن اتاقی که امام ملاقات داشتند میکروفون دستم بود و معمولاً مسئول بودم که انتظامات را در اتاقی که امام بود برقرار کنم. بعضی روزها پنجاه - شصت نفر غش می کردند زیر دست و پا از کثرت جمعیت، الحمدلله... تلفات نداشتیم ولیکن سیل جمعیت می آمد و می رفت و امام هم خیلی صدمه خوردند، مرتب روزی چندین

شنود بیسیم ها

«آن شب ما منزل امام بودیم و مرتب در تماس بودیم. بیسیم های آن ها را ما می گرفتیم. وسیله ای داشتیم که بیسیم های دستگاه را می گرفتیم. دائم خبر می آمد فلان کلانتری ساقط شد. به رحیمی فرماندار نظامی می گفتند که ما را محاصره کرده اند، او می گفت: فرمانداری نظامی را هم محاصره کرده اند. ما چه کنیم؟ می گفتند: پس این همه هلیکوپتر و هواپیما برای چه می خواهید؟ بفرستید هواپیماها این ها را بمباران کنند. او می گفت: خیلی خوب. رئیس کلانتری ۱۰ بود که استغاثه می کرد، او هم می گفت که الان به هلیکوپترها می گوئیم که بیایند و بمباران کنند. ما بیسیم های آن ها را می شنیدیم، به مجرد این که این دستور را به آن ها دادند، ما فوری می گفتیم: برق آن منطقه را قطع کنند. برق منطقه را قطع می کردند و این ها نمی توانستند کاری کنند. بالاخره دستور داد بیسیم ها را آتش بزنند و اوراق را بسوزانند و بیایند بیرون. آخرین کلانتری مثل این که کلانتری ۶ بود که صبح سقوط کرد. بعد هم ملت ریختند توی پادگان ها.» □



نمادهای انقلاب



- داغ دستان خونین ●
- شاه برعکس ●
- درد مشترک در ساختمان ۱۱۰ ●

اما مردم نخواستند بروند. ماندند و خون هایشان نام شاه را از این میدان شست. جنگیدند و یک روز با هم آزادی را جشن گرفتند و حتی این نماد شاهنشاهی را به نام انقلابشان مصادره کردند.

با این حساب می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین نشانه‌های انقلاب در این شهر «برج آزادی» است. با وجود این که وقایع سرنوشت‌ساز انقلاب، عمدتاً در مناطق دیگری در تهران ورق می‌خورد، اما اجتماعات و راهپیمایی‌های عظیم مردمی در روزهای سرنوشت‌ساز انقلاب در مسیر منتهی به میدان آزادی و ثبت و ضبط این وقایع تاریخی توسط دوربین‌های عکسبرداری و فیلمبرداری سبب شد یکی از نخستین نشانه‌های ذهنی ایرانی‌ها از انقلاب اسلامی اجتماعات مردمی پای برج آزادی باشد. روزنامه کیهان در روایتی از راهپیمایی مردم آن روزها نوشته است: «از ساعت ۷ صبح مردم دسته دسته از نقاط مختلف شهر گرد هم جمع شدند و به تدریج متشکل شدند و به راه افتادند. در این ساعت عده‌ای زن و مرد در حالی که بعضی از آن‌ها کودکان خود را به همراه داشتند در خیابان شهباز جنوبی گرد هم آمدند و در حالی که این گروه عکس‌هایی از حضرت آیت‌ا... العظمی خمینی و پلاکاردهایی حمل می‌کردند، به سمت خیابان‌های شمالی شهر رفتند.

حرکت راهپیمایان از ساعت ۸ صبح به صورت گروه‌های ۵۰۰ تا یک هزار نفری به طرف میدان آزادی (میدان شهید) آغاز شد و پس از ساعتی تراکم گروه‌های راهپیمایان به حدی زیاد شد که تمام سطح خیابان و حتی پیاده‌روها به اشغال راهپیمایان درآمد و صدها هزار نفر با قدم‌های تند ولی منظم به طرف میدان به حرکت پرداختند. در ساعت ۱۲ ظهر در حالی که میدان آزادی و قسمتی از جاده مخصوص کرج و جاده‌های شمال و جنوب میدان آزادی مملو از مردم شده بود. حرکت در خیابان آینه‌ها و متوقف شد و به تدریج توقف جمعیت تا خیابان شاه‌رضا سرایت کرد. به دستور روحانیون گروه‌های مختلف مردم در خیابان نشستند و سپس مؤذنین از بلندگوها شروع به گفتن اذان کردند و سرانجام در حالی که از کثرت جمعیت در میدان آزادی و خیابان آینه‌ها و راهی برای پیشروی نبود، قطعنامه راهپیمایی توسط روحانیون گروه‌ها قرائت شد و از ساعت ۲ بعد از ظهر مردم شروع به بازگشت کردند.»

در تمام اعتراضات و واکنش‌های مردمی علیه حکومت‌ها و سران کشورها، افراد مهم‌ترین اصل را حقوق فردی و اجتماعی‌شان می‌دانند که مهم‌ترین آن‌ها آزادی عمل و گفتارشان است. مردم در سده‌های گذشته چه در ایران و چه در خارج از مرزهای ایران به دنبال آزادی بیشتر بودند. ایرانیان، مشروطه را به پا کردند که کمی استبداد و پادشاهی را محدود کنند و ملت و روشنفکران را آزادتر، اما مشروطه ناتمام ماند، رضاخان ابتدا با شعار آزادی آمد و مردم را به دنبال خود جمع کرد، اما بعد آزادی زنان و مردان را زیر پای خود دربارش له کرد و مردم بار دیگر از هر جایی جمع شدند که دوباره از آزادی بگویند. این بار نام میدان‌های شهر و روستای خود را آزادی گذاشتند، به این امید که این قفقوس به سرمنزل بام‌های خانه‌شان بنشیند. □



داغ‌دستان خونین

علاوه بر تأثیر نمادهای شیعی بر پیروزی انقلاب اسلامی، دوران انقلاب، نمادهایی با مفهوم علامت‌واحد هویت بصری داشته است که به عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط استفاده می‌شد. فراماسونری و صهیونیسم جهانی را نمادگراترین فرقه دانسته‌اند، اما در جبهه مقابل، یعنی انقلاب اسلامی نیز از نمادهای متعالی و پر مفهومی بهره برداری شده است، اکثر این نمادها در پایتخت کشور ایجاد شده، از جمله میدان آزادی، میدان انقلاب، مدرسه رفاه، ساختمان نیمه‌کاره و دست‌های خونین از مهم‌ترین و بارزترین نمادهای انقلاب اسلامی ایران است.

گوشه‌گوشه تهران پر از خاطرات انقلاب است؛ خاطره‌هایی که در حافظه این شهر می‌ماند و از نسلی به نسل دیگر انتقال داده می‌شود تا این انقلاب محکم و استوار به مسیر عدالت‌خواهی‌اش ادامه دهد. از کنار هر نقطه‌ای از این شهر عبور کنید، همچنان می‌توان صدای فریادهای مرگ بر شاه را شنید، داغ‌دستان خونی بر روی دیوارهای این شهر هنوز تازه است. تغییر چهره تهران در این سال‌ها هم نمی‌تواند این خاطرات را از ما بگیرد.

کتاب‌های زیادی در سرتاسر دنیا با موضوع انقلاب اسلامی منتشر شده که بسیاری از آن‌ها تصویر برج آزادی را بر جلد خود دارند. میدان آزادی که پیش از انقلاب اسلامی میدان شهید نام داشته، بزرگ‌ترین میدان شهر تهران است که در بخش غربی تهران جای دارد. این میدان به همراه برج آزادی در سال ۱۳۴۹ خورشیدی برای یادبود جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران طراحی و ساخته شد و پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به نام «میدان آزادی» نام گرفت. از این میدان اتوبوس‌هایی بود که آدم‌رامی برد هر جایی دورتر از آزادی، یا حتی فرودگاهی که سوار هواپیماهایش می‌شدی و می‌رفتی فرسخ‌ها دورتر. راه برای رفتن زیاد بود.



میدان انقلاب

بود از سوی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تبدیل به طرحی مدور و در میدان انقلاب نصب شد. این طرح در ابتدا به صورت نقش برجسته و دیواری طراحی شده بود و یادآور روزهای جنگ و شامل تصاویر رزمندگان بود. میدان «انقلاب» جدید، با این گنبد سبز فیروزه‌ای حداقل در نگاه اول تصویر زیبا و مستقلی را به وجود آورده است، اما محیط بصری مطلوبی نیست و نشانی از میدانی با نام و هویت «انقلاب» ندارد.

به هر حال این میدان خاطرات زیادی از انقلاب اسلامی و شهادت‌ها و رشادت‌های مردم را در خود جای داده است و گذشته این میدان، با انقلاب اسلامی گره خورده است. در گزارش‌هایی که به روز ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ اشاره می‌شود، آمده است: در صبح روز ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ در حالی که حملات مردم به تمام مراکز قدرت رژیم شدیدتر می‌شد، خبر رسید که ستاد ژاندارمری واقع در میدان ۲۴ اسفند (یعنی میدان انقلاب فعلی) به دست افراد نیروی هوایی، دریایی و مردم افتاده است. □

یکی از نقاط خاطره‌انگیز برای انقلابیون «میدان انقلاب» است و مجسمه خاطره‌انگیزی که سال‌ها در کنار میدان جا خوش کرده بود. استوانه‌ای که تاریخ انقلاب را روایت می‌کند، یکی از جدی‌ترین عناصر یادمانی انقلاب در تهران است که خاطره‌های مشترکی حول آن به هم گره خورده است. میدان انقلاب نه تنها هر روز محل رفت و آمد تعداد زیادی از مردم است، بلکه وقایع مهم تاریخی از جمله وقایع مقارن با انقلاب بیشتر در حول و حواشی این میدان اتفاق افتاده. این‌ها همه باعث شده که این مجسمه، اهمیتی فراتر از یک اثر هنری پیدا کند و تبدیل به یک نماد شهری خاطره‌انگیز شود.

پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷، این میدان، ۲۴ اسفند نام داشت که برابر با روز رضاخان بود و به همین مناسبت در وسط این میدان تندیس رضاخان برپا شده بود. در جریان انقلاب، نام این میدان از ۲۴ اسفند به میدان انقلاب تغییر داده و مجسمه آن نیز به پایین کشیده شد. در سال ۱۳۶۱ نمادی که ایرج اسکندری برای مصلاي تهران طراحی کرده



و فرهنگ دینی و حتی ملی، نمادهای اندیشه رقیب را به مبارزه فرا می‌خواند. در واقع سنت و تجدد در حال مبارزه با هم بودند و سنت‌گرایان با تکیه بر اندیشه دینی و تاریخی ایرانیان به جنگ اندیشه مدرنیسم مطلقه شتافتند. در این کارزار همه چیز رنگ و بوی نمادین گرفت. نمادگرایی شیعه یکی از ویژگی‌های مبارزه ملت ایران علیه ظلم و ستم محسوب می‌شود که در نبود احزاب سیاسی مستقل، به عنوان عناصری و وحدت بخش میان گروه‌های اجتماعی عمل می‌کرد و در مناسبت‌های مختلف سبب بسیج سیاسی می‌شد.

بی‌تردید نقش امام حسین (ع) در تاریخ شیعه از اهمیتی نمادین برای ایرانیان برخوردار است. این مظلومیت با گذشت چندین قرن از واقعه کربلا، همچنان از سوی شیعیان با برگزاری مراسم و آیین‌های ویژه‌ای مورد تکریم قرار می‌گیرد. این الگوی نمادین نزد شیعیان در طول تاریخ؛ ویژگی‌ایثار و فداکاری را در میان آنان زنده نگاه داشته است. در دوران انقلاب نیز این عناصر نمادین برای مبارزه با ظلم و ستم رژیم شاه مورد استفاده قرار گرفت. «لیلی عشقی» در این خصوص می‌نویسد: «در لحظات تب‌آلودی که پس از سقوط شاه پیش آمد، جملاتی به این صورت بر دیوارها نقش بسته بود. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» در واقع انقلاب به مثابه تکرار عاشورا تصور می‌شد؛ یعنی اجرای دوباره همان حادثه بنیانگذار تشیع.

یکی از تأثیرات عاشورا در انقلاب اسلامی تبلور مفهوم شهادت‌طلبی و ایثار بود. قیام امام حسین (ع) نشان‌دهنده این است که شهادت یکی از راه‌های مبارزه است. این روح شهادت‌طلبی در انقلاب، مکانیسمی از مبارزه بود که حاکمیت را دچار بی‌تصمیمی سردرگمی می‌ساخت؛ در نتیجه رژیم خود را در مقابل روحیه شهادت‌طلبی مردم ناتوان می‌یافت. راهپیمایی میلیون‌ها تن در تهران و سراسر ایران در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی در سال ۵۷، رژیم شاه را متزلزل ساخت. سیل خروشان مردم در این دو روز ضربه سختی بر پیکر رژیم شاهنشاهی وارد آورد و رژیم را از فکر مقابله با حرکت عظیم مردم در روزهای مقدس تاسوعا و عاشورا منصرف ساخت. بر این اساس؛ انقلاب اسلامی ایران از قیام عاشورا بهره‌های بسیاری برد و عموم مردم با تأسی از امام حسین (ع) از ارباب و خشونت حکومت نهراسیده و با اتکای به نمادهای شیعه در انتظار پیروزی یا شهادت بودند. رویکرد ملت ایران به روح نمادین فرهنگ عاشورا و مفاهیم قیام خیز آن همچون: عدالت‌طلبی آزادی خواهی، شهادت‌طلبی، مبارزه و قیام و استقامت در راه خدا و از جان گذشتگی و ایثار در مسیر هدف‌های الهی، مدیون اندیشه امام خمینی (ره) و گروه‌های مذهبی است. آن‌ها با درایت تمام از این عناصر نمادین برای بسیج سیاسی بهره بردند. به طور کلی در هنگامه شکل‌گیری انقلاب؛ مردم با بهره‌گیری از نماد عاشورا، آیین‌های چهل‌شنبه و عزاداری‌های محرم را به عرصه تجلیل از شهدا و مخالفت با رژیم پهلوی تبدیل کردند. □



تکرار عاشورا

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ شمسی در ایران دارای یک بعد نمادین بود که در بیشتر تحلیل‌ها مغفول مانده است. ملت ایران با رجوع به آداب، سنن و فرهنگ خویش به ستیز با مظاهر فرهنگ بیگانه‌ای رفت که خود را با آن همراه نمی‌دید. این ستیز از هر جهت متکی بر نمادهایی بر ساخته بود.

رژیم پهلوی تنها با سمبل‌سازی‌های ایران باستان و فرهنگ غرب‌گرایی بر مدرنیسم مطلقه تأکید می‌کرد و در مقابل ضد نمادی شکل گرفت که بر پایه سنت اسلامی، شیعی



شاه برعکس

هوشمندی انقلابیون در انتخاب رسانه‌ای ساده فهم، در دسترس و ارزان از نظریه کارگیری وسایل مورد نیاز برای دیوان‌نویسی از قبیل: اسپری رنگ، ماژیک و نیز استفاده از فیلم‌های رادیولوژی برای طراحی کلیشه‌های شعار و چهره، نقش بسیاری در فراگیری استفاده از دیوان‌نویسی توسط مردم در راستای اهداف انقلاب اسلامی داشت.

حکومت پهلوی که با سانسور اخبار در رسانه‌های مختلف دیداری و شنیداری کشور توانسته بود تا حدودی از رسیدن صدای مظلومیت یاران انقلاب و وقایع مهم نهضت انقلابی ملت ایران به عموم مردم جلوگیری کند، با ابتکار یاران انقلاب در استفاده از این رسانه مردمی و مشاهده تأثیر فراوان آن در رساندن امواج نهضت به دورافتاده‌ترین نقاط کشور ناگهان غافلگیر شد، از این رو کوشید تا با تعقیب و دستگیری شعارنویسان و افرادی که اعلامیه‌های انقلابی بر روی دیوار نصب می‌کردند و همچنین محو این اعلامیه‌ها و نوشته‌ها از روی دیوار با پاره کردن، رنگ زدن و یا اقداماتی از این دست، تأثیر این رسانه فراگیر مردمی را در آگاه‌سازی ملت برای ایفای نقش در جهت سرنگونی حکومت پهلوی و تشکیل حکومت اسلامی کم‌رنگ کند.

به یقین می‌توان دیوان‌نویشت‌ها را مردمی‌ترین رسانه برای انتقال پیام در سال‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نامید، زیرا این رسانه توسط مردم انتخاب شد، محتوای پیام‌ها و شعارها نیز توسط آنان تولید و منتشر شد و حتی جامعه هدف و مخاطب این رسانه نیز خود مردم بودند. در واقع شعارنویسی و دیوان‌نویسی در سطح شهر یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مبارزین انقلابی بود که به واسطه آن جوشش انقلابی در مردم ایجاد می‌شد. □

کسی فریاد می‌زد و ظلم ظالمان روزگار را مورد عتاب قرار می‌داد و از آن طرف، گلوله‌ای سینه‌اش را به ظلم می‌درید. خونی که می‌ریخت، شهیدی اوج می‌گرفت و دستی دیگر به عظمت خونش آغشته می‌شد و روی دیوارهای شهر منتشر می‌شد. آن دست‌ها، آن پنجه‌ها و آن خون‌ها، آیه‌های عظمت خالق بودند که رنگ سرخشان روزگار ظالمان را تیره و تار کرد.

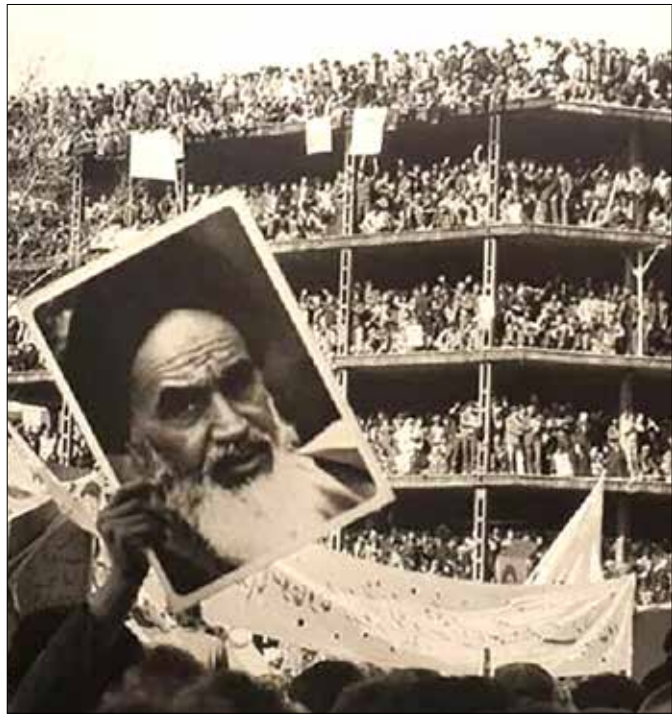
شعارنویسی در تمام اعتراض‌ها و انقلاب‌ها یکی از بارزترین نمادها محسوب می‌شود. در این بین دست‌خوین که دیوارهای شهر را مهور می‌کرد، ساده‌ترین و در عین حال گویاترین شعارنویسی دوران انقلاب اسلامی ایران بود. یکی دیگر از دیوان‌نویسی‌های دوران انقلاب، مرگ پادشاه به صورت برعکس بود که حس و خواسته مردم را به سادگی بیان می‌کرد.

با شروع انقلاب اسلامی ایران، به دلیل نبود یک رسانه مردمی برای انتقال پیام‌ها و آرمان‌ها، انقلابیون در طول سال‌های مبارزه با رژیم پهلوی از خط و نقاشی به صورت دیوان‌نویسی برای انتقال مفاهیم و پیام‌های ایدئولوژیک استفاده کردند و به این ترتیب در انتخاب رسانه دست به ابتکار زدند.

گاهی مردم از طریق این دیوان‌نویشته‌ها و یا نصب اعلامیه‌های مختلف در جریان آخرین رویدادهای انقلاب از قبیل (ره‌نمودهای حضرت امام خمینی (ره)، تجمعات و راهپیمایی‌ها، شهادت یاران انقلاب و...) قرار می‌گرفتند.

انتقال سینه به سینه متن و پیام دیوان‌نویشته‌ها توسط افرادی که با آن مواجه می‌شدند، میان اقشار مختلف مردم، به عنوان حلقه مکمل این رسانه، نقش بسزایی در انتقال پیام انقلاب به مردم در گوشه و کنار کشور ایفا می‌کرد. مکان‌یابی برای این پیام‌ها به این شکل بود که مناطق پررفت و آمد شهر و محله انتخاب می‌شدند تا متن نوشته شده در معرض دید هزاران نفر از عابرین قرار گیرد.

مرگ پادشاه



درد مشترک در ساختمان ۱۱۰

در همه نمانگ هایی که با مضمون انقلاب شکوهمند اسلامی از تلویزیون پخش می شد، یک عکس مشترک بود. این عکس تقریباً بدون استثنا در تمامی نمانگ هایی که برای سرودهای انقلابی ساخته شده بود حضور داشت. نمانگ هایی که حکایت از پیروزی، از خون های ریخته بر کف خیابان داشت؛ خون هایی که رژیم سلطنتی از مردم انقلابی ریخته بود. اما آن عکس مشترک حکایتی دیگر دارد؛ عکسی از درد مشترک بود. ساختمانی نیمه کاره که سرتاسرش مشت هایی گره خورده و تن هایی پراز فریاد بود. آن ساختمان نیمه کاره در تقاطع خیابان شادمان و آزادی یکی از هزاران مکان هایی است که مردم پناهگاهی برای خویش ساخته بودند. مکان هایی که بتوانند خشم خود را از رژیم ستمشاهی بروز دهند. آن ساختمان نیمه کاره نمادی است از شور انقلابی مردمی که آنچه را خواستند به دست آوردند و آن سقوط رژیم دیکتاتوری را خواستار بودند و به آن رسیدند. مردم در آن روزها بدون هیچ تکلیفی، بلکه همراه احساسی توأم با انزجار از حکومت شاهنشاهی و شور برای برقراری حکومتی اسلامی در جامعه به خیابان های آمدند و شعار می دادند. شعارهایی که لوزه بر اندام شاه و عمال زورگوش می انداخت. شعارهایی که به مشت تبدیل می شدند و بر دهان ستمکاران فرود می آمدند.

حرکت های مردمی در خیابان ها، شاه را دچار بحران کرد و تصمیمات ضد و نقیض بسیاری را گرفت که از جمله آن ها، به گلوله بستن مردم و برقراری حکومت نظامی در شهرهای کشور بود. این اقدامات نه تنها جلوی حرکت مردم را نگرفت، بلکه مردم بیشتر از پیش به سخنان امام خمینی (ره) و فرمان هایشان، دل سپردند.

خیابان های شهرهای کشور در سال ۱۳۵۷، صحنه رشادت ها و فداکاری های مردم بود. یکی از خیابان هایی که ریشه حرکت های مردمی از آن جا آغاز شد، خیابان انقلاب تهران بود که بسیاری از صحنه ها و تصاویر زیبا در آن شکل گرفت و تصاویر به یادماندنی زیادی توسط عکاسان و مردم عادی به جا ماند. تصاویر صحنه های راهپیمایی پرشور مردم در میدان و خیابان آزادی که در بهمن ماه سال ۵۷ به یادگار مانده، یکی از صدها خاطره مردم انقلابی ایران است. شاه که به همراه ازهار ی - نخست وزیر سرکوبگر - و چند تن دیگر از فرماندهان ارتش از فراز تهران حضور خیره کننده مردم را تماشا می کرد، از اطرافیان خود پرسید: پس طرفداران من کجا هستند؟ گفتند: در خانه هایشان. این حضور میلیونی و این جواب در واقع تیر خلاصی بر آخرین امید های شاه بود و خود او نیز، گرچه بسیار دیر، اما در همان لحظه این واقعیت را بر زبان راند و گفت: دیگر جای من این جانیست.

این ساختمان فصل مشترک بسیاری از روایت های بصری از انقلاب اسلامی است و حالا کمتر ایرانی ای است که آن را ندیده و نشناسد. این ساختمان که عکس هایش همه را به یاد فریاد آزادی خواهی ایرانیان می اندازد، پابرجاست؛ متین و موقر اما کمی تکیده است.

ساختمان ۱۱۰ آزادی حالا حافظه تصویری یک ملت از انقلاب شده، نمادی از شادی بعد از سال ها مبارزه و تلاش جوانانی که می خواستند کشور بهتری داشته باشند؛ این ها را غلامعلی زرین باف، یکی از کاسبان محل که آن روزها در اوج جوانی و شور انقلاب بوده، می گوید. «خیلی خوشحال بودیم، سال ها مقاومت مان نتیجه داده بود، باید به یاد رفقایمان که سال ها زیر شکنجه ساواک جان داده بودند، به یاد همکلاسی ها و معلم هایمان که در راه مبارزه شهید شده بودند، جشن می گرفتیم؛ رفتیم آن بالا آن قدر فریاد خوشحالی زدیم که هنوز وقتی در مورد آن حرف می زنم بدنم از هیجان می لرزد، هنوز گریه پراز ذوق بیچه های محله مان را و تمام کسانی که نمی شناختم اما عین برادر و خواهر مان بودند و با هم در این ساختمان هم صدا شدیم و شعار شادی می دادیم، با جزئیات یادم هست.»

بعد از پیروزی انقلاب، سازنده سراغ این ساختمان می آید و ساخت و سازش را تمام می کند و سرنوشت این ساختمان هم مانند همه چیز به حالت عادی برمی گردد. «این ساختمان یک جسم بی جان بود سرنش یک خیابان شلوغ و پرتردد مثل صدها ساختمان نیمه کاره در خیابان های شهر که هیچ جذابیتی برای رهگذران ندارد، اما جوان های دهه ۵۰ بدون این که بدانند با شور و شادی شان به آن جان داده بودند؛ کل ماجرا همین بود و بس. بعد از انقلاب هم آمدند و تمامش کردند و زندگی عادی در آن جریان گرفت، مثل ما که روال عادی زندگی را دنبال کردیم و دانشگاه رفتیم و درس خواندیم، از دواج کردیم و سراغ کار و کاسبی رفتیم، خیابان آزادی از عبور و مرور زیاد آرام و قرار نمی گیرد، گاهگداری از ساختمان ۱۱۰ آزادی مراجعه کننده ای بیرون می آید و در شلوغی خیابان گم می شود. ای کاش ساختمان ۱۱۰ آزادی جان داشت تا خودش روایت آن روزهایش را بازگو می کرد. □





جمهوری اسلامی به نحو باارزی پررنگ و مشهود است. این مدرسه سال ۴۹ با اهداف اسلامی و مبارزاتی تأسیس شد، مؤسسان مدرسه رفاه از چهره‌های مطرح و مؤثر مبارزاتی و تعدادی از مبارزان بازار بودند که هدفشان فعالیت‌های فرهنگی و تربیت اسلامی دختران بود، در این شرایط طبیعی است که برخی فعالیت‌های سیاسی هم در پس فعالیت‌های فرهنگی مدرسه انجام می‌شد.

شهید بهشتی و شهید رجایی از شاخص‌ترین چهره‌هایی بودند که در هیئت امنای این مدرسه حضور داشتند. مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی که از سوی امام خمینی (ره) مأمور به تشکیل کمیته‌های انقلاب و ساماندهی آن‌ها شد، خاطرات خود را درباره بعد از رفتن امام از رفاه به علوی این‌گونه می‌گوید: «یادم است که در یکی از روزها که در مدرسه رفاه گاه باز و بسته می‌شد و رفت و آمد محدود بود و همه را راه نمی‌دادند، (چون تعدادی از سران رژیم در آن جا یادداشت بودند) من خواستم وارد مدرسه شوم. آقای جواد رفیق دوست که از عضویت من در شورای انقلاب اطلاع نداشت من را راه نداد. گفت: کارت دارید؟ گفتم: کارت ندارم. تا این که بعضی از دوستان دیگر برای من کارت گرفتند و با آن کارت فقط حق ورود به مدرسه رفاه را داشتیم.»

«نکته دیگری که یادم است - نمی‌دانم روز ۲۲ یا ۲۳ بهمن بود - یک جیب نزدیک در مدرسه رفاه متوقف شد. بچه‌ها سروصدا کردند. افرادی که در ماشین بودند، فردی را از ماشین پیاده کردند که روی سرش یک کیسه کشیده بودند. آن‌هایی که همراهش بودند می‌گفتند مرغ طوفان آمد. مرغ طوفان را آوردیم. بعد همان‌طور که سرش در کیسه بود دستش را گرفتند و به داخل مدرسه بردند. آن‌جا صحبت بر سر این بود که بختیار را گرفتند و آوردند، ولی شب گفتند که بختیار نیست. در این‌جا بعضی‌ها حدس می‌زدند که نهضتی‌ها او را فراری داده‌اند. و... اعلم. البته آن‌ها معتقد بودند که بختیار هر چند ناخواسته، به انقلاب خدمت کرده است؛ زیرا او بود که ساواک را منحل کرد، او بود که شاه را به خروج از ایران وادار کرد و قهرماً زمینه حرکت عمومی انقلاب را فراهم کرد.» □

مدرسه رفاه

وقایع اتفاق افتاده در مدرسه رفاه به عنوان نخستین اقامتگاه امام خمینی (ره) پس از سخنرانی در بهشت زهرا (س)، بخشی از خاطرات بسیاری از شخصیت‌ها و رجالی است که در طول این سال‌ها به عنوان چهره‌های تأثیرگذار این انقلاب شناخته می‌شوند.

مدرسه رفاه، به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های اصلی روحانیون در تاریخ ایران ثبت شده است و امام خمینی (ره) پس از سال‌ها تبعید در خارج از کشور برای مدت کوتاهی در مدرسه رفاه مستقر شدند. ایشان پس از ورود به ایران، از فرودگاه مهرآباد به مدرسه رفاه آمدند و فردای آن روز برای دیدار با مردم در مدرسه علوی حاضر شدند. در ابتدا اقرار بر این بود که مدرسه رفاه محل دیدار امام و مردم باشد، اما با توجه به کوچک بودن مدرسه و سیل مشتاقان محل دیگری برای این دیدار در نظر گرفته شد که مدرسه علوی نام داشت.

مدرسه رفاه به شکل هیجان‌انگیزی پراز جزئیاتی است که در خاطرات بسیاری از شخصیت‌ها و رجال تأثیرگذار

سلطنت خلاف حقوق بشر است

امام آمد

مملکت ۲ دولت ندارد.
توغیر قانونی هستی، پرو.



بیانات
تاریخی امام
در فروردگاہ و
بهشت زهرا
۴ صفحه ۲

پنجشنبه - روزهای بهمن ماه ۱۳۵۷ - سوم رجب الاول ۱۳۹۱ - شماره ۱۲۷۷

روز شمار انقلاب
تخصیصه اطلاعات

لحظات حرکت در فروردگاہ شاول دوکول

آخرین پیام امام خمینی در پاریس

پاریس - روزنامه «لوموند» در روز ۱۳ بهمن ۱۳۵۷ میلادی، آخرین پیام امام خمینی را در پاریس منتشر کرد. این پیام که در آن روز در تمام کشورهای جهان پخش شد، حاوی نکات بسیار مهمی بود که بر اساس آن، امام خمینی به رهبری مردم ایران، دولت موقت را تشکیل داد. در این پیام، امام به دولت موقت دستور داد تا با مردم ایران در تماس باشد و با آنها در جریان باشد. همچنین، امام به دولت موقت دستور داد تا با کشورهای دیگر در تماس باشد و با آنها در جریان باشد. این پیام، نقطه عطفی در تاریخ ایران بود.

پخش
مستقیم
تلویزیون
بعلت هجوم
ماموران
قطع شد

ایران تلویزیون
پخش مستقیم
تلویزیون
بعلت هجوم
ماموران
قطع شد

امام خوش آمدی

امام خوش آمدی، به پای خود می‌آید. این پیام که در روز ۱۳ بهمن ۱۳۵۷ میلادی، در تمام کشورهای جهان پخش شد، حاوی نکات بسیار مهمی بود که بر اساس آن، امام خمینی به رهبری مردم ایران، دولت موقت را تشکیل داد. در این پیام، امام به دولت موقت دستور داد تا با مردم ایران در تماس باشد و با آنها در جریان باشد. همچنین، امام به دولت موقت دستور داد تا با کشورهای دیگر در تماس باشد و با آنها در جریان باشد. این پیام، نقطه عطفی در تاریخ ایران بود.

اولین عکس از امام در داخل هواپیمای بر فراز ایران که توسط عکاس آزمای اطلاعات گرفته شده است



قدم به خاک وطن

صفحات اختصاصی از زندگی و مبارزات امام

صفحات اختصاصی
از زندگی
و مبارزات امام

فرصت ۲ و ۳

فرهنگ انقلاب



- بهترین ترانه‌ای که گوش آسمان شنفت
- ز خویشتن بدرآیید اگر نمر دستید
- آهنگ انقلاب

نگاهی به شعر انقلاب اسلامی

بهترین ترانه‌ای که گوش آسمان شنفت

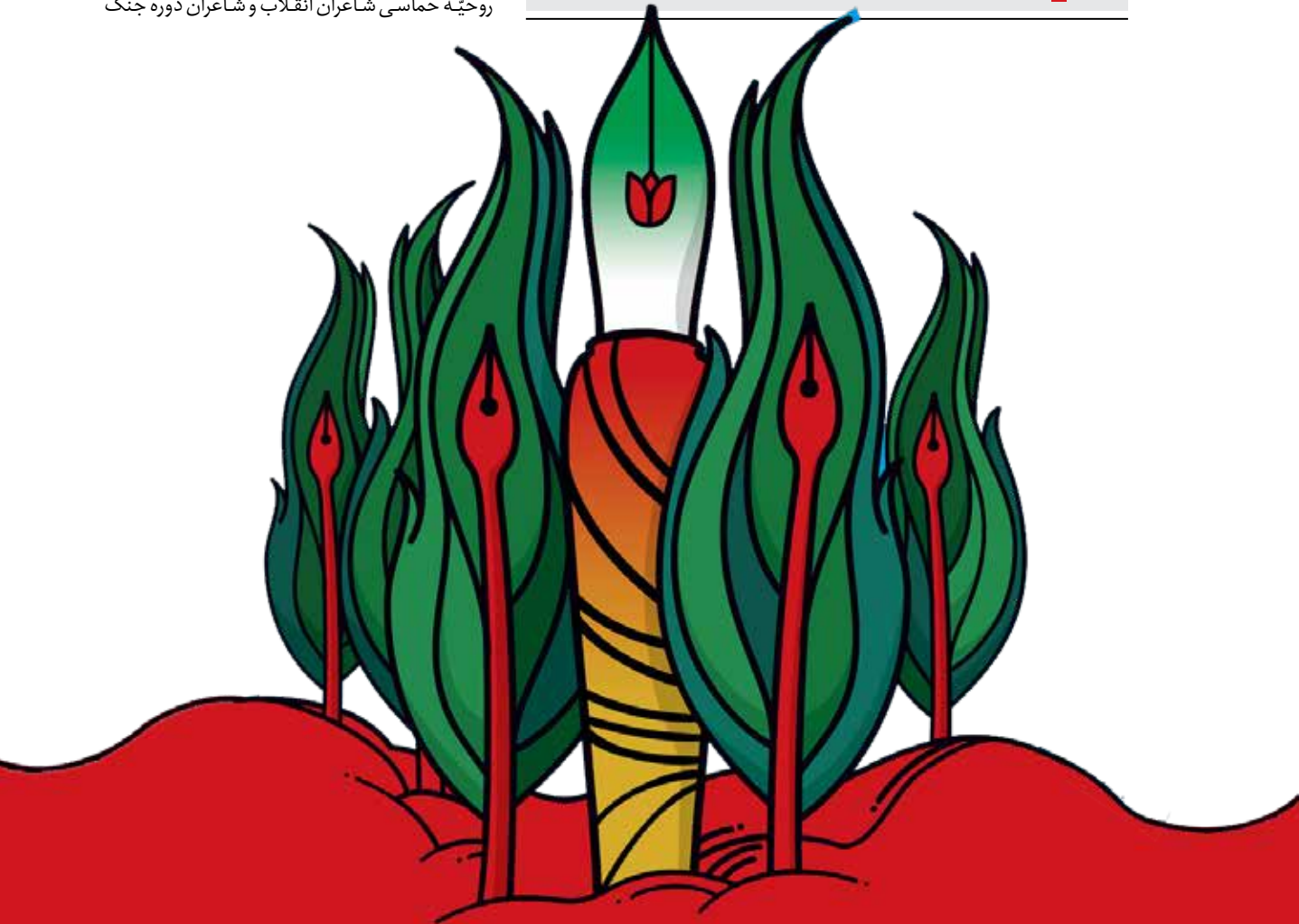
| احمد خاتمی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شعر معاصر ایران، حال و هوای دیگری یافت؛ شعر این دوره که هنوز هم نمی‌توان به درستی درباره ویژگی‌ها و موفقیت‌های آن سخن گفت، بسیار پرحجم، و تحوّل و نوآوری در آن فراوان است. بیشتر شاعران این دوره جوانانند و خوشبختانه در میان آن‌ها، استعداد های درخشان کم نیست. در شعر انقلاب انواع قالب‌های شعری مانند غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی، چهارپاره، قطعه، قصیده، تک‌بیتی و قالب‌های نوبه چشم می‌خورد. در همه قالب‌ها دخل و تصرف‌هایی صورت گرفته که آن را از شکل‌های سنتی و گذشته متمایز می‌نماید.

غزل

از میان قالب‌های سنتی غزل بیشترین کاربرد را شعر انقلاب داشته و حجم غزل‌های سروده شده جدا از موفق یا ناموفق بودن آن‌ها - نسبت به قالب‌های دیگر بیشتر است. نوآوری شاعران این دوره در غزل سرایی، غزل این دوره را با ویژگی‌هایی همراه کرده است که قطعاً باید از آن با عنوان «غزل نو» یاد کرد. قابلیت غزل برای بیان مفاهیم عرفانی و معنوی که از دیرباز مورد توجه شاعران بوده است در این دوره با روحیه حماسی شاعران انقلاب و شاعران دوره جنگ

این مقاله به بررسی کمی و کیفی شعر معاصر ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. در این مقاله از تحولات لفظی و معنایی قالب‌های رایج شعر سخن به میان می‌آید و تحولاتی که در غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی، قطعه، قصیده و تک‌بیتی به وجود آمده، مورد بررسی قرار می‌گیرد. درباره قالب‌های نو نیز که در آغاز انقلاب اسلامی کمتر به آن توجه می‌شد سخن رفته است و از تحولاتی که در دهه دوم بعد از انقلاب در شکل، انواع و معنای شعر نو صورت گرفته، بحث به میان آمده و در همه زمینه‌ها موفقیت یا عدم موفقیت شاعران این دوره ارزیابی اجمالی شده است. ■



تورفتی و آمد زمستان سخت
 به سوگ تو گردون سیه کرد رخت
 فرو خفت خورشید و بیخ بست آب
 سر بخت بستان گران شد ز خواب
 مگر گردبادی برآمد ز راه
 که شد روز روشن چو شام سیاه ...
 بیا تا ببینیم در کار گل
 ز شبنم بشوییم رخسار گل
 بهاری نو آمد به صد دلبری
 بیا تا از او گل به دامن بری ...
 بهاری بدین نازنینی کجاست
 که این خون بهای شهیدان ماست
 از همین دست می توان به «مثنوی عاشقان و
 مثنوی عارفان» حسن حسینی اشاره کرد که در
 مجموعه «هم صدا با خلق اسماعیل» به چاپ
 رسیده است:

... ببین خانقاه شهیدان عشق
 صف عارفان غزل خوان عشق
 چه جانانه چرخ جنون می زند
 دف عشق با دست خون می زند
 سر عارفان سرفشان دیدشان
 که از خون دل خرقة بخشیدشان ...
 به کارگیری وزن های کهن و غیرمعمول با
 ساخت و ساز تازه، حال و هوای خاصی به
 مثنوی های علی معلم می دهد. از مهم ترین
 ویژگی های مثنوی های معلم علاوه بر استفاده
 از اوزان طولانی، به کارگیری قافیه های مناسب
 با حداکثر اشتراک در حروف، گنجاندن چند
 قافیه در یک بیت و به کار گرفتن ردیف و توجه
 به نقش آن است. مانند این شعر بلند علی
 معلم:

این فصل را با من بخوان باقی فسانه است
 این فصل را بسیار خواندم عاشقانه است
 هفتاد باب از هفت مُصحف برنیشتم
 این فصل را خواندم ورق را در نیشتم
 از شش منادی راز هفت اختر شنیدم
 این رمز را از پنج دفتر برگزیدم
 این بانگ را پنج نوبت زن گرفتم
 این عطر را از باد در برزن گرفتم
 این جاده را با ریاگی صحرا پویه کردم
 این ناله را با موج دریا مویه کردم
 این نغمه را با جاشوان بسند خواندم
 این درد را با جوکیان هند خواندم ...
 حمید سبزواری، یوسفعلی میرشکاک، حسن
 حسینی و چند تن دیگر به پیروی از علی
 معلم مثنوی هایی سروده اند. که هیچ کدام
 از آن ها بر مثنوی های معلم پیشی نگرفته
 است. مثنوی های احمد عزیزی هم با اوزان
 بلند همراه با خیال بندی، زبان خاص،

از میان غزل پردازان دوره انقلاب، بعضی
 هم به ترکیب سازی های خاص چنان
 پرداخته اند که گاه اندیشه و معنی را فدای
 آن کرده اند. مشهورترین چهره این گروه از
 غزل سرایان نصرا... مردانی است که آثار خود
 را در مجموعه هایی به نام قیام نورو خون نامه
 خاک منتشر کرده است:

من واژگون، من واژگون، من واژگون رقصیده ام
 من بی سرو و بی دست و پا در خواب خون
 رقصیده ام
 میلادی آغاز من هرگز نمی داند کسی
 من پیر تاریخم که برام قرون رقصیده ام
 فردای ناپیدای من پیداست در سیمای من
 این سان که با فرداییان در خون کنون
 رقصیده ام
 میلاد دانایی منم، پرواز بینایی منم
 من در عروجی جاودان از حد فزون رقصیده ام ...
 «نصرا... مردانی»

مثنوی

در این دوره همان گونه که اشاره شد قالب های
 متنوع شعری به کار گرفته شده است که از آن
 جمله «مثنوی» است. مثنوی این دوره نیز
 مانند غزل رنگ و بوی دیگری دارد. شاعران
 مثنوی سرای این دوره تلاش کرده اند تا در
 عرصه مثنوی، نوآوری هایی داشته باشند. اما
 همه آن ها در این کار توفیق یکسان به دست
 نیاورده اند. نوآوری هایی بعضی از آن ها مثل
 سلمان هراتی و محمد رضا عبدالملکیان در حد
 کلمات و تعبیرات است.

و بعضی مانند نوذر پرنگ در مثنوی ساقی نامه
 می کوشد تا تصویرهای حسی و لحظه ای
 بیافریند، اما بعضی از آن ها مانند سایه، علی
 معلم، احمد عزیزی و... تلاش کرده اند تا قلمرو
 نوآوری و تحول در مثنوی را گسترده تر کنند.
 مثلاً در شعر «سایه» هم آوایی و هم سرایی
 حماسی فردوسی و شعر بزمی و داستانی نظامی
 همراه با پند و نصیحت و اخلاق سعدی مشهود
 است:

دلی مانده صد زخم خنجر دراو
 دلی کین خون برادر دراو
 دلی در عزای عزیزان به درد
 ندانی که نامرد با ما چه کرد
 گرفتند و بردند و آویختند
 چه خون ها که در صبح دم ریختند ...
 تورفتی و روی چمن زرد شد
 دل باغبان تو پر درد شد
 گل ارغوان تو بر خاک ریخت
 پرستو از این بام ویران گریخت

تحمیلی به هم آمیخت و «غزل عرفانی و
 حماسی» را مشحون نوآوری های لفظی و
 ترکیب های خاص کرد.

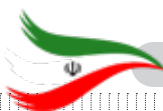
محمد علی بهمنی در سال ۱۳۶۹،
 نمونه هایی موفق از غزل نو را با انتشار
 مجموعه «گاهی دلم برای خودم تنگ
 می شود» عرضه کرد. سایه، مشفق کاشانی،
 عزت... فولادوند نیز با سرودن غزل های نو
 در زمره غزل پردازان سالمند این دوره شمرده
 می شوند. از قیصر امین پور، حسن حسینی،
 حسین اسرافیلی، سلمان هراتی، سهیل
 محمودی، زهره نارنجی، ایرج قنبری،
 فاطمه راکعی، علیرضا قزوه، ساعد باقری،
 عبدالجبار کاکائی هم می توان به عنوان
 شاعران غزل پرداز نسل انقلاب یاد کرد.

نمونه هایی از غزل این دوره:
 بیا به خانه آلاله ها سری بزنیم
 ز داغ بادل خود حرف دیگری بزنیم
 به یک بنفشه صمیمانه تسلیمت گوئیم
 سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم
 شبی به حلقه درگاه دوست دل بندیم
 اگر چه وانکنند، دست کم دری بزنیم
 «قیصر امین پور»

هلا پاسداران آیین سرخ
 سواران شوریده بر زمین سرخ
 پیه شعر دلیری تصاویر سبز
 به دیوان مردی مضامین سرخ
 از این باغ زنگار زردی زدود
 وفاتان به آن عهد دیرین سرخ
 «حسن حسینی»

نوعی غزل سرایی بیدل وار نیز در این دوره رواج
 یافته است که یوسفعلی میرشکاک و احمد
 عزیزی از موفق ترین شاعران این نوعند.
 عمر من چون آهوان در گله های رم گذشت
 زندگانی مثل آوازی مراد رم گذشت
 تا کجا در بستر کابوس سر باید نهاد
 زخم من! تیغ تو از پیشانی مرهم گذشت
 کی شود در بزم شب، غافل ز عطر باده بود؟
 چون توان بی وهم گل، از کوچه شبنم
 گذشت؟

یک گره از حلقه راز ملایک و انشد
 عمر حافظ در پی رمز گل آدم گذشت
 حاجت پنهان شدن در غارهای چله نیست
 می توان پروانه شد وز گلشن عالم گذشت
 کس مزار خامش داغ شقایق را نجست
 زخم شیون پاک شد تا هفته ماتم گذشت
 «احمد عزیزی»



مضمون پردازی‌هایی به سبک هندی، جایگاه خاصی را در شعر معاصر دارد. «طبیعت گرای»، «بازگشت به کودکی» و «یادآوری انسان‌های اولیه» از موضوعاتی است که بیش از هر چیز در شعر عزیزی خودنمایی می‌کند.

بازمی‌گشتیم شب در نور ماه
کشتزاری از تبسم در نگاه
تپه‌ها سرسبز، دامان‌ها بلند
نهرها آبستن کوه سهند.

گاه بی‌توجهی عزیزی در انتخاب الفاظ و ترکیبات مناسب، شعر او را بی‌معنی می‌کند و ساختار شعرش را آشفته می‌سازد:

رو به باغ عطر خود بلبل بزن
بر پر سنجاقکانت گل بزن (!)
و البته آنچه به داد شاعر می‌رسد و در وهله
نخست نارسایی‌های زبانی او را می‌پوشاند،
آهنگ کلام اوست.

▣ رباعی

رباعی هم در سال‌های نخست انقلاب اسلامی دستخوش تحولات زیبایی‌شناختی شد. کاری را که منصور اوچی در مجموعه رباعیات خود با نام «مرغ سحر» شروع کرده بود، با ابتکار حسن حسینی و قیصر امین‌پور ادامه یافت. رباعی در دوره انقلاب آن چنان اوج گرفت که حتی منصور اوچی هم با انتشار مجموعه دیگری با عنوان «حالی است مرا...» نتوانست جایگاهی چون گذشته برای خود به دست آورد و تنها «فضل تقدّم» را برای خود حفظ کرد. پس از پیشگامان رباعی‌پرداز در دوره انقلاب شاعران جوان دیگری چون حسین اسرافیلی، سلمان هراتی، نصرا... مردانی، سهیل محمودی، علیرضا قزوه و دیگران به جمع اینان پیوستند و بازار رباعی را رونق بیشتری بخشیدند.

توجه به موسیقی درونی، ترکیب‌سازی، ثبت و ضبط تصاویر لحظه‌ای، نزدیکی به زبان مردم و توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی از جمله ویژگی‌های رباعی در دوره اخیر است:

درواقعه‌ای چنان کجا بگریزم؟
زان مأم‌بی‌امان کجا بگریزم؟
چونان که پرنده در شب غزش ابر
در پهنه آسمان کجا بگریزم؟

دستی زکرم به شانه ما نزدی
بالی به هوای دانه ما نزدی
دیری است دلم چشم به راحت دارد
ای عشق سری به خانه ما نزدی!

«در کوچه آفتاب، قیصر امین‌پور»

حالی است مرا که آب و تابش زیباست
در محضر خلق، باز تابش زیباست
در کشور عشق رنگ‌آبادی نیست
کانجا همه چیز خود خرابش زیباست
«حالی است مرا...، منصور اوچی»

آن روز که آن قوم ستم پیشه و پست
می‌برد سر ترا به نی دست به دست
خون بود دو چشم زینب و حیرانم
نقش تو چگونه در دل خون بنشست
«تولد در میدان، حسین اسرافیلی»

ما مرغ سحر خوان شگفت آواییم
خونین پرو بالیم و شفق سیماییم
در معبر تاریخ چو کوهی بشکوه
صد بار شکسته‌ایم و پابرجاییم.

همواره دلم لبالب از یاد تو باد
خورشید شبم نام سحرزاد تو باد
حاشا که به جز حرف تو حرفی بزنم
این حنجره از زانی فریاد تو باد

«هم صدا با حلق اسماعیل، حسن حسینی»

آغوش سحر تشنه دیدار شماست
مہتاب خجل ز نور رخسار شماست
خورشید که در اوج فلک خانه اوست
همسایه دیوار به دیوار شماست.

«از نخلستان تا خیابان، علیرضا قزوه»

باید توجه داشت که رونق رباعی در سال‌های بعد ۱۳۶۶ رو به کاستی نهاد و با تقلیدهای سست و خنکی که شاعرانهای تُنک مایه از رباعی‌سرایان موفق داشتند، اگر چه بر تعداد و حجم رباعیات افزودند اما به راستی منزلت و ارزش رباعی را از بین بردند؛ به گونه‌ای که در سال‌های اخیر کمتر می‌توان به نمونه‌هایی از رباعی با قدرت و قوت رباعی‌های دلنشین دهه نخست انقلاب اسلامی دست یافت.

▣ دوبیتی

دوبیتی نیز سرنوشتی چون رباعی دارد. در دهه نخست، انقلاب اسلامی رشد چشمگیری داشت و به موازات رباعی سیر نزولی خود را طی کرد. قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، محمدرضا سهرابی، سهیل محمودی و علیرضا قزوه از جمله شاعرانی بودند که طبع خود را در سرودن «دوبیتی» آزمودند و در آن به موفقیت‌های نیز دست یازیدند. اگر چه قالب «دوبیتی» معمولاً

برای سرودن مضامین عاطفی انتخاب می‌شود و قالب رباعی بیشتر مضامین حماسی را در خود می‌پرورد، اما تفاوت اصولی این دو قالب کوتاه و نزدیک به هم را باید در موسیقی ذاتی و وزن آن دو دانست.

دلم تنهاست ماتم دارم امشب
دلی سرشار از غم دارم امشب
غم آمد، غصه آمد، ماتم آمد
خدارا این میان کم دارم امشب

«آسمان سبز، سلمان هراتی»

▣ چهارپاره

قالب کلاسیک و نسبتاً جوان چهارپاره که در بخش قالب‌های شعر معاصر درباره آن سخن گفتیم در دوره انقلاب اسلامی هم مورد توجه شاعران قرار گرفت و گونه‌های گوناگون یافت. از شاعرانی که در سرودن «چهارپاره» پیشگام بوده‌اند می‌توان از حسین اسرافیلی، ساعد باقری و یوسفعلی میرشکاک یاد کرد که بیشتر مضامین حماسی را در این قالب می‌سروده‌اند. احمد عزیزی نیز با سبک ویژه‌ای که از او در مثنوی یاد کردیم به سرودن «چهارپاره»‌هایی با حال و هوای خاص پرداخت و با کم‌توجهی به ساخت درست زبان در بعضی از آن‌ها چهارپاره‌هایی نامفهوم آفرید:

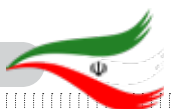
بی‌تا بخواهیم از قاب‌ها
رهایی تصویرهای اسیر
چو تشکیل کرد سمینار ابر
شود بررسی مشکلات کویر!

و یا:

رسیدم در خانه وز فرط شوق
رها کردم آواز و آهنگ را
زدم قورت آب دهان را، سپس
فشاری زدم تکمه زنگ را!

▣ قصیده

قصیده هم که از آغاز همراه به شعر فارسی بوده است، در دوران انقلاب اسلامی نیز قالبی مورد توجه است و شاعران بزرگی از قدامی شعر معاصر و شاعران جوان در این قالب مضامین بلندی را سروده‌اند. مهدی اخوان ثالث، مهرداد اوستا، علی موسوی گرمارودی، حمید سبزواری، عزت... فولادوند و مشفق کاشانی از مشهورترین قصیده‌پردازان در دوره انقلاب اسلامی‌اند. ویژگی شاخص قصیده در دوره مورد بحث ما، توجه به مسائل دینی، سیاسی و اجتماعی و پرهیز از مدح و مدیحه‌پردازی‌هایی است که در تاریخ قصیده‌پردازی رواج داشته است.



منوچهر آتشی، احمدرضا احمدی، قیصر امین پور، منصور اوچی، علی باباچاهی، نوذر پرنگ، ضیاءالدین ترابی، حسن حسینی، نصرت رحمانی، فرشته ساری، بهمن صالحی، طاهره صفارزاده، محمدرضا عبدالملکیان، علیرضا قزوه، ایرج قنبری، فریدون مشیری، علی موسوی گرموردی، یوسفعلی میرشکاک و سلمان هراتی از مشهورترین شاعران نوپرداز دوره اول انقلاب اند که دفتر مستقلی از اشعار آن‌ها در قالب‌های نو منتشر شده است. البته بعضی از کسانی که نامشان را ذکر کردیم از شاعرانی هستند که در دوران قبل از انقلاب هم شعر سروده‌اند و آثاری داشته‌اند. موضوعاتی که در شعر نو انقلاب اسلامی چشمگیر است، بیشتر موضوعات مربوط به خدا، دین، عرفان، شهید و شهادت، جنگ، مبارزه با استکبار و مستکبر، دفاع از مظلوم و توجه به ارزش‌های انسانی و اسلامی و مسائل سیاسی و اجتماعی است.

زبان شاعران نوپرداز این دوره نسبت به شاعران موفق قبل از انقلاب ضعیف است. و توفیقی را که شاعران جوان و مسلمان دوره انقلاب در ساخت و پرداخت قال‌های کهن به دست آورده‌اند در شعر نو نیافته‌اند با این حال واژگان و ترکیبات خوب و خوش‌تراش در شعر نو این دوره کم نیست و استعداد‌های درخشانی که گاه اشعار پخته در قالب نو می‌پردازند آینده‌ای روشن را امید می‌دهد. از میان شاعران دوره انقلاب که شعر نو و سنتی را پایه پای هم پیش برده و در هر دو آثار خوب به جای گذاشته، قیصر امین پور و حسن حسینی از دیگران شاخص‌ترند.

ساکت و تنها
چون کتابی در مسیر باد
می‌خورد هر دم ورق اما
هیچ‌کس او را نمی‌خواند
عمر خود را می‌دهد بر باد
می‌رود از یاد...

«تنفس صبح، قیصر امین پور»

... گفتم این سخن‌وران که بی صدا غنوده‌اند
و چه خوب و خواندنی سروده‌اند
قطعه‌ای بلیغ و ناب
جاودان سروده‌ای به رنگ عشق و آفتاب
قطعه‌ای که هیچ شاعری نگفت
بهترین ترانه‌ای که گوش آسمان شنفت
جان من نثارشان
آفتاب شعر من همواره سایه سارشان

«قطعه شهید از کتاب هم صدا با حلق اسماعیل

حسن حسینی» □

من خود به شعر تازه، از اقاماروستم
مسعود باد این ثمر ماه منظرش
و ندر میانه، مدعی سست نظم را
تنها برآزد آن که دُت اصغرش ...
... من این چکامه زان به مدیجش سروده‌ام
کو می‌کند ثنای خدا و بیمبرش
تامی دهد به هدیه، بهاران به طلف جو
هم خرمن شقایق و هم دشت عبهرش
تامی توان به نظم دری، شعرتر سرود
کاندر جهان نیابی هم سنگ و همسرش
باد استوار قامت استاد ما، امیر
همچو چکامه‌های چو سید سکندرش
پای سخن نهاد ز کوه استوارتر
زیبید اگر ستیغ برآید برابزش
با وی، به آن که در سخن آیم به قله باز
فیروز باد کوه دماوند و کردرش

«چمن لاله، علی موسوی گرموردی»

□ قالب‌های نو

در دوره بعد از انقلاب، شعر نو در مقابل شعر کلاسیک کم‌رنگ شده و شاعران این دوره کمتر به شعر نو گرویده‌اند. علل بی‌رغبتی شاعران دوره انقلاب به قالب‌های نو، یکی روشن و واضح بودن قالب‌های کهن است؛ به این معنی که شاعر جوان دوره انقلاب به راحتی می‌تواند چهارچوب‌ها و قالب‌های شعر کهن را دریابد و برابر با آن شعر بسراید در حالی که دستیابی به تعریف و حد و مرز قالب‌های نو، برایش کاری مشکل می‌نموده است. دیگر از علت‌ها شاید بی‌اعتنایی به شاعران نوپرداز قبل از انقلاب اسلامی بوده که به جهاتی از جمله مسائل اعتقادی یا وابستگی‌های سیاسی به حکومت پهلوی و یا وابستگی‌های حزبی و جناحی مورد توجه و تأیید شاعران انقلابی و مسلمانان نبوده‌اند. و از همین روی از قالب‌های شعری آن‌ها هم بهره نگرفته‌اند. علت دیگر ممکن است قابلیت‌های قالب‌های کهن باشد که زمینه پرورش افکار دینی و عرفانی نسل انقلاب را داشته و این زمینه در شعر نو فراهم نبوده است.

به هر حال آنچه روشن است این است که از قالب‌های نو در دهه نخست بعد از انقلاب اسلامی کمتر استفاده شده ولی با تجربه‌هایی که شاعران جوان این دوره به دست آوردند و نیازی که به نزدیکی با قالب‌های نو احساس کردند، قالب‌های نو نیز در بین شاعران دوره انقلاب رواج یافت و بعضی از قالب‌های کهن، از جمله رباعی، قصیده، مثنوی از رونق افتاد.

ز بوج جهان هیچ اگر دوست دارم
ترا، ای کهن بوم و بردوست دارم
ترا، ای گران مایه دیرینه ایران
ترا، ای گرامی گهر دوست دارم
ترا، ای کهن زاده بوم بزرگان
بزرگ آفرین نامور دوست دارم
هنر و اندیشه‌ات رخشد و من
هم اندیشه‌ات هم هنر دوست دارم
اگر قول افسانه، یا متن تاریخ
وگر نقد و نقل بسیر دوست دارم ...
... شهیدان جانبا و فرزانه‌ات را
که بودند فخر بشر دوست دارم
به لطف نسیم سحر و روحشان را
چنان چون ز آهن جگر دوست دارم
هم افکار پرورششان را که اعصار
از آن گشته زیر و زبر دوست دارم ...

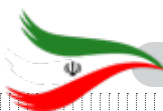
«ترا ای کهن بوم و بردوست دارم

مهدی اخوان ثالث»

فری ای جهان زیر شهپر گرفته
همای ز گردون فراتر گرفته
زدامان آخر زمان برمدیده
جهان را چو خورشید انور گرفته
بتان را سر بر خدایی ز سر بر
به منشورا... اکبر گرفته
خمینی! امام! ای که داد ولایت
به توفیق دادار داور گرفته
لوی ولایت به توفیق حیدر
به فتولوی ولایت گرفته
به دریای خون بادبان‌ها گشوده
به طوفان درون، هر دو لنگر گرفته
ز توحید، رایت به گردون کشیده
ز سرشک راتاج و افسر گرفته
به حکمت خدایی، به گوهر الهی
درفش رسالت، به سر برگرفته ...

«امام، حماسه‌ای دیگر، مهرداد اوستا»

فیروز باد کوه دماوند و کردرش
کاستاده چون امیری در پیش لشکرش
آن کوه‌های خرد و کلان پیش روی او
خود لشکر وی اند، ستاده برابرش
و آن جای جای چادرک مه به دره‌ها
گویی به پاست خرگه خیل مظفرش
آن سیم‌گونه قله وی اندر آفتاب
از نقره طلاست یکی خود بر سرش
وان ابرک سفیدک برجسته بر ستیغ
گویی پری است بر زده بر فرق مغفرش ...
خورشید شعر ماست، امیر سخن، امیر
و آن دیگران کواکب و اقمار انورش





در پیچه‌ای به سبک شناسی
شعر انقلاب اسلامی

ز خویشتن به در آید اگر نمر دستید

منوچهر اکبری

ملاک و معیار بررسی و تعیین شاخص‌های سبکی در شعر انقلاب اسلامی، همان تعاریف و اصول و ویژگی‌های استاد محمد تقی بهار در کتاب تاریخ تطور شعر فارسی یا سبک‌شناسی است. بسیاری از شاعران انقلاب اسلامی علاوه بر تجربه‌های شعری در قالب‌های کهن، در قالب شعر نو نیز آثاری را از خود به جای گذاشته‌اند. شاعران عصر ما نیز مانند پیشینیان از قوت و ضعف برخوردارند. از میان ده‌ها شاعر به بررسی سبک برخی می‌پردازیم.

کلاسیک‌پسند

شاعرانی که تمایل شعری و گرایش ذوقی ادبی آن‌ها بیشتر

طیفی از شاعران انقلاب تعلق خاطری به سبک خراسانی، گروهی عنایتی به سبک عراقی دارند و برخی علاقه‌مند به سبک هندی یا اصفهانی‌اند. همین گرایش‌ها ما را مجاز می‌کند که به بازگشت ادبی دوم معتقد باشیم. برخی به ضوابط و اصولی که گذشتگان به خصوص برای رابطه قالب‌ها و محتوا تعریف کرده‌اند پای بند نیستند و از قالب غزل برای بیان سوگواره‌ها و منقبت‌نامه هدی و حتی مضامین حماسی استفاده کرده، در صدد برآمده‌اند که به ظرفیت این قالب شعری بیفزایند. چون امکان بررسی همه شاعران در این گفتار نیست پس از درج دیباچه‌ای در خصوص سبک شاعران انقلاب، در حد نگاهی گذرا به ویژگی‌هایی شعری و سبکی علی معلم دامغانی به عنوان یکی از سرآمدان این دوره بسنده می‌کنیم. ■



تفاوت‌هایی دارند، اما از آن جهت که توان تبعیت و تقلید از شعر کلاسیک دارند، در یک طیف قرار می‌گیرند؛ از آن جمله است علی موسوی گرمارودی که همواره حرمت پیشینیان را نگاه داشته و حتی در تقلید و پیروی از آنان در قصاید و چکامه‌هایی مایه و توان خویش را اثبات کرده است، در عین حال که در نوسرایی در فرایز از تاریخ شعری معاصر برای بسیاری سرمشق بوده است.

از جمله در شعر ماندگار و حماسی «خط خون» اثر سید علی موسوی گرمارودی در دستیابی به گونه‌ای خاص از شعر آن هم در عین پای بندی به اصول شعر نیمایی، توان و خلاقیت شعری به رخ دیگران کشیده شده است. قسمت‌هایی از شعر «خط خون» را می‌آوریم که در واقع سوگ سرودی است با زبان قوی حماسه در سوگ و منقبت حضرت امام حسین (ع). پیوند خانواده و عناصر شعری از ساحت طبیعت موجب تلطیف در تأثیرگذاری بیشتر شعر شده است:

در فکر آن گودالم

که خون تو را مکیده است

هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم

در حسیض هم می‌توان عزیز بود

از گودال پیرس!

شمشیری که بر گلولی تو آمد

هر چیز و همه چیز را در کائنات

به دو پاره کرد

هر چه در سوی تو، حسینی شد

و دیگر سوی زیدی.

اینک ماییم و سنگ‌ها

ماییم و آب‌ها

درختان، کوهساران، جویباران، بیشه‌زاران

که برخی یزیدی

و گرنه حسینی‌اند

خونی که از گلولی تو تراوید

همه چیز و هر چیز را در کائنات به دو پاره کرد!

در رنگ!

اینک هر چیز: یا سرخ است

یا حسینی نیست!

فصل عاشقانه

علی معلم دامغانی در عین حال که علاقه مندی اش به شعر سبک خراسانی مبرهن است، پیچیدگی و تراکم معنی بر لفظ و در مواردی تراکم لفظ بر معنی را از شاعری چون خاقانی به ارث برده است که از تبار سبک عراقی است. نکته مهم در شعر علی معلم که او را از افتادن به دامن سبک بازگشت دوم نجات می‌دهد، این است که در حال و هوا و فضا و سبک خراسانی، مسائل و موضوعات عصر خود را بازگو می‌کند. دقیقاً خلاف اشتباهی است که شاعران سبک بازگشت مرتکب می‌شدند.

۱. علی معلم در خلق مثنوی تاریخی، روایی از نوع مذهبی تجربه موفق دارد. همان‌گونه که فردوسی حکیم موحّد، تاریخ ایران را با تمام فراز و فرودها از پس قرن‌ها فراموشی و خاموشی، زندگی و حیات بخشید و از این طریق بنای رفیع زبان فارسی را برافراشت. علی معلم با علقه خاص در تدوین شاعرانه تاریخ، انبیا و شاخص‌ترین لحظه‌های مهم را در زندگی هر شخصیت شعری در مثنوی بلند «هجرت» بسیار موفق و دقیق بازگو کرده است. وجود این مثنوی از پشتوانه شعری و اطلاعات ادبی شاعر خرمی دهد. داستانی که از خلقت حضرت آدم شروع و به پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ختم می‌شود. شعری که با ذوق و نوآوری برای جلوگیری از ملال تطویل بیت معروف «این فصل را بسیار خواندم عاشقانه است، ما من بخوان این فصل را باقی فسانه است» را به تکرار می‌خواند تا در بیان دلنشین این روایت بلند نفس چاق کند و رهیاریان را از خستگی ادامه راه باز نگرداند. معلم در جایی گویا از احضار و استخدام واژه‌ها از گذشته زبان فارسی و تعبیری از باستانی زبان لذت می‌برد، بی‌آن‌که در بند فکر خوشایند و درک

معطوف به قالب‌های کلاسیک است؛ از آن جمله اند: علی معلم دامغانی، نصرا... مردانی، فرید اسفهرانی، محمود شاهرخی، حمید سبزواری، احمد عزیزی. برخی از این شاعران در ساخت شعر نو تجربه‌های کوتاه ولی ناموفقی دارند که ای کاش به تعبیر ظریفی به این گناه آلوده نمی‌شدند، مانند احمد عزیزی یا حمید سبزواری.

از میان قالب‌های شعری هر کدام تعلق خاطر به یک یا دو قالب نشان داده و اتفاقاً در همان قالب‌ها هم حرف گفتنی دارند. مثلاً علی معلم دامغانی در قالب مثنوی موفق است و مردانی در شرایط خاص تاریخی در غزل. این بدین معنی نیست که معلم غزل نسروده است و یا مردانی مثنوی یا حمید سبزواری دوبیتی ندارد.

بوی طراوت

گروهی دیگر از شاعران از لحاظ رعایت وزن در دو ساحت کلاسیک و نو، طبع آزمایی کرده‌اند، البته شعرشان بوی طراوت و تازگی دارد تا رنگ و لعاب کهنگی. نه تنها اصراری ندارند که کلمات کنگ، پیچیده، دیرفهم و مهجور را از قدیم‌ترین دفتر شعر پارسی یا حاشیه فلان کتاب باستانی یا دورترین معنای یک واژه را انتخاب کنند، بلکه آگاهانه مواظبند که اگر واژه‌ای را در یاد و خاطر دارند، ولی اینک با نسل همدوره و مخاطب امروزی شعر بیگانه است؛ آن را به شادباش و همراهی با مردم روزگار خود کنار می‌زنند. زبان و سبک شعرشان به سادگی و عذوبت و گیرایی می‌گراید تا آن‌که از بستر کلمات سخت و پیچیده به طرح معما بپردازند. با وجودی که این طیف و جماعت از مایه و پشتوانه چندان قوی و عمیقی برخوردار نیستند، اما ذوق، نوآوری، نوجویی و جاذبه شعری‌شان بیش از جماعت کهنه‌گرایی است که حداقل اصل زمان و مکان را در شعر از یاد برده‌اند. از آن جمله اند قیصر امین‌پور، علیرضا قزوه و حسن حسینی. از جمله ویژگی دیگر طیف مورد نظر این است که بیش از آن‌که به کمیت ببنندیشند به کیفیت بها می‌دهند و همین وسواس و دقت به قدرت و قوت شعرشان افزوده است.

شاهدان ملکوت

برخی شاعران مثل بسیاری از دوره‌های پیشین شعر فارسی در کاربرد تعابیر و اصلاحات خاص عرفانی قدرت خارق‌العاده‌ای دارند و البته مدعی نیستند که از مراحل و منازل سلوک عرفانی، منازل را سپری کرده باشند. حتی در مواردی بر مرز دستیابی به زبان و سبک خاص شعری هم نزدیک شده‌اند و این از آن جهت که در تلاش برای یافتن مکتب و اصول خاص شعری‌اند عیب به حساب نمی‌آید. مگر شه‌یار را یک شاهد عالی نمی‌دانیم که در مرحله‌ای از حیات شعری در حافظ و جادوی کلام و سحر بیان و قدرت شاعری او غرق شده بود و می‌گفت «هر چه دارم همه از دولت حافظ دارم» و انصافاً هم در استقبال، تضمین، اقتباس و تأسی به غزل‌های او هنرمندی به خرج داده است، در عین حال که از قافله روزگار خود جای نمانده. این‌گونه شاعران در تقسیم بندی فرعی نیز با یکدیگر



روشن و ساده مخاطب یا خواننده باشد، حرف دلش را می زند. گویا خود را از ظرف و شرایط زمان خارج می کند. به برخی ابیات زیر بنگرید:

ریشه کهریز کهنه تا سر دره است
ابر فروگستریده تا به مجره است
یا

شور فلک را اسد به بیوغ کشیده
سنبله را بر حمل به ذوق چریده

۲. کهن گرایی در ساخت واژه ها: مانند دُرُوج، غراب البین، سوقه کژاغند، رکیب، خاج، ایلخی، می کوفد، پاتاوه. برچو خا، حرامی، بازگون، بهل، هله، مرج، اوبار، مویه گر، خط مقرمط. ۳. کاربرد تصاویر و اصطلاحات از خانواده علوم مختلف مانند: فلسفه، اساطیر کهن ایران، موسیقی، فقه و نجوم.

نه که بقراط بقرن نیست بقر بقراط است
جبر مقدونیه می گفت سقر سقرات است

۴. تنوع کثرت و تلمیحات، به خصوص از داستان های قرآنی و تاریخ اسلام:

که بر بساط زمین آدمی زیانکاره است
قسم به عصر که پیوسته پوی آواره است
یا

بر مرتضی فکند که بر خیل ما فکند
روز غدیر احمد مرسل عصا فکند
یا

چوزید فحل زید علی شیر طایفه
چون شیر حق حسین علی میر طایفه
یا

بر بوقیسی استاده جبرائیل با او
آنک بر آمد ها جراسماعیل با او
یا

کنعان تهی از مردم گوهر ستا بود
یوسف گرامی گوهر افزون بها بود
یا

بر سقره فرعونیان از او خورش یافت
موسی به ذوق جذبه پنهان کشش یافت

۵. تلمیحات داستانی از اسطوره های شعری چون: لیلی، مجنون، منصور حلاج، شیرین، فرهاد خسرو.

آن کس که لیلی دیده مجنون می شناسد
ما را به غیر از اهل ما چون می شناسد
یا

گمان مدار که تنها نصیب فرهاد است
به صبر پهلوی خسرو درید عشق این زخم
یا

خنک جایی که با اسرار حق محرم نداد دل
به وسواس انا الحقی بدار آویخت منصور
یا

مجنون مگر هنوز ز صحرانرفته است
لیلی و شان دشت غریبند و داغدار

۶. کاربرد برخی افعال با همراهی یکی از فعل های معین (استن) و صرف آنان به سیاق گذشته مانند:

علی معلم دامغانی

در عین حال که

علاقه مندی اش

به شعر سبک

خراسانی میرهن

است، پیچیدگی

و تراکم معنی بر

لفظ و در مواردی

تراکم لفظ بر معنی

را از شاعری چون

خاقانی به ارث

برده است که از

تبار سبک عراقی

است. نکته مهم

در شعر علی معلم

که او را از افتادن

به دامن سبک

بازگشت دوم

نجات می دهد،

این است که

در حال و هوا

و فضا و سبک

خراسانی، مسائل

و موضوعات

عصر خود را بازگو

می کند. دقیقاً

خلاف اشتباهی

است که شاعران

سبک بازگشت

مرتکب می شدند

هلا هلا بد رأیید اگر نمر دستید

چنین به زاویه در چند پافشر دستید

ز خویشتن به در آییید اگر نمر دستید

هلا که آید که در خویش پافشر دستید

یا

اگر نه آید غلط در غلط چه ماندستید

اگر نه آید سقط در سقط چه ماندستید

۷. کاربرد فعل دعایی در پایان برخی ابیات که امروز متداول نیست. مانند:

به چار حد بقایش مجال سپردها

پدر که لطف خدایش جزای خیر دهدا

۸. شروع برخی ابیات به سیاق سبک خراسانی با حروف ندا که در مواردی مفید معنای تحذیر است، مانند:

ستبر سینه و روشن روان و پیل تنا

الا شرک ستیزان برادران منا

یا

نه کم از آنچه شنیدی نه بیش آورده

الا که در نمی است این نبی اش آورده

یا

نظریه خرمن گل های چیده بگشاید

هلا به کام چه خفتید دیده بگشاید

۹. تکرار افعال یا کلماتی در آغاز چند بیت که معمول شعر خراسانی بوده است:

کدام طعنه و تسخر علاج رنج شماست

کدام ورد و عزیمت کلید گنج شماست

کدام شکنه مطاع است در حصار شما

کدام خانه مطاف است در دیار شما

کدام سوره بشیر است در کتاب آن جا

کدام آیه نذیر است در خطاب آن جا

کدام باد صاعقه ناموس پرور است آن سوی

کدام باد بلا غیرت آور است آن سوی

۱۰. برخورد و موضع گیری تند در برابر اصحاب فلسفه و باطل دانستن اندیشه های فلسفی. این شواهد تداعی کننده نظر خاقانی و امام محمد غزالی با اصحاب فلسفه است. با استخراج نمونه ها، تذکار این نکته ضروری است که بیان این مطالب و حمله به فیلسوفان از طرف شاعر لزوماً به معنی درک مسائل پیچیده فلسفی از جانب شاعر نیست؛ هم به اصحاب فلسفه قدیم از یونان و رُم باستان به تعریض و کنایه می تازد و هم به فیلسوفان و اصحاب فلسفه معاصر. مانند:

مُثل جبر بقربود، سکندر را ساخت

جنس سقرات سقر بود سمندر را ساخت

سدنه فلسفه او بار سر و گرد بودند

بتگران در همه ادوار دروگر بودند

شده شاخ تراشان همه را ریمین کرد

بارها جهد شبانان رمه را ایمن کرد

پسر سایه سقرات کلیساراکشت

میخ خرگاه فلاطون خرعیسی را کشت

بوعلی گم شد و سقرات بقرشد گیتی

هله زین بلبله صد بار دگر شه گیتی □



گلریز، خواننده سرودهای خاطره‌انگیز:

سرودهای انقلابی عامل یکپارچگی مردم بود

او را با آهنگ «خجسته باد این پیروزی» می‌شناسیم. محمد گلریز یکی از خوانندگان برتر دوران انقلاب و دفاع مقدس است و صدایش به عنوان میراث شفاهی ایران در سازمان میراث فرهنگی ثبت شده است. نام اصلی وی محمدعلی گلپایگانی است. این خواننده خوش اخلاق در سال ۱۳۸۹ به عنوان خواننده ماندگار از طرف سازمان صدا و سیما، مورد تجلیل قرار گرفت. ■

گلریز فعالیت خود را از سال ۵۸ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آهنگ «سرود نیایش» از رضاقلی ملکی شروع کرد. سپس سرود «این بانگ آزادی» با شعر حمید سبزواری و آهنگ احمدعلی راغب را خواند. گلریز سپس سرودهای «ای شهید مطهر»، «رفتند یاران»، «خجسته باد این پیروزی»، «ای شهیدان خدایی نامتان پاینده باد» را خواند و آهنگ «دریغا» با آهنگسازی محمدعلی شکوهی را به مناسبت درگذشت امام خمینی (ره) اجرا کرد. این خواننده دفاع مقدس به پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: عوامل زیادی در اتحاد و انسجام میان مردم به منظور حرکتی هدفمند تارسیدن به پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشته است که البته با توجه به سال‌ها فعالیت اینجانب در حوزه موسیقی و سرود، به جرأت می‌توانم بگویم که یکی از این عوامل هنر موسیقی بوده است.

محمد گلریز ادامه می‌دهد: از روز پیروزی انقلاب اسلامی همگرایی و اتحادی بود، این اتفاق به همت مردم در سال ۵۷ به وقوع پیوست همگرایی و اتحادی بود از سوی دیگر یکدلی و یک‌زبانی آن‌ها در سردادن شعار و هدفی واحد که سرنگونی حکومت طاغوت بود موجب شد پیروزی انقلاب اسلامی محقق شود تا ما شاهد فجر انقلاب اسلامی باشیم.

وی عوامل مختلفی را در همگرایی و اتحاد مردم تعیین‌کننده می‌داند و بیان می‌کند: از آن جایی که سال‌ها در حوزه هنر موسیقی و سرود تجربه کسب کرده‌ام، باید بگویم که یکی از عوامل یکپارچگی مردمی و تهییج آن‌ها در رسیدن به آرمان و هدف متعالی انقلاب اسلامی، موسیقی و تولید سرودهای انقلابی بود. گلریز تأکید می‌کند: آهنگسازان و تولیدکنندگان این قطعات به شکل ریتمیک با الهام از همان شعارها و غریب‌های انقلابی مردم ایران به این امر اهتمام داشته‌اند.

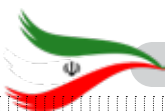
این خواننده انقلابی کشور با یادآوری حاکم بودن فضای خفقان همراه با ترس و رعب و وحشت، به واسطه برخی اقدامات سازمان امنیت و اطلاعات رژیم طاغوت در دوران انقلاب اسلامی، بیان می‌کند: برخی از نیروهای انقلابی با حداقل امکانات به تولید سرود و موسیقی‌های انقلابی اشتغال داشتند. آن‌ها به شکل خودجوش و با بینش و جرأت انقلابی به شکل مخفیانه دست به چنین کارهایی می‌زدند.

وی ادامه می‌دهد: زمانی که سرودهای ضبط شده پخش می‌شد، کمتر کسی باور داشت که می‌توان در چنین شرایطی همچون کاری را به انجام رساند، این سرودها در شرایطی که عوامل رژیم طاغوت سر از زیر زمین‌ها در می‌آورد و وارد زبان مردم و انقلابیون می‌شد.

گلریز که خواننده بسیاری از سرودهای انقلابی و دفاع مقدسی نیز هست، با انتقاد از فراموشی اهمیت موسیقی تأکید می‌کند: تعجب برانگیز است که در این دوران مسئولان و مردم تصور می‌کنند دوران مجاهدت و مبارزه علیه دشمنان اسلام و ایران به پایان رسیده و با همین تفکر تاریخ مصرف موسیقی و سرودهای انقلابی را رو به اتمام می‌دانند.

وی با بیان این‌که در خلأ پیش آمده آرمان‌ها و اهداف ارزشی انقلاب نشانه رفته است، می‌گوید: مسئولان و حتی رسانه‌های کشور که پرچمدار فرهنگ والای اسلام و تبیین‌کننده ارزش‌های والای انقلاب هستند، در برابر چنین حمله‌ای نقش منفعلانه‌ای ایفا می‌کنند و در بازه زمانی کمتر از یک دهه، موسیقی بی‌محتوا جای موسیقی و سرودهای انقلابی که برآمده از باورها و منش ارزشی مردم انقلابی را گرفته است، به نظر می‌رسد هدایت و راهبری این سبک از موسیقی توسط افراد مغرض خارج از مرزها انجام می‌شود.

این خواننده انقلابی با بیان این‌که نگران شیوع چنین جوی در فضای فرهنگی و هنری کشور است، به فرمایش رهبر معظم انقلاب اشاره می‌کند و می‌گوید: با وجود همه دل‌نگرانی‌های نسل ما، اما تاکنون گوش شنوایی به این ابراز نگرانی ما توجه نکرده و نتیجه این‌که موسیقی که اکنون بر قلب و روح و ذهن نسل جوان ما حاکم است، محتوایی غربی دارد و سازندگان آن‌ها همان کسانی هستند که در شبکه‌های ماهواره‌ای غربی نیز فعالیت می‌کنند. ■





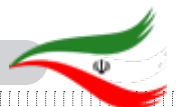
پای صحبت صاحب نظران در باره
نسبت انقلاب و موسیقی

آهنگ انقلاب

قابلیت صدور

رضا مهدوی، فعال، پژوهشگر و پیشکسوت موسیقی کشور با اشاره تأثیر انقلاب بر موسیقی می‌گوید: برخی از اهالی موسیقی بعد از انقلاب به خاطر جریان‌ات و تحریکات بیرونی راهی لس‌آنجلس شدند و به اپوزسیون بیپوستند، اما هنرمندانی پای موسیقی انقلاب ایستادند، موفق به ایجاد سبکی از موسیقی در کشور شدند که قابلیت صدور به دیگر کشورها را دارد. این پژوهشگر حوزه موسیقی با بیان این‌که از دستاوردهای انقلاب اسلامی باید صیانت شود، بیان می‌کند: ایران شرایط انقلابی را دارد و همچنان مانند روزهای پرتنهاب انقلاب اسلامی مورد حمله و فشار از سوی دشمن است، اگر یک لحظه مرزها را بشکند،

موسیقی، ابزار و زبان ساده انقلاب اسلامی ایران بود، اما نمی‌توان بر تأثیری که انقلاب بر رشد موسیقی در ایران داشت، چشم‌پوشی کرد، انقلاب اسلامی ایران تأثیر بسزایی در ایجاد تحول بنیادی در جان‌مایه موسیقی داشت. در واقع می‌توان گفت موسیقی انقلابی که بر روحیه انقلابی مردم اثرگذار بود، در واقع آغازی برای دوره جدید موسیقی و پایان موسیقی سخیف کافه‌ای در تلویزیون و رادیو در سال‌های منتهی به انقلاب بود. با این حساب لازم می‌دانیم در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی به تأثیری که انقلاب بر موسیقی کشور گذاشته است بپردازیم. هنر موسیقی قبل از انقلاب با ماهیت نفسانی اجرایی می‌شد، اما بعد از انقلاب اسلامی رویکرد عقلایی به خود گرفت و شرایط خوبی را برای کشور رقم زد که موجب همراهی طیف وسیعی از موسیقی‌دانان شد. موسیقی بعد از انقلاب در حوزه پژوهش، کتاب، ترجمه و مباحث آموزشی پیشرفت‌های بسیاری داشته است. ■



است که احساس مسئولیت کنند و موسیقی را نجات دهند که این درخواست برای نجات، نشان دهنده مشکلات موجود در این حوزه و همچنین پذیرش موسیقی از سوی ایشان است.

رضایی در بخش دیگر به تفاوت برگزاری جشنواره‌های موسیقی در دوران پهلوی و دوران انقلاب، می‌گوید: قبل از انقلاب، جشنواره ویژه‌ای در حوزه موسیقی در کشور برگزار نمی‌شد و اگر بود نیز محدود به دوره‌های کوتاه بود؛ موسیقی در دوران پهلوی در حاشیه برنامه‌های فرهنگی کلان بود و تنها به عنوان زینت مجلس مورد توجه بود، اما بعد از انقلاب اسلامی توجه ویژه‌ای به موسیقی شد تا به واسطه این هنر، فرهنگ جامعه و انسان به تعالی دست یابد.

معاون دفتر جشنواره‌ها و همکاری بین‌المللی سازمان سینمایی با تأکید بر این که برگزاری جشنواره‌های متعدد موسیقی موجب شد تا پژوهش‌ها و بازنگرایی‌های خوبی در عرصه موسیقی کشور شکل گیرد، ادامه می‌دهد: امروز جشنواره‌های موسیقی متعددی بعد از انقلاب اسلامی در کشور برگزار می‌شود که در این زمینه می‌توان به ۳۲ دوره جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، جشنواره موسیقی نواحی، جشنواره جوان، جشنواره بانوان با عنوان یاس و... اشاره کرد. همچنین جشنواره‌های متعدد منطقه‌ای و محلی نیز در این حوزه برگزار می‌شود که در هر کدام موسیقی و ملودی‌هایی خاص ارائه می‌شود و افراد آثار و گنجینه‌های فرهنگی خود را ارائه می‌کنند.

رضایی با بیان این که به برکت انقلاب اسلامی شاهد دستاوردهای خوبی در حوزه موسیقی هستیم، تأکید می‌کند: مرحوم حاج قربان سلیمانی در جشنواره مهم موسیقی جهان با عنوان آوینیون حضور یافت و موجب معرفی موسیقی ایرانی در سطح بین‌المللی شد که این دستاورد را در کنار برخورد پهلوی با موسیقی قبل از انقلاب بگذارد که بنا داشت مردم را از این هنر اصیل محروم کند و موسیقی‌های راک و پاپ غربی را جایگزین کند.

معاون دفتر جشنواره‌ها و همکاری بین‌المللی سازمان سینمایی عنوان می‌کند: در دانشگاه تهران پژوهشی پیرامون جنگ آمریکا در عراق صورت گرفته است که نشان می‌دهد ارتش آمریکا و پنتاگون بر اساس این جنگ در حوزه موسیقی چه برنامه‌ریزی دقیقی داشته‌اند و در شبی که بنا بود حمله اولیه انجام شود، چه برنامه‌های دقیق و موسیقی‌هایی هدفمند در رادیو و تلویزیون خود پخش کرده‌اند و این در حالی است که در انقلاب مازمانی که از موسیقی انقلابی بحث می‌شود، تخطئه صورت می‌گیرد که موسیقی سفارشی جواب نمی‌دهد و در این راستا جشنواره موسیقی مقاومت تعطیل می‌شود در حالی که کشور در برابر هجوم استکبار و بیگانگان نیازمند مقاومت است.

۱] توجه انقلاب به موسیقی

تاریخچه موسیقی کشورمان نشان می‌دهد که این هنر



رضایی: امروز

جشنواره‌های

موسیقی متعددی

بعد از انقلاب

اسلامی در کشور

برگزار می‌شود

که در این زمینه

می‌توان به ۳۲ دوره

جشنواره بین‌المللی

موسیقی فجر،

جشنواره موسیقی

نواحی، جشنواره

جوان، جشنواره

بانوان با عنوان

یاس و... اشاره

کرد. همچنین

جشنواره‌های

متعدد منطقه‌ای

و محلی نیز در

این حوزه برگزار

می‌شود که در

هر کدام موسیقی

و ملودی‌هایی

خاص ارائه

می‌شود و افراد

آثار و گنجینه‌های

فرهنگی خود را

ارائه می‌کنند

مشکلات متعددی ایجاد می‌شود، لذا ضروری است در این شرایط انقلابی کشور، موسیقی‌های انقلابی نیز تولید شود تا جوانان کشور را همسو با انقلاب نگه دارد.

۱] اوج در دهه ۶۰

این پیشکسوت موسیقی کشور تأکید دارد: جایگاه موسیقی انقلاب اسلامی در دهه ۶۰ به اوج خود رسید و افراد به صورت خودجوش در این عرصه فعالیت کردند که موجب استقبال و اعتماد خانواده‌ها شد و آنان فرزندان خود را برای تحصیل موسیقی هدایت کردند.

نباید فراموش کرد، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نظامی در کشور حاکم بود که در اختیار نظام سلطه بود و امور کشور بر اساس نگرش این نظام پیش می‌رفت و تمام رویدادها، تصمیمات و برنامه‌های کشور در رسانه ملی و وزارت ارشاد مبتنی بر این تفکر مدیریت می‌شد که موسیقی نیز از این وقایع مستثنی نبود.

بابک رضایی، معاون دفتر جشنواره‌ها و همکاری بین‌المللی سازمان سینمایی، با اشاره به این که نظام شاهنشاهی نگاهی ایزاری به موسیقی و هنرمند داشت، می‌گوید نگرش حاکم بر موسیقی قبل از انقلاب برگرفته از شرایط حاکم بر آن دوران بود، در واقع موسیقی دوران پهلوی به سمت ابتذال و تخطیر در حرکت بود تا انسان‌ها را از خود بی‌خود کند، لذا این موسیقی برای مجلسی دون شأن افراد تهیه می‌شد.

معاون دفتر جشنواره‌ها و همکاری بین‌المللی سازمان سینمایی تأکید می‌کند: رویکرد و نگرش به موسیقی بعد از انقلاب اسلامی دچار دگرگونی و تغییر شد. وی با یادآوری روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، تعریف می‌کند: حضرت امام خمینی (ره) در ابتدای انقلاب بعد از شنیدن سرود شهید مطهری این موسیقی را تأیید کردند، اما فرمودند که اگر این موسیقی از رادیو و تلویزیون آمریکا پخش می‌شد، گوش نمی‌دادم که این مسائل و ظرافت‌ها باید برای نسل جوان تبیین شود.

رضایی با اشاره به این که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله درگیر جنگ تحمیلی شدیم، می‌افزاید: بخشی از پیشرفت‌های رخ داده در حوزه موسیقی دهه ۶۰، با توجه وقوع جنگ تحمیلی و حضور کشور در این فضا بود. جنگ بر اساس بیان امام خمینی (ره)، همچون یک نعمت و دانشگاه بر روی مسائل فرهنگی به ویژه موسیقی اثر گذاشت و موجب پیشرفت‌هایی شد.

معاون دفتر جشنواره‌ها و همکاری بین‌المللی سازمان سینمایی خاطر نشان کرد: در دوران دفاع مقدس سرودهای انقلابی تولید شد که سرود «آماده‌ایم» موجب ایجاد یک سپاه محمد رسول... (ص) شد، اما بعد از جنگ یک ولنگاری در پی جنگ نرم دشمن در کشور شکل گرفت. وی با ابراز نگرانی از شرایط و فضای حاکم بر موسیقی کشور، به دیدار مقام معظم رهبری با اهالی موسیقی اشاره می‌کند و می‌گوید: مقام معظم رهبری در این دیدار فرمودند که درخواست من از موسیقی دانان این





هوشنگ جاوید:

عرصه و تنوع

موسیقی انقلاب

اسلامی بسیار زیاد

است؛ موسیقی

انقلاب اسلامی،

موسیقی دفاع

مقدس و موسیقی

نواحی از جمله

حوزه‌هایی است

که هر کدام فصلی

برای صحبت کردن

می خواهد

پژوهشگر به صورت برانگیخته پژوهش‌هایی در حوزه موسیقی انجام دادند، به اساتید این عرصه اشاره می‌کند و می‌گوید: استاد فوزیه مشی، محمد باقر غفاری و... از جمله این افراد بودند.

جالب است بدانید که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود این که حکومت پهلوی ادعا توجه به هنر و موسیقی را داشتند بدانید که قبل از انقلاب، موسیقی اقوام وجود نداشته است، جاوید با اشاره به این نکته می‌گوید: قبل از انقلاب موسیقی اقوام را به صورت آهنگ‌گذاری شده تحویل جامعه می‌دادند و هیچ‌گاه موسیقی اصیل ایرانی تحویل جامعه نشد و هرآنچه موسیقی اقوام به مردم داده شد به صورت ارکست شده بود.

با وجود این که دشمن تلاش دارد نظام جمهوری اسلامی را متحجر نشان دهد، اما این پژوهشگر موسیقی بیان دارد که پرداختن به موسیقی اقوام پس از انقلاب اسلامی و به صورت خودجوش، مردمی و خودانگیخته روی داد.

وی با اشاره به برپایی جشنواره تخصصی موسیقی اقوام پس از انقلاب اسلامی می‌گوید: پس از انقلاب اسلامی جشنواره نی‌نوازان برپا شد که تمرکز آن بر موسیقی اقوام بود و در سه حوزه علمی، فرهنگی و هنری اجرا می‌شد.

جاوید با اشاره به این موضوع که قبل از انقلاب اسلامی از موسیقی اقوام تنها برای پُر دادن استفاده می‌شد، می‌افزاید: با این حال پس از انقلاب اسلامی موسیقی اقوام به صورت علمی بررسی شد و نگاه به موسیقی اقوام به صورتی شد که می‌توان اکنون آن را به صحنه بین‌المللی عرضه کرد.

پهلوی حرمت و احترامی برای موسیقی قائل نبود

این حقیقت قابل انکار نیست که نوع نگرش خاندان پهلوی به موسیقی ملی استخفافی بود، اما با پیروزی انقلاب اسلامی، به موسیقی سنتی جایگاهی رفیع بخشیده شد. موسیقی سنتی ایران در دوران پهلوی به دست فراموشی سپرده شده بود، محسن رفیعی، پژوهشگر دیگر حوزه موسیقی در این باره می‌گوید: قبل از انقلاب اسلامی موسیقی‌هایی با سبک غربی در کشور رایج بود و موسیقی سنتی و ملی ایرانی هیچ جایگاهی در کشور نداشت.

علت اصلی این موضوع آن بود که نوع نگرش خاندان پهلوی به موسیقی ملی که همان موسیقی ردیف دستگاهی و نواحی است استخفافی بود و پهلوی اول حرمت و احترامی برای موسیقی قائل نبود و معتقد بود که باید از آلمان نازی در موسیقی پیروی کرد.

این پژوهشگر با بیان این که دوره پهلوی دوم هم برای موسیقی ایرانی احترامی قائل نبودند، تأکید می‌کند: در مقابل، انقلاب اسلامی به موسیقی سنتی جایگاهی رفیع بخشید. از این رو شاهد هستیم بعد از انقلاب و با گذشت ۴۰ سال از عمر پر برکت انقلاب اسلامی، موسیقی در ایران رنگ و بویی دیگر گرفته است و حرفی برای گفتن در عرصه‌های بین‌المللی دارد. □

در سال ۱۲۴۸ و در زمان ناصرالدین شاه وارد کشور و عرصه نظامی شد، با گذر زمان در سال ۱۲۹۳ یعنی ۵۰ سال بعد، غلامرضا میرباشیان با تشکیل اولین کلاس موسیقی آن را جایگزین موسیقی نظامی کرد. اکنون در سال ۹۷، صد سال از تشکیل اولین مدرسه موسیقی در ایران می‌گذرد و حتی در سال ۱۳۱۳ اولین هنرستان موسیقی ملی توسط پسر میرباشیان در کشور افتتاح شد.

رضا خسروی، پژوهشگر حوزه موسیقی، با اشاره به تاریخچه موسیقی کشور می‌گوید: متأسفانه موسیقی ملی در سال ۱۳۲۵ و توسط پرویز محمود حذف و موسیقی کلاسیک غرب جایگزین آن شد و اعتقاد وی آن بود که موسیقی ملی ظرفیت آکادمی شدن را ندارد.

وی با اشاره به اولین هنرستان موسیقی ملی قبل از انقلاب ادامه می‌دهد: این هنرستان بعد از انقلاب و در سال ۶۰ همان ساز و کار را ادامه داد، اما در قالب سرود و انقلاب بود. موسیقی بعد از انقلاب یک جایگاه متعالی پیدا کرد و انقلاب به این هنر توجه بسیاری داشت. قبل از انقلاب تعداد هنرستان‌های موسیقی در کشور بسیار کم بود، اما این هنرستان‌ها بعد از انقلاب با افزایش چشمگیری روبه‌رو شد.

این پژوهشگر حوزه موسیقی با اشاره آموزش آکادمی موسیقی در دانشگاه‌ها بعد از انقلاب، می‌گوید: بعد از انقلاب، رشته موسیقی در دانشگاه‌های آزاد و علمی کاربردی نیز فعال شد، همچنین دانشگاه مرکز علمی موسیقی در سطح کارشناسی و ارشد تأسیس و حتی دانشکده‌ای در دانشگاه تهران برای این هنر اختصاص داده شد.

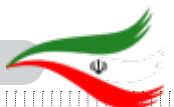
وی با اشاره به تأثیر آموزش آکادمی موسیقی دانشگاه‌ها بعد از انقلاب بیان می‌کند: در سال ۶۷ حدود ۴۰ هزار دانشجوی فارغ‌التحصیل موسیقی در کشور داشتیم که ۲۵ هزار نفر آن مرد و ۱۵ هزار نفر آن زن بود که این یکی از دستاوردهای انقلاب است.

این پژوهشگر حوزه موسیقی با بیان این که بعد از انقلاب زیرساخت‌های موسیقی در کشور افزایش پیدا کرد تأکید می‌کند: در حالی که قبل از انقلاب تعداد استودیوهای موسیقی حدود ۱۰ یا ۱۵ عدد بود، اما اکنون و بعد از انقلاب ۱۵۰ استودیو حرفه‌ای رسمی و حدود ۱۰۰ استودیو حرفه‌ای غیررسمی در کشور فعالیت می‌کنند.

عرصه و تنوع موسیقی انقلاب اسلامی

هوشنگ جاوید، پژوهشگر حوزه موسیقی و پیشکسوت حوزه موسیقی نواحی، با وجود این که اعتقاد دارد صحبت در خصوص موسیقی سخت است، ادامه می‌دهد: عرصه و تنوع موسیقی انقلاب اسلامی بسیار زیاد است؛ موسیقی انقلاب اسلامی، موسیقی دفاع مقدس و موسیقی نواحی از جمله حوزه‌هایی است که هر کدام فصلی برای صحبت کردن می‌خواهد.

وی با اشاره به این که دستاوردهای حوزه پژوهش موسیقی بسیار زیاد است، قبل از انقلاب تعداد اندکی



انقلابی کرد توانست قطعاتی با همکاری دوستانش خلق کند که با گذشت ۴۰ سال در ذهن مردم ماندگار شده است.

این آهنگساز با بیان این که فاز اول این موسیقی‌های انقلابی مربوط به قبل از پیروزی آن بود ادامه می‌دهد: من همه کارها را از جمله ساختن ملودی، کلام و اجرا به تنهایی انجام می‌دادم، به مرور زمان افرادی مانند مرحوم حاج حسین صبحدل، اذان‌گوی الهی معروف، مرحوم عباس صالحی، قاری برجسته، حسین شمسایی، حمید یگانه و محمدرضا شریفی نیا هم به کمک آمدند. شاهنگیان به محل ساخت موسیقی‌های انقلابی اشاره می‌کند و می‌گوید: حسینه ارشاد محلی بود که از آن استفاده می‌کردیم. قبل از آن که حکومت نظامی شروع شود، وارد اتاق صدای کوچکی به ابعاد ۱۵۰ در ۲۰۰ سانتی‌متر می‌شدیم و تا بعد از حکومت نظامی یعنی ۶ صبح، دائم تمرین می‌کردیم و تک‌تک از حسینه ارشاد خارج می‌شدیم تا کسی به ما مشکوک نشود.

وی عدم تحصیلات موسیقی را مانع خود ندیده و بیان می‌کند: خودم تحصیلات آکادمی نداشتم، همه کارهای من از سوی دوستان هنرمندی چون همایون رحیمیان، فریدون شهبازیان، علی بکان، منصور، مرحوم حسن یوسف‌زمانی و... سازبندی و تنظیم می‌شد. البته باید بگویم قبل از انقلاب همه کارهایمان بدون ساز ساخته شد و بعد از پیروزی، به واسطه این که امکانات وسیع واحد موسیقی صدا و سیما در اختیارمان قرار گرفت، توانستیم کارهایی بهتر بسازیم.

این آهنگساز انقلابی با اشاره به سرود بدو ورود اما خمینی (ره) که توسط یک گروه سرود در فرودگاه اجرا شد، عنوان می‌کند: آن گروه (صبحدل) در مسجد قبا با اعلام يك فراخوان عمومی شکل گرفت. با آن فراخوان با انبوهی از جوانان و نوجوانان علاقه‌مند روبه‌رو شدیم که با انتخاب نهایی تقریباً ۱۳ نفر به این گروه راه یافتند. ما تمرین‌ها را انجام دادیم و با برنامه‌ریزی ستاد استقبال برای اجرای این گروه در مراسم فرودگاه و بهشت زهرا (س)، گروه را ۲ قسمت کردیم. به این ترتیب، يك گروه در فرودگاه سرود «خمینی‌ای امام» را و گروه دیگر در بهشت زهرا (س) سرود «برخیزید ای شهیدان راه خدا» را اجرا کردند.

شاهنگیان به عنوان خالق اثر «خمینی‌ای امام» راز ماندگاری این اثر را که با گذشت ۴۰ سال همچنان بین مردم زمزمه می‌شود، را دلی بودن آن می‌داند و تأکید می‌کند سخنی که از دل برآید لاجرم بر دل می‌نشیند. او اعتقاد دارد شعر و سرود ساختن برای حضرت امام در آن زمان ساده نبود و يك عشق ناب نیاز داشت. دلی بودن این اثر و موضوع امام و انقلاب و شرایط تاریخی تولید، از دلایلی است که آن را در ذهن مردم ماندگار می‌کند. یکی از مؤلفه‌های موسیقی این است که اشعار را ماندگار می‌کند و بر همین اساس هم امروز ۴ نسل انقلاب، سرود «خمینی‌ای امام» را حفظ هستند. □

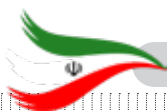


«خمینی‌ای امام»

کار دل بود

حمید (حسن) شاهنگیان، آهنگساز برجسته موسیقی‌های انقلابی که آثاری چون «خمینی‌ای امام»، «برخیزید ای شهیدان راه خدا»، «برخیزیم در هوای آزادی»، «جانبازی صبورم» و... را در کارنامه هنری دارد، از اوایل پیروزی انقلاب تا سال ۶۰، رئیس شورای موسیقی و شعر صدا و سیما بود. ■

او در کنار مدیریت این مرکز در بخش موسیقی، همیشه در ساختن موسیقی‌های انقلابی هم پیشرو بود و کوشید در روزهای پرهیاهوی انقلاب با مراداتی که با دیگر هنرمندان از جمله حسین صبحدل، حمید سبزواری و... داشت، سرودهایی ماندگار خلق و اجرا کند. وی که امروز «يك آهنگساز انقلابی» شناخته می‌شود، به نحوه شکل‌گیری آثار انقلابی در روزهای پیروزی انقلاب اشاره کرده و می‌گوید موسیقیدان نیست و تحصیلاتی در این زمینه ندارد، اما زمانی که شروع به ساخت موسیقی و سرودهای





تجربه می‌کردند. از میان سرودهای برجسته انقلابی، برخی ماندگاری بیشتری داشتند و پس از گذشت حدود چهار دهه از اول انقلاب همچنان نیز برای مخاطب ایرانی جذابیت دارند و به شکوه دهه فجر می‌افزایند.

ایران ایران ایران

سرود «ایران ایران» اولین سرود پخش شده از صدا و سیما پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود و از جمله قطعاتی است که گفته می‌شود در روزهای پیش از انقلاب ساخته شد و خالقانش معتقدند کمتر کسی جرأت تولید موسیقی با مضمون انقلاب را داشت. این سرود پس از در اختیار گرفتن مرکز صدا و سیما توسط نیروهای انقلابی، از رادیو ملی پخش شد. فریدون خشنود، خالق این اثر جاودانه است و آن را بر اساس شعری از حسین سرفراز ساخته است. ضبط این قطعه به صورت مخفیانه در استودیو صبا تهران انجام شد و آن را رضا رویگری که بعدها به بازیگر مطرحی در سینما تبدیل شد اجرا کرد. این سرود انقلابی همچنان از پرتکرارترین سرودهایی است که در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود.

خمینی‌ای امام

دقیقاً چهل سال از پخش سرود «خمینی‌ای امام» می‌گذرد، اما همچنان بر سر زبان‌هاست و از جمله سرودهای اثرگذار و به یادمانی انقلاب اسلامی ایران است. حمید شاهنکیان این سرود را ساخته و برای اولین بار در روز ۱۲ بهمن ۵۷ و در لحظه ورود امام خمینی (ره) در حضور جمع میلیونی استقبال‌کنندگان در فرودگاه مهرآباد توسط یک گروه کر به صورت زنده خوانده شد. این سرود در فهرست آثار ملی

هم‌صدا با سرودهای انقلاب

این بانگ آزادیست کز خاوران خیزد

موسیقی انقلابی که رگه‌های مشخصی از حماسه در آن موج می‌زند، همزمان با بهار انقلاب رشد و نمو چشمگیری داشت، چرا که تعداد سروده‌های برجسته انقلابی به بیش از ۵۰ اثر می‌رسد و این آمار شگفت‌آور است. عمده سرودهای برجسته انقلابی در دو سال ابتدایی انقلاب یعنی سال‌های ۵۷ و ۵۸ ساخته شده و از آن زمان تا کنون همراه مردم است و نسل چهارم انقلاب آن‌ها را از حفظ هستند. ■

در ایام پرشورو پر حماسه پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷، بسیاری از فعالیت‌های روزانه مردم در مشاغل مختلف موقتاً متوقف شده بود و اکثر کارکنان بخش‌های دولتی و خصوصی در تعطیلی خود خواسته و اعتصاب به سر می‌بردند و در زمینه هنری هم تقریباً همه مشاغل به خصوص تئاتر، سینما و موسیقی، به ویژه موسیقی‌های پاپ از مدت‌ها قبل در همین وضعیت بودند. اما در این بین فقط کارشعرا، موسیقی‌دانان، آهنگسازها و خوانندگان انقلابی به شدت بالا گرفته بود که انگار همزمان با بهار انقلاب، بهار دیگری را در فعالیت‌های خود



با نوشتن اخبار در مطبوعات بلند شود، به ما خبر رسید که امام علاقه مند هستند که به وطن برگردند، شما می‌توانید کاری بکنید که این تبعید بشکند و دولت مجبور به حضور ایشان در ایران شود؟ ما استودیو را برای ضبط این کار دزدیدیم و مخفیانه کار کردیم، به طوری که شب‌ها ساعت ۱۹:۳۰ که حکومت نظامی شروع می‌شد، ما به استودیو می‌رفتیم و ۷:۳۰ صبح بیرون می‌آمدیم. در این مدت همه نوازنده‌ها و خواننده‌ها، پاره‌ها وارد استودیو می‌شدند تا جای پای کسی روی زمین نباشد. همچنین هر چند دقیقه یکبار، پنجره‌ها را بازمی‌کردیم تا هوا جابه‌جا شود. از آن جایی که آن استودیو در محله ارمنی نشین‌ها بود، این دوستان با ما همکاری زیادی می‌کردند تا در نهایت سرود مزبور ساخته شد.

۴ بهمن خونین جاویدان

ساخت سرود و موسیقی مرتبط به انقلاب تنها محدود به زمان نزدیک به انقلاب و روزهای پس از آن نمی‌شود، به طور نمونه «بهمن خونین جاویدان» سرود ماندگاری است که در دو مین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در مرکز صدا و سینمای استان فارس تولید شد. همافر، شاعر و حمید بهبود، آهنگساز این اثر ماندگار هستند. سعید ذاکر حسین درباره مراحل تولید این سرود به پایگاه خبری جماران گفته است: آهنگ «بهمن خونین جاویدان» را یکی از همکاران ما مرحوم حمید بهبود که از بچه‌های سپاه بود و بعدها درس خواند و پزشکی شد و چند سال قبل فوت کرد، ساخت. شاعران هم یکی از دوستان به نام آقای همافر بود که چند سال بعد رئیس اداره ارشاد اسلامی شیراز شد. آهنگ و شعر سرود مثل شرایط آن روز گروهی و هیئتی ساخته شد؛ یعنی مثلاً آقای همافر یک مصراع را می‌سرود و در ادامه آن می‌ماند؛ سپس ما کمکش می‌کردیم تا شعر کامل شود. در نهایت با وسایل بسیار حداقلی در صدا و سینمای شیراز سرود را ضبط کردیم. حدود ده، پانزده نفر در گروه سرود بودند که سه چهار نفر آنان شهید شدند و بقیه هم متفرق شدند. این سرود در یک شرایط خیلی ابتدایی، هیئتی و با عشق ساخته شد.

۴ به لاله در خون خفته

از دیگر سرودهای انقلابی که در همان سال ۵۷ ساخته شده سرود «به لاله در خون خفته» است، این سرود مورد استقبال دانش‌آموزان قرار گرفت چرا که در سال‌های پس از انقلاب در مدارس توسط گروه‌های سرود بازتولید شد. این سرود نوشته جهانبخش پازوکی، شاعر و آهنگساز است که آن را در کشاکش روزهای مبارزه برای انقلاب به همراه مجتبی میرزاده آهنگسازی و همراه با گروه کربلای سرود کرد. سرود «به لاله در خون خفته» در سال ۱۳۵۷ و در اوج انقلاب ساخته شد.

۴ بهارن خجسته باد

سروده «بهارن خجسته باد» یا «هوادلپذیر شد» از قطعاتی است که کرامت... دانشجویان، از فعالان سیاسی ضد رژیم پهلوی آن را ساخت. این سرود را اسفندیار منفردزاده با کمترین امکانات تنظیم کرد. منفردزاده که نت نویسی این سرود را هم انجام داد، خودش از زندانیان در بند ساواک بود. «بهارن خجسته باد» بر اساس شعری از عبدا... بهزادی ساخته شد. خوانندگان این سرود علی برفچی، عبدالله و ابوالفضل قهرمانی، فرهاد مافی، حسن فخار، پدرام اکبری و اسفندیار منفردزاده هستند. این سرود از سال ۵۷ تاکنون از رادیو و تلویزیون کشور پخش می‌شود و در مدارس نیز به عنوان سرود انقلابی توسط گروه‌های سرود اجرا می‌شود.

۴ کز خاوران خیزد

برخی سرودها نه تنها یادآور روزهای انقلاب هستند، بلکه به شنونده این نکته را یادآور می‌شود که صلابت مردم ایران سرنوشت آن‌ها را تغییر داد و بهار آزادی را رقم زد. سرود «بانگ آزادی» با مصراع «این بانگ آزادیست کز خاوران خیزد» آغاز می‌شود و با نغمه «ا... اکبر، خمینی» رهبر برای مردم انقلابی ایران آشناست. این سرود را حمید سبزواری، شاعر برجسته انقلابی سراییده و احمدعلی راغب آن را آهنگسازی کرده است. محمد گلریز نیز خواننده این سرود بسیار زیبایی انقلابی است. محمد گلریز به جز «بانگ آزادی»، سرودهای زیبایی دیگری نیز برای انقلاب اسلامی خوانده که سرود «این پیروزی خجسته باد» معروف‌ترین آن‌هاست. این سرود با مطلع «از صلابت ملت و ارتش و سپاه ما» آغاز می‌شود. «این پیروزی خجسته باد» از سرودهای معروف دانش‌آموزی است. □

میراث ناملموس ثبت شده است البته باید یادآور شد که پس از دو بار شدن در همایش‌های ثبت آثار ملی در نهایت مجوز لازم را برای ثبت در آثار ملی را دریافت کرد. حمید سبزواری، شاعر این سرود درباره اثر «خمینی ای امام» می‌گوید: این شعر را من قبل از پیروزی انقلاب سرودم، یعنی وقتی که امام (ره) از نجف به پاریس رفتند. در آن موقع اعلامیه‌های حضرت امام به ایران می‌آمد و تکثیر می‌شد و سخنرانی‌های ایشان در نوار کاست ضبط می‌شد و در دست همه می‌چرخید، وقتی این نوارها تکثیر شد، یک طرف این نوارها خالی بود، دوستانم به من گفتند که شعری برای طرف دیگر نوار بگو که من یکی از شعرهایی که سرودم «خمینی ای امام» بود که به همراه سخنرانی‌های امام تکثیر می‌شد. پیش از انقلاب خیلی‌ها در ماشین‌ها و خانه‌هایشان این سرود را داشتند و گوش می‌کردند.

۴ سرود ۴۸ ساعته

در جریان انقلاب، سرودی تنها در دو روز ساخته شد که از آن به عنوان اثر عجیب انقلاب یاد می‌کنند. ساخت سرود «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو» تنها در ۴۸ ساعت انجام شد. اسفندیار قهر باغی، خواننده سرود «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو» با بیان این که یادگار امام (ره) انگیزه ساخت این سرود بوده است، به ماجرای تولید این سرود اشاره می‌کند و می‌گوید: شبی در منزلی بودیم و مرحوم سید احمد خمینی هم که در آن جمع حضور داشت، به ما گفت چرا علیه آمریکا آهنگی نمی‌سازید؟ همان صحبت یادگار امام (ره)، برای ما انگیزه‌ای شد و همان شب حمید سبزواری تا صبح نشست و شعر «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو» را سرود.

وی ادامه می‌دهد: روز بعد، احمدعلی راغب، آهنگسازی این قطعه را انجام داد و یک روز بعد نیز سید محمد میرزایی آهنگ را تنظیم کرد و فردای آن روز در رادیو، نوار ترانه «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو» را جمع کردیم. می‌توانم بگویم که این اثر جزو نادرترین آهنگ‌هایی بود که در ۴۸ ساعت آن را تنظیم و ضبط کردیم در حالی که الان اگر بخواهیم یک آهنگ ساده را هم ضبط کنیم یک ماه طول می‌کشد. خواننده این سرود بر این باور است که دلیل اثرگذاری این آهنگ، فقط به این علت بوده که سروده و شعر آن، بر مبنای واقعیت محض بوده و اکنون بعد از گذشت چند دهه مردم کشور عزیزمان همچنان این اثر را زمزمه می‌کنند.

۴ بوی گل و سوسن

سرود «بوی گل و سوسن و یاسمن آید» را بیشتر با عنوان «دیو چو بیرون رود فرشته در آید» می‌شناسیم که محمدعلی ابروین، شاعر و آهنگساز انقلابی که سرودهایی نظیر «سقفونی شهدا» و «سقای حرم» را ساخته، سازنده و شاعر سرود آن است. این سرود از جمله سرودهایی است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ساخته شده و ابروین آن را قبل از ورود امام خمینی (ره) به ایران و در زمان رژیم پهلوی ساخته است. مرحوم ابروین در خصوص مراحل ساخت این سرود می‌گوید: وقتی امام در عراق بودند و حتی زودتر از این که سرودها





آشنایی با ۱۰ نویسنده برتری که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی درخشیده‌اند

قافله‌ساران کاروان واژه‌ها

چهلیمین سال پیروزی انقلاب اسلامی بهانه خوبی است که نویسندگان برتر در حوزه ادبیات انقلابی را معرفی و آثار تأثیرگذاری که در این حوزه داشتند را مرور کرد. هر چند که انقلاب اسلامی قابلیت آن را دارد که درباره آن هزاران جلد کتاب نوشت و هر نویسنده‌ای را که در این زمینه از زوایای مختلف قلم زد معرفی کرد، اما در فرصت پیش آمده ۱۰ نویسنده برتر ادبیات انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است. ■

۱ علی‌مودنی

علی‌مودنی یکی از جوانانی است که بعد از انقلاب، استعداد خود در نوشتن را در قالب سوزده‌های مختلف پرورانده و حاصل آن، چه در ادبیات و چه در سینما و تلویزیون مبدل به آثاری شده‌اند که نمی‌شود به سادگی از کنار آن گذشت. او از جمله نویسندگان و فیلم‌سازانی است که می‌تواند الگویی برای تحول و تکمیل اندیشه جوان ایرانی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی باشد.

مودنی بر این باور است که انقلاب اسلامی، روند داستان نویسی دهه‌های چهل و پنجاه را به هم ریخت و در واقع شور و هیجان انقلابی، داستان نویسانی را که به نوعی به نوشتن در برابر سانسور شاه عادت کرده بودند، متوقف کرد. این نویسنده فاخر تحصیل ادبیات نمایشی است و در

عرصه‌های داستان کوتاه، رمان، داستان بلند، نمایشنامه و فیلمنامه قلم می‌زند و در حوزه ساخت فیلم نیز دستی بر آتش دارد.

مودنی در حوزه ادبیات دفاع مقدس نیز رویکردی خاص نسبت به مسائل دارد و از جمله آثارش که اغلب با اقبال منتقدان و مخاطبان روبه‌رو شده و جوایزی را نیز از آن خود کرده‌اند، می‌توان به رمان «ظهور»، رمان برگزیده در سال ۱۳۷۸، کتاب «چهار فصل»، شامل سه داستان بلند، کتاب «سفر ششم»، «ملاقات در شب آفتابی»، برنده جایزه کتاب سال ۱۳۷۶، «دلاویزتر از سبزه»، یکی از برترین داستان‌های شناخته شده در مراسم «۲۰ سال داستان نویسی» و «ارتباط ایرانی»، رمان تحسین شده از طرف شورای نویسندگان روسیه اشاره کرد.



به عنوان یکی از آثار برگزیده ۲۰ سال داستان نویسی انتخاب و مدتی بعد به عنوان برگزیده ۲۰ سال ادبیات پایداری معرفی شد.

«پال اسپراکمن»، نایب رئیس مرکز مطالعات دانشگاهی خاورمیانه در دانشگاه رانجرز نیوجرسی آمریکا، این رمان را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است. در حال حاضر دانشگاه جرج واشنگتن دی سی، دانشگاه هاروارد (کتابخانه دانشکده هاروارد MA)، کتابخانه کنگره واشنگتن دی سی، کتابخانه UCLA لس آنجلس، دانشگاه برکلی کالیفرنیا، دانشگاه ماریلند (دانشکده پارک کالج) و دانشگاه ورمونت (کتابخانه بیلی هوو برلینگتن) از جمله مراکزی هستند که این کتاب را در دسترس علاقه مندان قرار داده اند. از آثار دیگر احمد دهقان می توان به «گردان چهار نفره»، «پرنده و تانک»، «روزهای آخر»، «من قاتل پسران هستم»، «ستاره های شلمچه»، «ناگفته های جنگ»، «نگین هامون»، «آزادی خرمشهر» و «هجوم» اشاره کرد.

محمد رضا سرشار

این نویسنده به عنوان یکی از مشاهیر نویسندگی معاصر ایران شناخته می شود، نشریه بین المللی who is who، در سال ۱۳۷۳ نام وی را به این عنوان ثبت کرده است. محمد رضا سرشار نخستین اثر خود را در سال ۱۳۵۲، در یکی از مجلات هفتگی ادبی و اولین کتابش را در سال ۱۳۵۵ به چاپ رساند و در مجموع، چهار عنوان کتاب و چند داستان کوتاه از سرشار، در دوران پیش از انقلاب منتشر شده است.

او دست کم ۲۶ جایزه را در سطح کشور به دست آورده و برخی از آثار وی در داخل و خارج کشور به زبان های انگلیسی و اردو ترجمه شده است. مجموعه «داستان انقلاب» به کوشش سرشار برای گروه سنی نوجوانان چاپ شده است. موضوع داستان های این مجموعه که از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده، در حوزه انقلاب اسلامی است.

نویسنده کوشیده تا با در نظر گرفتن مخاطب امروز و مقتضیات روز، داستان هایی را با حال و هوای انقلاب ۵۷ برای نوجوان امروز روایت کند.

مرتضی سرهنگی

مرتضی سرهنگی، به عنوان نویسنده و پژوهشگر ادبیات پایداری شناخته می شود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۷ در روزنامه جمهوری اسلامی مشغول به کار بود و گزارش ها، مصاحبه ها و نوشته های زیادی از او در این روزنامه به چاپ رسیدند. او به همراه هدایت... بهبودی دفتر ادبیات و هنر مقاومت را در حوزه هنری راه اندازی و آثار ادبی دوران مقدس را گردآوری و تدوین کرد. حوزه هنری در مراسم تجلیل از چهره های برتر هنر و ادب انقلاب، مرتضی سرهنگی را به عنوان چهره برتر سال ۹۳ انتخاب کرد. همچنین امسال در حاشیه دیدار دست اندرکاران کتاب «فرنگیس» مرتضی سرهنگی، مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری نیز با رهبر انقلاب دیدار و گفتگو کرد. رهبر انقلاب در آن دیدار،

محمد رضا بایرامی



نویسنده ای از خطه آذربایجان، که در کتاب هایش یا از روستا نوشته است یا از دفاع مقدس. آثار او تا به حال از ۱۰ نهاد موفق به دریافت جایزه شده است. یک جایزه بین المللی هم در کارنامه خود دارد. محمد رضا بایرامی توانست با کتاب «کوه مرا صدا زد» از قصه های ساوالان، جایزه خرس طلایی و جایزه کبریا آبی سوئیس و نیز جایزه کتاب سال سوئیس را از آن خود کند. این کتاب به قدری جذاب و خواندی است که توسط خانم یوتا همیل رایش به آلمانی ترجمه شده است. بایرامی را نه تنها باید نویسنده ادبیات انقلابی و دفاع مقدسی دانست، بلکه یکی از بهترین داستان نویسان کودک و نوجوان ۲۰ سال اخیر به شمار آورد. محمد رضا بایرامی تا به حال سیزده کتاب داستان، که دو خاطره از دفاع مقدس در میان آن ها دیده می شود به چاپ رسانده است. تعدادی از این آثار مربوط به نوجوانان و برخی از این آثار مربوط به بزرگسالان است.

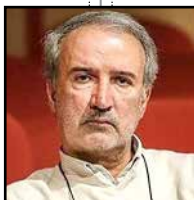
از دیگر آثار او می توان از «بر لبه پرتگاه» (رمان)، «بعد از کشتار» (مجموعه داستان)، «رعد یک بار غرید» (داستان)، «دود پشت تپه» (رمان نوجوانان)، «عقاب های تپه ۶» (رمان نوجوانان)، «دشت شقایق ها» (خاطره ادبی)، «هفت روز آخر» (خاطره ادبی)، «به کشتی نشسته» (داستان)، «به دنبال صدای او» (مجموعه داستان)، «عبور از کویر» (داستان)، «همراهان» (مجموعه داستان) و «دره پلنگ ها» نام برد.

بایرامی درباره ادبیات دفاع مقدس می نویسد عمده ترین بخش ادبیات، ادبیات جنگ است. ما در این ادبیات با دو چیز همزمان در ارتباطیم؛ مرگ و زندگی. هیچ جایی نیست که این دو آن قدر ملازم هم باشند. این دوست داشتن آن قدر لذت بخش است که بسیاری از نویسندگان ما جان خودشان را به خاطر آن به خطر انداختند و نمونه های آن را همگی ما می دانیم. خود من کارهای بسیاری از صاحب نامان جهان در عرصه داستان نویسی را، اگر از جنگ ننویسند، نمی توانم بخوانم.

احمد دهقان

احمد دهقان در رشته مهندسی برق تحصیل کرد، سپس در رشته علوم اجتماعی ادامه تحصیل داد، اما در نهایت با مدرک فوق لیسانس در رشته مردم شناسی فارغ التحصیل شد. دهقان، نویسنده ای برجسته در ادبیات دفاع مقدس و حتی داستان نویسی معاصر فارسی است، که با زتاب ساده، روان، جزئی پردازی و توصیفات دقیق تجربه های وی از جبهه در نوشتن، از امتیازات مهم نویسندگی اوست. دهقان، در بهره گیری از عناصر داستانی نیز به خوبی عمل کرده است، و آن جا که لازم بوده از عناصر در انکاس رویدادهای دفاع مقدس بهره گرفته است. از نکات مهم در آثار وی می توان به بیان مؤلفه های پایداری در قالب وقایع و تعابت جنگ اشاره کرد که باعث پویایی و تحرک در داستان هایش شده است.

او مقالاتی نیز در زمینه رشته تحصیلی خود و همچنین مباحث نظری خاطره نگاری، به ویژه خاطره نویسی در جنگ ایران و عراق، نوشته است. اولین رمانش با عنوان «سفر به گرای ۲۰» درجه ۱ در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. دو سال بعد همین رمان ابتدا



می‌رود. او در این زمینه تاکنون به تألیف و ترجمه بیش از ۱۰ کتاب مبادرت ورزیده است. وی همچنین فیلمنامه سینمایی «مسافر کربلا» را به سفارش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نوشته و داستان بلند «طوفانی دیگری در راه است» را به چاپ رسانده است.

رضا امیرخانی

رضا امیرخانی با وجود این که سن و سالی ندارد، اما در حوزه ادبیات انقلابی و دفاع مقدسی شهرتی به هم زده است. امیرخانی کسی است که سبکی جدید در زمان نویسی را در زمان «من او» پیش ایجاد کرده است. چیزی که به عنوان ادبیات جنگ می‌شناسیم، در برگیرنده دو فضاست: یکی فضای خود جنگ، یعنی داستان‌هایی که در جبهه می‌گذرد، و یکی داستان‌هایی که مربوط به آدم‌های بعد از جنگ است. امیرخانی جزو دسته دوم است و تقریباً در هیچ کدام از داستان‌های او، به جنگ به عنوان سوزِ اصلی پرداخته نشده است، بلکه پنجره‌ای به گذشته شخصیت‌های داستان باز کرده، اما هیچ وقت خود جنگ را روایت نمی‌کند، حتی در کتاب «ارمیا»، فضای بعد از جنگ ترسیم می‌شود.

این نویسنده فارغ‌التحصیل مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف است بنابراین این تصور که نویسنده حتماً باید رشته علوم انسانی بخواند را از ذهن تان بیرون کنید، اما در حوزه رسانه فعال بوده چرا که امیرخانی برای مدتی سردبیری سایت «لوح ارگان نویسندگان ادبیات پایداری» را بر عهده داشت، همچنین از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ رئیس هیئت مدیره انجمن قلم ایران بود.

«ارمیا» نام اولین کتاب امیرخانی است که در سال ۱۳۷۴ منتشر شد و جایزه ۲۰ سال ادبیات داستانی ایران را از آن خود کرد. آخرین کتاب امیرخانی به نام «رهش» نیز آسمال جایزه اثر برگزیده بخش رمان و داستان بلند یازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد را از آن خود کرد. چهارمین اثر این نویسنده «از به» است که تمام داستان با نامه نگاری شخصیت‌های اصلی به مخاطب منتقل می‌شود و در واقع این کتاب تلاش دارد گوشه‌ای از سختی‌های زندگی در دوران جنگ و بعد از آن را نشان دهد. از آثار دیگر امیرخانی می‌توان به کتاب‌های «سفرنامه داستان سیستان»، «نشست‌نشا»، «بیوتن»، «جانستان کابلستان» و «قیدار» و داستان‌های کوتاه «ناصرآرمی» اشاره کرد.

مصطفی مستور

مصطفی مستور در ۱۳۴۳ در اهواز به دنیا آمد و همچنان آن‌جا زندگی می‌کند. او درباره محل تولدش چنین نوشته است: من در صفر متولد شدم. در محیطی که به لحاظ فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی با معیارهای امروز حتی همان روز حداکثر نمره‌ای که می‌شود به آن داد صفر است. او سال ۶۷ در رشته مهندسی عمران از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ‌التحصیل شد و دوره کارشناسی ارشد را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه شهید چمران اهواز گذراند. او از نویسندگان برجسته پس از انقلاب اسلامی به ویژه دهه اخیر است که تاکنون حدود ۹ اثر روایی در قالب آثار داستانی به چاپ

از فعالیت‌های فرهنگی آقای سرهنگی، تجلیل کردند. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ایشان در این دیدار فرمودند: «من خواستم بگویم شما و آقای بهبودی، شما دو نفر، کار بزرگی تا حالا انجام داده‌اید و با خودم فکرمی‌کردم که ان شاء... شماها باید همت کنید که تا بیست سال دیگر - یعنی یک مهلت بیست ساله برای خودتان قرار بدهید، یک افقی را در نظر بگیرید - ان شاء... همین طور بنایزد و بروید جلو؛ و می‌توانید ان شاء... خدان شاء... حفظتان کند.»

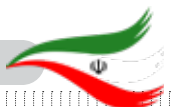
«اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی» (جلد ۱)، «سفر به قله‌ها» (پنج گزارش جنگی)، «اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی» (جلد ۲)، «اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی» (جلد ۳، ۵)، «ده روز محاصره» (خاطرات یک افسر عراقی)، «خانه کوچک»، «زندگی بزرگ»، «خرمشهر»، «خانه رو به آفتاب»، «محرم در اسارت» (گزیده خاطرات آزادگان)، «حرف ما» (گزیده سرمقاله‌های کمان) و «همه چیز درباره جنگ»، برخی از کتاب‌های این نویسنده‌اند.

سید مهدی شجاعی

مسیر تحصیل سید مهدی شجاعی جالب است؛ او پس از گرفتن دیپلم ریاضی، به دانشکده هنر وارد شد و در رشته ادبیات دراماتیک به ادامه تحصیل پرداخت. همزمان، به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفت و پس از چند سال تحصیل در رشته علوم سیاسی، پیش از اخذ مدرک کارشناسی، آن را رها کرد و به طور جدی کار نوشتن را در قالب‌های مختلف ادبی ادامه داد. محمد رضا سنگری معتقد است که سید مهدی شجاعی، نوعی مرثیه مدرن به فضای محافل ماتریزیک کرد و این یک اتفاق بزرگی است که باید به نام او نوشته شود. به بیان سنگری، کتاب «کشتی پهلو گرفته» توانست با فتح منبر به عنوان رسانه باز شیعیه، بانی را برای خوانش دیگر آثار سید مهدی شجاعی همچون «پدر، عشق، پسر»، «آفتاب در حجاب» و «سقای آب و ادب» در محافل مذهبی باز کرد.

شجاعی در خصوص تفکیک پذیر بودن ادبیات انقلاب از ادبیات پایداری یا دفاع مقدس می‌گوید: ادبیات دفاع مقدس به نوعی مولود ادبیات انقلاب محسوب می‌شود، همچنان که جنگ صرفاً به دلیل انقلاب اسلامی، به مردم ما تحمیل شد. خب، اگر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، از جنس و ماهیت واحد یا همگون بر خود دارند، ادبیاتشان هم طبیعتاً از یک جنس است و قابل تفکیک نیست.

فیلمنامه‌های «بدوک»، «دیروز بارانی» و «پدر»، کارهای سینمایی مشترک او با مجید مجیدی هستند و فیلمنامه «چشم خفاش» و «قلعه دبا» کارهای سینمایی مشترک او با بهزاد بهزادپور. از دیگر فیلمنامه‌های سید مهدی شجاعی، می‌توان به «کمین» و «آخرین آبادی» اشاره کرد که توسط کانون پرورش فکری کودکان ساخته شده‌اند. همچنین کتاب‌های «آفتاب در حجاب»، «از دیار حبیب»، «شکوی سبز»، «خدا کند توییایی» و «دست دعا، چشم امید» حاصل تجربه‌های او در زمینه ادبیات مذهبی هستند. ادبیات کودک و نوجوان بخش دیگری از فعالیت‌های ادبی جدی و مستمر سید مهدی شجاعی به شمار



اصفهان برای کتاب «شطرنج با ماشین قیامت»، برنده جایزه برترین کتاب بیست سال داستان نویسی دفاع مقدس برای کتاب «داستان‌های شهر جنگی» و برنده جایزه بهترین کتاب داستان کوتاه دفاع مقدس، باز هم برای کتاب «داستان‌های شهر جنگی» رازآن خود کرده است.

❑ یوسفعلی میرشکاک

در یکی از دیدارهایی که هر ساله همزمان با شب میلاد کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) با اهالی فرهنگ، استادان شعر و ادب فارسی و شاعران جوان و پیشکسوت کشور با حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی دارند، یوسفعلی میرشکاک هم از شاعرانی بود که شعر خواند. او در این مراسم این‌گونه آغاز کرد: با سلام به حضرت آقا زرفای وجودم. در این مجال شعری را به حضرت زهرا (س) تقدیم می‌کنم.

جهانیان همه نقشند و نقش جان زهراست

جهان سراب فنا جان جاودان زهراست

نشان مجوز مزار حقیقت ازلی

چرا که درد و جهان شأن بی نشان زهراست

میرشکاک شعر را ادامه می‌داد و رهبر انقلاب مکرر در میانه آن او را تحسین می‌کردند.

تا این که شعر به این مطلع رسید که:

ظهور مطلق انسان کامل است علی

ولی به جان علی شاه لامکان زهراست

مقام معظم رهبری پس از این بیت فرمودند: طیب‌الله انفساکم. ماشاء... به این قصیده سرایی بلند و زیبا و پر مغز و خوش لفظ؛ خیلی خوب بود.

این شاعر در شوش دانیال به دنیا آمده است. او در سی سال اخیر علاوه بر این که شعر گفته، به طنز پرداخته، نقد ادبی، یادداشت‌های سیاسی، مقالات و مقولات فکری- فلسفی نوشته، اما در همه این‌ها «یوسفعلی میرشکاک» بوده است، با مهر و امضای شخصی و اسلوب منحصر به فرد و نگاه ویژه خودش. میرشکاک با انتقاد از وضعیت ادبیات انقلاب اسلامی می‌گوید: اگر دورمان بزرگ در جهان داشته باشیم، یکی از آن‌ها «جنایت و مکافات» و دومی «برادران کارامازوف» داستایوسکی است. نویسنده این کتاب افعال را اغلب غلط استفاده می‌کرد، چون زمانی که وی در زندان بود تنها کتاب انجیل و تورات را در اختیار داشت و زمانی هم که از زندان آزاد شد، در روزنامه‌ها به صورت پاورقی مطلب می‌نوشت؛ در حالی که ما چند سال است از ادبیات انقلاب اسلامی نام می‌بریم، ولی در عمل هیچ کاری نکرده‌ایم.

از میرشکاک آثار زیادی در زمینه‌های گوناگون منتشر شده است. کتاب‌های «زخم بی‌بهبود»، «دیپلمات‌نامه»، «پوریای ولی»، «نامه‌ای به رئیس جمهور آینده»، «سنت؛ مدرنیته؛ هویت، تکنیک قارعه»، «القارعه»، «سیاست زدگی»، «رخنه در تکنیک»، «نسبت ما و تجدد»، «ایمان و تکنولوژی»، «مؤمنان در آخرالزمان»، «آخرالزمان و نیست‌انگاری»، «ویژگی‌های آخرالزمان»، «منتظران و حقیقت انتظار»، «ایرانیان و موعده‌گرایی»، «برده صاحب عنوان»، «مذهب قیاس»، «انسان آزاد»، «نوشتن در اوج بحران»، «تصوف تقویمی»، «تصوف تاریخی» از جمله این آثار است. ❑

رسانده که مهم‌ترین اثر مستور «روی ماه خداوند را ببوس»، به عنوان اثر برگزیده در دهه ۸۰ انتخاب شده است. با بررسی مجموعه آثار این نویسنده مشخص می‌شود که گفتمان روایی غالب بر این آثار، گفتمان اخلاقی، معنوی و دینی است و لذا در آثار او، عناصر مربوط به هویت‌های ملی و دینی به کرات دیده می‌شود. مهم‌ترین عناصر دینی و معنوی در آثار مستور حضور خداوند، نوع نگاه و تلقی خاص از مرگ، آفرینش و مباحث مربوط به هستی‌شناسی، قضا و قدر الهی، آخرت‌گرایی، بهشت و جهنم، گزاره‌های عملی دینی نظیر اذان و نماز است.

مصطفی مستور نخستین داستان خود را با عنوان «دو چشم‌خانه خیس» در سال ۱۳۶۹ نوشته و در همان سال در مجله کیان به چاپ رساند. وی نخستین کتاب خود را نیز در سال ۱۳۷۷ با عنوان «عشق روی پیاده‌رو» شامل ۱۲ داستان کوتاه به چاپ رساند. از آثار داستانی او می‌توان به «چند روایت معتبر» (مجموعه داستان)، «استخوان خوک و دست‌های جذامی»، «حکایت عشقی بی‌قاف، بی‌شین، بی‌نقطه» و «من دانای کل هستم» اشاره کرد.

❑ حبیب احمدزاده

حبیب احمدزاده اصالت بوشهری دارد، اما از آن‌جایی که خانواده‌اش در آستانه جنگ جهانی دوم به آبادان مهاجرت کرده‌اند، در این شهر متولد شده است. احمدزاده فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر تهران و دکترای پژوهش هنر در دانشگاه تربیت مدرس است. او از جمله فعالان در عرصه ادبیات و هنر پایداری بوده و تاکنون دو کتاب و چندین فیلم‌نامه در این زمینه نگاشته است. در کارنامه کاری او، مشاور فیلم‌نامه «آژانس شیشه‌ای» نیز به چشم می‌خورد. حبیب احمدزاده به همراه کیومرث پوراحمد، پرویز پرستویی، مرتضی سرهنگی و سعید سیاح طاهری، از بانیان اولیه جشنی به نام «کشتی دوستی» بودند که ۲ مهر ۱۳۸۹، در سی امین سالگرد جنگ ایران و عراق، با کمک هنرمندان سینمای ایران و مردم شهرهای آبادان و خرمشهر، با شرکت کودکان عراقی شهرهای بصره، فاو و کودکان ایرانی بر روی کشتی دوستی در رودخانه مرزی اروند (حد فاصل این چهار شهر و پهناوه اصلی شروع جنگ توسط صدام) برگزار شد.

از آثار این نویسنده می‌توان به «داستان‌های شهر جنگی»، «شطرنج با ماشین قیامت» و فعالیت‌های سینمایی اشاره کرد. احمدزاده فیلم‌نامه نویسی فیلم‌هایی چون «آن‌که دریا می‌رود» (آرش معیریان)، «اتوبوس شب» (کیومرث پوراحمد)، «گفتگو با سایه» (خسرو سینایی)، «روایت سه گانه: اپیزود اول» (پرویز شیخ‌طادی)، «روایت سه گانه: اپیزود دوم» (عبدالحسن برزیده)، «آژانس شیشه‌ای» (ابراهیم حاتم‌کیا)، مشاور فیلم‌نامه، «آخرین تیر آرش» (مستند) و «موج زنده» (مستند) را انجام داده است.

این نویسنده ادبیات پایداری ۸ جایزه ادبی و هنری از جمله جایزه سوم مسابقه ادبی «Writing for ge» برای داستان کوتاه «نامه‌ای به خانواده‌ی سعد»، جایزه بهترین فیلم‌نامه برای فیلم‌نامه «اتوبوس شب» همراه کیومرث پوراحمد در جشن سینمای ایران، برنده جایزه رمان برگزیده از جشنواره ادبی





نگاهی به ۱۰ فیلم برتر با موضوع انقلاب

قاب انقلاب

فیلم‌های سینمایی فرصت خوبی برای پرداختن به وقایع تاریخی هستند، در طول دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، کارگردان‌ها و نویسندگان بسیاری از این فرصت برای به نمایش کشیدن دوران انقلاب از زوایای مختلف استفاده کردند، از نگاه این ۱۰ فیلم برتر انقلابی، این واقعه تاریخی اثرگذار بر سرنوشت کشور را بررسی می‌کنیم.

۱. ای ایران

فیلم سینمایی «ای ایران» در سال ۶۸ به نویسندگی و کارگردانی ناصر تقوایی تولید شده است و اکبر عبدی، ثریا حکمت، حسین سرشار و غلامحسین نقشینه در آن نقش آفرینی کرده‌اند. «ای ایران» یکی از چند فیلمی است که به مناسبت دهمین سال پیروزی انقلاب اسلامی سفارش داده شد. این فیلم به مردم آزاری گروهیان مکنونی در بحبوحه انقلاب پرداخته است. این گروهیان برای آن که شهر تحت نفوذش ماسوله، از شهرهای دیگر کم نیاورد، حکومت نظامی اعلام می‌کند و مردم برای مقابله با او فرزندش را آزار می‌دهند و همزمان با فرار شاه از کشور، به پاسگاه تحت فرماندهی او که جشنی به بهانه ارتقای درجه مکنونی در آن برپاست، هجوم می‌برند و بساطش را به هم می‌ریزند.

احمد طالبی نژاد در نقد این فیلم گفته است که لحن و ساختار این اثر نزدیکی غریبی به «دایی جان ناپلئون» دارد. یک طنز سیاسی است، عنوان بندی نخست فیلم به صورت طنزآلود و البته پرمعنا، بر روی بسیاری از عناصر زندگی که شامل سه رنگ سبز، سفید و قرمز که رنگ پرچم ایران هستند، نقش می‌بندد. به عبارت دیگر تقوایی در ستایش پرچم این سرزمین، به این نکته اشاره می‌کند که رنگ‌های آن، از خود زندگی و تنوع آن در همه جای ایران زمین نشأت گرفته است.

شمیم مستقیمی، منتقد دیگر سینما در باره این فیلم عنوان کرده است که روایت تقوایی از انقلاب با روایت حاکمیت متفاوت بود. از سوی دیگر این روایت با روایت چپ و توده هم تفاوت اساسی داشت. زیرا انقلاب را بر پایه آرمان‌ها و مفاهیم عدالت محور تعریف نمی‌کرد. این که در بحبوحه یک انقلاب عده‌ای به فکر درست کردن کلمات یک شعر و راه انداختن یک گروه سرود باشند به جای این که قدرت را تقسیم کنند یا حاکمان قبلی را مجازات کنند یا به فکر پرولتاریا باشند، نه قابل باور بود و نه برای جامعه‌ای که تازه از جنگ هشت ساله‌ای فارغ شده قابل درک. عجب این جاست که فیلمسازی زخم خورده که مهم‌ترین و پرزحمت‌ترین کار زندگی‌اش - سریال «کوچک جنگلی» - را به هر دلیل رها کرده یا از جنگش درآورده‌اند و در هر حال دلخور است، به جای انتقام گرفتن از تماشاگر او را به دیدن یک دنیای ساده و فانتزی و گل‌درشت می‌برد؛ دنیایی که در آن، شهر وجود دارد و با قواعد و مناسباتی تعریف شده و شمای گرافیکی تازه و قابل قبول.

به هر حال تقوایی کوشید طیف‌های مختلف دخیل در مبارزات انقلابی را در فیلمش بازنمایی کند و از طرف دیگر نقیبی زد به زندگی شخصی و خصوصی عمال حکومت پهلوی و به جای ساخت شخصیتی مطلقاً شرور و تخت، به یک پرداخت چندلایه و انسانی از آن‌ها رسید. اکبر عبدی یکی از بهترین بازی‌های عمرش را در این فیلم و در نقش مکنونی ارائه داده است.

۲. زنده باد

«زنده باد...» نخستین فیلمی بود که در سال ۱۳۵۹ روی پرده رفت. فیلمی باداستانی جذاب و ساختاری نسبتاً حرفه‌ای. خسرو سینایی به جای آن که بخواهد سیر مبارزات انقلابی را



مردم چنین وانمود می‌کند که عمو تراب از همکاران ساواک است. در نتیجه خشم مردم بر سر عمو تراب فرود می‌آید و او را از پای درمی‌آورد. پس از این حادثه مردم متوجه می‌شوند که اشتباه کرده‌اند و جنازه او را با تشریفات حمل می‌کنند. رژیم ناچار از رویارویی مستقیم می‌شود و در پایان سید و برخی دیگر از پای درمی‌آیند، ولی پسر جوانی که تحت تأثیر عمو تراب است، تعهد ادامه مبارزه را به امید پیروزی در آینده برعهده می‌گیرد.

از نکات جالب فیلم، ترکیب بازیگران آن است. چهار چهره که در سینمای پیش از انقلاب درخشش و اسم و رسمی داشتند، نقش‌های اصلی را برعهده دارند. فیلم در زمره آثاری است که وجهی تمثیلی از فروپاشی نظام پهلوی می‌سازد، علی نصیریان، سعید کنگرانی، ولی شیراندازی، جمشید لایق، پری امیرحمزه، حمید لیقوانی، نازی حسنی و اعظم چترنور در این فیلم بازی کرده‌اند.

از فیلم «فصل خون» استقبال چندانی نشد و حتی سبب شد تهیه‌کننده‌اش برای همیشه سینما را کنار بگذارد. عده اندکی از منتقدان البته فیلم را پسندیدند و درباره‌اش نقدهای مثبتی نوشتند. حبیب کاوش بعد از آن تنها چهار فیلم دیگر ساخت که در میان‌شان «دادشاه» با حال و هوایی نزدیک به «فصل خون» موفق‌ترین بود.

حبیب کاوش درباره این فیلمش گفته است: فیلم «فصل خون» از آن دسته فیلم‌هایی بود که دوست داشتم و خارج از ایران هم فیلم موفق‌ی واقع شد و در جشنواره «کن» هم شرکت کرد و مورد تشویق قرار گرفت. من الان هم که فیلم را به عنوان تماشاگر، تماشا می‌کنم فضایش را دوست دارم و برایم دوست داشتنی است.

۴. خانه عنکبوت

«خانه عنکبوت» یکی از فیلم‌هایی است که در ابتدای دهه ۶۰ ساخته شده است. داستان فیلم به ماجرای چهار نفر که هر کدامشان به یکی از ارگان‌های رژیم سابق تعلق دارند، می‌پردازد، این افراد در ویلائی در شمال مخفی می‌شوند و به انتظار ماجرای طیس هستند تا پس از پیروزی عملیات طیس به تهران برگردند. اما با شکست آمریکا در این حمله، روابط آن‌ها دگرگون می‌شود و یکی از آن‌ها، دو نفر دیگر را از پای درمی‌آورد و در پایان هم توسط عضو جوان تر این جمع از پای در می‌آید، و البته پیش از مرگ آن مرد جوان را نیز از پای در می‌آورد...

فیلم «خانه عنکبوت» از جمله آثار شاخص علیرضا داوودنژاد نیست، اما به تاریخ معاصرین سرزمین تعلق دارد و بازی خوب جمشید مشایخی، عزت‌... انتظامی، داوود رشیدی و علیرضا داوودنژاد امتیاز آن است. تصویربرداری

بازسازی کند، تأثیر ناگهانی گفتمان انقلاب بر یک خانواده نسبتاً مرفه را به تصویر کشید. خانواده‌ای که اتفاقاً نه تنها با جریان‌های انقلابی همراه نیستند، بلکه می‌خواهند از گزند گیسو و داراهم مصون بمانند. ثریا قاسمی، مهدی هاشمی، غلامرضا طباطبایی، رقیه چهره‌آزاد، اسماعیل محمدی و احمد کاشانی با بازی خود، هدف سینمایی را به نمایش درآوردند.

سینمایی درباره ساخت این فیلم گفته است: فیلم «زنده باد...» خصوصی‌ترین فیلم اوست. ۸۰ درصد فیلم در خانه پدری و خانه خودش فیلم‌برداری شده و برای ساخت آن از همکاری دخترانش استفاده کرده است. این فیلم در سال ۱۹۸۰ به جشنواره کارلوویواری راه یافت و اولین فیلمی بود که بعد از انقلاب در یک جشنواره سطح بالای بین‌المللی مفتخر به دریافت جایزه شد.

سال بعد فیلم را در سالنی با هزار تماشاگر در اتریش به نمایش گذاشت. آن سال اولین سال برخورد جناح‌های مختلف سیاسی از چپ تا راست بود، او در این باره بیان داشت: ترسی به دل من افتاده بود. می‌ترسیدم از این‌که در این سالان و در خارج از کشور هنگام پخش فیلم چه اتفاقی خواهد افتاد. آن شب با قلبی که گویی از گلویم بیرون می‌آمد، در انتهای سالن نشستیم. زمان پخش فیلم به مرور متوجه شدم تماشاگران با فیلم به خوبی ارتباط برقرار کرده‌اند و اواخر اکران فیلم بود که از شدت خوشحالی اشکم روان شد. احساس راحتی داشتم.

فیلم «زنده باد...» در حقیقت نقدی است بر تمام کسانی که رستگاری فردی را به سعادت اجتماعی ترجیح می‌دهند و سکون و آرامش اوضاع سیاسی به هر قیمتی برایشان خوشایندتر از درگیری و خطر کردن است. «زنده باد...» یک فیلم متفاوت در سینمای انقلاب است و بر موج شعارهای روز سوار نشده و بیشتر حال و هوایی اجتماعی را با تحلیل ایدئولوژی افشار مختلف به تصویر کشیده است. این فیلم یکی از خوش‌ساخت‌ترین آثار مرتبط با مبارزات انقلابی محسوب می‌شود و از بسیاری از فیلم‌هایی که پس از آن هم ساخته شده است، قابل دفاع‌تر جلوه می‌کند.

۳. فصل خون

«فصل خون» ماجرای عمو تراب، صیاد بندرانزلی که به علت مبارزه، تحت تعقیب و گرفتار ساواک است را نشان می‌دهد، تراب پس از آزادی به سراغ دوست قدیمی خود که در بندر باربری می‌کند، رفته و به اتفاق، پایه حرکت اجتماعی را گذارده و مردم نیز کم و بیش به آن‌ها گرایش می‌یابند. ساواک که از رویارویی مستقیم با عمو تراب به علت هماهنگی مردم پرهیز می‌کند، برای او دامی می‌گسترده و به



خوب اصغر فریعی جم به جذابیت آن افزوده و موسیقی خوب زنده یاد مجتبی میرزاده یکی دیگر از امتیازهای آن است. «خانه عنکبوت» فیلمی تلخ و سیاسی است که فیلمنامه اش را داوود نژاد با همکاری مسعود بهنود نوشته بود. این فیلم خوش ساخت قصه اش را روان و راحت تعریف می کند، بازیگران بزرگی دارد و داوود نژاد هم در آن به نوعی بلوغ در زمینه های تکنیکی و کارگردانی رسیده است. اما «خانه عنکبوت» به هیچ وجه فیلم موفق نشد، تا این تجربه داوود نژاد هم بی سرانجام شیرین بماند.

۵. خاک و خون

«خاک و خون» فیلمی است از گرد هم آمدن عوامل نام آشنای سینمای پیش از انقلاب عوامی که برخی از آن ها چون محمدرضا میرلوحی و کامران قدکچیان برآمده از سینمای موج نو بودند و برخی چون منوچهر مصیری و روییک منصوروی از حرفه ای های سینمای بدنه. مهدی فخیم زاده، ژیل سهرابی، احمد قدکچیان و حسین شهاب بازیگران این فیلم هستند. ماجرای فیلم آشناست. ارباب به روستاییان ستم می کند و یک روستایی علیه او قیام می کند و روستاییان دیگر در این راه با او همراه می شوند.

با این حال «خاک و خون» ساختار بصری خوبی دارد و خسته کننده نیست، اما داستانش کلیشه ای و ملال آور است. میرلوحی البته تمام تلاشش را کرده تا فیلمنامه ای کم ایراد بنویسد که هم قصه اش را تعریف می کند و هم به شکلی تمثیلی با پیروزی انقلاب اسلامی و ارزش های اجتماعی آن دوران هم راستا می شود. در حقیقت، فیلم، این داستان انقلابی را دست مایه قرار داده برای خلق یک قهرمان و تعداد زیادی صحنه اکشن و جذاب، هر چند ظاهراً گذر زمان سبب شده تا این فیلم به دست فراموشی سپرده شود.

کامران قدکچیان کارگردان «خاک و خون» درباره این فیلم می گوید: اوایل انقلاب بود. من، مهدی فخیم زاده، رضا میرلوحی و تعدادی دیگر تعاونی فیلم سازی تشکیل داده بودیم. در واقع قصد داشتیم از تحولی که در کشور اتفاق افتاده بود بهره برداری کنیم و قوانینی وضع کنیم. اولین محصول ما در آن تعاونی فیلم «خاک و خون» بود.

وی ادامه می دهد: آن زمان هم شور انقلابی و هیجانانگیز انقلاب در میان مردم دیده می شد و همه دوست داشتند از این بابت کاری انجام دهند. ما هم دست به ساخت فیلم «خاک و خون» زدیم که فیلمنامه اش را آقای میرلوحی نوشت و کارگردانی را هم بر عهده گرفتیم و آقای فخیم زاده هم در فیلم بازی کرد. به این صورت فیلم سرو

سامان گرفت و تولید شد.

قدکچیان با بیان به این که از فیلم استقبال نشده، به علت آن اشاره می کند و می گوید: جنگ و گرفتاری های اول انقلاب مطرح بود و گازوئیل و نفت قطع شده و سالن سینماها سرد بود، بنابراین مردم هیچ استقبالی از سینما نمی کردند. معتقدم فیلم «خاک و خون» مهجور ماند، اما در اکران های بعدی که در شهرستان ها اتفاق افتاد، به خوبی دیده شد و با استقبال روبه رو شد.

۶. ریشه در خون

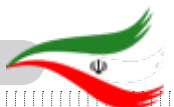
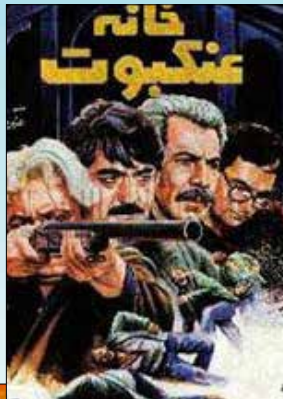
«ریشه در خون» به کارگردانی سیروس الوند ساخته شده است که در خلاصه داستان فیلم با بازی فرامرز قریبیان، اکبر زنجانیپور، حمید طاعتی و نعمت اله گرجی آمده است: جوانی به نام حجت که بر ضد قانون کاپیتولاسیون فعالیت می کند، قرار است به همراه رسول از روستایی به روستای دیگر منتقل شود. حجت در حمله مأموران کشته می شود، اما قبل از مرگ کیف حامل اسناد خود را به رسول می دهد تا به روستای کلارا آباد برساند، رسول که زخمی شده، به جنگل می گریزد و در کلبه پیرمردی به نام شیرعلی که با نهضت جنگل مرتبط بوده است، پناه می گیرد. مأموران راه که می خواهند برای راهسازی کلبه شیرعلی را ویران کنند به او بدگمان می شوند و زیر نظرش می گیرند. شیرعلی رسول را یاری می دهد تا فرار کند و خود با گلوله مأموران از پا درمی آید.

فیلم «ریشه در خون» را باید در ژانر اکشن دسته بندی کرد، چرا که الوند بر این نکته واقف بود اگر قصه را به شکل روتین فیلم های مشابه پیش ببرد، تماشاچی نخواهد داشت، به همین دلیل با استفاده از یک گروه بازیگری حرفه ای و بازیگری فیلمنامه آن را به یک اثر قابل اعتنا تبدیل کرد.

سوزه فیلم این کارگردان با تجربه و خوش سلیقه با جریان انقلاب پیوند دارد. این بار داستان نه در بزنگاه انقلاب که در زمان تصویب حق قضاوت کنسولی آمریکاییان در ایران رخ می دهد؛ یعنی در زمان شروع حرکت جدی سیاسی فعالان انقلابی.

«ریشه در خون» فارغ از این که فیلمی سیاسی و بستر آن مبارزات انقلابی است، یک فیلم سینمایی پرهیجان و خوش ریتم به شمار می رود. فرامرز قریبیان که ستاره سینمای دهه ۶۰ است هم بازی قابل قبولی را به نمایش می گذارد. نکته جالب توجه دیگر «ریشه در خون»، نبود حتی یک بازیگر زن است. البته با توجه به داستان و تعقیب و گریز در جنگل های گیلان، جایی هم برای نقش آفرینی زنان باقی نمی ماند.

سیروس الوند از چگونگی ساخت «ریشه در خون» می گوید که آن زمان قصه های مختلفی به وزارت ارشاد داده بوده که با



فیلم‌های چریکی ساختند، اما برای من مشخص بود که این فیلم‌ها را نمی‌توان سینمای انقلاب دانست. وی درباره تأثیر فیلم «تشریفات» بر روند تولید فیلم‌های انقلابی بیان می‌کند: «با تشریفات برخورد خوبی نشد. فیلم را به جشنواره اول یا دوم فجر ارائه کردیم اما قبولش نکردند.» درحال‌ازاین فیلم در جشنواره‌های استقبال نشد، اما بارها از تلویزیون به نمایش گذاشته شد، فخریم زاده معتقد است که موضوع تلویزیون فرق می‌کند. بعد از دو، سه سال تلویزیون حق رایب آن را خرید و بارها از شبکه‌های مختلف پخش کرد. این کارگردان می‌گوید: یاد هست آقای ضرغامی به آقای فرجی گفته بود به فخریم زاده بگویند یک بار دیگر تشریفات را بسازد اما من قبول نکردم.

۸. تیرباران

علی اصغر شادروان، کارگردان اهوازی، از جمله کارگردانی است که کم‌کار و گزیده‌کارتر بوده و برخی از فیلم‌هایش همچون «تیرباران» مورد استقبال خوبی قرار گرفته است. فیلمی که هنوز هم در آذهای عمومی به عنوان یکی از فیلم‌های مهم دهه ۶۰ محسوب می‌شود و از نمونه‌های شاخص سینمایی است که به سینمای انقلاب شهرت یافت.

شادروان درباره ایده ساخت فیلم «تیرباران» می‌گوید: در سال ۶۳ به طور تصادفی در روزنامه‌ای با شهید اندرزگو آشنا شدم. به نظر من به مناسبت سالگرد شهادتش مطلبی چاپ شده بود. با خواندن این پنج سطر احساس کردم می‌توان از آن یک فیلم حادثه‌ای - پلیسی

پرکشش ساخت.

این کارگردان ادامه می‌دهد: هر چه جستجو کردم درباره شهید اندرزگو کتاب یا نوشته‌ای ندیدم، لذا تحقیقات خود را به صورت میدانی انجام دادم و از طریق ملاقات با خانواده و نزدیکانش با او آشنا شدم. در این تحقیقات متوجه شدم که استراتژی شهید اندرزگو این بوده که افراد نزدیکش کمترین اطلاعات را از او داشته باشند، به همین دلیل یک دهه و حتی بیشتر توانسته بود فعالیت سیاسی کند.

شادروان در طول ۶ ماه تحقیق ۲۰۰ ساعت اطلاعات پراکنده جمع‌آوری کرد سپس چهار ماه خانه نشین شد تا فیلمنامه تیرباران را بنویسد. او می‌گوید که حدود ۶ درصد قصه فیلم زاینده تخیلات خودش است. «تیرباران» در اکران اول با اقبال خاص و عام روبه‌رو شد و توانست میلیون‌ها تماشاچی را به سالن‌های سینما بکشاند. این فیلم علاوه بر سینماها تاکنون بیش از ۳۲ نوبت از شبکه‌های داخل و خارج در مناسبت‌های مختلف به نمایش گذاشته شده است.

«تیرباران» فیلمی است براساس زندگی شهید محمد اندرزگو که شرح مهارتش در تعقیب و گریز و تغییر چهره زبازند تمام نیروهای انقلابی بود. همین خصیصه باعث شد که «تیرباران» برای مخاطب عام هم جذابیت‌هایی داشته باشد. فیلم پر است از صحنه‌های تعقیب و گریز و تیراندازی. ضمن این‌که

آن‌ها موافقت نمی‌شد و در واقع مایل بودند داستان فیلم‌ها انقلابی باشد. فیلمنامه فیلم «ریشه در خون» را خود وزارت فرهنگ و ارشاد به آن‌ها معرفی کرد او متن فیلمنامه را بازنویسی می‌کند و فیلم ساخته می‌شود. این کارگردان بر این باور است بازخوردها از «ریشه در خون» بد نبود و می‌افزاید: به دنبال درامی بودم که میان دو نفر باشد و مسائل انقلابی بیشتر پس زمینه داستان فیلم بود.

۷. تشریفات

مهدی فخریم زاده در فیلم «تشریفات» داستانش را با سیار روان، جذاب و بی‌ریتم و روانی تند بیان می‌کند. ماجرای جوانی مشهور به رضای حسن مطرب که برای دزدی وارد خانه‌ای می‌شود. در خانه مجاور روحانی‌ای به نام توحید با موعظه‌های خود گروهی از اهالی محل را به ضد نظام سلطنتی می‌شویراند.

مأموران ساواک برای دستگیری توحید به محله می‌ریزند و جای توحید، حسن مطرب را دستگیر می‌کنند. حسن مطرب به دلیل شباهتش با توحید نقش‌اش را به خوبی ایفا می‌کند. مصاحبه‌ای تلویزیونی هم انجام می‌دهد و به تمکن مالی هم می‌رسد، ولی در ادامه از کرده خود پشیمان می‌شود. حسن مطرب، نقش توحید را برای ساواک بازی می‌کند و پس از سخنرانی علیه رژیم، دستگیر و اعدام می‌شود. در این فیلم مهدی فخریم زاده، علی شاعی و مهوش صبرکن ایفای نقش می‌کنند.

یکی از نکاتی که باعث تمایز فیلم «تشریفات» از آثار مشابه آن سال‌ها شده خط داستانی جذابش است. خطی که از فیلم «ژنرال دل‌آزور» ساخته روبرتو روسلینی اقتباس شده است. روایت فخریم زاده از ماجرای اقتباس می‌تواند نشان دهد چرا فیلم تشریفات جز شباهت کلی ربطی به کار تحسین شده روسلینی ندارد: «شبی با پرویز نوری صحبت می‌کردم. پرویز در صحبت‌هایش درباره یکی از فیلم‌های روبرتو روسلینی به اسم «ژنرال دل‌آزور» حرف زد و موضوعش را در چند کلمه این‌طور تعریف کرد: در جنگ جهانی دوم، ژنرال معروف ایتالیایی کشته می‌شود، آلمانی‌ها برای این‌که زندانی‌ها را بشکنند و وادار به اطاعت کنند، آدم کلاهدار و کلاشی را وادار به همکاری می‌کنند و به جای دل‌آزور به زندان می‌برند.

«تشریفات» بارها از تلویزیون پخش شده و هنوز هم در ایام دهه فجر روی آنتن می‌رود. فیلمی که در دیدارهای مجدد هم قابل تماشا است. قطعاً بخشی از جذابیت فیلم و کشش دراماتیکش به منبع اقتباس باز می‌گردد، ولی این همه داستان نیست و توانایی فخریم زاده به عنوان کارگردان و بازیگر اصلی فیلم را نباید فراموش کرد.

مهدی فخریم زاده با اشاره به دوران ساخت «تشریفات» یعنی سال ۶۲ می‌گوید: هنوز مشخص نبود که قرار است سینما بعد از انقلاب به چه سستی برود. به همین دلیل برخی از کارگردانان



تقابل ارتش با کسانی که مسیر حرکت قطار را عوض کرده‌اند، هم از کتکش داستانی خوبی برخوردار است و هم این که حرکت قطار به مثابه ادامه مسیر انقلاب خوب از کار درآمده است.

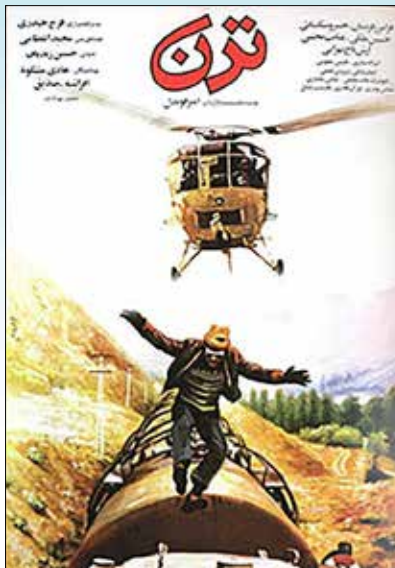
۱۰. شب دهم

عزیز سحرخیز، در شب دهم ماه محرم پس از درگیری خیابانی عزاداران با مأموران ارتش که برای حمایت از چند آمریکایی مست به خیابان آمده‌اند، از مهلکه می‌گریزد و همسرش را تنهارها می‌کند. او تا سال‌ها بعد از حرکت خود احساس پشیمانی و حقارت می‌کند و موفق نمی‌شود فرزندش را که ۱۶ ساله شده از زیر تأثیر برادر همسرش، نایب که عزاداران شب دهم ماه محرم را رهبری می‌کرده، خارج کند. پسر او به جبهه جنگ می‌رود و عزیز به دنبال پسر روانه جبهه جنگ می‌شود، اما در راه بر اثر موج انفجار دچار فراموشی می‌شود و پس از بهبودی خود را در موقعیت متفاوتی می‌بیند.

کارگردان در فیلم سینمایی «شب دهم»، مبارزات مردمی را دست‌مایه اثر خود قرار می‌دهد. از آن جایی که در این فیلم پارامترها و گفت‌وگوهای مهم ارزشی آن دوران به هم پیوند می‌خورد و گوشه چشمی به ژانر اکشن و ملودرام دارد، فیلم قابل توجهی است. فیلم شورجه از معدود تلاش‌هایی است که برای گنجاندن توأمان انقلاب و جنگ تحمیلی در یک اثر سینمایی صورت گرفته و از این منظر می‌تواند دارای اهمیتی تاریخی باشد. شورجه بعدها بیشتر تمرکز خود را روی ژانر سینمایی دفاع مقدس گذاشت و با شناختی که از

فضای جبهه‌ها داشت، فیلم‌های به مراتب بهتری ساخت. در خلاصه داستان فیلم سینمایی «شب دهم» آمده است که «عزیز» از این که دهم محرم سال‌های قبل از انقلاب به هنگام درگیری عزاداران با عوامل رژیم شاه که به حمایت از چند دیپلمات مست آمریکایی آمده بودند فرار کرده، دچار تشویش خاطر و عقده حقارت است. تنها فرزند او، شانزده سال پس از ماجرای آن شب تحت تأثیر دایبی خود و شرایط اجتماعی و عقیدتی پس از انقلاب گرایش‌های مذهبی دارد به همین خاطر راهی جبهه‌های جنگ می‌شود. «عزیز» تمامی ترفندهایش را که برای نگهداشتن پسر خود و همراهی کردنش با خود، نقش بر آب می‌بیند، ناچار به دنبال پسر و برای بازگرداندن وی راهی جبهه‌های جنگ می‌شود، ولی خود نیز در آن جامی ماند.

جمال شورجه در روایت خود از فیلم «شب دهم» می‌گوید این فیلم متعلق به سال‌های پیش است. در آن زمان برای فیلمسازی اسلامی و انقلابی وارد سینما شده و تأکید می‌کند: «خیلی هم عاشق چشم و ابروی سینما نبودیم»، در واقع بنا به احساس تکلیفی که در خصوص مسائل انقلابی، دینی و ارزشی داشتند وارد ساخت فیلم می‌شود. این فیلم‌ساز ادامه می‌دهد: «بعد از جنگ بود و با توجه به این که هنوز تب و تاب جنگ بود و مردم همچنان اثرات و تبعات جنگ را در خودشان احساس می‌کردند. به سراغ فیلمی بانگاه به انقلاب، جنگ و دفاع مقدس رفتیم.» □



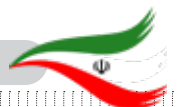
ترفندهای خود اندر زگو برای فرار از مأموران ساواک در نوع خود جالب و جذاب است. ساختار و داستان فیلم به نوعی یادآور فیلم «روز شغال» فرد زیننه‌مان هم هست. نقش اصلی را بازیگر جوان آن سال‌های فیلم‌های حوزه هنری، یعنی مجید مجیدی ایفا می‌کند. از نکات جالب فیلم «تیرباران» موسیقی خوبی است که زنده‌یاد مرتضی حنانه آن را ساخته بود. تلاش مجیدی هم برای بازتاب دادن شخصیت چندوجهی شهید اندرزگو در نوع خود جالب توجه است. با این حال در این روزگار اگر به تماشايش بنشینیم، شاید نتوانیم آن قدرها از دیدنش لذت ببریم. بخش عمده‌ای از این کیفیت شاید ناشی از فقر تکنیکی سینمای ایران در آن سال‌ها باشد و ضعف پرداخت در صحنه‌های اکشن.

۹. ترن

امیر قویدل، با پیروزی انقلاب نخستین فیلم‌های ژانر سیاسی انقلابی را در سینمای ایران خلق کرد. تولید مجموعه‌ای از فیلم‌ها با موضوع انقلاب و مبارزه بین عناصر انقلابی و نیروهای رژیم شاه باعث شد که قویدل به عنوان پدر سینمای انقلاب در ایران شناخته شود. با وجود این که این کارگردان فیلم‌های بسیاری در ژانر سیاسی انقلابی دارد، اما بی‌شک «ترن» مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فیلم کارنامه امیر قویدل است که سال ۱۳۶۷ با بازی خسرو شکیبایی و فرامرز قریبیان و براساس داستانی متأثر از وقایع دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی ساخته شد. در واقع می‌توان گفت که «ترن» یکی از آثار منطبق بر استانداردهای

سینمای حرفه‌ای ایران محسوب می‌شود جالب این‌که واکنش منتقدان هم نسبت به فیلم در مجموع مثبت بود و تقریباً همه به توانایی قویدل اشاره کردند و از او به عنوان یکی از امیدهای سینمای خوش‌ساخت تجاری نام بردند. «ترن» از جمله فیلم‌هایی است که در دهه ۶۰ توسط بخش خصوصی ساخته شد. فرامرز قریبیان اولین جایزه‌اش از جشنواره فجر را برای این فیلم گرفت. بازی‌های دیگر فیلم هم همه درخور اعتنا هستند. روایت فرامرز قریبیان از ساخت «ترن» خواندنی و جالب توجه است: «ترن یکی از مشکل‌ترین فیلم‌هایی است که تاکنون بازی کرده‌ام. یادم هست که هنگام فیلمبرداری وقتی چند پلان می‌گرفتیم، باید صبر می‌کردیم تا قطاری عبور کند. چون راه‌آهن شمال کشور تک‌خطه بود و تنها در ایستگاه‌های دوخطه امکان داشت قطارها از کنار هم عبور کنند. این موضوع فیلمبرداری ترن را دشوار کرده بود. مرحوم امیر قویدل که من فیلم «بندرمه‌آلود» را هم با او کار کردم، کارگردانی با اخلاق، منضبط و مسلط به ابزار بود.

این فیلم براساس طرحی از جمال امید، بهرام ری پور و حسن هدایت ساخته شد و البته فیلمنامه را خود قویدل نوشت. این که در زمستان ۵۷ یک قطار سوخت‌رسان ارتش در مسیر حرکت با تلاش کارگران انقلابی تغییر مسیر می‌دهد و به جای تأمین نیازهای ارتش، به سوی مردم می‌رود و بعد ماجرای



داستان انقلاب



- عاشقی زخم خورده و فراری ●
- روایت یک دگرپرسی ●
- انقلاب سفید و عاقبت سیاه ●

اسماعیل، اثر امیرحسین فردی

عاشقی زخم خورده و فراری

که حالا با بیشتر وعاظ تهران آشنا شده، می‌کوشد همیشه خود را به جلسه سخنرانی آن‌ها برساند. جواد از شاه و سرسپردگی‌های او به آمریکایی‌های می‌گوید، از مرجعیت و از امام خمینی (ره) و از مخالفت آن‌ها با شاه و از تبعید امام به نجف.

رمان «اسماعیل» نوشته امیرحسین فردی است، او از روزنامه‌نگاران، نویسندگان و فعالان عرصه ادبیات داستانی ایران بود و سابقه حرفه‌ای درخشانی داشت. عضویت در حوزه اندیشه و هنر اسلامی (حوزه هنری)، سردبیری و مدیر مسئولی کیهان بچه‌ها به مدت بیش از ۲۷ سال و نیز مؤسس و مدیر مسئول کیهان علمی، عضویت در شورای داستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، عضویت در شورای داستان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، مسئولیت جشنواره انتخاب کتاب سال شهید حبیب غنی پور، مسئولیت شورای ادبیات داستانی نیروی مقاومت بسیج و مدیریت کارگاه قصه و رمان حوزه هنری از سوابق و مسئولیت‌های وی بود.

ابراهیم زاهدی مطلق از نویسندگان دوران دفاع مقدس در یادداشتی درباره «اسماعیل» نوشته است: این رمان در واقع دینی بود بر گردن امیرحسین که به خاطر آن با خیلی‌ها دست به یقه شد، نه برای کتاب بلکه بر سر انقلاب دست به یقه شد. البته یقه‌گیری او از جنس خودش و از جنس ادبیات بود. تعارف نداشت. این رانه به زبان گفته بود فقط، که بارها در عمل با دوستان قدیمی‌اش هم دست به یقه شده بود. (هنوز جای دست‌های او روی یقه محسن مخملباف که از بچه‌های مسجد جواد الائمه علیه السلام بود و همراه امیرخان پای او به حوزه هنری باز شده بود، مانده است).

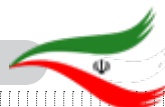
این نویسنده در بخش دیگر یادداشت خود تأکید می‌کند: از اسماعیل در رمان ایران نمی‌شود گذشت؛ باید خواند تا یکی از متفاوت‌ترین رمان‌ها در باره انقلاب را خوانده باشی. اسماعیل را اگر نخوانده باشی، همه رمان‌های مربوط به انقلاب را هم که خوانده باشی، هنوز یک رمان کم داری. با ضعف‌ها و کاستی‌هایش. ضعف‌های اسماعیل بی‌گمان از جنس ضعف‌های رمانی مثل «جنگ و صلح» است؛ که اگر آن ضعف‌ها و کسش دادن‌هایش را برداری، دیگر جنگ و صلح نیست و همراه آن، زیبایی‌هایش را هم برداشته‌ای. رمانی که جریان و رویدادش، بی‌تردید هنوز نزدیک‌ترین حادثه‌ها به اصل انقلاب است. شخصیت‌های فعال در این رمان، همان بچه‌محل‌های امیرخان هستند و کارمند بانکش، خود اوست که مدتی هم این تجربه را داشته است.

وی همچنین توصیه می‌کند اگر کتاب اسماعیل را خریدید همراهش رمان «گرگ سالی» را که در واقع جلد دوم اسماعیل محسوب می‌شود نیز تهیه کنید چون وقتی به پایان اسماعیل رسیدید، نمی‌توانید شخصیت زخم خورده و فراری او را تنها رها کنید. □



رمان «اسماعیل» در جنوب شهر و زیر خط راه آهن اتفاق می‌افتد، نویسنده در قهوه‌خانه‌ای در کوچه و پس کوچه‌های شهر تهران به استقبال اتفاقات جدانشدنی از منطقه جنوب شهر می‌رود. این رمان که وقایع آن با انقلاب گره خورده است بر شخصیتی به نام اسماعیل متکی است. جوانی محبوب و ساده‌دل که نسبت به شرایطی که رژیم پهلوی بر او و مردم جنوب شهر تحمیل کرده حساس است. در این رمان، اسماعیل پسری با چشمانی آبی توصیف می‌شود که پس از دیپلم گرفتن، در بانک صادرات شروع به کار می‌کند. بانک صادراتی که گفته می‌شود مؤسس و مالکش از بهایی‌ها و وابستگان رژیم پهلوی است. اسماعیل در فراز و فرودهای رمان متوجه می‌شود در جایی کار می‌کند که پسند دینش نیست؛ بنابراین تصمیم می‌گیرد برخلاف تصورات همگان رفاه و خوشی‌ها و زندگی نسبتاً برخوردار از مادیات را رها کند، در این کشاکش اسماعیل عشق را نیز تجربه می‌کند و در دلش غوغایی از یک توفان جوانی به پاست.

اسماعیل پس از مدتی به مسجد رو می‌آورد. آنجا با جواد، مسئول کتابخانه آشنا می‌شود. او هم کتاب می‌خواند و هم در کارها به جواد کمک می‌کند. اسماعیل



برج قحطی، اثر هادی حکیمیان

قهرمان‌های خاموش کویر



من دوست داشتم بنویسم حکایات طبقات فرودست جامعه که به ظاهر در بین خودشان قهرمانی ندارند، اما هرکدام از این‌ها می‌توانند یک قهرمان باشند وقتی وارد زندگی این‌ها می‌شویم، هرکدام یک قصه دارند. این داستان به لایه‌های زیرین زندگی مردم می‌پردازد، نه شخصیت‌های مهم و بزرگ.

هادی حکیمیان، نویسنده این رمان، فارغ‌التحصیل رشته تاریخ است. وی پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را نیز با موضوع تحولات سیاسی و اجتماعی شهر یزد در دوره پهلوی تألیف کرده و در کنار آن یک سال نیز در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی در بخش «عرایض» به فهرست‌نویسی از نامه‌های برجای مانده از این دوران پرداخته و آن‌ها را مورد واکاوی قرار داده است که همین مسئله در نوشتن این رمان به کار او بسیار آمده است.

این اثر در «نهمین جایزه جلال آل احمد» و «شانزدهمین جایزه کتاب سال شهید غنی‌پور» نامزد دریافت جایزه شد. فارغ از این‌ها، برج قحطی اثر قابل تأملی است که نمی‌توان بی تفاوت از کنار آن گذشت. □

همه چیز از یک تقاضا شروع شد. داستان نویسی جوان و خوش قریحه یزدی که راهش را برای شرکت در جلسات داستان حوزه هنری، از یزد به پایتخت کج کرده بود، در پایان یکی از جلسات با تقاضایی از سوی مدیر وقت مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری روبه‌رو می‌شود. آن سال‌ها مرحوم امیرحسین فردی با جدیت بسیار دغدغه‌های خود را در ایجاد و قوام دادن به سبک داستانی ادبیات انقلاب اسلامی پیگیری می‌کرد، جشنواره‌ای برای آن ایجاد کرده بود و در منتهای آرزوهایش، این مسئله نمود داشت که بتواند در تمامی استان‌های کشور رمانی که راوی تاریخ انقلاب در آن استان باشد، برپیشخوان کتابفروشی‌ها بگذارد. شور و اشتیاق حکیمیان، فردی را وامی‌دارد تا از او بخواهد رمانی درباره انقلاب اسلامی در استان یزد بنویسد و حاصلش چند سال پس از فوت فردی مبدل به رمانی می‌شود با عنوان «برج قحطی» که مؤسسه شهرستان ادب منتشرش می‌کند؛ خرده روایت‌هایی از عصر قاجار تا سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی. در واقع ماجرای رمان برج قحطی به قلم هادی حکیمیان، فضای بومی شهر یزد را برای خواننده روایت می‌کند. اطلاعاتی که نویسنده از یزد به خواننده می‌دهد، دقیق است و به خواننده‌ای که پیشینه‌ای از شهر یزد و تاریخ و جغرافیای آن دارد کمک می‌کند تا تصویرسازی کند و اگر فردی یزد را نشناسد، با اطلاعاتی که نویسنده از شهر یزد در این رمان می‌دهد، به خوبی با قلب ایران آشنای می‌شود.

حکیمیان از آن جایی که از کودکی به تاریخ و روایت‌گری قصه علاقه داشته است، تصمیم می‌گیرد تاریخ را در قالب داستان روایت کند. از این رو به بهانه پرداختن به انقلاب اسلامی به ظلم حکام و خان‌های جائز یزد اشاره کرده است. خواننده در «برج قحطی» با سرمایه داران و افراد صاحب نفوذ یزد به بهانه‌های مختلفی که نویسنده در دل متن تراشیده آشنا می‌شود و با خیانت‌هایی که در حق رعیت و یا احیاناً خدماتی که انجام داده‌اند روبه‌رو شده است. همان‌طور که حکیمیان می‌گوید، اوسعی نکرده روایت سرزمینش را با زبان معیار پایتخت نشینان قلم بزند. از این رومان برج قحطی سرشاز از خرده روایت‌هایی است که تنها در دل زیست بوم سرزمینی چون یزد می‌توان سراغ آن گرفت. خرده روایت‌هایی که زندگی و زیست بومی مردمان این سرزمین را می‌سازد و شیرینی آن بردلنشینی کار می‌افزاید. نویسنده در تعریف رمان برج قحطی گفته است: به زور نمی‌توان این داستان را خواند. فردی این داستان را می‌خواند که یک مقدار به رخدادهای تاریخی به ویژه تاریخ معاصر علاقه مند باشد. این داستان صرف سرگرمی نیست. یک چیزی که

هزار و یک جشن، اثر محمد محمودی نورآبادی

عروس سیاه چادر

سببی که خود نیز برای این جشن دعوت شده روایت می‌شود. معلم روستا که نوروز نام دارد از یک هفته قبل از برگزاری این جشن در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۲۹ داستان خود را آغاز می‌کند. زمانی که برگزارکنندگان جشن از او برای شرکت در این مراسم وعده می‌گیرند، نقطه آغاز زمان است. دعوت معلم روستا که رعیت زاده‌ای بیش نیست به مذاق برخی از افراد بانفوذ روستا به ویژه کدخدا خوش نمی‌آید؛ به خصوص اینکه نوروز به عنوان یک آموزگار الگوی بچه‌ها و والدین آن‌ها در روستا نیز شده است. اما این همه ماجرا نیست، نوروز خود دلباخته دختر کدخداست که درآمد داستان این راز از پرده برون می‌افتد. نویسنده پایه پای این جشن، برگزاری اش و حواشی آن و همچنین با درآمیختن آن با ماجراهای زندگی مردم روستا، تصویری ملموس از تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی مردم این منطقه ارائه می‌کند. مهم‌تر از همه اینکه فقر حاکم بر زندگی آن‌ها در قیاس با ریخت و پاش‌های آن جشن قرار داده شده و به شکلی نمادین از اوضاع و احوال حاکم بر آن روزگار ایران سخن می‌گوید.

شخصیت‌پردازی‌های این رمان باورپذیر بوده و خواننده احساس بیگانگی با آن‌ها نمی‌کند. نویسنده با استفاده از یک زبان ساده و روان، قصه خود را روایت کرده و در یک زمان خطی داستان خود را پیش برده است. «هزار و یک جشن» یک اثر در دایره ادبیات عشایری نیز به حساب می‌آید و نویسنده از آنجا که نسبت به رسومات محلی اطلاعات دارد به خوبی توانسته مکان داستانش را پیش چشم خواننده به تصویر بکشد.

این رمان که از سوی انتشارات شهرستان ادب در ۱۹۶ صفحه منتشر شده خواننده را خسته نمی‌کند و مخاطب برای رسیدن به پایان قصه مشتاق است. «هزار و یک جشن» برگزیده (مقام اول) و تنها اثر برنده دیپلم افتخار در پنجمین جشنواره کشوری داستان انقلاب بهمن ۱۳۹۱ بود. محمد محمودی نورآبادی این نویسنده خوش ذوق که زاده پاییز سال ۵۰ در روستای مهرنجان شهرستان ممسنی است درباره انگیزه‌اش از نگارش رمان هزار و یک جشن می‌گوید: خودم زاده ایل و عشایر و بزرگ شده سیاه چادر هستم و با اینکه در شهر زندگی می‌کنم، به ایل تعلق خاطر دارم. من سعی کردم در آثارم به نقش روستاها و عشایر در اتفاق‌های بزرگ ایران بپردازم. دوست دارم این آثار به دست همه برسد تا بدانند روستاها و عشایر هم در روایت تاریخ سهیم بوده‌اند.

این نویسنده بعد از بازنشستگی دست به قلم شده و طی بیش از یک دهه فعالیت در حوزه داستان بیش از بیست جلد کتاب خواندنی در کارنامه حرفه‌ای خود دارد و تقریباً در تمام این سال‌ها در جشنواره‌های کشوری معتبر، درخشیده است. □



اتفاقات از همان روز اول و به خاطر دعوت از من شروع شد؛ دعوتی که خیلی‌ها را عصبی کرد، مخصوصاً کدخدا و ریش سفیدها را که به خواب هم نمی‌دیدند رعیت زاده‌ای را پیش از آن‌ها دعوت کنند... محمد محمودی نورآبادی رمان «هزار و یک جشن» را این‌گونه آغاز می‌کند، شروعی که خواننده را برای دنبال کردن باقی ماجرا مشتاق می‌سازد. در این رمان نویسنده به بهانه پرداختن به برشی از تاریخ معاصر پرده از ظلم و جور خان‌های وابسته به دربار پهلوی برداشته و به خواننده‌ای که آن روزها را ندیده نشان می‌دهد چگونه بر مردم مظلوم تحت عنوان رعیت ظلم می‌شده است. در واقع هزار و یک جشن به جشن‌هایی که به مناسبت وصلت محمدرضا پهلوی با ثریا و به عنوان همسر دوم او در سراسر کشور برگزار شده بود، اشاره دارد، جشنی که بر اساس تبلیغات دربار این‌گونه نشان داده شده بود که گویی در آن به نوعی سراسر مردم ایران شرکت کرده و با شاه و ملکه شادمانی کرده‌اند.

رمان، زبانی ساده و روایتی خوش خوان دارد که از نظرگاه اول شخص مفرد، از زبان معلم روستای چشمه



سال گرگ، اثر جواد افهمی

روایت یک دگر دیسی



داخل کتاب روایت نشده است. لیلا زمردیان همسر تشکیلاتی مجید است. او همان کسی است که او را تحویل تقی شهرام می‌دهد. اما در داخل کتاب دیده نمی‌شود. آدم‌های کتاب شناسنامه ندارند و ناگهانی فرود می‌آیند.

ابراهیم اکبری دیزگاه بر این باور است که این رمان نه تنها اثر تاریخی نیست بلکه کاملاً سیاسی است. رمان سیاسی معطوف به قدرت و اراده است که ما در «سال گرگ» این قدرت را می‌بینیم. وی توضیح داده است که در رمان سال گرگ شاهد چند تقابل از جمله تقابل سازمان با حکومت و تقابل دو گروه داخل سازمان هستیم. در دل این تقابل که میان دینداران و بی‌دینان سازمان رخ داده است اخلاق دیده می‌شود. یعنی دینداران با اخلاق خود با جریان بی‌دین داخل سازمان مواجه می‌شوند.

دیزگاه با اشاره به نشانه‌های دین در «سال گرگ» بیان داشته است که این رمان با نشانه‌های دینی که در خود دارد راه و رسم مبارزه بر مبنای دین را نشان داده است که از این منظر اثری قابل تقدیر است. این نویسنده و منتقد ادبی این رمان را یک رمان موفق سیاسی دانسته و افزوده در رمان سال گرگ نشان داده می‌شود اگر اخلاق نباشد همه انسان‌ها می‌توانند در خود یک شهرام یا داعش مخفی داشته باشند. □

کتاب «سال گرگ» نوشته جواد افهمی مشتمل بر ۲۴ صفحه و ۵ فصل به چاپ رسیده است. جواد افهمی در مورد این اثر خود در ابتدای کتاب نوشته است: سال گرگ داستان من است؛ داستانی که از صافی ذهن من نویسنده گذشته است. هرگونه شباهت شخصیت‌های داستانی و اعمال و کردارشان با شخصیت‌های تاریخی و اعمال و کردارشان، حتم بدانید که تصادفی بوده و من جواب‌گوی این شباهت‌های تصادفی نخواهم بود. اگر هم جایی اذعان داشته‌ام که برای خاطر تألیف این رمان، ۲۰ جلد و شاید هم بیشتر کتاب تاریخی خوانده‌ام، باز، حتم به این خاطر بوده که افق پرواز از ذهن رویا پردازم را تا آن دور دست‌ها ارتقا بدهم؛ همین و بس!

«سال گرگ» روایت سال ۵۴ است که جواد افهمی آن را سال گرگ نامیده است. این کتاب، رمانی نیمه مستند و نیمه داستانی است که شخصیت اصلی آن یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق آن زمان (منافقین) است. رمان سال گرگ با پرداخت داستانی، به تغییر ایدئولوژیک این گروه می‌پردازد. این رمان با وجود این‌که توانسته جایزه داستان انقلاب را به نام خود کند اما جالب است بدانید که مدت زیادی در اداره کتاب وزارت ارشاد در رفت و برگشت و منتظر دریافت مجوز بوده است.

این رمان در واقع داستان شکافی است که در سازمان مجاهدین (منافقین) برداشته می‌شود. این سازمان دارای نگاهی التقاطی به اسلام است و یک انشقاق موجب دو تکه شدن آن می‌شود. تقی شهرام که رهبر شاخه تئوریک سازمان مجاهدین است اعتقاد به اسلام را کنار می‌گذارد و افهمی در این رمان این مسئله را به روایت می‌کشد.

نویسنده درباره سرگذشت رمان «سال گرگ» می‌گوید: این رمان، داستان جوانی است که با فراز از دست نیروهای ساواک دچار فراز و فرودهای فراوانی می‌شود و من ضمن نگارش سرگذشت او، به وقایع تاریخی پیش از انقلاب و مباحثی چون انحراف‌های ایدئولوژیک اشارات فراوانی داشته‌ام.

به اعتقاد این نویسنده نوشتن داستان‌های تاریخ معاصر، با مشکلات و مصائب فراوانی روبه‌رو است و تجربه به او نشان داده هر قدر هم برای مطالب مندرج در داستان، اسناد رسمی و روشن تاریخی ارائه شود، احتمال ایجاد مشکل وجود دارد، از این رو تصمیم می‌گیرد از این پس قید نگارش رمان تاریخی را بزند.

برخی از منتقدان به نقد رمان سال گرگ پرداخته‌اند و درباره این رمان گفته‌اند که این کتاب بیش از آن‌که رمان باشد، اثری سیاسی است. بلقیس سلیمانی درباره این رمان گفته است هر چند نویسنده در این اثر می‌گوید که تاریخ نگفته است اما خواننده‌ای که اندکی تاریخ بداند پی خواهد برد که شخصیت شهرام همان تقی شهرام یا مجید همان مجید شریف واقعی است. ولی زندگی شخصی مجید در

کلت ۴۵، اثر حسام‌الدین مطهری

خیانت منافقین

و صالح، در نقطه مقابل او، به کمیته انقلاب اسلامی می‌پیوندند و داستان، روایت مواجهه این خواهر و برادر با یکدیگر است.

هرچند که پدر و مادر خانواده فیروزی از اعضای سازمان مجاهدین خلق هستند و مشغول مبارزه با رژیم شاهنشاهی ولی پسر و دختر آن‌ها یکی در خانواده‌ای مذهبی و انقلابی رشد می‌کند و دیگری در خانواده‌ای که پسرانشان از اعضای سازمان مجاهدین است. و این نهایتاً آن‌ها را در دو جبهه مخالف قرار داده و مجبور می‌کند به گونه‌ای رفتار کنند که شاید تصورش در ابتدای رمان ممکن نباشد.

از جمله ویژگی‌هایی که در «کلت ۴۵»، مورد توجه نویسنده قرار دارد، توجه به مقوله حضور منافقین در جریان انقلاب و پس از آن است. مسئله‌ای که سال‌هاست از دید نویسندگان به دور مانده و بسیاری از نویسندگان که به بررسی داستانی تاریخ انقلاب، اقبال نشان داده‌اند، مقوله حضور منافقین و خیانت‌هایشان در فرایند انقلاب را فراموش کرده‌اند. با این حال، حسام‌الدین مطهری، نویسنده دهه شصتی «کلت ۴۵» با زیرکی توانسته است فعالیت‌های افراد این سازمان را برای مخاطبان خود به تصویر بکشد.

حسام‌الدین مطهری که متولد سال ۱۳۶۶ است نخستین کتابش در سال ۹۲ منتشر شد و پیش از انتشار کتاب و داستان نویسی، روزنامه‌نگاری کرده در باره این رمان گفته است، کلت ۴۵ رمان درباره انقلاب اسلامی ایران است و موضوع آن درباره خانواده‌ای است که در گروهک مجاهدین خلق (منافقین) عضویت دارند. حوادث این کتاب در فاصله زمانی دهه ۵۰ تا ۶۰ رخ می‌دهد و درگیری سیاسی این گروهک با نظام نوپای انقلاب اسلامی ایران را شامل می‌شود. شخصیت‌های این داستان خیالی‌اند ولی اتفاقات و رخدادهایی که در کتاب ارائه شده‌اند، بر اساس مستندات تاریخی نگاشته شده است.

رضا امیرخانی نویسنده مطرح کشور درباره «کلت ۴۵» گفته است، این رمان برای امروز ما نوشته شده است، چرا که داستان این کتاب تشکیلات انسانی مبتنی بر عدم تعقل را به رخ می‌کشد. این نویسنده تأکید دارد که مواجهه کتاب با مجاهدین خلق جسورانه است. امیرخانی به دیالوگ‌های نویسنده که وارد ذهن شخصیت‌ها شده است اشاره می‌کند و می‌افزاید این روش بهترین شیوه نشان دادن نفاق در ادبیات است؛ یک منتقد حرفه‌ای ممکن است بگوید این اثر تکنیک خاصی ندارد در حالی که این‌ها اتفاقاً فرم نویسنده است و می‌تواند به ادبیات داستانی ما اضافه شود.

امیرخانی درباره این رمان گفته است که ما در این کتاب با شبکه انسانی مجاهدین خلق مضمحل شده مواجهیم که موارد بسیاری از آن را در داخل و خارج کشور می‌بینیم، بنابراین لازم است بدانیم چه اتفاقی می‌افتد این شبکه انسانی با آن شبکه انسانی که شهید بهشتی در نظر داشت متفاوت می‌شود. □



رمان «کلت ۴۵» از جمله کتاب‌های حوزه ادبیات داستانی انقلاب به شمار می‌رود که سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است، برخی منتقدین تأکید دارند این که یک نویسنده تازه‌کار برای اولین کتابش به فضای سخت و پرپیچ و خمی مثل فضای گروهک منافقین و روابط شکل گرفته در آن بپردازد، جسارتی می‌طلبد که حسام‌الدین مطهری آن را داشته است.

اگر می‌خواهید در ایام دهه فجر و به مناسبت چهلمین سالروز انقلاب اسلامی رمانی در این حال و هوا بخوانید «کلت ۴۵» را پیشنهاد می‌دهیم. این کتاب، داستان زندگی خانواده «فیروزی» است که در ایام انقلاب، علیه رژیم شاه به مبارزه اقدام کرده‌اند. پدر خانواده به همراه همسرش تحت تعقیب قرار می‌گیرد و برای آن‌که فرزندانش دستگیر نشوند دختر کوچک‌شان - مینو - را به همسایه می‌سپارند. اما پسر خانواده - صالح - زمانی که پدر و مادرش توسط نیروهای ساواک دستگیر می‌شوند، صحنه دستگیری آن‌ها را می‌بیند. در نهایت، مینو توسط یک خانواده با تفکرات چپ رشد و صالح در خانواده‌ای دیگر با دغدغه‌های انقلابی بزرگ می‌شوند. مینو تحت تأثیر تعلیمات خانواده‌ای که در آن بزرگ شده، به عضویت سازمان مجاهدین خلق درمی‌آید



تالار پذیرایی پایتخت، اثر محمد علی گودینی

انقلاب سفید و عاقبت سپاه



پایتخت است چرا که نویسنده جغرافیایی را که وارد آن شده و در داستان آن را پرداخته به خوبی می‌شناسد. حوادث، گدها و اصطلاحاتی که نویسنده از آن‌ها در کتاب نام می‌برد همگی از تسلط نویسنده حکایت دارند. زنوزی همچنین در مورد اسم اثر بیان دارد که این اسم به خوبی بیانگر شرایطی است که در داستان و تا پیش از ۲۵ صفحه پایانی کتاب اتفاق می‌افتد و نویسنده به خوبی توانسته فضای داستان را به مخاطب و خواننده منتقل کند. این منتقد تأکید دارد که اگر این اسم در اثر نبود و در کتاب به کار نمی‌رفت، خیلی کتاب «ایمایی‌تر» بود.

وی در مورد توصیف فضاها در داستان و شرح این جزئیات تأکید می‌کند جغرافیایی که نویسنده در اثر انتخاب کرده و آن را بیان می‌کند، صحنه‌هایی بسیار تکان دهنده هستند. صحنه‌های توصیف شده در این اثر بسیار گیرا و جذاب هستند. نویسنده مسلط به جغرافیای داستان است و این امر کمک فراوانی به وی کرده است. متأسفانه دیگر نویسندگان ما چندان به این موضوع توجه نمی‌کنند. از این لحاظ گودینی بسیار خوب عمل کرده است. □

رمان «تالار پذیرایی پایتخت» به وضعیت خانواده‌های روستایی بعد از انقلاب سفید و مهاجرت آنان به تهران و شهرهای دیگر پرداخته است و تضادهای فرهنگی و اجتماعی روستاییان و اهالی شهرها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و هم‌چنین به نحوه ورود آنان به واقعه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ اشاره می‌کند. محمد علی گودینی نویسنده این رمان می‌گوید که داستان را از دیدگاه تاریخی نوشته و تلاش کرده حوادث را به صورت تقویمی پیش ببرد. یکی از دلایل استقبال و توجه به این کار توصیف فضایی روستایی در آن روزگار بود. نویسنده برای روایت، زاویه اول شخص ناظر را به کار برده چرا که بر بعد تاریخی داستان و روایت تکیه داشته است.

وی توضیح می‌دهد در این رمان در پی این بوده تا به شرح حال روستاییانی بپردازد که در روستاها زمین‌های خود را رها می‌کنند و به شهرها می‌آیند و ما می‌بینیم که چگونه در شهرها به آن‌ها ظلم و جفا می‌شود. بنابراین نویسنده برای بی‌طرفانه بودن در روایت این زاویه دید را انتخاب کرده اگر چه ممکن است خسته‌کننده باشد.

وی می‌افزاید: راوی داستان تا انتهای داستان به مانند کودک باقی می‌ماند زیرا قصد داشتم تا سادگی افرادی که به داخل شهرها می‌آمدند و همچنان ساده باقی می‌مانند را نشان دهم. انتقال این فضای ۵۰ سال پیش به زمان کنونی و قضاوت در مورد زاویه دید راوی کار اشتباهی است. من از دید یک روستایی و روستازاده به داستان نگاه کردم.

در این رمان ماجرای جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاه مخلوع نیز از دید یک سرباز آن روز روایت شده است که تا حدود سال ۱۳۵۵ را شامل می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که تاکنون به بحث شرایط سیاسی و خاطرات افراد در حوادث انقلاب اسلامی در کتاب‌ها و رمان‌ها پرداخته شده ولی در کتاب تالار پذیرایی پایتخت، وضعیت افراد جامعه به صورت جزئی‌نگرانه بررسی شده است.

ماجراهای «تالار پذیرایی پایتخت» به ۶ بهمن سال ۱۳۴۱ بر می‌گردد، در این کتاب ماجراهایی هم‌زمان با طرح انقلاب سفید آغاز و در خلال آن به جریان‌های روابط ارباب و رعیتی و انقلاب رعیت علیه ارباب اشاره می‌شود.

فیروز زنوزی جلالی نویسنده برجسته کشور در خصوص «تالار پذیرایی پایتخت» گفته است که در این رمان بار دیگر شاهد توجه نویسنده به مردم فرودست جامعه و از دست دادن هویت آن‌ها به واسطه مهاجرت به شهرها هستیم که نویسنده شور بختی این افراد را به قلم آورده است.

وی تأکید دارد که بومی بودن رمان یکی از امتیازات قابل توجه تالار پذیرایی

زغال سرخ، اثر سید حسن حسینی ارسنجانی

غارث دسترنج توده

دوران پرظلم و ستم رژیم پهلوی به نسل جوان انکارناپذیر است. ذغال سرخ که در نوزده فصل و ۲۰۵ صفحه توسط انتشارات شهرستان ادب منتشر شده و فضای مناسبات مردم و خوانین در دوره قبل از انقلاب و مقارن با مبارزات انقلابیون با طاغوت پهلوی را در روستایی به نام سرخ آباد از توابع شیراز و ارسنجان به تصویر کشیده است.

این رمان ماجرای زورگویی است که دسترنج اهالی روستا را تصاحب می‌کند و آن را حق مسلم خود می‌دانند. داستانی خواندنی راجع به مرگ مشکوک یکی از اهالی روستای سرخ آباد به نام اسماعیل که پسرش «شجاع» که شخصیت اصلی ماجراست، در صدد شناخت قاتل او برمی‌آید و در این میان، با جریان‌ات انقلاب و ظلم دستگاه سلطنت و نقش آن در قتل پدرش، آشنا می‌شود. در ذغال سرخ به راستی می‌توان روح عدالت خواهی و مبارزه با دولت خودکامه را در چهره شجاع مشاهده کرد.

زبان ساده، همراه با تصاویر و توصیفات قابل لمس در این رمان باعث شده جذابیت بیشتری برای مخاطب حاصل شود و حوادث و رفتارهای خارق العاده و حماسی شخصیت شجاع در ماجراهای مختلف ذغال سرخ، کشش و جذابیت مناسبی را در خواندن این رمان ایجاد کرده است. در کتاب ذغال سرخ، بیان مناسک مذهبی به ویژه نماز که حتی در سخت‌ترین موقعیت‌های داستان فراموش نمی‌شود، احترام به سادات و نقش و عاظ در آگاهی دادن به مردم هنرمندانه نگاشته شده است. گره‌های زیبایی که در مواقع حساس علی‌الخصوص در اوج داستان، یعنی انتقام از سالارخان - خان ظالم و زورگوی سرخ آباد - در هنگام به غارت بردن ذغال‌های میز محمد، یکی دیگر از اهالی روستا، در پیوند با عاشورا حس حماسی مخاطب را برمی‌انگیزاند.

نویسنده با استفاده از واژگان مناسب، ساده، قابل فهم و بدون حشو و اضافه‌گویی، رمانی در خور را نگاشته است. گاهی اصطلاحات محلی که به خوبی و به جا به کار برده شده است، حس گویش آن منطقه را منتقل می‌کند که حاکم از اشراف نویسنده به این گفتار است، به نحوی که نوریه کاظمی، منتقد ادبی تأکید دارد که این رمان، داستان کوتاه «گیله‌مرد» نوشته بزرگ علوی را به ذهن خواننده می‌آورد که در آن علوی با نثری ساده و بی‌پیرایه و با استفاده از کنایه و ضرب‌المثل‌های عامیانه، آشفتگی اوضاع جامعه و پریشان حالی شخصیت‌های داستان را به خواننده القا می‌کند. گلیه‌مرد نماد توده مردم ستم‌کشیده و مبارز ایران است. این داستان مدت‌ها راهنمای عمل نویسندگان مبارز بوده است و در رمان ذغال سرخ هم رگه‌هایی از این تأثیرپذیری مشاهده می‌شود. □



موضوع رمان «ذغال سرخ» روایت ظلم خوانین قبل از انقلاب است. سید حسن حسینی ارسنجانی، نویسنده این کتاب با اشاره به این‌که همواره در کلاس درس و دانشگاه، دانش‌آموزان از او می‌پرسند دوران فعلی خوب است یا دوران پهلوی، می‌گوید تصمیم گرفته است در قالب کتاب‌های متعدد به بیان فقر، فساد، ظلم و ستم دوران رژیم پهلوی بپردازد تا جوانان با فضای حاکم آن دوران آشنا شوند.

کتاب «ذغال سرخ» از جمله آثاری است که در حوزه انقلاب اسلامی به نگارش درآمده است. این کتاب، داستان زندگی ذغال فروش فقیری را که در زمان شاه می‌زیسته و همواره ظلم‌های فراوان این رژیم را تحمل می‌کرده، به تصویر می‌کشد. ذغال فروش داستان، در نهایت توسط همان رژیم به شهادت می‌رسد و پسرش برای انتقام از آن‌ها طرحی را پیش‌بینی می‌کند که منجر به مرگ قاتل پدرش می‌شود.

حسینی ارسنجانی بر این باور است که نگارش این‌گونه کتاب‌ها تأثیر بسیاری بر شناساندن دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به جوانان دارد و می‌گوید که انتشار این‌گونه کتاب‌ها در شناساندن



هلال انقلاب



- انقلاب اسلامی، ما را به خویشتن خویش بازگرداند
- ارائه الگوی حکومتی مردم‌سالاری دینی
- روحانیون، جوانان را از خانواده خود می‌دانند

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی:

انقلاب اسلامی ما را به خویشتن خویش بازگرداند



حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحیم ملک محمد
نیساری، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در
جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی، پیش
از این ریاست مرکز تحقیقات بشارت زندان ها، ریاست نظارت
و بازرسی شورای نگهبان و ریاست شورای هماهنگی تبلیغات
اسلامی استان آذربایجان غربی را برعهده داشته است. ■

ایشان در گفتگو با مجله مهر و ماه به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، به دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر اشاره کرد و گفت: حضور نماینده محترم ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در سال های بعد از انقلاب، همواره نقطه اتکا و امید تلاشگران عرصه هلال احمر بوده است. وی ادامه داد: حضور نمایندگی ولی فقیه چه در بعد امداد و نجات در حوادث گوناگون مانند سیل و زلزله که در استان های مختلف پیش آمده است و چه در دوران هشت سال دفاع مقدس که بخش عمده امداد جبهه با حضور امدادگران بوده، دلگرم کننده است.

ایشان بیان داشت: نظارت شرعی و دقت نظر که مرحوم حضرت آیت... غیوری و دیگر عزیزان در بعد جمع آوری کمک های مردمی، پشتیبانی جبهه و جنگ و همچنین حمل مجروح، شهدا و استقرار بیمارستان های صحرایی داشتند، از نقاط قوت حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر است.

حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحیم ملک محمد نیساری ادامه داد: همچنین در این ۴۰ سال با هدایت های نماینده محترم ولی فقیه کارهای عام المنفعه بیشتری در اقصی نقاط دنیا و در داخل کشور اتفاق افتاده است، استقرار درمانگاه های مختلف در کشورهای نیازمند و برای انسان های محروم از جمله هدایت های نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر بوده است. به حمدا... می بینیم در کشورهای متعدد آفریقایی، آمریکایی جنوبی و خاورمیانه این عزیزان حضور دارند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی با اشاره به فعالیت های فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، گفت: در راستای انجام فعالیت های فرهنگی، نظارت و حضور نماینده محترم ولی فقیه همواره توانسته برای همکاران هلال احمر پیام وحدت، یک دلی، تعهد و اعتقاد قلبی به اصول اسلامی را به دنبال داشته باشد.

وی در ادامه این گفتگو به مهم ترین دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه اشاره کرد و توضیح داد: یکی از مهم ترین کارهای دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، برقراری و به اصطلاح تأکید بر اقامه نماز است که به عنوان ستون دین ما مسلمانان به شمار می رود. دفاتر ولی فقیه همواره از این واجب دینی حراست می کنند که در حقیقت عمود دین است، این امر در اقصی نقاط کشور خیلی مهم بوده و در شعبات توجه شده که حد نصاب را برای اقامه نماز داشته باشند. حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحیم ملک محمد نیساری با بیان اینکه احیاء امر به معروف و نهی از منکر از جمله دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر است، اظهار داشت: امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه نسبت به همکاران ترویج می شود و به حمدا... زمینه اعتماد، همکاری و همدلی در بین همکاران را بیشتر می کند.





چشم همکاری و چشم همدلی‌شان به مردم ایران است. وی تأکید کرد: ایران اسلامی در این چهل سال نشان داده است هر جا زلزله رخ داده، هر جا جنگ خانمان سوز اتفاق افتاده و حادثه و بلا یای طبیعی پیش آمده است عزیزان هلال احمر با نشان هلال احمر ایران در محل حضور پیدا کرده‌اند. همدلی و همراهی ایران اسلامی برای مردم مستضعف و نیازمند جهان دستاورد بزرگی است که دل‌ها را به طرف جمهوری اسلامی ایران مهربان و روان کرده است. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی با اشاره به دستاورد دینی و معنوی انقلاب اسلامی در چهل سال پس از پیروزی، اظهار داشت: دستاوردهای متعددی در حوزه معنوی در طول چهل سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌ایم، برای بیان آن باید به پیشینه کشور در این حوزه نگاه کنیم، باید دید استکبار جهانی به دنبال چه بوده و در آینده چه می‌خواهد، آن‌ها می‌خواهند ایران را کشوری مستعمره و کشوری در اختیار خود و پیش به سوی الحاد و بی‌دینی و از مسیر جدا کنند. وی ادامه داد: دشمن تلاش کرده به ایمان مردم رخنه کند و به نام تجدد و تمدن و به نام‌های دیگر تلاش می‌کردند مردم از دین و ایمان خود جدا شوند.

دینداری بزرگترین حربه در مقابل الحاد

ایشان با بیان اینکه دینداری بزرگترین حربه در مقابل الحاد، بی‌دینی و رفتارهای آلوده است، اظهار داشت: بنابراین این انقلاب اسلامی ما را به خویشتن خویش بازگرداند و به ما این توفیق را داد که به پیروی از حضرت امام هم پاسدار دین باشیم و هم اعتقاد خود را دنبال کنیم، این رویش‌های دینی و انقلابی ما بود که جوانان متدین، متعهد و انسان‌های صالح را تقدیم انقلاب اسلامی در قالب شهید و جانباز و آزاده کرد. حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحیم ملک محمد نیساری با اشاره به اینکه در مکاتب دینی و جلسات آموزش قرآن هزاران حافظ قرآن، تربیت شده است، گفت: در این جلسات عمل به دین مبین اسلام ترویج می‌شود و من معتقد هستم که یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در دورانی که جوانان به کفر دعوت می‌شوند، حرکت به طرف دینداری است. □



نظارت بر موقوفات

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی همچنین سر و سامان یافتن مباحث موقوفات را از مهمترین دستاوردهای حوزه نمایندگی دانست و گفت: موقوفات متعددی در اختیار هلال احمر است و با نظارت شرعی که دفاتر دارند، سعی شده متناسب با نیت واقفین این موقوفات هم درآمدهای شان کسب شود و هم در محلی مصرف شود که نیت واقف بوده است. وی تأکید کرد: از سوی دیگر حضور دفاتر نمایندگی ولی فقیه در شعبات و همین‌طور در استان‌ها باعث شده است زمینه کار شرعی و کار دینی منطبق با اسلام بیشتر خود را نشان دهد، چون در هر نوبت و در هر وقفه از فعالیت‌های جمعیت نیاز به همراهی و همدلی با روحانیت و علما و نشان دادن مسیر صحیح به همکاران وجود دارد. این حاکی از آن است که ما توانستیم در این چهل سال با همراهی آقایان علما و حضور دفاتر نمایندگی ولی فقیه مسیر شرعی را پیش روی همکاران قرار دهیم.

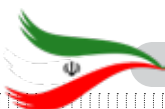
اهل سنت و تشیع زیر چتر پرچم انقلاب

ایشان به دستاوردهای ملی انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: انقلاب اسلامی دستاوردهای متعددی هم در داخل و خارج کشور داشته است، در داخل کشور ما شاهد همدلی، وحدت و به تعبیر حضرت امام رضوان الله تعالی علیه، توحید کلمه بوده‌ایم. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی بیان داشت: وحدت گویش‌ها، مذاهب و اقلیت‌ها در داخل کشور را تجربه کرده‌ایم، ایران اسلامی رنگین‌کمانی است از گویش‌های متعدد، قومیت‌های متعدد و همین‌طور ادیان ابراهیمی که پیروان آن‌ها در کشور ما هستند. عزیزان اهل سنت و تشیع زیر چتر پرچم انقلاب اسلامی حضور دارند و این وحدت و یکدلی در تمام عرصه‌های نظام و انقلاب اسلامی را شاهد هستیم، که دستاورد بزرگی است. وی با تأکید بر دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد دیگر، عنوان کرد: در بعدهای دیگر پیشرفت‌هایی داشته‌ایم، در نهضت علمی که مقام معظم رهبری پایه‌گذار آن هستند پیشرفت‌های قطعی داشته‌ایم، در همه عرصه‌ها و همچنین امداد و نجات شاهد هستیم جوانان امدادگر، تلاشگر و نجاتگر توانسته‌اند پیشرفت‌های عدیده‌ای داشته باشند.

حضور هلال احمر ایران در کنار حادثه دیدگان جهانی

حجت الاسلام و المسلمین عبدالرحیم ملک محمد نیساری به پیشرفت‌های ایران در بعد بین‌المللی اشاره کرد و گفت: در دنیای مستضعفین و نیازمندان و کسانی که تحت ظلم واقع شده‌اند ایران اسلامی را به عنوان مرجع و پناهگاه خود می‌دانند، در کشورهای خودشان چشم نیاز،

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی: وحدت گویش‌ها، مذاهب و اقلیت‌ها در داخل کشور را تجربه کرده‌ایم، ایران اسلامی رنگین‌کمانی است از گویش‌های متعدد، قومیت‌های متعدد و همین‌طور ادیان ابراهیمی که پیروان آن‌ها در کشور ما هستند. عزیزان اهل سنت و تشیع زیر چتر پرچم انقلاب اسلامی حضور دارند و این وحدت و یکدلی در تمام عرصه‌های نظام و انقلاب اسلامی را شاهد هستیم، که دستاورد بزرگی است





هنر و فرهنگ ساخت و تولید فیلم و سریال های تاریخی با الگوگیری از ادیان آسمانی و قصه های قرآنی و بهره گیری از تاریخ مشعشه اسلام تشیع و ایران قابل بیان است .

حجت الاسلام والمسلمین علی شم آبادی عنوان کرد: همه این آورده ها به ایده « ما می توانیم » و تلقین مثبت ، القای درست و نهادینه کردن این شعار در جامعه و دادن حس ما می توانیم و تزریق آن به بدنه جامعه و به سطوح مختلف نیروهای موجود کشور برمی گردد .

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان البرز تأکید کرد: برگشت همه اتفاق های مثبت و ریشه همه دستاوردها در حوزه های مختلف داخلی و جا انداختن ما می توانیم از ناحیه نظام و سکانداران انقلاب صورت گرفته است ، ابتدا انقلاب نظام و سردمداران به این باور « ما می توانیم » رسیدند و سپس این باور را به لایه ها و اقشار مختلف القاء کردند ، البته دشمن با حماقت هایش ما از جمله تحمیل جنگ و تحریم ها در این مسیر کمک و یاری کرد و این ماشین راهل داد و جلو برد .

وی با تأکید بر این که استقلال می تواند مهم ترین دستاورد انقلاب در حوزه بین المللی و خارجی باشد ، ادامه داد: بر اساس آموزه های قرآنی کفار ، مشرکین و به اصطلاح غیر خودی ها حق سلطه و سیطره بر مسلمانان ندارد و استقلال و کوتاه کردن دست اجانب و مستکبران در دخالت مقدرات کشور باعث شد که بسیاری از پیشرفت ها و دستاوردها دیگر را در سایه این استقلال و کوتاه کردن دست اجانب به دست بیاوریم .

حجت الاسلام والمسلمین علی شم آبادی با بیان اینکه استقلال و همین که مقدرات به دست ایرانی ها رقم می خورد باعث می شود در حوزه بین المللی دستاوردهای مهم ایجاد شود ، اظهار داشت: مقدرات ما دست اجانب نیست ، ارتش به دست مستشاران نظامی آمریکا اداره نمی شود ، تصمیم سازی و تصمیم گیری و اجرای سیاست های خرد و کلان در داخل و خارج به دست ایرانی جماعت انجام می گیرد ، تصمیم سازی ها همانند زمان پهلوی در سفارتخانه ها انجام نمی شود .

حجت الاسلام والمسلمین علی شم آبادی با اشاره به دستاوردهای دینی و معنوی انقلاب گفت: استقرار نظام ولایت فقیه ، تشکیل دولت به معنا سکانداری ولی فقیه مهم ترین دستاورد این بخش است . ایشان ادامه داد: در سایه ولی فقیه و نظام مبتنی بر ولایت فقیه بسیاری از امور مذهبی ، دینی و معنوی سامان گرفت و حداقل مورد توجه و عنایت ویژه قرار گرفت .

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان البرز با بیان اینکه حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر نیز دستاوردهایی داشته است ، آن ها را برشمرد و گفت: نظارتی که حوزه نمایندگی ولی فقیه و علما و روحانیت بر امور مختلف و سیاست ها و برنامه ها دارد تاثیر بسزایی در ارتقاء امور دارد ، در دوره اخیر موضوع نظام نامه دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر حل شد و کارهای حوزه نمایندگی بر اساس اسناد بالادستی و در یک چارچوب خاص انجام می گیرد . □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان البرز:

مقدرات ما دست اجانب نیست



حجت الاسلام والمسلمین علی شم آبادی (الهی) با اشاره به چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی تأکید دارد مهم ترین دستاورد انقلاب عملی کردن شعار « ما می توانیم » است . ایشان در گفتگو با مجله مهر و ماه با اشاره به دستاوردهای ملی و داخلی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ، اظهار داشت: آورده انقلاب را باید در حوزه های مختلف اجتماعی ، اقتصاد ، سیاسی و فرهنگی پیگیری شد ، مردم سالاری و حاکمیت مردم با حضور در ده ها انتخابات آزاد ، پیشرفت های شگرف در فناوری های گوناگون مانند فناوری هسته ای و غنی سازی اورانیوم ، دستگاه ها و تجهیزات مرتبط با غنی سازی ، پیشرفت های کشور در بحث هوا فضا ، نانو و طراحی و ساخت تولید انبوه تجهیزات نظامی و صادرات برخی از آن ها به ویژه صنعت موشکی با بردهای کوتاه ، متوسط و برد بلند چند هزار کیلومتری از جمله این پیشرفت ها است . □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان البرز با اشاره به پیشرفت های اقتصادی گفت: در بخش اقتصادی خدمات فراوان آب رسانی ، تأمین آب ، برق و گاز به اقصى نقاط کشور ، توسعه مخابرات ، خدمات اجتماعی ، توسعه حمل و نقل هوایی زمینی و ریلی ، توسعه فضاهای آموزشی ، چاپ و نشر مقالات عملی و ارائه آن به مجامع بین المللی و در حوزه



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان همدان
به دستاورد سیاسی انقلاب اشاره کرد:

ارائه الگوی حکومتی مردم سالاری دینی



مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان همدان برعهده حجت الاسلام والمسلمین محسن ثابتی قرار دارد. ایشان امامت جمعه و مدیریت حوزه علمیه شهرستان فامنین استان همدان و همچنین مسئولیت تأسیس حوزه علمیه مهدی موعود (عج) شهرستان کبودرآهنگ را برعهده داشته است. ■

تحقیر قدرت های پوشالی به ویژه آمریکا و شکست نظام دوقطبی، رهایی ایران از ژاندارمی منطقه و شکست سیاست های آمریکا، بیداری ملت های ستمدیده جهان و احیای جنبش های ضد استکباری، ارائه الگوهای حکومتی مردم سالاری دینی و نفی ایدئولوژی های لیبرالیستی و سوسیالیستی اشاره کرد.

این روحانی دستاوردهای سیاسی را سرنگونی رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و عامل آمریکا، رهایی همه جانبه کشور از وابستگی به غرب، ایجاد حکومت جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی بر پایه فقه شیعی، فراهم سازی بستر توسعه و تعالی مادی و معنوی بر اساس ایده نوین نه غربی نه شرقی، تعامل صحیح با سایر دولت ها و ملت ها، مقابله علمی با جدایی دین از سیاست و مشروعیت بخشی به ولایت فقیه در عصر غیبت، افزایش همبستگی ملی از طریق مقابله با تحریکات تفرقه افکنانه و تجزیه طلبانه بر شمرد.

وی بیان داشت: در حوزه فرهنگی باید به موفقیت هایی چون مقابله با فرهنگ منحط ضد دینی شاهنشاهی، مقابله با موج فساد عملی و رواج بی بند و باری غربی، فروغ فرهنگ معنوی اسلامی و قرآنی، بازسازی شعائر الهی و احکام اسلامی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، بازسازی نقش مساجد و رواج فرهنگ نماز، نماز جماعت و نماز جمعه، استقلال فرهنگی با تکیه بر خودباوری فرهنگی، احیای شأن و منزلت معنوی زن در اجتماع، ارتقای سطح سواد و علم در جامعه و مبارزه با بی سوادی، تحول در نظام آموزشی و محتوای درسی مدارس و دانشگاه ها و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت اشاره کرد.

حجت الاسلام والمسلمین ثابتی در خصوص دستاوردهای اقتصادی گفت: توسعه اقتصاد مبتنی بر احکام و قوانین اسلامی، بستر سازی جهت توسعه و آبادانی کشور با رفع موانع و زیرساخت های اقتصادی، اولویت بخشی به توسعه مناطق محروم کشور، توسعه و توزیع عادلانه ثروت، ارتقاء سطح درآمد و سرانه ملی، محرومیت زدایی از چهره یک کشور از جمله فعالیت ها در این حوزه است.

ایشان در پایان این گفتگو به دستاوردهای علمی و فناوری اشاره کرد و اظهار داشت: ورود کشور به علوم انحصاری غرب با شکست آیتاید علمی، بومی کردن دانش هسته ای و سایر علوم استراتژیک، رتبه اول علمی در منطقه، فراهم سازی زمینه استفاده از تحقیقات سایر کشورها بدون تقلید محض، تقویت اعتماد به نفس نخبگان جوان و توسعه فعالیت های علمی کشور از مهم ترین و برجسته ترین آورده های انقلاب اسلامی در حوزه علمی است. ■

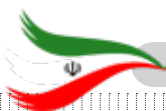


حجت الاسلام والمسلمین محسن ثابتی در گفتگو با مجله مهر و ماه با اشاره به چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران گفت: بحث ولایت فقیه یکی از مباحث و موضوعات وسیع غنی و سیاسی محسوب می شود. این بحث به اصطلاح رایج امروزی و به بیانی واضح تر اساس حکومت اسلامی است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان همدان ادامه داد: موضوع ولایت فقیه در شکل گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته و رهبر کبیر انقلاب در این باره فرمودند بهترین اصل در قانون اساسی این اصل ولایت فقیه است. وی با بیان اینکه انقلاب اسلامی ایران دستاوردهای متعددی دارد، اظهار داشت: یکی از دستاوردهای داخلی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بود که خود باعث رشد، کمال و استحکام انقلاب شد و بنا به فرموده امام (ره) انقلابی بود عظیم تر از انقلاب اول.

حجت الاسلام والمسلمین ثابتی ادامه داد: تثبیت خط امام به عنوان خط سازش ناپذیر با غرب، سقوط دولت موقت، افشای اسناد لانه جاسوسی، برهم خوردن شبکه های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا، افشا شدن ماهیت جاسوسی سفارتخانه آمریکا بر جهان، ترس از تکرار چنین وقایعی در کشورهای دیگر، مرعوب شدن کارمندان و جاسوسان و شکست پت ابر قدرت ها از دیگر دستاوردهای داخلی انقلاب محسوب می شود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان همدان تأکید کرد: در تشریح دستاوردهای خارجی و جهانی می توان به خروج ایران از سلطه ابر قدرت ها و استکبار جهانی،



مسئول نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان بوشهر:

انقلاب ما از قیام امام حسین (ع) الگو گرفته است



حجت الاسلام و المسلمین عباس دشتی با سابقه مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه‌های استان بوشهر، مدیریت حوزه علمیه و مدرس دانشگاه علوم پزشکی، مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان بوشهر را برعهده دارد. ایشان در گفتگویی کوتاه با مجله مهر و ماه به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأکید کرد: حضور در بین امدادگران، کمک به محرومین و مستضعفین، ایجاد شورای فرهنگی و سفرهای استانی از جمله دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در سال‌های اخیر است. ■

وی با اشاره به موضوع موقوفات که در جمعیت هلال احمر به مراتب اتفاق می‌افتد و اهمیت ویژه‌ای دارد، بیان داشت: دفاتر نمایندگی ولی فقیه جمعیت هلال احمر تلاش کردند در طول سال‌های پس از انقلاب، برنامه وقف و هبه را برای ساماندهی و ترویج این سنت حسنه گسترش دهند.

ایشان در ادامه به برنامه‌های متنوعی که از طرف دفاتر نمایندگی ولی فقیه در استان‌ها برگزار می‌شود اشاره کرد و گفت: برگزاری مسابقات فرهنگی و دینی، تشکیل کانون طلاب و انتشار مبان‌های فرهنگی در راستای اهداف هلال احمر تأثیر بسزایی بر روحیه دینی کارکنان، امدادگران و داوطلبان جمعیت هلال احمر داشته است.

حجت الاسلام و المسلمین دشتی با بیان اینکه در سال‌های بعد از انقلاب خودکفایی نظامی دست یافته‌ایم، تأکید کرد: از برکات پیروزی انقلاب اسلامی حمایت از جامعه مستضعفین است، از سوی دیگر بالا بردن آگاهی مردم نیز از دستاوردهای این انقلاب مردمی و دینی است. وی تأکید کرد: انقلاب اسلامی ایران در زنده نگه داشتن قیام عاشورا نقش بسزایی ایفا کرده چرا که پایه و اساس این انقلاب با الگوگیری از قیام امام حسین (ع) بوده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان بوشهر با بیان اینکه انقلاب اسلامی در ابعاد بین‌المللی نیز دستاورد و تأثیرگذاری داشته است، اظهار داشت: با این انقلاب، جهان با دین اسلام آشنا شد، از سوی دیگر اخلاق اسلامی نیز به مردم منطقه و دنیا صادر شد.

ایشان افزود: حاکمیت اسلامی بر پایه ارزش‌های دینی و معنوی از دیگر دستاوردهای بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود. حجت الاسلام و المسلمین دشتی در پایان گفتگو به دستاوردهای دینی و معنوی پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: نباید از دستاوردهای معنوی انقلاب از جمله احیای انسانیت، دین و شریعت که اهمیت بسزایی دارند چشم‌پوشی کرد. ■

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان بوشهر به فعالیت‌های حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان‌های مختلف اشاره کرد و گفت: دفاتر نمایندگی ولی فقیه توانستند باعث تقویت احساسات انسان دوستانه و عاطفی در بین مردم و کارکنان جمعیت هلال احمر شوند.





مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان سمنان:

انقلاب، ما را مستقل کرد



حجت الاسلام و المسلمین محمود نطنزی
مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال
احمر استان سمنان به مدت پنج سال مسئول
جذب واحد تحقیقات جامعه المصطفی بوده و برای ۱۰ سال
ریاست شورای حل اختلاف شهرستان سرخه را بر عهده
داشته است. ایشان همچنین برای هفت سال امام جمعه
موقت سرخه بوده است. ■

حجت الاسلام و المسلمین نطنزی همچنین ادامه داد: آزادی در ابعاد مختلف از دیگر برکات انقلاب اسلامی است، به دست آوردن آزادی در ابعاد مختلف من جمله آزادی فکر، آزادی بیان و حق انتخاب موضوعاتی هستند که در سال های پس از انقلاب مردم روزانه آن را لمس می کنند. وی تأکید کرد: ایجاد خود باوری و اعتماد به نفس، روحیه مقاومت و ولایت پذیری بین احاد ملت به ویژه نسل جوان رانمی توان انکار کرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان سمنان با اشاره به تأثیر انقلاب در ابعاد بین المللی اظهار داشت: تمام انقلاب های جهان یا دنباله رو بلوک غرب لیبرال دمکراتیک یا دنباله رو بلوک شرق سوسیالیست و کمونیستی بوده اند ولی انقلاب اسلامی بر اساس نه شرقی و نه غربی شکل گرفت، قدرت بلا مانع دو قطب جهان را درهم شکست و آن ها را به چالش کشید و این دسته بندی مصطلح دنیا را دگرگون ساخت و نظامی را به وجود آورد که بر پایه و اساس ولایت مطلقه فقیه است.

حجت الاسلام و المسلمین نطنزی به ابعاد دینی و معنوی پیروزی انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: تبدیل نظام طاغوت سالار به نظام مردم سالار و آن هم از نوع دینی از مهم ترین آثار انقلاب اسلامی است، از سوی دیگر در چهل سال گذشته رواج مباحث دینی و قرآنی در قرائت و تلاوت، حفظ و تدبر را شاهد بوده ایم.

ایشان گفت: حضور پر رنگ زنان در عرصه های مختلف با حفظ عفت و شئون اسلامی، ایجاد اتحاد و اخوت اسلامی بین مسلمانان جهان، احیاء دین و شریعت و تنظیم و تدوین و قوانین بر اساس مبانی دینی و اسلامی از دیگر برکات عمر چهل ساله انقلاب اسلامی ایران به شمار می رود. ■

حجت الاسلام و المسلمین محمود نطنزی در گفتگو با مجله مهر و ماه با اشاره به چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به دستاورد برجسته حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادوار مختلف اشاره کرد و گفت: مهم ترین دستاورد این حوزه نمایندگی اشراف بر فعالیت های بشر دوستانه جمعیت هلال احمر است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان سمنان ادامه داد: همچنین نظارت کلی بر امور انجام شده در جمعیت هلال احمر از دیگر دستاوردها است، این نظارت با هدف انطباق اقدامات با احکام شرع مقدس صورت می گیرد.

وی تأکید کرد: نظام بخشی فعالیت های فرهنگی جمعیت از دیگر آثار برجسته فعالیت حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر است. حجت الاسلام و المسلمین نطنزی در ادامه این گفتگو به اقدامات برجسته حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان های مختلف اشاره کرد و توضیح داد: به واسطه شکل گیری حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر و ایجاد نمایندگی ها در تمام استان های کشور، ساماندهی و نظارت بر امور موقوفات، موهوبات و مصالحات جمعیت اتفاق افتاد که این امر بر افزایش اعتماد عمومی و مردمی به جمعیت هلال احمر افزوده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان سمنان با اشاره به اقدامات فرهنگی که در تمام دفاتر نمایندگی ها سراسر کشور انجام می شود، بیان داشت: تبیین امور فرهنگی، ارتقا سطح فرهنگی و عقیدتی کارکنان و اعضا از جمله اقداماتی است که دفاتر نمایندگی انجام می دهند، این برنامه ها به نزدیک شدن مردم به روحانیون منتج شده است. وی با اشاره به تنظیم اساسنامه و نظام نامه در حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر تأکید کرد: تبیین اصول هفتگانه و اهداف چهارگانه مصرح در اساسنامه جمعیت برای پرسنل و اعضا راهگشای فعالیت ها بوده و در واقع این اصول مسیر حرکت دفاتر نمایندگی را به وضوح روشن کرده است.

ایشان تأکید کرد: روحانیون در دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر که در استان های مختلف کشور ایجاد شده است، در واقع ملجا و پناهگاه و پدر معنوی پرسنل و اعضا برای رفع شبهات مذهبی و رفع مشکلات اخلاقی و اداری هستند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان سمنان با تأکید بر اینکه انقلاب اسلامی ایران بعد از چهل سال دستاوردهای ملی متعددی داشته است، عنوان کرد: ملت ایران ۲۰۰ سال تحت سلطه بیگانگان و مداخلات بیگانگان در تمام شوون کشور بودند، این انقلاب در واقع واکنش به این استعمار بود و استقلال را برای مردم ایران به ارمغان آورد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان خراسان جنوبی:

روحانیون، جوانان را از خانواده خود می‌دانند

وی ادامه داد: در بحث گسترش نمایندگی ولی فقیه در استان‌ها بنا بر حکمی که مقام معظم رهبری به حجت الاسلام والمسلمین معزی دادند، ایشان برای رسیدن به این اهداف نظام‌نامه‌ای تدوین کردند، از این رو اعتقاد دارم این نظام‌نامه یکی از دستاوردهایی بوده که برای کارهای نظارتی و فرهنگی نقشه راه بود تا به سمت جلو حرکت کنیم.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان جنوبی بیان داشت: از دستاوردهای دیگر حوزه نمایندگی ولی فقیه این بود که مجلس شورای اسلامی دفاتر نمایندگی ولی فقیه و حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر را به عنوان یکی از ارکان اصلی در اساسنامه ذکر کردند که مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت.

حجت الاسلام والمسلمین علی محمد درویشی گفت: در حال حاضر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر حضوری فعال، واقعی و اثرگذار در کلیه ارکان جمعیت و تصمیم‌گیری‌ها دارد. این موضوع در همه استان‌ها و در شورای عالی صدق می‌کند، به عبارتی حوزه نمایندگی و دفاتر آن در استان‌ها، در بخش‌های مهم جمعیت هلال احمر بروز و ظهور دارند.

گسترش فرهنگ نماز

وی با بیان این‌که براساس این نقشه راه، دفاتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان‌ها دستاوردهای زیادی داشته‌اند، به دستاوردهای فرهنگی اشاره کرد و بیان داشت: موضوع شاخص فرهنگی، نماز است، گسترش فرهنگ و توسعه نماز و امر به معروف و نهی از منکر در تمام شعب استان‌ها و شهرستان‌ها پیگیری می‌شود. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان جنوبی اظهار داشت: از جمله برنامه‌های فرهنگی می‌توان به جلسات روخوانی قرآن برای خانواده‌ها و فرزندان کارکنان جمعیت هلال احمر، برگزاری جشن تکلیف برای فرزندان، برنامه‌های متنوع برای ائمه جماعات، آموزش برای پایگاه‌های امداد و نجات، تجهیز کتابخانه و برپایی در طرح نوروزی، حضور کارکنان نمایندگی در کنار امدادگران و رسیدگی به مسائل شرعی اشاره کرد.

حجت الاسلام والمسلمین درویشی با بیان این‌که نظارت بر موقوفات جمعیت هلال احمر در استان‌های مختلف از دیگر دستاوردهای فرهنگی نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر محسوب می‌شود، گفت: سر و سامان دادن و رسیدگی به موقوفات از جمله اقداماتی است که در سال‌های پس از انقلاب انجام شده و تلاش می‌شود نیت واقفین به نحو احسن انجام شود.

وی تأکید کرد: در واقع حوزه نمایندگی ولی فقیه بازویی است برای مدیریت اجرایی در استان و مرکز. دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان‌های سراسر کشور به لحاظ ساز و کار مستقل هستند، اما به لحاظ کاری مانند



حجت الاسلام والمسلمین علی محمد درویشی، مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان جنوبی را بر عهده دارد، وی در گفتگو با مجله مهر و ماه با اشاره به چهلمین جشن پیروزی انقلاب اسلامی، به دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در چهل سال گذشته پرداخت و گفت: پس از پیروزی انقلاب، از طرف پرسنل و کارکنان جمعیت هلال

به مقام معظم رهبری آن زمان که امام خمینی (ره) بودند پیشنهاد و درخواست داده شد تا نماینده‌ای از طرف ولی فقیه در هلال احمر داشته باشند. سپس براساس نیاز آن‌ها که در اولویت نظارت بر مسائل شرعی و کمک‌های اهدایی بوده و سپس نظارت بر موقوفات، اموال و دارایی‌ها و بحث‌های فرهنگی در کل نمایندگی‌های هلال احمر در استان‌های کشور چنین اتفاقی رخ داد. ■





نمی‌کردیم زیر ۶ دقیقه امدادگران در محل حادثه حضور پیدا کنند.

ایشان تأکید کرد: به برکت خون شهیدان امکانات رفاهی مناسبی داریم و نباید بر طبل ناامیدی بکوبیم و بگوییم عقب افتاده هستیم. دستاوردها خیلی زیاد بوده، باید بخش بندی شود، و دستاوردها را در بخش اقتصادی، خلایقیت، علمی، مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، اما مهم تر این است که ببینیم پیش از انقلاب چه چیزهایی داشتیم و اکنون چه دستاوردهایی داریم. انقلاب در همه ابعاد - چه مادی و چه معنوی - حرکتی رو به جلو بوده است.

وی اظهار داشت: امام صادق (ع) می‌فرماید دو روز شما نباید مساوی باشد. در این چهل ساله با همه دشمنی‌های دشمن روزهای جمهوری اسلامی مساوی نبود، اما مسئولین باید بیشتر به فکر اشتغال و توجه به جوانان و آسیب‌های اجتماعی باشند. در بخش‌های فرهنگی بیشتر باید کار کنیم که جدایی، طلاق، اعتیاد و این قبیل مسائل رخ ندهد. در این بخش نگرانی‌های زیادی وجود دارد که با اشتغال‌زایی می‌توان بخش اعظم آن را برطرف کرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان جنوبی با اشاره به نگرانی‌ها در زمینه ازدواج و اشتغال جوانان، گفت: کارهایی در این زمینه شده است، ولی باید دولت‌مردان و مجریان و همه دستگاه‌ها دست به دست هم دهند. وی با اشاره به دستاوردهای بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران تأکید کرد: افتخار است که مقامات خارجی برای ملاقات با مقام معظم رهبری نوبت می‌گیرند، رئیس‌جمهور روسیه از مقام معظم رهبری برای مشورت در راستای مدیریت کشورش نوبت می‌گیرد. در هیچ جای جهان چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان جنوبی بیان داشت: در آفریقا و آمریکا نام فرزندان خود را روح... می‌گذارند یا نام شهید مطهری را انتخاب می‌کنند، این در واقع صدور انقلاب اسلامی در روستاهای دور افتاده آفریقا، آمریکا و اروپاست، این‌ها دستاورد کمی نیست، با این‌که اجازه تبلیغ اسلام را نمی‌دهند، این موج تا آخرین روستای اروپا، آفریقا و آمریکا رفته است و نمی‌توانند جلوی این اسلام‌خواهی را بگیرند. □



مسئول دفتر

نماینده ولی فقیه

در جمعیت هلال

احمر استان

خراسان جنوبی؛

دستاوردهای ملی

و مذهبی نظام

جمهوری اسلامی

قابل شمارش

نیست. درست

است که تحریم

داریم، دشمن

داریم، آسیب‌های

اجتماعی، فرهنگی

و اقتصادی داریم،

ولی باید منصفانه

قضاوت کنیم، باید

دید اوایل انقلاب

چه بودیم و الان

چه هستیم

خانواده در کنار پرسنل و امدادگران داوطلبان و جوانان با یکدیگر کار می‌کنیم.

□ کاروان نیکوکاری

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان جنوبی ادامه داد: در بحث داوطلبان صحبت زیاد است. روحانیون در کاروان نیکوکاری حضور پیدا می‌کنند، کانون طلاب یکی از دستاوردهای مهم دیگر حوزه نمایندگی به شمار می‌رود. بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که با قم و مشهد در حوزه‌های علمیه سراسر کشور بسته شده است، از ظرفیت علمی و عملی طلاب در کانون‌ها استفاده می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی محمد درویشی بیان داشت: هلال احمر دولتی نیست، بلکه نیمه دولتی و شبه دولتی است، با این حال در تمام عرصه‌ها حضور و بروز پیدا می‌کند و از توان علمی و عملی خود برای افزایش ظرفیت جمعیت هلال احمر استفاده می‌کند، آموزش‌های کمک‌های اولیه را به هم‌شهریان در نظر دارد و در کنار آن مسائل شرعی را در حادثه برعهده می‌گیرند، چون در کشور اسلامی زندگی می‌کنیم، باید مسائل شرعی را به نحو احسن رعایت کرد، بنابراین به آنچه نیاز جامعه است عمل می‌کنیم.

وی اظهار داشت: در زمینه تعامل با جوانان دستاوردهای خوبی داشته‌ایم، جوانان، روحانیون را از خودشان می‌دانند و روحانیون نیز جوانان را از خانواده خود می‌دانند و پاسخگوی مسائل شرعی آن‌ها، خصوصاً در ایام ماه مبارک رمضان هستند. در واقع یک نفر به عنوان معتمد امدادگران و پرسنل و پاسخگوی مسائل فرهنگی و شرعی در میان آن‌ها حضور دارد. جوانان از این همراهی خرسند هستند. مسئولین هم شاد هستند که بالاخره به وظیفه قانونی و شرعی‌شان می‌تواند جامعه عمل ببوشانند.

□ قضاوت منصفانه

حجت‌الاسلام والمسلمین علی محمد درویشی با اشاره به دستاوردهای ملی انقلاب اسلامی ایران، گفت: دستاوردهای ملی و مذهبی نظام جمهوری اسلامی قابل شمارش نیست. درست است که تحریم داریم، دشمن داریم، آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی داریم، ولی باید منصفانه قضاوت کنیم، باید دید اوایل انقلاب چه بودیم و الان چه هستیم.

وی ادامه داد: مقام معظم رهبری می‌فرمودند زمانی سیم خاردار را وارد می‌کردیم، امروز این سیم خاردار را با انرژی هسته‌ای، موشکی و دستاوردهای علمی دیگر مقایسه کنید، اصلاً قابل مقایسه نیست، فکرش را هم نمی‌کردیم در زمینه علمی نوآوری و ابتکار و تولید علم داشته باشیم.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان جنوبی عنوان کرد: در زمینه‌های فرهنگی هم خیزش‌های خوبی داشتیم، اما هنوز جای کار باقی است. در زمینه ابتکارات و خلایقیت در هلال احمر سامانه ۱۱۲ را که مخترع آن بیرجندی است داریم، زمانی تصور



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان لرستان:

انقلاب، رویکردی نوین نسبت به دین و معنویت شکل داد



حجت الاسلام والمسلمین بهزاد پیروزفر، مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان لرستان را بر عهده دارد. وی در گفتگو با مجله مهر و ماه با بیان این که دهه مبارک فجر هر سال بهترین فرصت برای معرفی دستاوردهای انقلاب اسلامی برای ایران و جهان است که باید از آن بهترین بهره را برد، گفت: انقلاب اسلامی در واقع فرصتی را به وجود آورد که ایدئولوژی اسلامی بار دیگر در جهان مطرح شود. اگر بخواهیم به دستاوردهای انقلاب اسلامی اشاره‌ای داشته باشیم، باید این دستاوردها را به دو بخش ملی و جهانی تقسیم کنیم، چرا که انقلاب اسلامی علاوه بر دستاوردها و برکات داخلی، منشأ تحولات زیادی در منطقه و جهان شده است. ■

تشکیل حکومت دینی

حجت الاسلام والمسلمین پیروزفر با بیان این که در سطح ملی باید به سه دستاورد بزرگ اشاره کرد که رهاورد انقلاب اسلامی در ایران شمرده می‌شود، اظهار داشت: انقلاب اسلامی در حالی الگوی تشکیل حکومت دینی بر پایه اصل ولایت فقیه را ارائه داد که پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی و امپراطوری روم، این باورشکل گرفته بود که دوره حیات دین و مذهب پایان یافته و در عصر سکولاریسم دیگر جایی برای دین در عرصه سیاست نیست.

وی ادامه داد: با این حال انقلاب اسلامی بر این باور غلط خط بطلان کشید و امام راحل (ره) در این باره تأکید فرمودند که ما موظف هستیم حکومت دینی تشکیل دهیم و این حکومت در زمان غیبت نیز می‌تواند تشکیل شود. به عبارت دیگر در مقابل جهان اول، جهان دوم و جهان سوم، امام خمینی (ره) بحث جهان اسلام و ظرفیت‌های آن را پررنگ کرد و همین امر باعث شد که رویکردی نوین نسبت به دین و معنویت شکل بگیرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان لرستان با بیان این که دومین دستاورد انقلاب اسلامی، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی است، گفت: به جرأت می‌توان ذکر کرد ایران اسلامی مستقل‌ترین کشور دنیاست و در هیچ یک از حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی ذره‌ای وابستگی و تبعیت از شرق و غرب ندارد و تمام تصمیم‌گیری‌ها در آن کاملاً مستقل صورت می‌گیرد.

پیروزفر تأکید کرد: آزادی‌ای که انقلاب اسلامی به جهان ارائه می‌دهد، معنا و مفهومی دارد که با آنچه غرب به بشر قرن بیستم ارائه می‌دهد کاملاً متفاوت است. در این آزادی نشانی از بی بند و باری، فساد و فحشا نیست و این نوع آزادی نه تنها دنیای شخصی و خصوصی افراد، بلکه جامعه و اجتماع را نیز در بر می‌گیرد. در این نوع آزادی هیچ کس نمی‌تواند آزادی افراد و نهادهای جامعه را سلب و آن‌ها را وادار به اقدامی کند یا مانع آن‌ها شود.

وی بیان داشت: در نتیجه رهاورد این استقلال و آزادی که انقلاب اسلامی برای ملت ما به ارمغان آورد در عرصه بین‌المللی می‌شود «نه شرقی نه غربی» و عدم وابستگی به شرق و غرب در تمامی امور. بنابراین می‌بینیم هم اکنون که بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، با وجود تغییر دولت‌ها و شخصیت‌ها و مسئولین کشور و ارائه دیدگاه‌های مختلف در اداره امور کشور، همچنان استقلال کشور با قدرت تمام حفظ شده و خللی در آن ایجاد نشده است.

احیای جایگاه ولایت فقیه

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان لرستان عنوان کرد: در جامعه ولایت فقیه، وفاداری افراد جامعه نه به نظام کمونیستی و نه نظام سرمایه‌داری است، بلکه شخص ولی فقیه است و کسی که در دوران غیبت امام عصر (عج) سکاندار جوامع بشری است. لذا





به جرأت می‌توان گفت که منشأ بسیاری از انقلاب‌ها و خیزش‌های مردمی علیه سردمداران طاغوتی و وابسته به کشورهای استکباری در منطقه، الگوگیری از انقلاب اسلامی ما بوده است.

وی اظهار داشت: امروزه جریان‌هایی مانند حماس، جهاد اسلامی و حشد الشعبی در عراق و سوریه و جریان مقاومت یمن که برای رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه به کابوس تبدیل شده‌اند، تماماً در مسیر انقلاب اسلامی ایران و با سرمشق گرفتن از آن بوده‌اند.

۱ | توسعه گستره جهان اسلام

این روحانی با تأکید بر این‌که انقلاب اسلامی به جهانیان ثابت کرد که جهان اسلام تنها در خاورمیانه خلاصه نمی‌شود، بیان داشت: بلکه جهان اسلام از موریتانی در غرب تا مالزی و اندونزی در شرق با جمعیتی بالغ بر یک و نیم میلیارد نفر را در برمی‌گیرد به این ترتیب جهان اسلام و مسلمانان بار دیگر نه تنها وارد صحنه شدند و توانستند نقش و جایگاه از دست رفته خود را احیا کنند، بلکه موجبات توسعه و گسترش اسلام در جوامع دیگری را نیز فراهم کنند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان لرستان گفت: امروزه کم نیستند افرادی که به برکت پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و آشنایی با آن، به مکتب اسلام گرایش پیدا کرده و مسلمان شده‌اند و به نوعی می‌توان گفت که انقلاب اسلامی در سطح منطقه و جهان اعتبار از دست رفته را بازگردانده و موجب شد که افراد زیادی در سرتاسر جهان با آشنایی با آموزه‌های روح بخش اسلام عزیز پیرو این مکتب متعالی شوند.



ارتقای فرهنگ

دینی و قرآنی،

ارزش‌های

اسلامی و انسانی،

به ویژه روحیه

مسئولیت‌پذیری

و تقویت فرهنگ

یاری رساندن و

خدمتگزاری به

آسیب‌دیدگان در

مسئولان، کارکنان

و اعضای جمعیت

هلال احمر از

جمله فعالیت‌های

دفتر نمایندگی

ولی فقیه در استان

لرستان است

حمایت و پشتیبانی از نظام و مقابله با توطئه‌های دشمنان کشور در محاسبات سود و زیان ولی فقیه قرار نمی‌گیرد، بر خلاف رهبران دیگر کشورها که در بحران‌ها و مشکلات پشت به کشور و مردم خود کرده‌اند.

وی تأکید کرد: ولی فقیه خود را مسئول تأمین امنیت و دفاع از جامعه می‌داند و این یکی از مهم‌ترین رموز بقا و ادامه حیات انقلاب اسلامی در ایران با وجود تمام توطئه‌های تدارک دیده شده علیه آن است. توطئه‌هایی که به اذعان بسیاری از محافل سیاسی بین‌المللی می‌توانست هر نظام دیگری غیر از جمهوری اسلامی را سرنگون کند.

۱ | دستاوردهای بین‌المللی انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین پیروزفر با تأکید بر این‌که دستاوردهای انقلاب اسلامی با توجه به تأثیرات شگرف و انکارناپذیری که در منطقه و جهان داشته است در سه محور مورد بررسی قرار می‌گیرد، بیان داشت: تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نظام دو قطبی بر عرصه بین‌الملل حاکم بود که بر اساس آن جهان بین دو ابر قدرت یعنی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق تقسیم می‌شد. در این نظام دو قطبی جایی برای قطب سوم نبود. اما انقلاب اسلامی با سردادن شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی تأکید کرد که قطب سوم هم در عرصه بین‌الملل بر اساس منافع و مناسبات مورد نظر ملت ایران وجود دارد و در صورتی که ایجاد کند، معادلات خود را هم بر شرق و غرب تحمیل خواهد کرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان لرستان ادامه داد: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در منطقه، بیداری اسلامی است و امروز



دستاورد‌های دینی و معنوی

حجت‌الاسلام والمسلمین پیروزفر مهم‌ترین دستاورد معنوی انقلاب را حاکمیت اسلام و قرآن و بازگشت روح به دین به جامعه و حکومت دانست و افزود: چه بسیار جوانانی که در زمان طاغوت فقط به جرم حمل قرآن و شرکت در جلسات قرآنی و مجالس مذهبی و به دست ساواک به شهادت رسیدند و این در حالی است که امروزه حکومت قرآنی و مکتب اسلام بر این کشور حاکم شده و چه بسیار جوانان عاشق شهادت، مؤمن و متعهد به در دامان این مکتب پرورش یافته‌اند.

وی گفت: باید اذعان داشت که دستاورد‌های مادی انقلاب از پیشرفت‌های پزشکی گرفته تا هسته‌ای، نانو و صنایع موشکی و موارد دیگر همگی توسط افراد مؤمن، رزمندگان دفاع مقدس و فرزندان این بزرگواران که در مکتب اسلام تربیت یافته‌اند صورت گرفته است.

حجت‌الاسلام والمسلمین پیروزفر تأکید کرد: فرهنگ مقاومت و ایستادگی در برابر کشورهای استکباری و استعماری که در روح و کالبد انقلاب و ملت شریف ایران شکل گرفته است، با تأسی از آیات قرآن و آموزه‌های متعالی پیامبر(ص) و اهل بیت مطهرشان در طول چهل سال گذشته به مدد ملت ایران آمده و این انقلاب را در فرازو نشیب‌های خطرناکی حفظ کرده است. توسعه و پیشرفت روزافزون و شکست‌ناپذیر بودن این ملت بهترین گواه بر الهی بودن این انقلاب است.

ایشان با بیان این‌که یکی از اقدامات بسیار مهم و ارزشمندی که با پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه اداری و سازمانی صورت گرفت، تأسیس نمایندگی ولی فقیه در جایگاه‌های اداری کشور با توجه به مأموریت‌ها و وظایف بود، گفت: در جمعیت هلال احمر با توجه به اهمیت حفظ اعتماد مردم و سرمایه‌های اجتماعی از تداوم خدمتگزاری و امدادسانی به قشر حادثه‌دیده و آسیب‌پذیر جامعه از ابتدای انقلاب تاکنون با حکم امام (ره) بنیانگذار بزرگ انقلاب اسلامی و بعد از آن با حکم مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نمایندگی را به عنوان ناظر شرعی بر تمامی امور این سازمان و هدایت و راهنمای کارکنان و اعضا تعیین کرده‌اند که تاکنون منشأ خیر و برکات فراوانی در این سازمان بوده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان لرستان ادامه داد: با توجه به ظرفیت بسیار بالای جمعیت هلال احمر در جذب جوانان و هدایت آن‌ها در مسیر امدادسانی به حادثه‌دیدگان که یک امر الهی و مورد تأکید آموزه‌های دینی و الهی است، حضور نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر کشور و نمایندگان ایشان در استان‌ها توانسته با توجه به برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسی که صورت گرفته رشد و تعالی فکری و عقیدتی کارکنان و اعضای جوان این سازمان را فراهم کند.

وی عنوان کرد: حفظ و نگهداری صحیح تجهیزات و املاک و امکاناتی که در اختیار این سازمان‌های عام‌المنفعه مردمی است که عموماً هم منبع تهیه آن‌ها اعانات و کمک‌های مردمی است امر بسیار مهم و ارزشمندی است که می‌تواند در



حجت‌الاسلام

والمسلمین پیروزفر:

فرهنگ مقاومت

و ایستادگی در

برابر کشورهای

استکباری و

استعماری که

در روح و کالبد

انقلاب و ملت

شریف ایران شکل

گرفته است، با

تأسی از آیات قرآن

و آموزه‌های متعالی

پیامبر(ص) و اهل

بیت مطهرشان در

طول چهل سال

گذشته به مدد

ملت ایران آمده و

این انقلاب را در

فراز و نشیب‌های

خطرناکی حفظ

کرده است

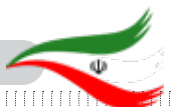
تقویت اعتماد عمومی و مردمی به این سازمان کمک شایانی کند. این امر از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، یعنی نظارت دقیق حوزه نمایندگی ولی فقیه تا حد زیادی محقق شده و زمینه‌های اعتماد را بیش از پیش فراهم کرده است.

افزایش اعتماد عمومی

حجت‌الاسلام والمسلمین پیروزفر با اشاره به فعالیت‌های برجسته حوزه نمایندگی ولی فقیه در ۴۰ سال گذشته بیان داشت: ارتقای فرهنگ دینی و قرآنی، ارزش‌های اسلامی و انسانی به ویژه روحیه مسئولیت‌پذیری و تقویت فرهنگ یاری رساندن و خدمتگزاری به آسیب‌دیدگان در مسئولان، کارکنان و اعضای جمعیت هلال احمر از جمله این فعالیت‌هاست که همین امر باعث شده از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و در طول ۸ سال جنگ تحمیلی و حوادث و بلایایی که در طول این سالیان به وقوع پیوسته جمعیت هلال احمر به عنوان یک سازمان پیشرو و موفق در ارائه خدمات ملت عزیز ایرانی اسلامی و منطقه و جهان شناخته شود.

ایشان تأکید کرد: از دیگر اقدامات نمایندگی ولی فقیه افزایش اعتماد عمومی، همیاری و کمک‌های مردمی به جمعیت است که این موضوع به عنوان سرمایه بسیار ارزشمندی برای جمعیت هلال احمر مطرح بوده و هست و هر جا که حادثه‌ای اتفاق افتاده، مردم عزیز ما با توجه به اعتمادی که به این سازمان دارند کمک‌های وسیع و بسیار ارزشمندی را به واسطه جمعیت هلال احمر به افراد آسیب‌دیده گسیل داشته‌اند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان لرستان گفت: نظارت بر فعالیت‌های جمعیت هلال احمر و حصول اطمینان از حسن اجرای امور و رعایت موازین شرعی در فعالیت هلال احمر و زمینه‌سازی جهت حضور روحانیون و طلاب آموزش دیده در فعالیت‌های جمعیت هلال احمر با توجه به تفاهم‌نامه بین جمعیت هلال احمر و مرکز مدیریت حوزه علیه قم با همکاری سازمان جوانان، از جمله مهم‌ترین اقدامات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر است. □





مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان ایلام:

اهتمام ویژه به مطالبات رهبری اثربخش ترین اقدام ما است

وی اظهار داشت: یکی از مهم ترین اقدامات برجسته حوزه نمایندگی، اهتمام ویژه به مطالبات مقام معظم رهبری از جمعیت هلال احمر بوده است، نسبت به فعالیت هایی که در حوزه های مختلف در کل جمعیت هلال احمر انجام می شود، بنده بر این باورم که اهتمام ویژه به مطالبات رهبری در جمعیت، اثربخش ترین اقدامات و فعالیت های نمایندگی ولی فقیه است. حجت الاسلام والمسلمین الیاسی با اشاره به دستاوردهای ملی و بین المللی انقلاب اسلامی ایران، اظهار داشت: استقلال و عزت ملی و اسلامی از مهم ترین دستاوردهای ملی انقلاب اسلامی محسوب می شود. نظام مقدس جمهوری اسلامی را می توان بزرگ ترین دستاورد ملی دانست، در واقع نظام جمهوری اسلامی نوآوری قرن حاضر در دنیای پر از ظلم و جنایت امروزی است. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ایلام در خصوص دستاورد بین المللی انقلاب اسلامی گفت: گفتمان انقلاب اسلامی از جمله دستاوردهای بین المللی است. در دنیا بعد از انقلاب اسلامی ایران و معجزه قرن حاضر، گفتمان انقلاب اسلامی که دفاع از مظلوم و مستضعفین بود و مقابله با طاغوت های زمان و جریان مقاومتی در مقابل استکبار و صهیونیسم بین المللی شکل گرفته است.

وی با اشاره به بیداری اسلامی بعد از انقلاب اسلامی ایران، بیان داشت: پیش از انقلاب اسلامی ایران در دنیا ندا و صدایی از مظلوم شنیده نمی شد، اما با پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان دفاع از مظلومان شکل گرفت. با این حساب مقابله با استکبار و صهیونیست بین المللی دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی و کشور اسلامی ایران است.

حجت الاسلام والمسلمین الیاسی با اشاره به تأثیرات دینی و معنوی انقلاب اسلامی ایران گفت: حکومت مهم ترین دستاوردی است که همه ظرفیت ها و دستاوردهای دینی را در خود و حکومت خود جای داده است، رهبری حکیمانه، ولایت حکمت، عدالت، فقاهاست اسلام و اسلامی حقیقی از دستاوردهای دینی و معنوی انقلاب است. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ایلام تأکید کرد: در حقیقت این انقلاب اسلامی و این حکومت دینی برای هدایت جامعه به سوی کمالات معنوی و دینی که هم سعادت دنیا را به همراه می آورد و هم سعادت اخروی، شکل گرفته است. □



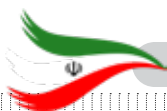
حجت الاسلام والمسلمین جواد الیاسی، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ایلام است. ایشان با اشاره به سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، در خصوص دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه گفت: از جمله دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه در چهل سال گذشته تربیت نیروی انسانی محصل و متعهد است، تربیت چنین نیروهایی در طول این ۴۰ سال از جمله اصیل ترین محورهای کاری حوزه نمایندگی ولی فقیه بوده است. □

وی ادامه داد: نظارت بر سلامت اجرای وظایف محوله در هلال احمر که از جمله مهم ترین کارکردهای حوزه های ولی فقیه است را می توان جزو دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر برشمرد. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ایلام گفت: همچنین از مهم ترین دستاوردهای چهل ساله جمعیت هلال احمر، حمایت و هدایت درست اصول و اساسنامه جمعیت است. این موارد که نام برده شد، حوزه گسترده و مصادیق بسیار متعددی را به دنبال دارد و می توان تک تک این نکات را از برکات چهل سال انقلاب اسلامی دانست. حجت الاسلام والمسلمین الیاسی با اشاره به فعالیت های اثر بخشی که در طول چهل سال پس از انقلاب در حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر انجام شده است، بیان داشت: انجام گسترده فعالیت های فرهنگی و مذهبی، یکی از کارهای برجسته حوزه نمایندگی در طول سال های گذشته است که این فعالیت ها قبل از انقلاب انجام نمی شد.

وی با بیان این که بر اساس آموزه های دین مبین اسلام فعالیت های مهم فرهنگی و مذهبی در جمعیت هلال احمر شکل گرفته است، تأکید کرد: نقش برجسته حمایت ها و کمک های حوزه نمایندگی ولی فقیه در طول دوران دفاع مقدس در جمعیت هلال احمر برای رزمندگان و مجاهدان عزیز و همچنین برای جنگ زدگان در طول چهل ساله بعد از انقلاب اسلامی از جمله کارهای برجسته حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ایلام بیان داشت: نظارت بر کمک های مردمی برای حادثه دیدگان در بلایای طبیعی مثل زلزله، سازماندهی منابع انسانی در حوزه نمایندگی ولی فقیه و توسعه آن در استان ها از جمله کارهای برجسته این حوزه نمایندگی بوده است.

حجت الاسلام والمسلمین الیاسی تأکید کرد: تدوین اساسنامه ها و آیین نامه های مناسب برای حوزه نمایندگی، حضور در کنار سایر نیروهای خدوم جمعیت هلال احمر در عرصه های مختلف و فعالیت ها، چه در عرصه داخلی و چه عرصه بین المللی و حوادث طبیعی و غیر طبیعی از اقدامات حوزه نمایندگی به شمار می رود.



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت
هلال احمر استان زنجان خاطر نشان ساخت:

توجه ویژه به احیای امر به معروف ونهی از منکر

وی به اقداماتی که در حوزه فرهنگی در دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان های مختلف صورت گرفته است اشاره کرد و اظهار داشت: راه اندازی دفتر مشاوره دینی، برگزاری جلسات مختلف با موضوع تحکیم خانواده ویژه کارکنان، ارتباط اخلاقی و معنوی با بازنشستگان، برگزاری همایش تجلیل و تکریم آن ها و تجلیل و تکریم از ایثارگران و سرکشی به خانواده های معظم شهداء از جمله فعالیت ها در حوزه فرهنگی است.

ایشان با بیان اینکه فعالیت های فرهنگی بر اساس تقویم فرهنگی در طول سال انجام می شود، بیان داشت: متناسب با مناسبت های دینی و مذهبی برنامه هایی چون برگزاری فعالیت های فرهنگی ویژه دهه مهدویت و نیمه شعبان، برگزاری فعالیت های ویژه غدیرشناسی، اجرای فعالیت های ویژه فرهنگی در چارچوب تقویم فرهنگی از قبیل سخنرانی، مداحی، مسابقات، مشاوره، انتشار اوراق تبلیغی و بسته های فرهنگی، برگزاری مراسمات و مسابقات ویژه برنامه های ماه مبارک رمضان و برگزاری ویژه برنامه های دهه اول ماه محرم الحرام و اربعین حسینی (ع) در نظر گرفته می شود.



حجت الاسلام و المسلمین جواد نصیری
مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت
هلال احمر استان زنجان در گفتگو با مجله مهر
و ماه به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی،
دستاورد های حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال
احمر را مورد بررسی قرار داد و گفت: این حوزه در بخش
فرهنگی توسعه و ترویج فرهنگ و معارف اسلامی و ارزش های اخلاقی و اخلاق و
مشاوره دینی و تحکیم بنیان خانواده را دنبال کرده است. ■

کتابخانه های دینی در پایگاه های امداد جاده های

حجت الاسلام و المسلمین نصیری با اشاره به فعالیت های علمی، تخصصی و آموزشی در دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان، بیان داشت: تأمین نیاز های فکری فرهنگی اردوها، همایش ها و جشنواره ها از قبیل سخنرانی، مشاوره، اقامه نماز جماعت در این بخش لحاظ می شود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان افزود: همچنین برگزاری جلسات و کارگاه های آموزشی پیرامون سبک زندگی اسلامی علیه فرق و عرفان های نوظهور، نشست تخصصی اخلاق امدادگری، آموزش فرهنگ بشردوستانه و شناسایی خیرین در جامعه و هدایت آنان به سوی نیازها برای فعالیت های علمی دفتر تعریف شده است.

وی با اشاره به راه اندازی کتابخانه های دینی در پایگاه های امداد جاده های و شعب، به برگزاری نشست های تخصصی قرآنی اشاره کرد و توضیح داد: نشست تخصصی علوم و فنون قرآن، نشست تخصصی آموزش احکام، نشست تخصصی نهج البلاغه، نشست تخصصی مهدویت، غدیرشناسی، عاشورا، بعثت، امر به معروف و نهی از منکر از جمله فعالیت های ویژه و اثرگذار حوزه نمایندگی ولی فقیه است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان با بیان اینکه به مناسبت های فرهنگی اردوهای زیارتی، مسابقه کتابخوانی و مقاله نویسی برگزار می شود، به آموزش ها تخصصی اعضای کانون های طلاب و روحانیون پرداخت و گفت: گردهمایی مختلفی برای آموزش به اعضای جمعیت هلال احمر برگزار شده است که می توان به گردهمایی مشترک مسئولین مدارس و حوزه های علمیه استان و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت استان و اعضای کانون طلاب و روحانیون و گردهمایی مشترک





حجت الاسلام و المسلمین نصیری با اشاره به حضور نمایندگی های ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در مناطق حادثه دیده و دیدار با خانواده های نیازمندان به تأثیرگذاری این امر پرداخت و گفت: ما همواره آمادگی اعزام روحانیون احمر در مناطق حادثه دیده و دیدار با خانواده های نیازمندان به تأثیرگذاری این امر پرداخت و گفت: ما همواره آمادگی اعزام روحانیون احمر در مناطق آسیب دیده را داریم، حضور در حوادث برای نظارت بر فعالیت های فرهنگی و کمک های مردمی است.

جمعیت استان (مرتبط با برنامه های حوزه نمایندگی ولی فقیه) در راستای اهداف عالی جمعیت در دستور کار قرار می گیرد.

وی با بیان این که میزان هماهنگی و همکاری معاونت (شعبه) با دفتر ارزیابی می شود، ادامه داد: ارزشیابی عملکرد (اثربخشی و کارایی) معاونت یا شعبه در قالب طرح انگیزشی، ارزیابی حقوق شهروندی و خط مشی و سیاست های جمعیت هلال احمر استان نیز مورد توجه حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر است.

این روحانی با بیان این که یکی از کارهای دفاتر نمایندگی نظارت بر کمک های مردمی و اموال اهدایی اظهار داشت: نظارت بر نحوه جمع آوری، نگهداری و مصرف کمک های مردمی و بین المللی در حوادث و همچنین طرح های سازمان داوطلبان، هدایای نقدی و مسکوکات طلا و نقره، کمک های غیر نقدی، نحوه جمع آوری و نگهداری از کمک های مردمی، شیوه مصرف کمک ها در راستای نیت خیرین، ارزشیابی نحوه استفاده و مصرف کمک های مردمی و مانده کمک های مردمی استفاده نشده در حوادث و طرح ها از جمله وظایف تعریف شده نظارتی دفاتر نمایندگی است.

حجت الاسلام و المسلمین نصیری ادامه داد: نظارت بر مراکز جمع آوری و نگهداری (انبارها) هدایا و کمک های مردمی و بازدید و بررسی نحوه نگهداری و استفاده از اموال اهدایی منقول و غیر منقول (موهوبات، مصالحات...) نیز صورت می گیرد. از سوی دیگر نحوه نگهداری و استفاده از اموال اهدایی ارزشیابی می شود و هزینه کرد هدایا در راستای نیت خیرین از مهم ترین دغدغه های نظارتی ما به شمار می رود. □



دبیران کانون های طلاب و روحانیون اشاره کرد. وی افزود: توسعه و تقویت کانون طلاب و روحانیون مرکز استان و شعب تابعه و برگزاری اردوهای علمی و آموزشی و مسابقات ورزشی (تیم طلاب) از دیگر برنامه های آموزش تخصصی اعضای کانون طلاب و روحانیون است.

حجت الاسلام و المسلمین نصیری با اشاره به حضور نمایندگی های ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در مناطق حادثه دیده و دیدار با خانواده های نیازمندان به تأثیرگذاری این امر پرداخت و گفت: ما همواره آمادگی اعزام روحانیون احمر در مناطق آسیب دیده را داریم، حضور در حوادث برای نظارت بر فعالیت های فرهنگی و کمک های مردمی است.

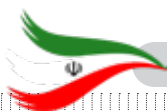
ایشان با بیان این که اعطای هدایای ویژه بین آسیب دیدگان در قالب بسته های فرهنگی از سوی حوزه نمایندگی ولی فقیه صورت می گیرد، بیان داشت: توزیع سبدهای غذایی بین دردمندان و نیازمندان و مشارکت در کاروان های سلامت، شرکت در مراسم ختم همکاران و امدادگران و نصب بنر و برگزاری مراسم ویژه ختم در ستاد با هدف تکریم و ارج نهادن از دیگر فعالیت های دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به شمار می رود.

□ ترویج سبک زندگی اسلامی

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان با تأکید بر تبیین دیدگاه های حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره توضیح داد: اندیشه های حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در خصوص سبک زندگی اسلامی و خانواده در اسلام بررسی و تبیین می شود، از این رو جزوات، اقلام تبلیغی و کتب مذهبی تهیه و در مناسبت ها و مراسمات توزیع می شود. وی با تأکید بر انجام فعالیت های ویژه در تحقق عنوان سال ۹۷ از سوی رهبری معظم بیان داشت: در فعالیت فرهنگی و برگزاری جلسات و مسابقات در خصوص احیای امر به معروف و نهی از منکر توجه ویژه ای صورت می گیرد.

حجت الاسلام و المسلمین نصیری با بیان این که دفاتر نمایندگی نظارت بر محتوا و حسن اجرای برنامه ها، فعالیت ها و دستورالعمل های فرهنگی را برعهده دارند، توضیح داد: در راستای انجام این نظارت، بازدید و ارزیابی از فعالیت های فرهنگی جمعیت هلال احمر استان، حضور مستمر و مؤثر در همایش ها، جشنواره ها و اردوهای جمعیت هلال احمر استان، تهیه گزارش و مستندسازی، برگزاری اردوهای زیارتی و تشویقی همکاران و اعضای فعال، مسابقات پژوهشی، تألیف کتاب، ارائه مقالات در حوزه اهداف جمعیت هلال احمر، اهدای هدایای فرهنگی و برپایی چادر قرآن بخوانید و جایزه بگردد، صورت می گیرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان در ادامه به حوزه نظارتی و برنامه های اجرایی دفتر نمایندگی ولی فقیه اشاره کرد و بیان داشت: بازدید و بررسی وضعیت عملکرد و خط مشی، تشکیل جلسات با مدیرعامل، معاونت ها و نظارت و ارزشیابی عملکرد فعالیت های شعب



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت
هلال احمر استان چهار محال و بختیاری تأکید کرد:

ترویج ترجیح ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهار محال و بختیاری پای گفتگو با مجله مهر و ماه نشست. گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر جعفری که مسئولیت فرهنگی دانشگاه آزاد و دانشگاه دولتی استان و مشاور حوزه‌های علمیه و دفتر نهاد رهبری دانشگاه استان را نیز بر عهده دارد به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی انجام شد. ■

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر جعفری به عملکرد حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در سال‌های پس از انقلاب اسلامی پرداخت و گفت: با توجه به سیاست‌های هدایتگری و نظارتی دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت استان‌ها و با توجه به شعارها و اهداف جمعیت هلال احمر و همکاری بین سازمانی با مدیران و معاونت‌ها و همکاران دفتر نمایندگی به گوشه‌ای از وظایف خود در آستانه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی اشاره می‌کنم.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهار محال و بختیاری به وظایف این دفتر در بعد مسائل فرهنگی اشاره کرد و بیان داشت: در بحث هویت بخشی دینی و اعتقادی می‌توان به سلسله جلساتی با موضوع اعتقاد به وحدانیت خداوند و توکل بر خدا، پرهیز از عرفان‌های انحرافی و مادی‌گرایانه، اعتقاد به عدالت خداوند که خداوند به کسی ظلم نمی‌کند، اعتقاد به نبوت و عصمت، اعتقاد به قرآن که معجزه جاویدان و تحریف نشده است، اعتقاد به وحی و اعتقاد به عصمت پیامبران و اعتقاد به امامت، اعتقاد به حضرت علی (ع) و ائمه بعد از ایشان به عنوان امامان و جانشینان بر حق پیامبر اسلام (ص)، اعتقاد به ظهور امام عصر (عج)، اعتقاد به وجود یک انسان کامل در هر زمان به عنوان امام معصوم (ع)، اعتقاد به بهره‌مندی از سنت و سیره معصومین در زندگی، توسل به ائمه هدی اشاره کرد.

وی تأکید کرد: در خصوص اعتقاد به معاد جلساتی با موضوعات اعتقاد به بازگشت همه انسان‌ها به سوی خداوند، اعتقاد به عالم برزخ و قیامت، اعتقاد به حیات پس از مرگ و روحیه امیدواری، اعتقاد به معاد جسمانی و روحانی و اعتقاد به بهشت و دوزخ برگزار شد. در این جلسات به نکاتی چون التزام به فروغ دین شرکت در مناسک و شعائر دینی، التزام به احکام شرعی، حجاب و عفاف، نماز جماعت، امر به معروف و نهی از منکر، نماز جمعه و خمس تأکید می‌شود.

ایجاد روحیه همدلی در بین کارکنان

ایشان با بیان اینکه سلسله نشست‌ها و گفت‌وگوها و گفت‌وگوها با موضوعات اخلاقی نیز برگزار شده است، عنوان کرد: ارجحیت ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی مانند وقف، قناعت، ساده‌زیستی، انفاق، نفی مصرف‌گرایی و رفاه‌طلبی، روحیه سخاوت، شجاعت و فداکاری، صبر، توجه به خودسازی، و وجدان‌کاری، پرهیز از تملق و چاپلوس، نفاق و دورویی و ریاکاری، توجه به بصیرت‌افزایی در جهت درک درست و عمیق معیارهای شناخت حق و باطل و پرهیز از رفتارهای احساسی و هیجانی قبل از تصمیم‌گیری‌ها به خصوص در مواقع حوادث اعم از طبیعی و انسان‌ساخت (غیرطبیعی)، داشتن روحیه نقدپذیری و ایجاد روحیه همبستگی و همدلی در بین کارکنان و اعضای جمعیت هلال احمر به ویژه در زمان بروز حوادث و سختی‌ها مورد تأکید و توجه قرار دارد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهار محال و بختیاری با تأکید بر اینکه در این نمایندگی در راستای هویت بخشی انقلابی و ملی اقداماتی صورت می‌گیرد، بیان داشت: برای هویت انقلابی بر موضوعاتی چون روحیه



و جلب مشارکت عمومی در حوزه فرهنگ در واقع پایه‌های استقلال فرهنگی است.

۴ بیش از ۳۰ برنامه متنوع در طول سال

ایشان با بیان این که دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری بیش از ۳۰ برنامه متنوع در طول سال برگزار می‌کند، به فعالیت‌های برجسته که بیشترین اثرگذاری در طول ادوار مختلف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را داشته است، اشاره کرد و اظهار داشت: برگزاری دوره‌های شیطان‌شناسی، برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت با موضوعات اخلاق کار و ارزش‌های سازمانی، اهمیت و شیوه‌های دعوت به نماز، آسیب‌شناسی فرهنگی، اجتماعی با رویکرد آسیب‌شناسی جوانان و نوجوانان، دوره نماز، آسیب‌های اجتماعی و شبکه‌های مجازی، فعال کردن کانون‌های طلاب و برگزاری دوره‌های آموزشی از جمله این اقدام‌هاست.

حجت الاسلام والمسلمین جعفری به برنامه‌های نظارتی دفتر نمایندگی ولی فقیه اشاره کرد و گفت: این بخش از برنامه‌های دفتر نمایندگی شامل نظارت بر برنامه‌های اجرایی جمعیت استان، نظارت بر موقوفات و صرف موقوفات در راستای نیات واقفین و همچنین نظارت بر موهوبات، صلح و نظارت بر اموال اهدایی و نظارت در راستای مصرف آن‌ها در راستای کمک به آسیب‌دیدگان و محرومین، همچنین تشکیل مجامع استانی و شهرستانی خیرین با همکاری واحد داوطلبان به منظور تشویق و ترغیب خیرین در جهت خدمت به جمعیت هلال احمر می‌شود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری اظهار داشت: نمونه نظارت این دفتر بررسی کمک‌های خیرین، موقوفه شهید جمشیدی شهرستان فارس و اهدای زمین کانون دانشجویی شهر جونقان و اهدای زمین جهت ساخت پایگاه‌های امداد و نجات در شهرهای فارس و بروجن و دشتک است. □



در جهت هویت

بخشی ملی به

منظور خود باوری

ملی، سلسله

نشست‌هایی

با موضوعات

برجسته کردن

شخصیت‌هایی که

در سعادت این

مرز و بوم افتخار

آفریدند با هدف

تبیین اهداف این

شخصیت‌ها برای

حفظ و حراست از

مرزها و محدوده‌های

جغرافیایی، دفاع در

برابر تجاوز بیگانگان

و ترجیح منافع

ملی بر منافع قومی

و علاقه به پرچم

و سرود جمهوری

اسلامی ایران برگزار

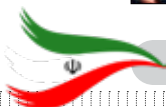
شد

استکبارستیزی در واقع اعتقاد به مستکبر بودن آمریکا و رژیم صهیونیستی و روحیه ایثار، فداکاری و شهادت طلبی در حین ماموریت‌های محوله به جمعیت هلال احمر و احترام به امام (ره) و شهدای انقلاب اسلامی کاری شود.

وی تأکید کرد در جهت هویت بخشی ملی به منظور خود باوری ملی سلسله نشست‌هایی با موضوعات برجسته نمودن شخصیت‌هایی که در سعادت این مرز و بوم افتخار آفریدند با هدف تبیین اهداف این شخصیت‌ها برای حفظ و حراست از مرزها و محدوده‌های جغرافیایی، دفاع در برابر تجاوز بیگانگان و ترجیح منافع ملی بر منافع قومی و علاقه به پرچم و سرود جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

حجت الاسلام و المسلمین جعفری با بیان این که از سرمایه‌های اجتماعی برای مشارکت در انتخابات، راهپیمایی‌ها و آگاهی‌های سیاسی بهره برده شده است، افزود: برای روحیه استقلال طلبی در زمینه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی برنامه‌ریزی شده است که در بخش استقلال اقتصادی به مواردی چون اصلاح الگوی مصرف، ساده زیستی، فناخت و گرایش به مصرف کالاهای داخلی، احیای روحیه جهادی در سازندگی کشور، اعتماد به توان خودی، امیدواری به آینده کشور، احترام به مالکیت خصوصی، فرهنگ درست کاری در حوزه کسب و کار، فرهنگ تلاش و کارواهتمام به سلامت اداری توجه شد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری با بیان این که استقلال سیاسی در واقع پرهیز از غریزدگی و خودباختگی است، به توضیح استقلال فرهنگی پرداخت و گفت: جرأت ایستادگی در مقابل سلطه‌گران، مقابله با تهاجم فرهنگی، ترویج فرهنگ جهادی و بسیجی، گسترش نهضت دینی به ویژه بین جوانان، حفظ ذخایر و سرمایه‌های فرهنگی، عدم خودباختگی فرهنگ، اهتمام به تربیت نیروی انسانی با ایمان و پیرانگیزه، بهره‌گیری از هنر به منظور تحقق اهداف فرهنگی، کالا و خدمات فرهنگی متناسب با فرهنگ خودی



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی:

نمایندگی ولی فقیه حلقه اتصال مدیریت اسلامی، جهادی است



حجت الاسلام و المسلمین محمد رضایی،
مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال
احمر استان خراسان شمالی، مدرس دانشگاه
علم و فرهنگ تهران، مدرس دانشگاه اشراق و دانشگاه
علمی - کاربردی جمعیت هلال احمر است. ایشان در
گفتگو با مجله مهر و ماه به مناسبت چهلمین سال پیروزی
انقلاب اسلامی به دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه در ۴۰ سال گذشته اشاره کرد
و گفت: تقابل گروه‌های برون‌گرا و درون‌گرایی که حوزه نفوذ آن کل جامعه را فرا گرفته
یکی از چالش‌های مهم است که مسئولین فرهنگی کشور و به تبع آن حوزه نمایندگی
ولی فقیه جمعیت هلال احمر را درگیر خود کرده است. ■

وی ادامه داد: گروه اول به دنبال پیشرفت، راه جذب در
جامعه جهانی را در پیش گرفته و گروه دوم به دنبال گفتمان
دینی باتکیه بر نظریات حضرت امام خمینی (ره)، سیره نبوی
و علوی و رهنمودهای مقام معظم رهبری است. تقابل این
دو گروه ممکن است موجب بروز و ایجاد تنش در سطح جامعه
شود که اعضای جمعیت هلال احمر نیز عضوی از جامعه
هستند.

ایجاد تفاهم

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر
استان خراسان شمالی بیان داشت: حوزه نمایندگی ولی فقیه
تمام همت و تلاش خود را برای جلوگیری از تقابل و ایجاد
تفاهم بین طرفداران دیدگاه‌های هر دو گروه به کار گرفته
است تا دو طرف برای خدمت‌رسانی به آحاد مردم جامعه
علی‌الخصوص حادثه‌دیدگان و نیازمندان همت مضاعف
به کار ببرند و بتوانند در سایه سار عدالت و اهداف بلند انقلاب
اسلامی ضمن در خدمت گرفتن شعارهای اصلی جمعیت
هلال احمر و پاسداری از ارزش‌های والای انسانی، آرمان‌های
انقلاب و تفکر بسیجی امام و رهبری، مرزهای دینی ما را در
سطح جهانی گسترش دهند.

حجت الاسلام و المسلمین رضایی به کارهای برجسته
حوزه نمایندگی ولی فقیه در ۴۰ سال گذشته اشاره کرد و
گفت: پیگیری و ایجاد کانون طلاب هلال احمر در راستای
انتقال پیام اسلام و تبلیغ علمی دین با هدف خدمت‌رسانی
طلاب در زمان حوادث انجام شده است. همچنین فراگیری
حضور روحانیون در موضوعات امدادی چرا که حضور
طلاب در مناطق محروم و روستاها و همچنین هنگام وقوع
حوادث و خدمات‌رسانی طلاب به مردم اثر بیشتری بر ترویج
دین دارد.

حلقه اتصال مدیریت اسلامی

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان
خراسان شمالی اظهار داشت: نمایندگی ولی فقیه حلقه
اتصال مدیریت اسلامی، جهادی است و اعضای داوطلب
در خصوص آماده‌سازی تیم‌ها در امر خدمات‌رسانی و اجرای
دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌ها منطبق بر شعار اسلامی و کلیه
نیازهای درمانی مردم تلاش می‌کنند تا بتوانند نقص‌های
احتمالی در خصوص معارف و مسائل دینی را رفع و رجوع
کنند.

وی گفت: برگزاری سلسله مباحث مهارت‌های زندگی بین
اعضای جوانان داوطلبان و امدادگران، شناخت و استفاده
صحیح از شبکه‌های اجتماعی، نحوه صحیح برخورد با
اعضای خانواده در قبال مشکلات به وجود آمده و بررسی
راه حل‌های رفع مشکل از دیگر اقدامات دفاتر نمایندگی
ولی فقیه در جمعیت هلال احمر است.

ایشان ادامه داد: حضور در کنار خانواده معظم شهدا
و ایثارگران و بیمارستان‌ها همراه جوانان و داوطلبان
جمعیت، تبیین روحیه خدمات‌رسانی توأم با حس و وظیفه
دینی و تشویق آنان برای خدمت به مساکین و دردمندان





فناوری در سطح جهان داریم مهربون زیرساخت‌ها و فرهنگ دفاع مقدس است که ازدل آن انواع موشک‌ها و پهپادها بیرون آمده تا دشمن را از هرگونه تعرض به خاک ایران باز دارد که این خود باعث همتی مضاعف شد تا در سایر سطوح علمی و اقتصادی هم گام‌های مهمی در راستای اقتصاد و مقاومت برداشته شود.

۴ احیای تمدن اسلامی

ایشان گفت: انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی در ایجاد وحدت بین ملت‌ها، احیای تمدن اسلامی و باورهای اصیل اسلامی استوار شده که شالوده سازمان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ملت اسلام و آئین‌های مشترک اسلامی را پایه‌گذاری می‌کند و با نفی دشمن مشترک بر کوتاه کردن دست قدرت‌های جهانی از ثروت‌های ملی کشورهای اسلامی همت گمارده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی در بخش دیگر این گفتگو به مهم‌ترین دستاوردهای دینی و معنوی انقلاب اسلامی پرداخت و گفت: شناساندن اسلام اصیل از جمله دستاوردهای این حوزه است و همگی موظفیم اسلام اصیل را آن‌گونه که باید، به جهانیان معرفی کنیم.

حجت السلام و المسلمین رضایی عنوان کرد: تاریخ اسلام و جهان نشان می‌دهد که دین اسلام روح حیات را به کالبد بشریت دمید و جامعه انسانی را احیا کرد اما از آغاز تا کنون همواره دشمنانی وجود داشته که مصمم به نابودی اسلام با پیشگیری از تأثیرگذاری آن بوده‌اند. وی ادامه داد: بدین منظور، نسخه‌هایی از اسلام غیر واقعی و قرائت‌هایی تحریف شده از اسلام را در برابر اسلام حقیقی و اصیل ارائه کرده‌اند که در آثار و اندیشه امام خمینی (ره) عنوان مشترک همه آن‌ها «اسلام آمریکایی» است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی تأکید کرد: وظیفه دفاع از اسلام اقتضا می‌کند که ویژگی‌ها و شاخصه‌های اسلام اصیل در مصادف با «اسلام انحرافی» با استفاده از منابع متقن و نیز متون وحیانی و الهی شناسایی و ارائه شود تا طرح‌ها و تبلیغات فریبکارانه استعمارگران بر مردم آشکار شود.

ایشان افزود: این وظیفه را ولی فقیه و نمایندگان ایشان با استفاده از رهنمودهای حکیمانه امام خمینی (ره) با تطبیق بر آیات کریمه قرآن که چراغی پر فروغ و نورافکن در این راه است بر عهده گرفته است و اتحاد مردم انقلابی در جمهوری اسلامی ایران برای رهیافت جامعه در این راه قدم برداشته‌اند. در پرتو این منابع نورانی، چند شاخصه وجود دارد که عدم جدایی از سیاست، استخدام وسیله صالح، فرامی و منطقه‌ای بودن، استواری و درستی، جامعیت، تمامیت، حمایت مستضعفان و ستیز با مستکبران از جمله آن‌هاست.

والتیام دردها، برگزاری سلسه جلسات تفسیر قرآن و تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی در بین جوانان داوطلبان، پرسنل و خانواده آنان، تقدیر و تشکر از خانواده‌های پرسنل جهت صبر برابر مشکلات ناشی از غیبت پدر خانواده در زمان بروز حوادث، واگذاری امور به جوانان و معرفی امام جماعت از دیگر اقدامات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به شمار می‌رود.

حجت الاسلام و المسلمین رضایی با اشاره به اقدامات برجسته حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر تأکید کرد: پیاده سازی منویات مقام معظم رهبری در مورد خدمت هرچه بیشتر پرسنل اعضای داوطلبان امدادگران به مردم با استفاده از توان و ظرفیت‌های موجود و ایجاد و تقویت اعتماد عمومی به جمعیت هلال احمر از دیگر فعالیت‌های این حوزه نمایندگی است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی با بیان این‌که انقلاب اسلامی در طول عمر چهل ساله خود دستاوردهای متعددی داشته است، گفت: افزایش نرخ سواد، افزایش سطح بهداشت و امید به زندگی در ایران، رشد علمی در کلیه سطوح از اقتصادی تا نظامی با وجود تمام تحریم‌ها از جمله حوزه‌های نانو، لیزر و تبدیل شدن به قطب پزشکی، ورود به باشگاه فضایی جهان و پرتاب ماهواره، تولید ماهواره و توسعه صنایع مثل ساخت هواپیما، کشتی، سد و پالایشگاه از دستاوردهای ملی این پیروزی است.

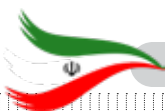
وی در ادامه گفتگو به دستاوردها و اثرگذاری‌های انقلاب اسلامی بر فضای بین‌المللی اشاره کرد و بیان داشت: نفوذ در سطوح مختلف و قلوب ملل جهان با خدمت‌رسانی بی‌منت در زمان حوادث و پیام‌رسانی صلح و دوستی بدون سلاح و سربزه ضمن حمایت از مستضعفان در برابر استعمار و استبداد از جمله اثرات انقلاب اسلامی است.

ایشان تأکید کرد: نقش کلیدی ایران در غرب آسیا و دامنه نفوذ گسترده تا یمن و لبنان البته نفوذ از جنسی متفاوت و تأکید بر وحدت شیعه و سنی و پرهیز از طایفه‌گرایی، فرهنگ سیاسی و الگوی مردم‌سالاری دینی، استکبار ستیزی و مقاومت از اثرات انقلاب اسلامی بر منطقه و جهان است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی تأکید کرد: دگرگونی معادلات بین‌المللی و ایجاد بلوک جدیدی به نام گفتمان دینی اسلامی در بین بلوک‌های تعریف شده شرقی و غربی و پیروزی ایدئولوژی حاکمیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلامی و جریان مستمر آن از دیگر برکات انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

۴ قدرت بازآزادگی انقلاب اسلامی

حجت الاسلام و المسلمین رضایی با تأکید بر تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر مقاومت ملل منطقه علی‌الخصوص مقاومت مردم فلسطین در مقابل رژیم صهیونیستی و ایجاد پروژه اصیل مقاومت در منطقه از فلات ایران تا مدیترانه، به قدرت بازآزادگی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: اگر امروز در کشور موفقیت‌های خیره‌کننده‌ای در عرصه علوم و



بیداری اسلامی

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی با بیان این که مبلغین برای موفقیت در تبلیغ دین، تلاش کرده‌اند چکیده دین یعنی توحید و ولایت را آن گونه که مدنظر اهل بیت (ع) است، معرفی کنند، اظهار داشت: در جمهوری اسلامی ایران مسئولین نظام، حوزه‌های علمیه و مبلغان دینی تمام همت خود را به کار برده‌اند تا آن چیزی که اسلام از آن‌ها خواسته را منتشر کنند، اگر این تلاش‌ها به ثمر برسد تمام جهان به سمت صلح و آرامش حرکت می‌کند چرا که پایه و اساس دین اسلام، صلح و آرامش و تحمل عقیده‌های مختلف است.

حجت السلام والمسلمین رضایی ادامه داد: اگر در قسمتی از دین ما اشاره شده که در مقابل کفار محکم بایستیم، برای موارد خاص است به دلیل این که صلح و آرامشی که مدنظر اسلام است بر هم نخورد. تمام ادیان انسان‌ها را به صلح و آرامش دعوت کرده است و دین اسلام هم یک دین صلح‌آور است.

وی با بیان این که هرگاه دشمنان اسلام نمی‌توانند منطق دینی را بپذیرند با خشونت وارد عمل می‌شوند، تأکید کرد: مبلغان ما در مقابل این گونه‌ها همه‌ها ایستاده‌اند چون تنها راه این است که اسلام اصیل را معرفی کنند و اسلام اصیلی که در سخن امام سجاد (ع) آمده و دارای نکات مهمی است و آن، این نکته است که سخن حق، داوری عادلانه و وفای به عهد را نباید فراموش کنیم.

ایشان عنوان کرد: اگر این سه ویژگی که امام سجاد (ع) فرموده‌اند همیشه در دستور کار مبلغان دینی قرار گیرد خشونت‌های دینی کمتر شده و دیگر شاهد این گونه اتفاقات نیستیم.

حجت السلام و المسلمین رضایی با اشاره به بخش پیراستن دین اسلام، گفت: خدای تعالی در قرآن کریم خطاب به رسولش می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آن‌ها (مردم) نرم (و مهربان شدی)» (آل عمران/ ۱۵۹). واژه «لین» به معنای نرمی است و نگاهی به تاریخ روشن می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله با تمام مشکلاتی که از سوی مشرکان، منافقان مسلمان نماز داخل و خارج بر ایشان تحمیل می‌شد و این آزارها و مشکلات به حدی بود که حضرت می‌فرمودند: «ما أودى نبي مثل ما أوديت؛ هیچ پیامبری مانند من آزار و اذیت ندید» دستور به مهربانی داشت.

وی ادامه داد: پیراستن دین اسلام در واقع فعالیت برای پیراستن ساخت مقدس حضرت ختمی مرتبت و دین مبین اسلام از دروغ‌پردازی‌هایی است که دشمنان اسلام بر آن حضرت و دین پاک اسلام بسته‌اند. در این موضوع هیچ تردیدی نیست، چرا که در روزگاران حضرت چنین اقدامی صورت می‌گرفته است و مؤید این امر سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «كثر علی الکذابه؛ کسانی که بر من دروغ می‌بندند بسیار شده‌اند».

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی بیان داشت: این وضعیت به زمان



مسئول دفتر

نمایندگی ولی فقیه

در جمعیت

هلال احمر استان

خراسان شمالی؛

دگرگونی معادلات

بین المللی و ایجاد

بلوک جدیدی به

نام گفتمان دینی

اسلامی در بین

بلوک‌های تعریف

شده شرقی و غربی

و پیروزی ایدئولوژی

حاکمیت سیاسی،

اجتماعی و

اقتصادی اسلامی

و جریان مستمر

آن از دیگر برکات

انقلاب اسلامی به

شمار می‌رود

آن حضرت محدود نبوده و تا به امروز نیز ادامه داشته و دارد. پیرایه‌هایی که تا به امروز به نام اسلام بر اسلام و رسول مکرّم اسلام می‌بندند پردامنه و گسترده است. با نگاهی به تاریخ در می‌یابیم که ده‌ها هزار از این گونه موارد به ناحق به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده و ثبت شده است در حالی که حقیقت جز این است و حتی یک مورد در تاریخ صحیح نگاشته شده نمی‌توان یافت که رسول رحمت به کسی اهانت کرده باشد و با وجود هزاران مشکل داخلی و خارجی، یک نفر از ترس آن حضرت شب را با نگرانی سپری کرده یا نخفته باشد.

تعاون در جامعه اسلامی

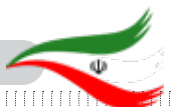
حجت السلام و المسلمین رضایی با اشاره به آیات شریفه سوره مائده که نشان می‌دهد در خصوص تعاون در اسلام تأکید بسیار شده است، عنوان کرد: مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران با تشکیل جهاد سازندگی، کمیته امداد و ... جهت همکاری بین مردم تلاش برای تعاون در اسلام داشته‌اند.

وی با اشاره به ابعاد مختلف تعاون گفت: در بُعد اجتماعی و سیاسی حج و نماز، جهاد، امر به معروف و توبی، در بُعد اقتصادی احکامی نظیر خمس و زکوة و مالیات و انفاق مستحبی و ... حتی در بعد اخلاقی رعایت حقوق والدین و همسایگان و ارحام و مسلمین زیاد مشاهده می‌شود.

ایشان ادامه داد: فعالیت جمعی چنان اهمیتی دارد که پیامبر رحمت از جماعت به رحمت یاد می‌کند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ؛ جماعت، مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.» از نظر قرآن کریم، دگرگونی‌های اساسی و فراگیر در ساخت کار جمعی اتفاق می‌افتد؛ چنان که در آیات متعدد، از جمله آیه ۱۱۵ سوره مائده: «... عَلَيكُمْ اِئْتِسَامُكُمْ» با خطاب جمعی است، یا آیه ۱۱ سوره رعد: «يَعْتَبِرُوا مَا يَأْتِيهِمْ» که هرگونه تغییر را با ضمیر «هم» یعنی تحولات جمعی نسبت می‌دهد.

قرآن پیشرفته‌ترین قانون اساسی

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی در ادامه گفتگو با مجله مهر و ماه اظهار داشت: شناساندن ابعاد مختلف قرآن به عنوان پیشرفته‌ترین قانون اساسی و همچنین نظرات الهی در مورد نحوه حکومت داری و خدمت‌رسانی به مردم از مهم‌ترین کارهای جمهوری اسلامی ایران است. امام خمینی (ره) با آوردن قرآن از قبرستان‌ها به درون خانه‌ها و تشکیل دوره‌های برگزاری قرآن بین خانواده‌ها اسلام و قرآن را زنده کرد. زیرا قرآن پیشرفته‌ترین قانون اساسی برای سازماندهی زندگی مسلمانان و همه جهانیان است. حجت السلام و المسلمین رضایی ادامه داد: زمانی که نسبت به پای بندی به قوانین و احکام قرآن آگاهی نداشته باشیم، به نتایج مثبت، ملموس و واقعی آن دست پیدا نمی‌کنیم. □



مسئول نمایندگی ولی فقیه

در جمعیت هلال احمر استان فارس عنوان کرد:

افزایش نورانیت فعالیت‌های بشر دوستانه



حجت‌الاسلام والمسلمین جواد قاسمی، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس، مسئولیت منابع طبیعی و معاون پژوهش حوزه علمیه استان فارس، مدرس سطح عالی حوزه و دانشگاه علوم پزشکی شیراز و پژوهشگر نمونه استان فارس است.

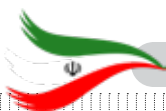
ایشان در یادداشتی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی برای مجله مهر و ماه نوشته است: انقلاب اسلامی ایران به رهبری مجاهد فرزانه، رهبر فقید انقلاب بر اساس روشنگری‌های او و مطالبه عمومی مردم بر استقبال و آزادی و اجرای قوانین اسلامی در میهن اسلامی شکل گرفت و با فداکاری و از خودگذشتگی شهیدان به ثمر نشست و سریعاً نسبت به صدور آرمان‌های انقلاب اقدام شد که در این ارتباط نقش ایران اسلامی به تعبیر امام جمعه فقیه شیراز حضرت آیت‌الله... حائری شیرازی، انقلاب اسلامی نقش مؤذن را در جهان پیدا کرده است، بر این معنا که ندای اسلام‌گرایی و مقاومت در مقابل زیاده‌خواهی مستکبران را رسداده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس در ادامه این یادداشت بیان داشت: و طبیعتاً یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، پرچم‌داری بیداری اسلامی و مقاومت در مقابل زورگویی دولت‌های مستکبر است و رفته رفته تمام نهاد‌های انقلاب اسلامی در خارج از کشور با همین عنوان شناخته می‌شوند که از جمله آن‌ها، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی است که علم‌دار بیداری اسلامی و فرهنگ اصیل تشیع است.

حجت‌الاسلام والمسلمین جواد قاسمی همچنین عنوان کرده است که یکی از نکات قابل توجه در فعالیت‌های جمعیت هلال احمر، حضور نماینده ولی فقیه در متن کار است که باعث تقویت قوه ولایت‌مداری آن و نظارت شرعی نماینده ولی فقیه باعث انطباق فعالیت‌های جمعیت بر احکام اسلام شده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس با اشاره به سایر دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه و دفاتر آن در استان‌های دیگر، نوشته است: همچنین یکی از دستاوردهای مهم حضور نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، برنامه‌ریزی و هدفمندسازی و اجرای برنامه‌های علمی، فرهنگی و مذهبی است که در کنار فعالیت‌های بشر دوستانه فضای کار را به عطر فرهنگ اسلامی معطر کرده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین جواد قاسمی با تأکید بر محتوای برنامه‌هایی که از سوی دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر انجام می‌شود، در این یادداشت بیان داشت: انجام برنامه‌های محتوایی و دارای چشم‌انداز همچون برنامه‌ریزی برای حضور مستمر طلاب حوزه‌های علوم دینی در فعالیت‌های فرهنگی و حتی امداد و نجات جمعیت هلال احمر، در آینده نزدیک باعث افزایش نورانیت فعالیت‌های بشر دوستانه جمعیت هلال احمر خواهد شد که امید است با عنایت مولا و سرورمان حضرت ولی عصر (عج) روز به روز شاهد تعالی هر چه بیشتر جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران باشیم. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی:

ایمان

رمز توفیق ایران است



حجت الاسلام و المسلمین اسدالله اسدی، معاون فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، امام جمعه موقت شهرستانهای قوچان، ناروج و شاندیزو مدرس دانشگاه در حال حاضر مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی را برعهده دارد. وی در گفتگو با مجله مهر و ماه با اشاره به چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران اظهار داشت: در ۴۰ سال گذشته حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر دستاوردهای متعددی داشته است اگرچه بنده کمتر از ۷ سال است در هلال احمر حضور دارم. ■

حجت الاسلام و المسلمین اسدالله اسدی ادامه داد: با این حال با مطالعه‌ای که در خصوص تاریخ هلال احمر بعد از انقلاب اسلامی داشته‌ام، متوجه شده‌ام که بعد از انقلاب، بخشی از فعالیت‌های حوزه نمایندگی ولی فقیه در مرکز و استان‌ها مربوط به دوران دفاع مقدس است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی تأکید کرد: نقش دفاتر نمایندگی ولی فقیه در دوران دفاع مقدس همان پرچم‌داری و تشویق امور امداد و نجات بوده است اما بعد از دفاع مقدس در راستای مأموریت‌های فرهنگی و گسترش معارف مباحث دیگری در دفاتر نمایندگی ولی فقیه دنبال شد.

وی ادامه داد: مباحث که منتج به ارتقا دانش همکاران و اعضا در راستای اهداف بشردوستانه، خدمات فرهنگی و امداد و نجات شد و این اقدامات مؤثر بوده است.

ارتقاء دانش دینی همکاران

حجت الاسلام و المسلمین اسدی به اقداماتی که بعد از دوران هشت سال دفاع مقدس اشاره کرد و گفت: در قالب شوراهای فرهنگی، اقامه نماز و امر معروف و نهی از منکر پاسداری و پاسداشت ارزش‌های دفاع مقدس، ارزش‌های دینی و مسائل فرهنگی اقداماتی انجام شد و امروزه با الگوبرداری از رهنمودهای حجت الاسلام و المسلمین معزی در جهت تعاملات بیشتر با مدیران عامل و معاونین اهدافی از قبیل تسهیل‌گری در تعاملات فرهنگی بین دفتر و مدیران، ارتقا دانش دینی و ایجاد حس ارزشی برای همکاران، نظارت بر انطباق فعالیت‌های مختلف با موازین شرعی و همچنین فعالیت‌های علمی، پژوهشی گام‌هایی برداشته شده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی اظهار داشت: اخیراً بحث کانون‌های طلاب در حوزه نمایندگی ولی فقیه و دفاتر نمایندگی استان‌ها مطرح شده است که همه این اتفاقات از برکات فعالیت‌های فرهنگی دهه اخیر در جمعیت هلال احمر است.

وی با بیان اینکه دفاتر نمایندگی ولی فقیه جایگاه اجرایی ندارند، توضیح داد: دفاتر نمایندگی ولی فقیه به خودی خود جایگاه اجرایی ندارد بلکه ما با هدایت، نظارت و امور فرهنگی مطابق با نیاز جامعه مخاطب، جوانان امدادگران و داوطلبان کار تسهیلگری و ارتباطی را برعهده داریم که به لطف خدا این فعالیت‌ها با استراتژی حضور مسئولین دفاتر در تمام صحنه‌های آموزشی-پژوهشی، اردویی و جلسات مختلف در سطوح بالا مانند هیأت مدیره‌های استان و در شوراهای مختلف اداری و شورای معاونین و سایر کمیسیون‌های مختلف انجام می‌شود.

ایشان با اشاره به نظارت بر موقوفات گفت: دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان‌های مختلف، در بحث موقوفات در حقیقت تعامل بسیار دقیقی را می‌توانند ایجاد کنند.

حجت الاسلام و المسلمین اسدی با بیان اینکه دفاتر نمایندگی اقدامات متعددی انجام می‌دهند، اظهار داشت:





مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی با تأکید بر اینکه ماهیت انقلاب اسلامی، ماهیت اعتقادی و فرهنگی است، به دستاوردهای دینی و معنوی انقلاب اشاره کرد و اظهار داشت: تمام انگیزه‌هایی حضرت امام (ره) در پیروزی انقلاب به وجود آوردند متکی بر ایمان، اعتقاد و برگرفته از قرآن و سیره پیامبر و ائمه اطهار بود. وی تأکید کرد: در طول دفاع مقدس و سایر ادوار حضرت امام و رهبری معظم بر اصول معنوی مصمم و پافشاری داشتند و با اتکا به ایمان و اعتقادات الهی بود که جمهوری اسلامی توانست از تمام سختی‌ها و هجمه‌های نظامی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فتنه‌های داخلی و خارجی عبور کند.

ایشان با بیان اینکه اگر ایمان و اعتقادات الهی و تفکر سعادت طلبی نبود قطعاً جمهوری اسلامی بر مشکلات فراوانی که دشمن به وجود آورد نمی‌توانست فائق شود، اظهار داشت: آنچه که باعث توفیق مردم ما در همه مشکلات شد همان عقیده الهی و اعتقاد به ایمان است؛ ایمان مردم بود که آن حضور یک پارچه را در صحنه‌های مختلف به وجود آورده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی افزود: این نگاه برای خارج هم یک نماد و الگو است. نامه‌ای که رهبری معظم سال‌های گذشته به جوانان اروپایی نوشتند استناد مقبولیت این نوع نگرش مردم ایران به حفظ انقلاب خودشان است. به جوانان اروپایی و دانشجویان توصیه شد که روی عنصر معنویت که مهم‌ترین عنصر استقلال از دیدگاه استکبار است، توجه کنند. بدون شک این عنصر معنویت از فرازهای انقلاب اسلامی است که به جوان جویای حقیقت یادآور شدند. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی: اگر ایمان و اعتقادات الهی و تفکر سعادت طلبی نبود قطعاً جمهوری اسلامی بر مشکلات فراوانی که دشمن به وجود آورد نمی‌توانست فائق شود. آنچه که باعث توفیق مردم ما در همه مشکلات شد عقیده الهی و اعتقاد به ایمان است؛ ایمان مردم بود که آن حضور یک پارچه را در صحنه‌های مختلف به وجود آورده است

بسیاری از موارد به خصوص در بحث ارتقا جایگاه داوطلبی، فرهنگ داوطلبی و استفاده از ظرفیت شخصیت‌های مؤثر علمی و حوزوی، مساجد، ائمه جماعات و جمعه پرورده‌های فراوانی است و اگر هر یک از این اقدامات را به طور دقیق بررسی کنیم ده‌ها و صدها کار زیر مجموعه را می‌توانیم که می‌توان از آن‌ها به عنوان برخی فعالیت‌های دفتر نمایندگی در ۴ ساله بعد از انقلاب نام برد.

۴ نقش آفرینی در تصمیمات کلان جهانی

حجت الاسلام والمسلمین اسدی در خصوص دستاوردهای ملی و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران گفت: سیاست انقلاب بر اساس دیدگاه حضرت امام، سیاست نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی در حوزه امور خارجه بوده است. امروزه ما شاهد هستیم که به برکت تشکیل حکومت اسلامی جایگاه بسیار مهم و بزرگی در جامعه جهانی به سمت و سوی ایران معطوف شده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی ادامه داد: امروز هیچ کشوری از کشورهای جهان نمی‌تواند نقش ایران را در تصمیمات کلان جهان و به ویژه در خاورمیانه بی‌اثر یا کم‌رنگ بداند. بدون شک نقش ایران اسلامی بعد از انقلاب به عنوان قدرت بسیار بالا در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور به خصوص در خاورمیانه و در تصمیم‌گیری معادلات سیاسی بسیار مهم بوده است.

وی با بیان اینکه هرچه از انقلاب اسلامی می‌گذرد نقش ایران در منطقه اثربخش‌تر می‌شود، تأکید کرد: حضور مشاوره‌ای ایران در مسائل نظامی در مناطقی که آمریکا تجاوزاتی دارد، پررنگ و مشهود است. در سال‌های اخیر شاهد بودیم که به لطف خدا ایران اسلامی در همه موارد به عنوان مشاور کشورهای همسایه و خاورمیانه فعال بوده و منتج به شکست آمریکا در منطقه، سوریه، عراق، یمن و کشورهای دیگر شده است.

۴ مردم‌سالاری دینی

ایشان با اشاره به دستاوردهای بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران، بیان داشت: حضرت امام (ره) مدل جدیدی از حکومت را که هم دارای محبوبیت مردمی و هم دارای مشروعیت الهی است ایجاد کردند. مدل جدیدی که حضرت امام از اسلام تدوین کرده‌اند امروز در مراکز علمی و دانشگاه‌ها مورد مطالعه است که نه نواقص حکومت‌های دموکراسی غربی را و نه نواقص حکومت‌های سلطنتی مشرق زمین را دارد.

حجت الاسلام والمسلمین اسدی ادامه داد: از این رو شاهد هستیم دانشمندان مختلفی روی این مدل از حکومت که هم در حقیقت مشروعیت الهی و اجرای احکام و قوانین خداوند را دارد و هم مورد پذیرش و دموکراسی مردمی است مورد مطالعه قرار داده‌اند. این مدل حکومت که به عنوان قدرتی که مقبولیت همه جانبه دارد در جوامع علمی و دانشگاهی جهان مورد توجه قرار دارد فلذا نقش جمهوری اسلامی در چهل سال نقش بلوغ سیاسی در تعاملات بین‌المللی است.

جانشین مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان اصفهان:

تنها کشوری هستیم که هلال احمرش رویکرد فرهنگی و دینی دارد

جانشین مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان با اشاره به حضور حجت الاسلام والمسلمین معزی در حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، اظهار داشت: با ورود ایشان به دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، رویکرد حوزه نمایندگی سازمانی تر شد، مأموریت‌هایی تدوین شد و نظام نامه دفتر نمایندگی تنظیم و ابلاغ شد که این فضای جدیدی است.

وی ادامه داد: در این فضای جدید دفتر نمایندگی هلال احمر دو وظیفه عمده نظارتی و هدایتی دارند، که اکنون هر دو عرصه نظم بهتری پیدا کرده است. وظایف نظارتی مانظارت بر صلح‌ها و اموال موقوفه جمعیت است، بحث تطبیق با قانون اساسی و قانون شرع از دیگر وظایف دفتر نمایندگی هلال احمر است که اکنون انجام می‌شود.

حجت الاسلام والمسلمین احمد فعال با اشاره به وظیفه هدایتی دفتر نمایندگی هلال احمر در استان‌های مختلف، بیان داشت: بحث هدایتی نیز بین دوستان جمعیت به خصوص جوانان جمعیت هلال احمر صورت می‌گیرد. ارتباط مسئولین دفتر با جوانان، برگزاری برنامه برای داوطلبان امداد و نجات از برکاتی است که در دوران انقلاب در هلال احمر در دفتر نمایندگی ایجاد شده است.

ایشان به اقدامات برجسته حوزه نمایندگی اشاره کرد و اظهار داشت: نظارت بر اجرای قانون شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی به طور دقیق در تمام فعالیت‌های هلال احمر انجام می‌گیرد. همچنین تلاش می‌شود رویکرد دینی و فرهنگی در فعالیت‌های هلال احمر لحاظ شود که این شاخصه هلال احمر جمهوری اسلامی است.

وی تأکید کرد: در بین تمام هلال احمرها و صلیب سرخ‌ها، تنها کشوری هستیم که هلال احمر ما رویکرد فرهنگی، اعتقادی و دینی دارد که این امر به برکت دفتر ولی فقیه در جمعیت هلال احمر صورت می‌گیرد.

ارتباط صمیمی با جوانان

حجت الاسلام والمسلمین فعال با بیان اینکه حضور در بین جوانان و ارتباط صمیمی بین روحانیون و جوانان در سطح هلال احمر از دیگر اقدامات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر است، عنوان کرد: علاوه بر کارکنان بخش‌های مختلف جمعیت هلال احمر، دیگر شهروندان با افکار و اندیشه‌های متفاوت از مخاطبان دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان‌ها هستند. طرفداران گروه‌های مختلف فکری در کشور مخاطب حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر هستند که این گروه‌ها با دفتر نمایندگی ارتباطی هستند. در واقع نمایندگی ولی فقیه سعی می‌کند با همه اقشار حاضر در هلال احمر و مرتبطین با هلال احمر ارتباط برقرار کند.

وی تأکید کرد: از دیگر دستاوردهای دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان‌های مختلف هدایت و تشویق داوطلبانی است که می‌خواهند کمک‌هایی را در سطح کشور در راستای فعالیت‌های هلال احمر انجام دهند.

حجت الاسلام و المسلمین احمد فعال، جانشین مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان در گفتگو با مجله مهر و ماه با اشاره به چهلمین جشن پیروزی انقلاب اسلامی، به دستاوردهای فعالیت حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر پرداخت و گفت: بحث تأسیس نمایندگی‌های ولی فقیه برنامه مرحوم آیت‌الله غبوری بوده است. منش ایشان قبل از انقلاب و در دوران طلبگی و حوزه کمک به مردم بود و نظرشان درباره روحانیت حضور در بین مردم و مناطق محروم بود. طبیعتاً با آمدنشان به هلال احمر با همین رویکرد نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر را با همراهی تعدادی از روحانیون شهرها تأسیس و هماهنگ کردند و دفتر نمایندگی با همان رویکرد آغاز به کار کرد. ■





۴ تحول در نگاه به انسان

جانشین مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان با بیان اینکه دستاورد انقلاب اسلامی در بعد ملی، متعدد است، گفت: باید دستاوردهای انقلاب اسلامی را تقسیم بندی کرد، اگر در حوزه علوم انسانی به دستاوردها نگاه کنیم، می توان به مواردی چون ایجاد تحول در نگاه به انسان، ارتباط انسان با خدا و حاکمیت الهی در دنیا اشاره کرد. این موارد نکات جدیدی است که بعد از انقلاب و به برکت امام رحمت الله علیه در جامعه ایجاد شده است.

حجت الاسلام فعال با اشاره به شخصیت علمی رهبر کبیر انقلاب گفت: شخصیت علمی ایشان در کنار شخصیت حوزوی، سیاسی، اجتماعی و فلسفی که بسیار توانمند و دارای ابعاد مختلف بود تأثیر بسزایی در فضای اجتماعی بعد از انقلاب گذاشت.

وی ادامه داد: بعد از حضرت آیت الله خمینی (ره) حضور مقام معظم رهبری با همین شاخصه های علمی و معرفتی، باعث شد نگاه به دین، انسان، رابطه انسان با خدا و حاکمیت الهی بر زمین تغییر کند. از این رو چنین تغییراتی در عرصه علوم انسانی را باید مهمترین اتفاق در عرصه علمی دانست، چرا که این تحول خواسته رهبر انقلاب بوده است.

۴ اقتدار نظام

جانشین مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان به دستاوردهای پیروزی انقلاب اسلامی در عرصه های سیاسی اشاره کرد و گفت: اقتدار نظام، اقتداری را که برای مردم ایران است باید دستاورد این حوزه قلمداد کرد.

ایشان بیان داشت: ممکن است برخی ها بگویند در دوران قبل از انقلاب شاید چنین اقتداری وجود داشته است، اما آن اقتدار ایران نبود بلکه اقتدار ژاندارم منطقه ای بود که آمریکا آن را قرار داده بود و ما دست نشانده آمریکا بوده ایم، آن اقتدار، اقتدار پوشالی آمریکا بود که دیگران از ما حساب می بردند، امروز اقتدار ایران برای مال مردم ایران است، این



ظلم ستیزی

موجود در صحنه

بین المللی در

نظام جمهوری

اسلامی ایران پا

گرفته و رشد کرده

است، اینکه مردم

بخواهند خودشان

تصمیم گیرنده

باشند و در

عرصه های سیاسی

حضور داشته

باشند، اینکه

بخواهند آن هیمنه

پوشالی آمریکا را

از بین ببرند، آن

هژمونی آمریکا را

بشکنند، از انقلاب

اسلامی ایران

سرچشمه گرفته

است

اقتدار نه تنها در منطقه وجود دارد بلکه اقتدار جهانی است، در عرصه های سیاسی این دستاورد مهم است. وی تأکید کرد: حضور مردم در تصمیم گیری های سیاسی در سطح کلان جامعه از دیگر دستاوردهای سیاسی انقلاب محسوب می شود.

جانشین دفتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان به دستاوردهای اجتماعی انقلاب اسلامی ایران پرداخت و گفت: در بحث اجتماعی مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی انسجام اجتماعی است، از سوی دیگر زن جایگاه حقیقی خود را به دست آورد و خانواده دارای اهمیت ویژه شد. در عرصه های صنعتی و پزشکی شاهد پیشرفت های چشمگیری هستیم که از برکات انقلاب اسلامی است. حجت الاسلام والمسلمین فعال با اشاره به دستاوردهای بین المللی انقلاب اسلامی ایران، اظهار داشت: یکی از دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی این است که مبانی انقلاب ما در سراسر دنیا مطرح می شود. وی ادامه داد: در قاره آمریکا علاقمندانی به نظام جمهوری اسلامی حضور دارند که همین مبانی را در نظر گرفتند چرا که ظلم ستیزی در قاره آمریکا مشهود است. تعدادی از مردم آمریکا جنبشی علیه نظام سرمایه داری به راه انداخته اند، اینکه موفق می شوند یا نمی شوند، بحث دیگری است اما همین که به ذهنشان می رسد اقتدار قشری از مردم بر همه مردم چیز غلطی است برگرفته از انقلاب اسلامی است.

جانشین مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان در پایان اظهار داشت: این ظلم ستیزی در نظام جمهوری اسلامی ایران پا گرفته و به هر حال رشد کرده است، اینکه مردم بخواهند خودشان تصمیم گیرنده باشند و در عرصه های سیاسی حضور داشته باشند، آنکه بخواهند آن هیمنه پوشالی آمریکا را از بین ببرند، آن هژمونی آمریکا را بشکنند، از انقلاب اسلامی ایران سرچشمه گرفته است؛ این اقتداری که وجود دارد و الگوگیری که از نظام جمهوری اسلامی ایران می شود مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی در عرصه بین المللی است. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی:

شکل‌گیری هویت ملی دست‌آورد انقلاب اسلامی ایران است



حجت الاسلام والمسلمین عبدالحمید واعظی علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه حدود ۱۰ سال مدیریت حوزه علمیه شاهرود و امامت جمعه هشتگرد آذربایجان و مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل را برعهده داشته است که البته اخیراً ایشان مسئولیت حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان آذربایجان شرقی را برعهده گرفته است. ■

حجت الاسلام والمسلمین عبدالحمید واعظی در آستانه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه تقویت هویت ملی از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است، گفت: اعتماد به نفس و هویت ملی از دستاوردهای مهم محسوب می‌شود. پیش از انقلاب ما پیشرفتی در صنایع نداشتیم اما با روحیه مای توانیم، به بزرگترین دستاوردها رسیدیم.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی ادامه داد: امروز با نیروهای مردمی و ملی و عزم دانشمندان کشور روحیه اعتماد به نفس در جامعه تقویت شده و به هر آنچه خواسته‌ایم دست یافته‌ایم، آمریکایی‌ها می‌گفتند بعد از انقلاب ذوب آهن ایران ناتوان می‌شود اما شاهد هستیم نه تنها در ذوب آهن توانمندی خود را نشان داده‌ایم که در انرژی هسته‌ای جز کشورهای برتر جهان شناخته می‌شویم.

وی تأکید کرد: روحیه مای توانیم باعث افزایش اعتماد به نفس ملی شد که امروز کشورهای همسایه و منطقه بدون نظر ایران گامی بر نمی‌دارند.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی در ادامه به تأثیرات انقلاب اسلامی در ابعاد بین‌المللی پرداخت و گفت: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، استالین، روزولت و چرچیل بدون اطلاع شاه وارد خاک ایران شدند و در کشور ما کنفرانس برگزار کردند این در حالی بود که شاه از حضور آن‌ها بی‌اطلاع بود و جرات نداشت جلوی حضور آن‌ها را بگیرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی با اشاره به تغییر وضعیت بیان داشت: بعد از انقلاب اسلامی ایران به سطحی در منطقه رسیده است که در منطقه هیچ اتفاقی بدون اطلاع و بدون نقش ایران واقع نمی‌شود و اگر ایران را کنار بگذارند تمام معادلات منطقه‌ای بهم می‌ریزد.

وی تأکید کرد: در سیستم بین‌المللی ما به جایی رسیده‌ایم که آن‌ها یک طرف ایستادند، ما طرف دیگر و با ایران سر مهم‌ترین موضوع روز جهان یعنی انرژی هسته‌ای مذاکره کردند و در پایان این مذاکرات ایران پیروز شد. برجام ثابت کرد که در صحنه بین‌المللی در معادلات جهانی و منطقه‌ای بدون حضور و اطلاع ایران هیچ امری شکل نمی‌گیرد.

□ روحیه شهادت طلبی

حجت الاسلام والمسلمین واعظی در ادامه گفتگو با تأکید بر اینکه بعد از انقلاب اسلامی هویت دینی و ملی ما ایرانی‌ها یکی شده است، بیان داشت: نمی‌توانیم هویت ملی و دینی را از هم جدا کنیم. به عبارتی دست‌آورد انقلاب اسلامی ایران شکل‌گیری هویت ملی است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی ادامه داد: ملت ما در تمام ادوار روحیه فداکاری را داشته و دارد اما از آن جایی که در دوران پیش از انقلاب اعتماد به نفس را از دست داده بودیم، می‌توان دست‌آورد دینی و معنوی انقلاب را تقویت روحیه فداکاری، شهادت طلبی و انسجام دینی دانست.

وی به مصادیق دستاوردهای دینی ورود کرد و گفت: افزایش





حادثه دیدگان می‌رسد.

مسئول سابق دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل ادامه داد: از سوی دیگر مسجدهای روستاهای حوزه دفاتر نمایندگی ولی فقیه در استان‌های مختلف اتفاق مبارکی است. در اردبیل مساجد روستاهای گلستان، یاغشی سفلی و قره تپه در طول سال‌های ۷۵ و ۷۶ توسط این دفتر بازسازی شده است. با ساخت مساجد دفتر نمایندگی توانسته با برگزاری برنامه‌های فرهنگی و دینی، در میان داوطلبان جمعیت هلال احمر فرهنگ‌سازی‌های شایسته داشته باشد.

وی با تأکید بر افزایش حضور روحانیون در بین مردم به واسطه دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان‌های مختلف، بیان داشت: حضور روحانیون و پیشنمازان در ادارات و شهرستان‌های مختلف اثرگذار بوده و روحیه معنوی را تقویت کرده است. در دوران جنگ نیز حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در کل کشور اعزام نیرو داشته و شهدای زیادی تقدیم خاک این مرز و بوم کرده است. حجت الاسلام و المسلمین واعظی تأکید کرد: یکی از دستاوردهای مهم این حوزه در کل کشور، نزدیک شدن نیروهای علمی با روحانیت بوده است، حضور روحانیون در میان نهادی که نیمه دولتی و ملی است، نزدیکی و انسجام و روحیه اخوت را در کل کشور بین کارکنان و بین مردم ایجاد کرده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان با اشاره به مهم‌ترین دستاورد حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان‌ها، اظهار داشت: از آنجایی که روحانیون مورد اعتماد مردم ایران زمین هستند، انجمن‌های مردم نهاد به واسطه روحانیون به دفتر هلال احمر متصل می‌شوند، بنابراین حضور خیرین، از طرف مسئولین دفاتر ولی فقیه اتفاق می‌افتد تا کمک‌های آن‌ها به مردم حادثه دیده در بلایای طبیعی برسد. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی: ملت ما در تمام ادوار روحیه فداکاری را داشته و دارد اما از آنجایی که در دوران پیش از انقلاب اعتماد به نفس را از دست داده بودیم، می‌توان دستاورد دینی و معنوی انقلاب را تقویت روحیه فداکاری، شهادت طلبی و انسجام دینی دانست

تعداد حافظان قرآن و حضور بانوان در عرصه‌های دینی از جمله این مصادیق است. حتی می‌توان گفت از روحیه دینی زنان ورزشکار احساس افتخار می‌کنیم که با حجاب کامل در رقابت‌ها حاضر می‌شوند. ورزشکاران ما، اسرائیلی‌ها را به حساب نمی‌آورند و با آن‌ها مقابله نمی‌کنند. ما با شجاعت در صحنه‌های مختلف حاضر می‌شویم و به این می‌بالیم.

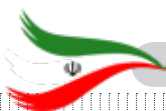
□ اعتماد مردمی

حجت الاسلام و المسلمین واعظی در بخشی دیگر به عملکرد حوزه نمایندگی ولی فقیه پرداخت و اظهار داشت: این حوزه در عنوان کلی و در کل کشور سیستم نظارتی را ایجاد کرده است، بنابراین به خاطر اینکه حضور نامقدس ولی فقیه روی کار آمده، ناظر بر امور شده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی تأکید کرد: این سیستم تقریباً مردمی و مردم نهاد است. بنا بر این عمده مردم در دهستان هلال احمر را جایی قابل اعتماد می‌دانند. آن‌ها متوجه شده‌اند دفاتری وجود دارد که بر اساس اعتماد مردم شکل گرفته و رانتهی در این دفاتر نیست، لذا کمک‌های مردم و بین‌المللی از همین دفاتر نشأت می‌گیرد.

وی با اشاره به شکل‌گیری اعتماد مردم به دفاتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان‌ها، عنوان کرد: نظارت حوزه نمایندگی به مسائل مالی و اداری، این ذهنیت را در مردم و کارکنان جمعیت هلال احمر ایجاد کرده است که این دفاتر قابل اعتماد هستند، البته این حس آرامش و اعتماد از برکت نامقدس ولایت فقیه نشأت گرفته است.

حجت الاسلام و المسلمین واعظی در خصوص عملکرد برجسته و اثرگذار حوزه نمایندگی ولی فقیه در ادوار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گفت: همین نظارت در ابعاد مختلف فعالیت‌های جمعیت هلال احمر از جمله اقدامات برجسته است، این نظارت بر تمام اتفاقات از جمله سیل و زلزله است، تمام کمک‌های مردم با نظارت و دقت به دست



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان قزوین:

انتقال ارزش‌های دینی از دستاوردهای انقلاب است



حجت الاسلام و المسلمین ابوالفضل مفیدی کیا مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قزوین را برعهده دارد. وی معاونت فرهنگی صنایع شفیق زاده وزارت دفاع، معاونت تهذیب حوزه علمیه و مشاور دانش‌آموزی استان را نیز در کارنامه خود دارد. ■

انجام می‌شود تعامل با کارمندان سایر بخش‌های هلال احمر است، در واقع در این تعامل به امدادگران و جوانان مشاوره داده و در صورت لزوم سوالات و شبهات مذهبی‌شان مطرح و پاسخ داده می‌شود.

حجت الاسلام و المسلمین مفیدی کیا با اشاره به دستاوردهای مهم حوزه نمایندگی ولی فقیه گفت: مشورت گرفتن از روحانیون برکت حضور دفاتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان‌ها است. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قزوین با بیان اینکه از دستاوردهای مهم حوزه نمایندگی فعالیت در حوزه مسائل فرهنگی است، توضیح داد: توسعه مباحث قرآنی، مباحث تاریخی اهل بیت، مشاوره به خانواده کارکنان جمعیت هلال احمر و امدادگران و نظارت سرو سامان دادن به موقوفات از کارهای دفاتر است.

وی با اشاره به میزان موقوفات و اهمیت نظارت بر توزیع آن‌ها، بیان داشت: هدیه‌های مردمی زیادی به دست جمعیت هلال احمر می‌رسد. دفاتر نمایندگی ولی فقیه مسئولیت نظارت بر توزیع آن‌ها را برعهده دارند، ما بررسی می‌کنیم تا هدایا به دست افراد مورد نیاز برسد.

حجت الاسلام و المسلمین مفیدی کیا افزود: به طور مثال در زلزله کرمانشاه هدایا و کمک‌های مردمی زیادی به دست ما رسید که به کرمانشاه ارسال شد، برای باقی اجناس از دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر مجوز گرفته‌ایم که هدایا را به کالاهای احسن مورد نیاز تبدیل کنیم تا به دست مردم کرمانشاه برسد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قزوین با بیان اینکه انقلاب اسلامی ایران در فضای ملی و بین‌المللی اثرگذار بود عنوان کرد: در این سال‌ها شاهد پیشرفت‌های بسیاری در حوزه علمی بوده‌ایم پیشرفت در صنایع دفاع، تولید و ارسال ماهواره از جمله دستاوردهای علمی انقلاب است.

وی اعتقاد دارد در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی تعامل دولت و مردم تفاوت کرده و ارتباط خوبی بین مردم و مسئولان حاکم است. ایشان با تأکید بر رشد فضای فرهنگی و سینمایی کشور، گفت: در دوران پس از انقلاب فیلم‌های ارزشی و مرتبط با انبیا ساخته شده است که این نشان از رشد فکری مردم در حوزه قرآنی در قالب هنر و سینما است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قزوین با بیان اینکه انقلاب اسلامی بر انتقال ارزش‌های دینی به کشورهای همسایه مؤثر بوده است، اظهار داشت: پیروزی انقلاب اسلامی بر فضای بین‌المللی تأثیرات زیادی برجا گذاشت، در بحران سوریه حضور پیدا کردیم و با حضور مدافعان حرم سوریه از بحران خارج شد.

حجت الاسلام و المسلمین مفیدی کیا با بیان اینکه کشور سوریه بعد از جنگ کشور متفاوت ارزشی شد، گفت: در لبنان حزب الله و در یمن انصارالله شکل گرفت، در عراق بسیج مردمی که ارزشی است حضور دارد، تمام این مسائل دستاورد و نشر مباحث دینی و انقلابی ایران به مردم منطقه است. ■



حجت الاسلام و المسلمین ابوالفضل مفیدی کیا در گفتگو با مجله مهر و ماه با اشاره به چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به تأثیرات و عملکرد حوزه نمایندگی ولی فقیه در سال‌های پس از انقلاب اشاره کرد و گفت: عمده مسئولیت حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر نظارت بر انجام امور و فعالیت فرهنگی است، از این رو برای بررسی دستاوردهای این حوزه در سال‌های پس از انقلاب باید فعالیت‌های فرهنگی و مهم‌تر از آن نحوه نظارت و نتیجه نظارت‌ها را مورد بررسی قرارداد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قزوین بیان داشت: در حوزه فرهنگی شاهد برگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی - مذهبی هستیم، در تمام دفاتر نمایندگی ولی فقیه در استان‌ها برنامه‌هایی چون قرائت قرآن، تفسیر مفاهیم قرآن و حفظ قرآن برگزاری می‌شود، از سوی دیگر شاهد برگزاری مراسم‌های مختلف مذهبی متناسب با اعیاد و ایام مذهبی هستیم. ایشان تأکید کرد: از مهم‌ترین کارهایی که در دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

